



مشارکت زنان

دوره افتخارات پاور لمانه گذشته (۱۳۸۹-۱۳۹۲)

دلو ۱۳۹۲

حسین سرآمد
ملیحه رمضانی
زهره مهرجو روفیان
فاطمه شفایی
زینب حیدری
حوا خدا بخشی
اسما رزما (شیخ زاده)
مریم رضایی
فریحه خرسند
خدیجه کریمی
مهری رضایی
صابره مبین
عاطفه قانع
لیلی علیزاده
شاهین پویا
مرضیه یزدانی



مشارکت زنان

درد و انتخابات پارلمان گذشته (۱۳۸۶ و ۱۳۸۹)

دلو ۱۳۹۲

حسین سرآمد
ملیحه رمضان
زهره مهرجو روفیان
فاطمه شفايي
زينب حيدري
حوا خدابخشي
اسما رزما (شيخ زاده)
مريم رضايي
فريجه خرسند
خديجه كريمي
مهری رضایی
صابره مبین
عاطفه قانع
لیلی علیزاده
شاهین پویا
مرضیه یزدانی

دیده‌بان افغانستان

دیده‌بان افغانستان یک نهاد مستقل غیرحکومتی است که در وزارت اقتصاد جمهوری اسلامی افغانستان ثبت و راجستر شده است. دورنمای این نهاد را رسیدن به یک جامعه دموکراتیک، امن، بردبار و برخوردار از عدالت که تمامی شهروندان بتوانند از فرصت‌های مساویانه بهره‌مند شوند، تشکیل می‌دهد. رسالت این نهاد، انجام فعالیت‌هایی است که باعث تامین صلح، عدالت و فرهنگ همدیگرپذیری و احترام گذاشتن به حقوق بشری در افغانستان می‌شود. تعهد قوی به دموکراسی، عدالت، حقوق بشر، انکشاف متوازن اجتماعی و اقتصادی، بی‌طرفی، استقلال و تخصص، رهنمود فعالیت‌ها و ارزش‌های محوری این سازمان را تشکیل می‌دهد.

برای معلومات بیشتر در مورد دیده‌بان افغانستان و یا بدست آوردن نشریات آن، با آدرس ذیل در تماس شوید:

۴۳ ۳۱ ۲۵۰ ۲۰ - ۷۷ ۵۵ ۲۱ ۷۹۹ (۰) ۹۳+

نمبر تماس:

publication@watchafghanistan.org

ایمیل:

www.watchafghanistan.org

وبسایت:

فهرست

نگاهی کلی به دو انتخابات پارلمانی گذشته.....	۵
بخش اول: مشارکت زنان در انتخابات.....	۱۳
چالش‌های فراروی مشارکت زنان در انتخابات(کابل).....	۱۵
بررسی نقش زنان در پارلمان (هرات).....	۲۵
زنان و قدرت سیاسی(بلخ).....	۳۱
بخش دوم: موانع سنتی در انتخابات.....	۳۷
پس‌زمینه تاریخی و وضعیت فعلی مشارکت سیاسی زنان(کابل).....	۳۹
موانع سنتی و حمایت‌های قانونی(هرات).....	۴۷
سنت‌های بازدارنده مشارکت زنان در انتخابات(بلخ).....	۵۳
بخش سوم: چالش‌های امنیتی فراروی مشارکت زنان در انتخابات.....	۶۱
ناامنی در برابر مشارکت زنان در انتخابات (کابل).....	۶۳
امنیت در برابر مشارکت(هرات).....	۷۱
حضور زنان و مانع امنیتی(بلخ).....	۷۹
بخش چهارم: مدیریت و منابع مالی کمپاین‌های انتخاباتی کاندیدان زن.....	۸۷
منابع و مدیریت مالی کمپاین‌ها(کابل).....	۸۹
کمپاین در نبود امکانات(بلخ).....	۹۹
بخش پنجم: نقش احزاب سیاسی و جامعه مدنی در تأمین مشارکت زنان در انتخابات.....	۱۱۳
نقش احزاب سیاسی و جامعه مدنی در بهبود مشارکت زنان(کابل).....	۱۱۵
سیاست‌های دولت و نقش احزاب سیاسی و جامعه مدنی(هرات).....	۱۲۳
بخش ششم: الگوهای و معیارهای زنان برای رای‌دهی.....	۱۳۱
معیارهای رای‌دهی(هرات).....	۱۳۳
زنان و معیارهای مشارکت(بلخ).....	۱۴۱
ضمیمه‌ها.....	۱۴۹
ضمیمه ۱: نشرات دیده‌بان افغانستان.....	۱۴۹

حسین سرآمد

نگاه کلی به دوا انتخابات پارلمانی گذشته

(جمع بندی کلی از مقاله های مندرج در این مجموعه)

یکی از اصلی ترین انتخابات ها در نظام های دموکراسی، انتخابات پارلمانی است. اگر انتخابات ریاست جمهوری فرصت آن را به مردم می دهد که رئیس جمهور کشور را انتخاب کنند، اهمیت انتخابات پارلمانی در این است که به مردم امکان می دهد که از طریق نمایندگان خود در نهاد پارلمان، نظارت و کنترل مداوم بر رفتار حکومت داشته باشند و مسیر عمومی سیاست کشور را معطوف به منافع و خواست خود تعیین کنند. هرچند تحقق این امر، غالباً با چالش های فراوانی مواجه می شود و مردم از طریق نمایندگان خود در پارلمان، خصوصاً در کشورهایی که تجربه اندکی از دموکراسی و سیاست پارلمانی دارند، کمتر به خواست های خود دست می یابند، ولی نمی توان بدون حضور یک پارلمان مقتدر به قوام دموکراسی و ماهیت مردمی سیاست و قدرت چندان امیدوار بود.

حضور زنان نیز در پارلمان از این رو بسیار مهم است، زیرا پارلمان با حضور قدرتمند زنان می تواند خواست ها و منافع خاص زنان را در عملکردهای حکومت و برنامه ریزی های کلان کشور تامین و تضمین کند. همچنین نقش موثر و مشارکت مستمر زنان در سیاست و امور اجتماعی از طریق پارلمان و مشارکت در انتخابات ساده تر تامین می شود.

افغانستان بعد از سقوط طالبان، تا هنوز دو انتخابات پارلمانی را در کنار انتخابات های ریاست جمهوری و انتخابات های شوراهای ولایتی، پشت سر گذاشته است. حضور زنان در این انتخابات ها، هرچند سازمان یافته نبود، ولی بنابر شرایط اجتماعی و فرهنگی، از لحاظ کمی بسیار قابل تامل و توجه بود. زنان افغانستان پیش از آن شانس محدودی برای مشارکت سیاسی داشته اند. این شانس اولاً از لحاظ جغرافیایی صرفاً در کابل و چند شهر بزرگ کشور محدود بود و ثانیاً به دلیل بی ثباتی سیاسی و امنیتی بنابر تحولات سیاسی در کشور، کاملاً بی ثبات بوده است. یعنی گاهی که شرایط سیاسی و امنیتی برای زنان مساعد بوده، می توانسته اند در کابل و بعضی از شهرها نظیر هرات و مزار شریف، در فعالیت های اجتماعی و سیاسی حضور اندکی داشته باشند.

مقدمه: اهمیت انتخابات

هرچند برگزاری انتخابات به تنهایی نمی تواند به دموکراسی منجر شود، ولی انتخابات یکی از راه کارهای اصلی برای تامین مشارکت مردم و مردمی ساختن سیاست در نظام های دموکراتیک است. ما برای نهادینه ساختن و حفظ دموکراسی علاوه بر انتخابات، به حاکمیت قانون و حضور فعال سازمان ها و نهادهای مدنی نیز نیاز داریم. با این حال، دموکراسی را نمی توان بدون برگزاری انتخابات و نقش تعیین کننده مردم در انتخاب مدیران سیاسی جامعه به دست آورد. از این رو، انتخابات از راه کارهای اصلی رسیدن به دموکراسی به شمار می رود.

از ویژگی های انتخابات، همگانی بودن آن است. یعنی انتخابات به جز محدودیت های قانونی، هیچ محدودیتی برای مردم ایجاد نمی کند و همگی آنان به صورت کاملاً مساوی و برابر حق دارند در آن شرکت کنند و در تعیین سرنوشت سیاسی جامعه خود سهم بگیرند. منظور ما از طرح مساله همگانی بودن انتخابات در اینجا این است که زنان نیز برابر با مردان از این حق برخوردارند و به هیچ عنوان نمی توان آنان را از این حق محروم کرد. این نکته را از این رو در اینجا مورد تاکید قرار می دهیم که در جوامع سنتی مثل افغانستان، که تازه وارد بازی انتخابات می شوند، حضور و مشارکت زنان در هرنوع فعالیت های اجتماعی و سیاسی، به ویژه مشارکت در انتخابات، پدیده ای بی سابقه و تازه است و غالباً منفی و ناپسند قلمداد می شود. سنت ها و الگوهای سنتی جامعه با حضور آنان در حوزه عمومی به شدت مخالفت می کنند و قلمرو عمومی و حوزه سیاست و جامعه را حوزه ای صرفاً مردانه می دانند. دلایل این امر هرچه باشد، ناشی از نگرش سنتی به زن، جامعه و فعالیت های اجتماعی و سیاسی است که با معیارهای جهان جدید و مدنی هم خوانی ندارد. از این رو، دموکراسی و انتخابات به عنوان پدیده های جهان مدنی، این نگرش نابرابر را در مورد زنان مورد انتقاد قرار داده و حضور و مشارکت آنان را در امور اجتماعی و سیاسی نه تنها ناپسند نمی داند، بلکه ضروری می شمارد.

و مشارکت زنان بسیار چشمگیر بود.

همچنین با توجه به محدودیت‌های سنتی و فرهنگی در جامعه افغانستان، برای آنکه مشارکت زنان را تقویت کند، براساس حضور حداقل ۲۵ درصد آنان در مجلس نمایندگان کشور، سهمیه‌های حداقل مشخصی را در هر حوزه انتخاباتی (ولایات) برای آنان معین کرده است. یعنی تعیین شده که حداقل ۲۵ درصد اعضای مجلس نمایندگان که شامل ۶۳ نفر از مجموع ۲۴۹ عضو مجلس نمایندگان می‌شود، باید به زنان اختصاص یابد.^۲ این سهمیه‌بندی حضور ۲۵ درصدی زنان را در پارلمان افغانستان تضمین کرد. با این حال، زنان در رقابت با مردان تنها توانستند چند کرسی دیگر را در پارلمان کشور به دست بیاورند. چنانچه در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۴ به تعداد ۶۸ کرسی به زنان اختصاص یافته بود و در انتخابات ۱۳۸۹ به تعداد ۶۹ کرسی به زنان رسید.

حضور و نقش جامعه جهانی:

حضور جامعه جهانی در افغانستان عامل دیگری بود که از مشارکت زنان حمایت میکرد. این مساله خصوصاً برای نهادهای بین‌المللی فعال در افغانستان از اهمیت اساسی برخوردار بود. اکثریت قریب به اتفاق این نهادهای بین‌المللی نه تنها از حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی حمایت می‌کردند، بلکه توانمندسازی زنان در این عرصه‌ها بخشی از حوزه‌های فعالیت آنان را تشکیل می‌داد. مشارکت زنان در انتخابات به دلیل اهمیت فوق‌العاده خود، به صورت طبیعی در راس برنامه‌های این نهادها قرار داشت.

حمایت جامعه جهانی و نهادهای بین‌المللی هم جنبه‌های آگاهی‌بخش و تعلیمی داشت و هم شامل حمایت‌های مالی و سیاسی می‌شد. هرچند آنها حق نداشتند به نفع کاندیدان مشخصی به صورت عملی وارد کارزار انتخاباتی شوند، ولی برای تقویت مشارکت زنان در انتخابات‌های کشور سرمایه‌گذاری‌های زیادی کردند. قطعاً حضور آنان در این زمینه بسیار موثر بوده است.

حضور و نقش جامعه مدنی و رسانه‌ها:

یکی از داعیه‌های اصلی نهادهای مدنی نیز، همچون نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر، مساله حقوق زنان و از جمله حقوق سیاسی و مشارکت آنان در فعالیت‌های سیاسی بود. این نهادها از سال ۲۰۰۱ به این سو به میدان آمدند و هر ساله به شمار آنان افزوده شد. نهادهای مدنی، هرچند از انسجام و تاثیرگذاری تعیین‌کننده‌ای در فضای عمومی سیاست افغانستان برخوردار نبود،

اما در دوره جدید، قانون اساسی افغانستان، مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی را برای زنان در سراسر کشور به رسمیت شناخت و انتخابات‌هایی که در کشور برگزار شد، امکان عملی شدن آن را نیز مساعد ساخت، هرچند در این دوره نیز حضور زنان هنوز با مشکلات فرهنگی-سنتی و چالش‌های امنیتی فراوانی مواجه بوده است.

مقالات و تحقیقاتی که در این مجموعه گرد آمده‌اند، هرچند آموزشی و تمرینی بوده‌اند، ولی نشان می‌دهند که حضور زنان کشور در دو انتخابات پارلمانی کشور در سه ولایت کابل، هرات و بلخ گسترده بوده و زنان توانسته‌اند در این ولایات حضور موثر و تعیین‌کننده‌ای در انتخابات داشته باشند. همچنین این تحقیقات نشان می‌دهند که محدودیت‌های سنتی-فرهنگی و امنیتی مهم‌ترین چالش در راه مشارکت زنان بوده‌اند. از این رو مشارکت آنان هنوز هم در شهرها بیشتر از مناطق روستایی بوده است.

زمینه‌ها و فرصت‌های مشارکت زنان در انتخابات‌های پارلمانی:

چنانچه اشاره شد، مشارکت سیاسی زنان در دوره جدید بعد از سقوط طالبان در کشور، تحت تاثیر زمینه‌ها و فرصت‌های متعددی بوده است. برخی از این فرصت‌ها ناشی از شکل‌گیری نهادهای حمایت‌کننده بود و برخی دیگر نیز در اثر رشد ظرفیت و خلق الگوهای تازه سیاسی در جامعه افغانستان به وجود آمده‌اند. این فرصت‌ها و زمینه‌ها به صورت کلی در دسته‌های زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

حمایت‌های قانونی:

حق مشارکت زنان در انتخابات، از جمله در انتخابات پارلمانی، توسط قانون اساسی افغانستان و نیز قانون انتخابات کشور به رسمیت شناخته شده و مورد تاکید قرار گرفته است. آنان در برخورداری از این حق با مردان کاملاً برابرند و هیچ تبعیض و امتیازی میان آنان وجود ندارد. ماده ۲۲ قانون اساسی افغانستان تصریح می‌دارد که: «هرنوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و واجبات مساوی می‌باشند.»^۱ همچنین در ماده ۳۳ این قانون مسجل شده که «اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا می‌باشند.»^۲ قانون انتخابات افغانستان نیز مشارکت زنان را در انتخابات تصریح کرد. مقاله‌هایی که در این مجموعه گرد آمده‌اند، نشان می‌دهند که براساس این زمینه‌های قانونی در انتخابات‌های کشور، از جمله در دو انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۹، حضور

۱- وزارت عدلیه ج.ا.ا، قانون اساسی افغانستان (۱۳۸۲)، ماده ۲۲. (منتشر شده در «مجموعه قوانین»، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، سال نشر ۱۳۹۰)

۲- همان، ماده ۳۳

حقوق بشر و هم در قانون اساسی افغانستان تسجیل و تصریح شده است، موضوع اصلی در این زمینه آگاهی‌دهی از این حق براساس تصریحات این اسناد حقوقی و قانونی بوده است. همچنین نحوه مشارکت در انتخابات و دادن رای از موضوعات مهم برای آگاهی‌دهی بوده است.

مجموع این تلاش‌ها به گسترش و تقویت مشارکت زنان در انتخابات تاثیر فراوانی داشته است. این تلاش‌ها زنان را هم به عنوان رای‌دهنده و هم به عنوان کاندید در انتخابات‌ها بسیار تشویق کرده است.

الگوهای جدید سیاسی در جامعه افغانی و در میان زنان:

هم‌دستی عواملی همچون پشتوانه‌های قانونی، حمایت‌های جامعه جهانی، احزاب سیاسی و نهادهای مدنی و نیز رشد آگاهی‌های عمومی از حقوق شهروندی و حق مشارکت زنان در انتخابات، باعث شده که الگوی سنتی سیاست در جامعه افغانستان متحول شود. این الگو، چنانچه قبلاً نیز اشاره شد، سیاست و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی را قلمرو مردانه به شمار می‌آورد و حضور زنان را در این حوزه ناپسند تلقی می‌کرد. اما الگوی جدید با تاکید بر حق شهروندی برابر زن و مرد، مشارکت زنان را در فعالیت‌های سیاسی و از جمله انتخابات نه تنها یک امر پسندیده، بلکه یک امر ضروری تلقی می‌کند. این نگرش نیز به تقویت مشارکت زنان در انتخابات بسیار کمک کرد، هرچند نباید از نظر دور داشت که این الگوی جدید تا حدودی در کابل و شهرهای بزرگ از قبیل هرات و مزار شریف و نیز در مناطق مرکزی کشور ایجاد شده و هنوز در سراسر کشور و به ویژه در میان قبایل شرق، جنوب و جنوب-غرب کشور هنوز به تمام و کمال راه باز نکرده و مشارکت زنان در انتخابات در آن مناطق هنوز با مشکلات و محدودیت‌های فراوانی مواجه‌اند.

چالش‌های مشارکت زنان در انتخابات:

با وجود زمینه‌ها و فرصت‌های مساعد، تحقیقات مندرج در این مجموعه نشان می‌دهد که مشارکت زنان در انتخابات هنوز با چالش‌های کلانی نیز مواجه‌اند. این محدودیت‌ها، برخی ناشی از میراث سنت مردانه در تاریخ افغانستان‌اند که از گذشته باقی مانده‌اند و برخی نیز ناشی از نابسامانی‌های سیاسی و امنیتی در کشوراند. اگر سنت‌های مردانه در سیاست افغانستان روز به روز در حال تحول به الگوی مشارکت همگانی و بازتر شدن فضا برای مشارکت زنان بوده است، متأسفانه مشکلات امنیتی کشور به طور روز افزونی بیشتر شده و محدودیت‌های بیشتری برای مشارکت زنان ایجاد کرده است.

ولی در برخی از موارد می‌توانست نقش موثری به عهده گیرد. از جمله نهادهای مدنی اقشار مختلف جامعه، از جمله زنان را برای حضور و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی کمک کرد و برای آنان زمینه‌های زیادی خلق کردند. همچنین این نهادها در گسترش آگاهی‌های عمومی نیز نقش برجسته‌ای ایفا کردند.

نهادهای مدنی و رسانه‌های آزاد در جریان انتخابات‌ها، در آگاهی‌دهی از انتخابات و تشویق مردم برای مشارکت در انتخابات و نیز نظارت بر انتخابات نقش مهمی بر عهده گرفتند. این نهادها در حمایت و تقویت مشارکت زنان نیز نقش موثری داشتند.

حضور و نقش احزاب سیاسی:

هرچند بعد از سقوط طالبان، همانند نهادهای مدنی، تعداد پرشمار احزاب سیاسی نیز جواز فعالیت گرفتند، ولی یا نتوانستند بسیار موفق عمل کنند و جایگاه برجسته‌ای در فضای سیاسی افغانستان پیدا کنند و نیز به دلیل پیشینه‌های نظامی و غیردموکراتیک، نتوانستند نقش بسیار موثری در گسترش مشارکت زنان بازی کنند. اکثر احزاب قدرتمند افغانستان پیشینه‌های جهادی داشتند و بنابر گرایش‌های سنتی، نمی‌توانستند از مشارکت و نقش زنان در فعالیت‌های سیاسی و انتخابات به خوبی حمایت کنند.

علاوه براین‌ها، شماری از احزاب سیاسی سنتی درگیری یک رفتار تناقض‌آمیز بودند؛ از یک سو، به دلیل اینکه دغدغه اصلی‌شان قدرت سیاسی و جلب باورهای مردم بود، نمی‌توانستند در فضای سنتی جامعه افغانستان برای حقوق و مشارکت زنان با قدرت مانور زیادی وارد شوند و نقش بازی کنند. یعنی آنها اکثراً تلاش می‌کردند که با ذهنیت سنتی زن‌ستیز جامعه خود را مواجه نکنند و یک نوع رابطه کجدار و مریز را با آن حفظ کنند. با این حال، از سوی دیگر این احزاب به خاطر ضرورت به رای مردم تلاش می‌کردند زنان را، حداقل در موقف رای‌دهنده، به مشارکت دعوت کنند. برخی از این احزاب در این زمینه نقش خوبی بازی کردند.

رشد و گسترش آگاهی عمومی:

یکی از دستاوردهای افغانستان در طی ده سال اخیر رشد آگاهی‌های عمومی بوده است. این دستاورد حاصل تلاش‌های گسترده‌ای است که نهادهای مختلف بین‌المللی، ارگان‌های دولتی، نهادهای جامعه مدنی و رسانه‌ها انجام داده‌اند. یکی از حوزه‌های اصلی کار آگاهی‌دهی این نهادها حقوق و آزادی‌های مدنی شهروندان و از جمله حق مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی بوده است. روشن است که در محور این موضوع مساله انتخابات و مشارکت مردم و به ویژه زنان در انتخابات بوده است. از آنجا که حق مشارکت در انتخابات هم در اسناد بین‌المللی

چالش‌های فراروی مشارکت زنان در انتخابات را می‌توان در دسته‌های زیر صورت‌بندی کرد:

فرهنگ و سنت:

قبلاً نیز اشاره شد که فرهنگ سنتی افغانستان، به ویژه در میان قبایل، سیاست را یک امر مردانه می‌پندارد و نسبت به مشارکت زنان در آن با دید منفی می‌نگرد. حتا نگرش‌هایی وجود دارد که حضور زنان را در سیاست و در کل امور اجتماعی بد شگون تلقی می‌کند و معتقد است که زنان باید از دست یازیدن به این حوزه دور نگه‌داشته شوند. این نگرش ریشه‌های عمیق و دیرینه‌ای در باورها و اعتقادات سنتی مردم افغانستان دارد و هنوز قسمت عظیمی از مردم به آن پای بند اند. این فرهنگ سنتی با باورهای نادرست دینی نیز توجیه شده و برای خود پشته‌های اعتقادی نیز یافته است.

این باورها و اعتقادات سنتی مانع بزرگی در برابر مشارکت زنان در انتخابات به شمار می‌رود. به خاطر این باورهای سنتی، در بعضی مناطق کاندیدان زن نتوانسته اند کمپاین فعالی را به راه بیاورند و با بی‌اعتنایی، تمسخر، بدبینی و حتا تهدید مردم مواجه شده اند. این چالش‌های فرهنگی و سنتی مبارزات انتخاباتی زنان را تا حدود زیادی در شهرها و مناطق شهری محدود ساخته بود، هرچند که در مواردی زنان خطر کمپاین و تبلیغات در مناطق غیر شهری را نیز به جان خریده اند.

رفع چالش‌ها و محدودیت‌های سنتی و فرهنگی هم به مبارزه و تلاش پیگیر و دراز مدت برای جاناندازی الگوهای تازه در سیاست کشور ضرورت دارد که هم فعالین و نیروهای مدنی را به میدان فرامی‌خواند، و هم به حمایت‌های سیاسی و احیاناً مالی از سوی جامعه جهانی و به ویژه دولت افغانستان محتاج است.

سطح پایین آگاهی‌های عمومی:

هرچند در طول ده سال اخیر، در اثر تلاش‌های نهادهای مختلف بین‌المللی و ملی، دولتی و مدنی، آگاهی‌های عمومی در زمینه مسایلی از قبیل انتخابات و حق مشارکت همگانی بسیار رشد کرده است، ولی هنوز به آن سطحی نرسیده است که پذیرای مشارکت برابر زن و مرد باشد. از جانبی دیگر، آگاهی‌های عمومی بیشتر متمرکز و محصور به شهرها بوده و کمتر مجال یافته که در مناطق دوردست روستایی نیز راه یابد. این مشکل خصوصاً در مناطق ناامن، به ویژه در میان قبایل جنوبی، شرقی و جنوب غربی کشور بسیار حاد است. علاوه بر سخت و زمخت بودن سنت‌های قبیلوی در این مناطق، ناامنی نیز باعث شده که آگاهی‌های مدنی و سیاسی در این مناطق کمتر راه باز کند. سطح پایین آگاهی‌های مدنی در این مناطق مشارکت زنان را نیز بسیار محدود ساخته و نگذاشته که آنان

فعالانه در انتخابات شرکت کنند.

در سه ولایت تحت پوشش این تحقیقات، هرچند تفاوت چشمگیری را از لحاظ سطح آگاهی‌های عمومی در میان آنان نمی‌توان مشاهده کرد، ولی آشکارا نشان داده شده که مناطق دهاتی و دوردست تر از این جهت با مشکلات بیشتری مواجه بوده‌اند.

محدودیت‌های امنیتی:

ناامنی از چالش‌های اصلی بر سر راه مشارکت زنان در انتخابات بوده است. در تحقیقاتی که در این مجموعه گرد آمده‌اند، در هر سه ولایت کابل، هرات و بلخ به این معضل اشاره شده است. زنان در مقابل خطرات امنیتی آسیب‌پذیرتر از مردان اند. از این رو در مناطق ناامن امکان حضور فعالانه آنان در جریان انتخابات بسیار محدود بوده است. عبور و مرور آنان برای تبلیغات انتخاباتی و راه اندازی کمپاین بسیار سخت بود و آنها نمی‌توانستند آزادانه برنامه‌های انتخاباتی خود را برای مردم تبلیغ کنند. تجمع زنان رای دهنده نیز در شرایط ناگوار امنیتی بسیار سخت بوده است.

متأسفانه مشکل ناامنی در سال‌های اخیر رو به افزایش بوده و مناطق بیشتری را تهدید کرده است. از این رو به نظر میرسد که انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۴ در مقایسه با انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ شاهد مشارکت فعالتر و آزادانه‌تر و بانگیزه‌تر زنان رای دهنده بوده است، هرچند ممکن است از لحاظ آگاهی و شاید کمیت، بنا بر دلایلی، میزان مشارکت زنان بیشتر شده باشد.

محدودیت‌های مالی:

چالش دیگری که به ویژه فراروی کاندیدان زن در انتخابات وجود داشته، محدودیت‌های مالی بوده است. شرکت در انتخابات و راه اندازی کمپاین‌های انتخاباتی نیازمند صرف هزینه است. بنابر رسم سنتی، زنان کمتر استقلال مالی دارند و بنابراین، در کمپاین‌های انتخاباتی نیز با وابستگی و محدودیت‌های شدید مالی در تامین مخارج کمپاین‌های انتخاباتی خویش مواجه بوده‌اند.

مسأله‌ای که این چالش را برای زنان بیشتر ساخته بود این بود که شماری از رقیبان مرد هزینه‌های هنگفتی را صرف مبارزات انتخاباتی کردند و زنان از این جهت به هیچ وجه قادر نبودند که رقیب آنان شوند. همچنین پرداخت پول از سوی برخی کاندیدان به رای دهندگان باعث شد که شمار زیادی از رای دهندگان کمتر به پیام و اهداف کاندیدان توجه کنند و در حقیقت رای خود را در مقابل پول و یا وجوه دیگر به فروش برسانند. این مسأله نیز کار را برای زنان مشکل تر می‌ساخت. استفاده از این شگرد در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ بیشتر شده بود و در نتیجه کار را در این انتخابات برای کاندیدان زن سخت‌تر از قبل ساخته بود.

ناامیدی از فساد و تقلب در انتخابات:

مساله مهم دیگر که بر میزان مشارکت مردم، اعم از زنان و مردان، تاثیر منفی می‌گذاشت، تقلب و فساد گسترده در جریان انتخابات‌های قبلی بود. خصوصا انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ از این جهت بسیار مشکل آفرین شد. فساد و تقلب در انتخابات مردم را نسبت به نتایج رای و انتخاب شان ناامید می‌ساخت و انگیزه آنان را برای مشارکت در انتخابات کاهش می‌داد.

تقلب و فساد در انتخابات‌های قبلی، انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۹ را به شدت متاثر ساخت. شمار زیادی از مردم انگیزه خود را برای رای دادن و انتخاب نمایندگان شان از دست داده بودند و فکر می‌کردند که انتخاب آنها اثری نخواهد داشت بلکه تقلب می‌تواند کسانی را به پیروزی رساند که منتخب مردم نبوده اند. زنان نیز از این مساله متاثر شده بودند. از این رو انگیزه آنان برای مشارکت در انتخابات کمتر شده بود.

مقایسه میزان مشارکت زنان در انتخابات‌های پارلمانی اول و دوم:

مقالات مندرج در این مجموعه بیانگر آن است که میزان مشارکت زنان به حیث کاندید در انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۹ نسبت به انتخابات ۱۳۸۴ از لحاظ کمیت بیشتر شده بود. این مساله ناشی از عوامل متعددی است که قبلا نیز در بخش زمینه‌های مشارکت زنان به آنها اشاره شده است؛ عواملی همچون فعالیت نهادهای مدنی ملی و بین‌المللی، رشد آگاهی‌های عمومی و شکل‌گیری الگوی جدید سیاسی در کشور که پذیرای مشارکت زنان می‌باشد.

اما مشارکت زنان به حیث رای دهنده در سطح کل کشور، در انتخابات دوم در مقایسه با انتخاب اول پارلمانی، نسبت کمتری از مجموع رای دهندگان را به خود اختصاص داده بود: ۴۴ درصد رای دهندگان در انتخابات ۱۳۸۴ را زنان تشکیل می‌دادند، در حالی که در انتخابات ۱۳۸۹ این نسبت به ۳۹ درصد کاهش یافته بود.

آمار دقیقی از میزان مشارکت رای‌دهندگان در سه ولایت تحت پوشش این مقالات وجود ندارد. اما به نظر می‌رسد نسبت رای دهندگان زن در این سه ولایت نیز تا حدودی کاهش داشته است. هرچند انتظار می‌رفت که مشارکت زنان در این سه ولایت افزایش داشته باشد، چون، از یک سو سه شهر بزرگ افغانستان، شهر کابل پایتخت، شهر مزار شریف و شهر هرات در این ولایات واقع شده‌اند و محیط و فرهنگ نسبتاً شهری‌تری دارند و از سوی دیگر این مناطق با محدودیت‌ها و تهدیدهای امنیتی کمتری مواجه بود و زنان می‌توانستند، حداقل در مراکز شهرها، آزادانه در انتخابات مشارکت کنند.

در این مقالات معیارهای مشخص و واحدی برای بررسی میزان مشارکت زنان در انتخابات داده نشده است. از این رو مقایسه آنها با

همدیگر مشکل است. با این همه به نظر می‌رسد که در ولسوالی‌های ناامن هرات و بلخ زنان با مشکلات بیشتری مواجه بوده اند. کابل به دلیل گسترش دامنه‌های شهر و امنیت نسبتاً بهتر در سراسر ولایت در روز جریان انتخابات، با این مشکل کمتر مواجه بوده است. علاوه براین، به همان دلیل گسترش فرهنگ شهری در سطح ولایت کابل، زنان با محدودیت‌های سنتی کمتری برای مشارکت در انتخابات مواجه بوده اند. ولسوالی‌های دور دست‌تر ولایات بلخ و هرات از این جهت با مشکلات بیشتر دچار بوده اند.

با این حال، زنان توانستند در انتخابات ۱۳۸۴ تنها ۶۸ کرسی و در انتخابات ۱۳۸۹ تنها ۶۹ کرسی را در مجلس نمایندگان افغانستان به دست آورند. این مقدار تنها چند کرسی بیشتر از سهمیه ۲۵ درصدی آنان است که توسط قانون پیش‌بینی و تضمین شده است. این نکته نشان می‌دهد که رقابت برای زنان با مردان در بستر سنتی جامعه افغانی هنوز بسیار نابرابر است.

نتیجه گیری: چشم‌انداز آینده

در یک جمع‌بندی کلی، به نظر می‌رسد که انتخابات و به ویژه مشارکت زنان در آن، بنابر آنکه عوامل متعدد و گاه متضادی این مساله را تحت تاثیر قرار داده است، روند با ثبات روبه‌رشد را طی نکرده است. از نظر رشد آگاهی و نهادینه‌تر شدن فرهنگ سیاسی جدید انتظار می‌رود که مشارکت زنان در انتخابات سال ۱۳۸۹ بهبود یافته و بیشتر شده باشد. اما عواملی همچون گسترش ناامنی‌ها و فساد و تقلب در انتخابات بر این مساله تاثیرات منفی گذاشته است.

با این حال، به صورت کلی می‌توان گفت که مشارکت زنان در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ نسبت به انتخابات پارلمانی ۱۳۸۴ آگاهانه‌تر و هدفمندتر بوده است. این آگاهی و هدفمندی زنان بیشتری را در عرصه مبارزات انتخاباتی کشانده و شمار کاندیدان زن را بیشتر ساخته است. اما انتخابات پارلمانی دوم نسبت به انتخابات پارلمانی اول از لحاظ کمیت رای دهندگان با کاهش مواجه بوده است. این مساله متناقض در عین آنکه نشان‌دهنده افزایش حساسیت زنان کاندید نسبت به سرنوشت‌شان بوده است، بیانگر ناامیدی و بی‌اعتمادی بیشتر زنان رای‌دهنده و چالش‌های امنیتی بیشتر نیز بوده است.

فرهنگ سنتی زن‌ستیز نیز در اثر تجارب چندباره انتخابات، در مقابل مشارکت زنان اندکی انعطاف‌پذیرتر شده و حساسیت کمتری در مقابل حضور آنان در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی نشان می‌دهد. از این رو به صورت طبیعی زنان از این جهت در بسیاری مناطق با محدودیت‌های کمتری مواجه بوده اند.

اما روشن است که زنان تا پایان راه هنوز راه درازی در پیش دارند. هنوز چالش‌های فرهنگی و سنتی برای آنان بسیار محدود کننده است، مردان هنوز به طور یک‌جانبه بر قلمرو سیاست و

بخش دوم، نیز مشتمل بر سه مقاله است که به موضوع چالش‌های سنتی-فرهنگی مشارکت زنان در انتخابات می‌پردازد. این بخش نشان می‌دهد که چالش‌های فرهنگی-سنتی در برابر مشارکت زنان ریشه‌های دراز تاریخی دارد و علی‌رغم حمایت‌های قانونی مندرج در قانون اساسی، قانون انتخابات و دیگر قوانین مرتبط، هنوز هم این مشکلات و چالش‌ها وجود دارند. چالش‌ها و مشکلات فرهنگی مورد بحث، در مناطق روستایی بسیار شدیدتر و حادث‌تر از مناطق شهری است.

بخش سوم این مجموعه نیز به مشکلات و چالش‌های امنیتی مشارکت زنان در انتخابات می‌پردازد. این چالش‌ها از هنگام برگزاری اولین انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی کشور تاکنون به طور فزاینده‌ای، مردم افغانستان را تهدید کرده است. آسیب‌پذیری زنان در مقابل مشکلات امنیتی بسیار بیشتر از مردان است. این مساله مشارکت آنان در انتخابات را نیز بیشتر از مردان متاثر می‌سازد و حضور را آنان محدودتر می‌نماید.

در بخش چهارم مقالات این مجموعه، مساله مدیریت کمپاین و محدودیت‌های مالی مبارزات انتخاباتی کاندیدان زن مورد بحث قرار گرفته است. دو مقاله این بخش نشان می‌دهد که زنان با محدودیت‌های مالی بیشتر از مردان مواجه‌اند، و چون کمپاین‌های انتخاباتی نیازمند اختصاص هزینه‌های کافی است، کاندیدان زن نمی‌توانند در این زمینه بسیار با دست باز عمل کنند. این مساله قدرت مبارزات انتخاباتی و میدان مانور کمپاین آن‌ها را محدود می‌سازد که تبعاً بر نتایج انتخابات نیز تاثیر می‌گذارد.

دو مقاله بخش پنجم این مجموعه به نقش احزاب و نهادهای مدنی در امر مشارکت زنان در انتخابات می‌پردازد. این مساله نیز همانند مقالات دیگر این مجموعه ناظر بر دو انتخابات پارلمانی گذشته و متمرکز بر یکی از ولایات سه‌گانه مورد نظر است. احزاب سیاسی در افغانستان با چالش‌های فراوانی مواجه‌اند که بخشی از این چالش‌ها ناشی از محدودیت فضای مانور سیاسی احزاب در چارچوب گرایشات قومی، مذهبی، زبانی، سمتی و غیره است و بخشی دیگر نیز ناشی از جانیافتادن نظام حزبی در ساختار سیاسی-انتخاباتی جامعه است. از این رو احزاب سیاسی در افغانستان هنوز نتوانسته‌اند نقش بسیار موثری در انتخابات‌های پارلمانی کشور بازی کنند. این نقش در رابطه با مشارکت زنان بسیار محدودتر است، زیرا فعالیت‌های حزبی و سیاسی در جامعه افغانستان هنوز فعالیت‌های مردانه بشمار می‌روند. جامعه مدنی اما جزو کنشگران مستقیم سیاسی به شمار نمی‌روند، ولی در رشد آگاهی‌های همگانی و تشویق مردم برای مشارکت در انتخابات نقش موثری دارند. جامعه مدنی افغانستان نیز توانسته‌اند از این طریق در گسترش مشارکت زنان در انتخابات، به ویژه در شهرها، نقش بازی کنند.

بخش پایانی این مجموعه، مشتمل بر دو مقاله در مورد الگوها و معیارهای رای‌دهی در میان زنان رای‌دهنده در انتخابات است.

جامعه تسلط بلامنازع دارند، سطح آگاهی‌های عمومی هنوز بسیار پایین است، نهادهای مدنی و احزاب سیاسی هنوز آنقدر قدرتمند نشده‌اند که بتوانند تأثیرات چشمگیری به نفع مشارکت زنان داشته باشند، محدودیت‌ها و تهدیدات امنیتی متأسفانه هنوز رو به افزایش است و آینده ابهام‌آمیزی دارد، فساد و تقلب نیز همچنان زمینه‌های فراوانی دارد. این مشکلات می‌تواند در مجموع انتخابات‌های آینده و نیز مشارکت زنان را به شدت متاثر سازد.

اگر دولت افغانستان گام به گام رشد آگاهی‌های عمومی و تقویت فرهنگ سیاسی پذیرای مشارکت همگانی زنان و مردان و فعالیت نهادهای مدنی و رسانه‌های آزاد، برای تامین امنیت و شفافیت انتخابات و گسترش زمینه‌ها و فرصت‌های مشارکت مردم، اعم از زنان و مردان، نقش مثبتی بازی نکند، مردم اعتماد و امید خود را نه تنها نسبت به انتخابات، بلکه نسبت به نظام سیاسی کشور و دولت از دست خواهد داد. در آن صورت دولت از پشتوانه‌های مردمی خود محروم‌تر خواهد شد و ثبات سیاسی، دموکراسی و حاکمیت قانون نیز متزلزل‌تر خواهد شد.

حتا با وجود گسترش ناامنی توسط طالبان و گروه‌های تروریستی دیگر، اگر دولت بر مبارزه با فساد و تقلب، تامین شفافیت انتخابات و رسیدگی قانونمند به موارد اختلافی تأکید کند، می‌تواند امید و اعتماد و حمایت مردم را دوباره به دست بیاورد. این مساله می‌تواند به تقویت پایه‌های حکومت در مناطق مختلف افغانستان نیز کمک کند.

درباره این مجموعه:

این مجموعه حاصل یک برنامه آموزشی روش تحقیق است که برای شماری از زنان و دختران جوان از سوی دیده بان افغانستان برگزار شده بود. اشتراک کنندگان این برنامه از سه ولایت کابل، بلخ و هرات بودند و تهیه یک مقاله تحقیقی در مورد مشارکت زنان در انتخابات‌های پارلمانی گذشته در ولایت مربوطه‌شان بخشی از آن برنامه بود. این مجموعه مشتمل بر ۱۵ مقاله است که بنابر تفکیک موضوعی در این مجموعه، در شش بخش تنظیم شده‌اند. مقاله‌ها، بنابر محل سکونت نویسندگان‌شان، بر یکی از ولایت‌های کابل، بلخ و هرات متمرکز دارند و موضوعات مطرح شده را در یکی از این ولایات، به عنوان نمونه، به بحث و بررسی می‌گیرند. این مقالات نظر به موضوع، در پنج بخش تنظیم و ترتیب گردیده‌اند. بخش اول، نگاهی کلی به مساله مشارکت زنان در انتخابات است و مشتمل بر سه مقاله می‌باشد. در این مقاله‌ها، میزان حضور و نقش زنان در دو انتخابات پارلمانی گذشته، چالش‌های فراوری آنان در هنگام مشارکت در انتخابات، نقش وابستگی یا عدم وابستگی کاندیدان زن به احزاب و گروه‌های سیاسی در جریان مبارزات انتخاباتی، کارکرد و نقش زنان در دو دور مجلس نمایندگان و چالش‌های آنان در درون پارلمان مورد بحث قرار گرفته است.

این مقالات بررسی می‌کند که تعلقات قومی-قبیله‌ای، لسانی، مذهبی و امثال آن رای مردم را به سوی کاندیدان خاصی کانالیزه می‌کنند و باعث می‌شوند که رای‌دهندگان به کاندیدانی که در این تعلقات با آن‌ها شریک‌اند رای دهند. زنان نیز از این مساله مستثنا نیستند. مساله مهم دیگر، پیروی زنان در هنگام رای دادن از خواست مردان خانواده است. یعنی زنان زیادی به کاندید مورد نظر مردان خانواده‌شان، به خصوص شوهر و پدر، رای داده‌اند. این مساله نشان‌دهنده وابستگی شدید زنان به مردان خانواده است. با این حال، شماری از زنان به صورت مستقل از رای خود استفاده کرده‌اند. استقلال زنان در هنگام رای دادن با میزان آگاهی آنان متناسب است. یعنی زنانی که از سطح آگاهی و سواد بالاتری برخوردار بوده‌اند، از استقلال بیشتری در رای دادن نیز بهره‌مند بوده‌اند. نکته جالب توجه این است که برای برخی از زنان رای دهنده تعلقات جنسیتی کاندیدان نیز معیار و ملاک انتخاب بوده است که براساس آن تلاش کرده‌اند به یک کاندید زن رای دهند. استدلال آن‌ها این است که کاندیدان زن بهتر می‌توانند خواسته‌های زنان را درک کنند و برای برآورده شدن آن‌ها بیشتر تلاش خواهند ورزید. هرچند شمار این زنان شاید خیلی زیاد نبوده است، ولی وجود این مساله نشان‌دهنده فعال شدن شکاف جنسیتی در جامعه و قرار گرفتن آن به عنوان یک معیار برای رای‌دهندگان است.

بخش اول:

مشارکت زنان در انتخابات

چالش‌های فراروی مشارکت زنان در انتخابات (کابل)

مقدمه

برای یک دوره‌ای بیش از سی سال افغانستان عملاً از داشتن پارلمان و تفکیک قوا که از اساسی‌ترین شرایط دموکراسی است، محروم بود و در حقیقت افغانستان برای اولین بار در تاریخ خود در ده سال اخیر تجربه شرکت در انتخابات به معنای واقعی کلمه را به دست آورد. برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی یک صفحه جدید را در تاریخ افغانستان باز نمود. افغان‌های رای‌دهنده، اعم از زنان و مردان، که از جنگ و بدبختی سال‌های متمادی خسته شده بودند در این انتخابات با شوق و علاقمندی زیاد سهم گرفتند تا آرزوها و خواسته‌های خود به خاطر دست یافتن به صلح و ثبات را ابراز کنند.

بسیاری از مردم با وجود تهدیداتی که از سوی مخالفان صلح و امنیت صورت گرفته بود، باز هم در مقابل خطر ایستادگی نمودند و در قطارهای طولانی برای ریختن آرای خود در صندوق‌های رای‌دهی صف کشیدند.

اما گذشته از استقبال مردمی از چهار انتخاباتی که پشت سر گذاشتیم و شوری که مردم برای ساختن آینده روشن و مسالمت‌آمیز در سر می‌پروراندند، به طور کلی انتخابات و حکومت و پارلمان ناشی از آن نتوانست رضایت مردم را جلب کند و مردم به صورت روزافزون به آن بی‌اعتماد شدند. بی‌کاری، فقر و وضعیت ناگوار اقتصادی مردم، فساد و ناکارایی حکومت، ناامنی و جنگ به صورت روزافزون امیدواری و خوش‌بینی مردم نسبت به آینده‌شان را به چالش کشید.

زنان، که آسیب‌پذیرترین قشر جامعه است، همانگونه که به شرایط و زمینه‌های جدید در سیاست افغانستان برای بهبود شرایط زندگی‌شان بیشتر دل بسته بودند، از بدتر شدن دوباره وضعیت سیاسی، اقتصادی و اداری کشور تبعاً نگرانی بیشتر دارند.

با این حال، مشارکت زنان در انتخابات‌های گذشته، یکی از دستاوردهای دولت به شمار می‌رود. زنان در این انتخابات‌ها به صورت فعال شرکت کردند، هرچند با چالش‌های فراوانی نیز مواجه بودند.

هدف تحقیق

این تحقیق در پی آن است که مشارکت زنان در دو انتخابات پارلمانی گذشته و نتایج آن را به بررسی بگیرد. همچنین تلاش می‌کند نقش و کارکرد نمایندگان زن در مجلس نمایندگان را مورد ارزیابی قرار دهد و چالش‌های فراروی آنان را بررسی کند.

سوال‌های تحقیق

عمده‌ترین سوالاتی که در این تحقیق مورد توجه بوده‌اند عبارتند از:

- روند برگزاری دو دور انتخابات پارلمانی به چه صورت بوده و نتایج نهایی به‌دست‌آمده از آن چگونه بوده است؟
- قوم‌گرایی و قبیله‌گرایی، که از دیر زمانی گریبان‌گیر این مرز و بوم است چه اثرات سوء بالای انتخابات پارلمانی افغانستان بر جا گذاشت؟
- سطح پایین دانش و عدم آگاهی مردم از انتخابات بر رای‌دهی آزاد و شفاف چه پیامدهایی را در بر داشت و تأثیرات آن بالای آرای کاندیدان چه بود؟
- نتایج به‌دست آمده از دو دوره انتخابات پارلمانی آیا بر اساس شایسته سالاری استوار بوده است یا خیر؟
- چالش‌های انتخابات‌های گذشته چه بوده‌اند؟
- موانع و چالش‌هایی که بر سر راه خانم‌های کاندید در دو دوره انتخابات پارلمانی موجود بوده چه بوده و چقدر آنها را متأثر ساخته است؟
- زنان نماینده آیا توانسته‌اند که جایگاه حقیقی خود را در درون پارلمان به‌دست آورند؟
- زنان نماینده در مجلس نمایندگان با چه چالش‌هایی روبه‌رو هستند؟

روش تحقیق

در این تحقیق هم از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است و هم از روش مصاحبه و گفتگو سود برده شده است. در روش مصاحبه طی دیدار و گفت و گو با چند تن از صاحب نظران و کارآگاهان امور پرسش‌های از قبل مطرح شده در جریان مصاحبه پرسیده شد. و در روش کتابخانه‌ای بیشتر به مقالات و داده‌های منتشر شده در اینترنت اکتفا شد و داده‌ها و دیدگاه‌هایی که در سایت‌های رسمی یا خبرگزاری‌های معتبر نشر شده بود مورد استفاده قرار گرفت. در این نوشته به ویژه از سایت کمیسیون مستقل انتخابات و بعضی از سایت‌های شخصی کاندیدان سود برده شده است.

حضور زنان در دو دور پارلمان کشور

اولین انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی افغانستان قرار بود که همزمان با انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۳ برگزار گردد، ولی بنابر عواملی به یک سال بعد در ماه سنبله سال ۱۳۸۴ به تعویق افتاد. این انتخابات در سنبله سال ۱۳۸۴ خورشیدی همزمان با انتخابات شوراهای ولایتی برگزار شد و بعد از مدت یک ماه نتایج ابتدایی آن اعلام گردید، و سرانجام تقریباً بعد از دوماه از برگزاری انتخابات نتایج نهایی آن منتشر شد.

در پارلمان اول از مجموع ۲۴۹ کرسی مجلس نمایندگان، ۶۸ کرسی آن که بیشتر از ۲۷ درصد می‌شود به زنان اختصاص یافت و بقیه آن را مردان تشکیل می‌دادند. قابل ذکر است که در میان کاندیدان مرد محمد محقق از ولایت کابل باکسب ۵۲۵۸۶ رای و در میان کاندیدان زن فوزیه گیلانی از ولایت هرات باکسب ۱۶۸۸۵ رای مقام اول را از آن خود کردند.^۱

انتخابات پارلمانی دوم نیز در ۲۷ سنبله ۱۳۸۹ برگزار شد و نتایج آن در ۳۳ ولایت پس از گذشت دو ماه و شش روز از برگزاری انتخابات اعلام گردید. نتایج انتخابات ولایت غزنی با تأخیر چندین روزه اعلان گردید، زیرا در هیچ یک از کرسی‌های یازده گانه آن پشتون‌ها برنده نشده بودند. گفته می‌شد که انگیزه‌های سیاسی در عدم اعلان به موقع نتایج نهایی انتخابات در ولایت غزنی نقش داشته است.

اما بعد از اعلان نتایج انتخابات نیز، نهادهای مختلف سیاسی و ارگان مختلف دولتی بر سر آن اختلافات جدی داشتند و سرانجام بعد از چندین ماه و در میان اختلافات گسترده پارلمان کشور رسماً تشکیل شد. بعد از تشکیل پارلمان نیز، اختلافات میان پارلمان و ریاست جمهوری، قوه قضاییه، کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی بر سر ۹ نفری که در ترکیب اعضای پارلمان توسط دادگاه ویژه تعویض شدند، به شدت ادامه یافت و تقریباً یک سال از فرصت پارلمان صرف این جدال‌ها و اختلافات شد.

۱- نتایج انتخابات پارلمانی دور اول در افغانستان، برگرفته از سایت <http://ariaye.com>

در پارلمان دوم اما، زنان توانستند ۶۹ کرسی از مجموع کرسی‌های پارلمان را از آن خود کنند و در نتیجه یک کرسی را بیشتر از دور قبل به دست آوردند. در ولایت کابل ۹ تن از زنان توانستند در پارلمان راه پیدا کنند که عبارتند از:

۱. فاطمه نظری
۲. فرخنده زهرا نادری
۳. شینکی ذهین کروخیل
۴. تورپیکی پتمن
۵. شکریه بارکزی
۶. ربابه پروانی درویش
۷. جنرال نظیفه ذکی
۸. کبری مصطفوی
۹. فوزیه ناصریار گلدره‌ئی^۲

چالش‌های انتخابات

انتخابات در فضای دشوار برگزار شد و مشکلاتی در زمینه‌های امنیت، تدارکات و منابع انسانی داشت. به ویژه در انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۹ این مشکلات بیشتر از پیش وجود داشت. این نخستین انتخابات بود که به صورت کامل توسط کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان رهبری و سازماندهی شد و نیروهای امنیتی ملی افغان رهبری تأمین امنیت آن را به عهده داشتند.

با وجود اینکه نمایندگی زنان در شورای ملی افغانستان تعیین شده است آنها هنوز هم با چالش‌های جدی رو به رو هستند. قانون اساسی افغانستان یک چهارم مجموع کرسی‌ها را برای نمایندگان زن در نظر گرفته است که این رقم بیانگر فیصدی بالاتر شرکت زنان در شورای ملی افغانستان، نسبت به بیشتر از ۱۰۰ کشور دیگر می‌باشد، اما زن‌ها در جریان کمپاین و مشارکت در انتخابات با مشکلات فراوانی روبرو می‌شوند. براساس گزارش‌ها تقریباً یک سوم کاندیداهای زن، در جریان کمپاین و مبارزات انتخاباتی با خشونت و ارباب از جانب رقیب‌های شان که شامل کاندیداهای مرد و زن می‌شوند مواجه بوده‌اند. موارد این خشونت‌ها از فحش و پاره کردن علنی پوست‌های انتخاباتی تا خشونت‌های فیزیکی را شامل می‌شده است.^۳

عمده‌ترین چالش‌های آن عبارت بودند از:

۱. ناامنی و تهدید گروه‌های شورشی

عمده‌ترین چالش انتخابات‌های کشور ناامنی و تهدیدهایی بود که از سوی طالبان و گروه‌های شورشی دیگر ایجاد شده بود. آن‌ها با نامشروع قلمداد نمودن انتخابات، تهدید رأی دهندگان و انجام

۲- لیست اعضای ولسی جرگه ۱۳۸۹، برگرفته از سایت <http://farhangistan.net>

۳- انیستیتوت دیموکراتیک ملی، برگرفته از سایت رسمی این نهاد: <http://ndi.org>

تائید و موج جدیدی از ابهام را تولید نمود. براساس اعلام مسئولان کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی، دست کم بیش از ۳۰۰۰ شکایت کتبی و به همین میزان شکایت تلفنی توسط این کمیسیون به ثبت رسیده بود.

اتهامات زیادی در رابطه به تقلب و بی‌نظمی در انتخابات، به خصوص پر کردن صندوق‌های رای، صورت پذیرفت. تقلب در انتخابات عام بود، اما به ویژه در جنوب، شرق و جنوب شرق کشور بیشتر اتفاق افتاده بود. رای دادن غیرمستقیم، رای دادن خردسالان و تملک چند کارت رای‌دهی توسط یک نفر در قسمت‌های مشخصی از کشور مشاهده شد. گزارش‌های گسترده در مورد استفاده نادرست از رنگ پاک‌نشده در یک تعداد از مراکز رای‌دهی و ناکارایی وسیله سوراخ کن توام با گزارشات وسیع در مورد ادعاهای تقلب، به اعتماد رای‌دهندگان به روند انتخابات ضربه زد.^۶

در ارتباط با تعداد واجدین شرایط رای‌دهی این موضوع قابل توجه است که بر اساس اعلام مقامات کمیسیون مستقل انتخابات، در سال گذشته حدود ۱۷.۵۰۰.۰۰۰ کارت رای‌دهی در میان مردم توزیع شده بود. این در حالی است که ۱۱.۴ میلیون نفر را واجد رای‌دهی دانسته بودند و تکلیف ۶.۱۰۰.۰۰۰ کارت رای‌دهی صادره از سوی کمیسیون انتخابات نامشخص بود. به بیان دیگر، ۶.۱ میلیون کارت رای در افغانستان وجود دارد که می‌تواند بر سرنوشت هر انتخاباتی تأثیرگذار باشد. این موضوع فی‌نفسه ظرفیت تولید ابهام و بروز تقلب را دارد.^۷

۳. کاهش مشارکت مردمی

موضوع میزان واقعی مشارکت مردم در انتخابات نیز از جمله ابهامات جدی بود که می‌توانست منشأ تردید در روند این انتخابات واقع شود. هر چند میزان مشارکت مردم ۴۷ درصد گفته شده بود، اما مفهوم گزارش‌های گسترده نهادهای نظارتی و کاندیداهای مختلف در خصوص بروز تقلب در انتخابات، به‌ویژه در مناطق ناامن که برخلاف برخی گزارشات رسمی در آن مناطق درصد پائینی از مشارکت صورت گرفته، مبین این بود که مشارکت واقعی کمتر از میزان ۴۷ درصدی بوده که توسط مراجع مربوط اعلام شده بود.^۸ براساس گزارش‌ها، یک سوم رای‌دهندگان ثبت شده، رای خود را در صندوق‌ها ریختند که این رقم به طور قابل ملاحظه‌ای از انتخابات قبلی کمتر بود. مشارکت رای‌دهندگان نظر به مناطق مختلف، متفاوت بود؛ اشتراک مردم در مناطق متأثر از جنگ کمتر و در جاهایی چون مناطق مرتفع مرکزی، شمال و شمال شرق کشور

حملات پراکنده تلاش نمودند تا با کاهش سطح مشارکت مردم، مشروعیت انتخابات را زیر سوال برده و بر پیچیدگی اوضاع بیفزایند. مشکل امنیتی در انتخابات دوم پارلمانی بسیار بیشتر از انتخابات اول پارلمانی بود. هرچند حجم فعالیت گروه‌های شورشی برای ایجاد اختلال در روند برگزاری انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۹ در مقایسه با انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ حدود ۴۵ درصد کاهش یافته بود، اما به‌نظر می‌رسد حجم مشارکت مردم در این انتخابات، در مقایسه با انتخابات گذشته پارلمانی نیز کاهش یافته و عملاً بخشی از اهداف گروه‌های شورشی تحقق یافته بود. از یک منظر رویکرد گروه‌های شورشی و مشخصاً حزب اسلامی حکمتیار و طالبان، در این انتخابات دوگانه بود. هر چند این گروه‌ها در مواضع رسمی انتخابات را تحریم و مردم را برای عدم مشارکت در آن تهدید نمودند، اما از سوی دیگر از برخی افراد وابسته به خود حمایت کردند تا با حفظ عدم وابستگی ظاهری، از این فرصت برای حضور در نهاد مهم قانون‌گذاری استفاده کنند و با کاندید نمودن خود تلاش نمایند به پارلمان راه یابند.^۹

مسئولان نظارت بر انتخابات افغانستان هشدار دادند که امنیت جان و مال و حیثیت زنان نامزد شده برای عضویت پارلمان این کشور در معرض خطر است. کمیته «افغانستان، انتخابات آزاد و سالم» که مهمترین تشکیلات برای نظارت بر انتخابات پارلمانی بود، ضمن اذعان به اینکه نامزدهای مرد و حامیان کاندیدها نیز در معرض تهدیدات مختلف می‌باشند، گفته است که از هر ۱۰ تهدید، حدود ۹ تهدید متوجه زنان است و عملاً علیه نامزدهای زن به کار گرفته می‌شود. گزارش‌های منابع پلیس افغانستان حاکی از کشته شدن ۴ نامزد انتخاباتی است که همگی مرد بوده اند. حدود ۱۵ تن دیگر نیز به اتهام هواداری از این و آن و فعالیت انتخاباتی برای نامزدها کشته شده‌اند. چند تن از قربانیان از ورود نامزدهای زن به پارلمان جانبداری می‌کردند. پنج تن از فعالان دفتر تبلیغات انتخاباتی فوزیه گیلانی در ولایت هرات در غرب افغانستان به دست مخالفان وی کشته شدند که هنوز روشن نشده است انگیزه قتل سیاسی بوده یا اعتقادات مذهبی ویا تعصبات عشیره‌ای و یا حتی نگرش مردسالارانه در میان اقشاری از اهالی منطقه.^{۱۰} این تهدیدات در انتخابات پارلمانی دوم در سال ۱۳۸۹ بیشتر نیز شده بود.

۲. نگرانی گسترده از بروز تقلب

مجموعه وقایع اتفاق افتاده در جریان برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸، نگرانی از احتمال تکرار تقلب در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ را افزایش داده و حساسیت‌ها نسبت به آن را تشدید نموده بود. پایان برگزاری انتخابات و شکایت‌های واصله به کمیسیون رسیدگی به شکایات، واقعی بودن نگرانی مذکور را

۶- برگرفته از سایت رسمی کمیشنری عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد: <http://ohchr.org>

۷- برگرفته از سایت پایگاه خبری آفتاب: www.aftabnews.ir

۸- همان

۹- برگرفته از سایت پایگاه خبری آفتاب: www.aftabnews.ir

۱۰- هفته نامه واقعیت، برگرفته از سایت رسمی آن: <http://wclrf.org.af>

بیشتر بود.^۹

عدم مشارکت مردم در انتخابات اخیر، به ویژه در مناطقی که مستقیماً در معرض ناامنی قرار ندارند، مانند کابل، می تواند نشانه ناامیدی آنها از موثر نبودن روند فعلی و کاهش امید نسبت به آینده به شمار آید.^{۱۰} اگرچه زنان افغان علاقه فزاینده‌ای به امور سیاسی نشان می‌دهند، اما سطح مشارکت آن‌ها در انتخابات از مردان پایین‌تر بود؛ ناامنی و موانع اجتماعی- فرهنگی از مشارکت زنان جلوگیری کرد.

۴. ناآگاهی مردم از انتخابات و عدم استقلال در انتخاب:

به طور تخمینی می‌شود گفت که بیشتر زنان نتوانستند به صورت مستقل و براساس انتخاب شخصی خود رای بدهند. عامل اصلی این مسأله عدم آگاهی لازم و توانایی فکری برای انتخاب کردن بوده است. وقتی که آگاهی و دانش لازم وجود نداشته باشد پس انتخاب، انتخاب درستی نیست. در این صورت اندیشه‌ها و انتخاب دیگران، به ویژه انتخاب مردان خانواده بر زنان تحمیل گردیده و زنان از حق آزادی انتخاب محروم می‌شوند. به خاطر اینکه رای آن‌ها تابع خواسته‌های مردان می‌شود. اشتراک بدون آگاهی و انتخاب آزادانه در انتخابات باعث می‌شود که مشارکت خانم‌ها بدون تأثیرگذاری لازم باشد. در آن صورت حضور خانم‌ها صرفاً از لحاظ کمی تحقق پیدا می‌کند، ولی از لحاظ کیفی و موثریت حضور آنان چندان برجسته نخواهد بود.

براین اساس می‌توان گفت که مشارکت زنان در انتخابات‌های پارلمانی کشور از لحاظ کیفی بسیار ضعیف بوده است و صرفاً از لحاظ کمی حضور چشمگیر بوده است.

این نکته البته تنها شامل زمان نمی‌شود، بلکه به دلیل بی‌سوادی و ناآگاهی گسترده در جامعه افغانستان، مشارکت مردان نیز از کیفیت لازم برخوردار نبودند. آن‌ها نیز صرفاً از لحاظ کمی حضور فعال داشتند ولی انتخاب‌شان متأثر از عواملی بود که خود در آن نقش نداشتند.

علاوه براین، آزادی رای‌دهندگان برای انتخاب کاندیدشان در افغانستان با برخی رسوم اجتماعی محدود شده است؛ بعضی اوقات کاندید مورد نظر یک اجتماع توسط افراد با نفوذ محلی و یا مجتمع مشخص می‌گردد. آزادی فرد رای‌دهنده برای انتخابش توسط کاندیدان، نمایندگان آن‌ها، قوماندانان محلی و همچنان برخی از کارمندان کمیسیون مستقل انتخابات و برخی کارمندان دولتی از طریق هدایت کردن رای‌دهندگان و مبارزه انتخاباتی در مراکز رای دهی سلب گردیده است.^{۱۱}

۹- برگرفته از سایت رسمی کمیشنری عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد: <http://ohchr.org>

۱۰- برگرفته از سایت پایگاه خبری آفتاب: www.aftabnews.ir

۱۱- برگرفته از سایت رسمی کمیشنری عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد: <http://ohchr.org>

قوم‌گرایی و قبیله‌گرایی در انتخابات پارلمانی

پدیده قوم‌گرایی در جریان انتخابات، از دیگر جنبه‌های منفی انتخابات روز بیست و هفتم ماه سنبله بود. افغان‌ها شاهد بودند که در جریان انتخابات، تمایلات و احساسات قوم‌گرایی کاملاً غلبه داشت و تعداد زیادی از کاندیدها نه براساس اهلیت و لیاقت، بلکه با انگیزه‌های قومیت که یک اهرم بسیار قوی در ساختار جامعه افغانستان بشمار می‌رود انتخاب گردیدند. تعدادی از کارشناسان معتقد بودند که غلبه احساسات قوم‌گرایی در انتخابات، با روحیه دموکراسی و شایسته سالاری سازگاری ندارد، اما عده‌ای دیگر براین عقیده‌اند که افغانستان اساساً یک جامعه قوم‌گرا و قبیله سالار است و این پدیده در اعماق جامعه نفوذ دارد. از این رو، قوم‌گرایی ریشه در تاریخ، فرهنگ و ساختار اجتماعی این کشور دارد.

اما عبدالحفیظ منصور علاوه بر عوامل فرهنگی، تاریخی و اجتماعی، سیستم انتخاباتی کشور را عامل ترویج قوم‌گرایی در انتخابات می‌داند: «در این رابطه عوامل مختلف فرهنگی، تاریخی و اجتماعی می‌تواند مطرح باشد، اما عاملی که به قوم‌گرایی در این انتخابات بیشتر مؤثر بود سیستم برگزاری انتخابات یعنی رأی واحد بدون انتقال بود که از سوی دولت به اجراء درآمد. درحالیکه احزاب سیاسی به سیستم تناسبی تأکید داشتند که در این نوع سیستم برگزاری انتخابات احزاب مجال این را داشتند که برنامه‌های خود را مطرح بکند و از مردم مطابق برنامه‌های‌شان رأی بخواهند. اما باکمال تأسف که دولت با این سیستم مخالفت کرد برای این که در آینده یک پارلمان سیاسی منسجم بوجود نیاید بلکه یک پارلمان متفرق تشکیل شود و نقش احزاب سیاسی در این پارلمان بسیار کم‌رنگ باشد، به همین منظور سیستم رأی واحد بدون انتقال را اجراء کردند و همین مسئله باعث شد که هر کاندیدی بجای این که به ارائه برنامه‌های خویش بپردازد درصدد پرداختن به مسائل قومی و منطقه‌ای خود برآمدند تا از این طریق آرای لازم را برای راه یافتن به پارلمان کسب نمایند به این ترتیب این انتخابات بجای این که مردم افغانستان را به سمت ملت شدن و انتخاب شایسته به پیش ببرد متأسفانه یک گام دیگر به عقب برد.»^{۱۲}

اما احمدضیاء رفعت که سخنگوی کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی بود ظهور پدیده قوم‌گرایی در انتخابات را ناشی از سیاست‌های قوم‌گرایانه دولت می‌داند: «حتی خود دولت نیز سیاست‌های قوم‌گرایانه داشته و در طول سال‌های گذشته نتوانسته است در سطح سیاست‌های کلان مملکتی و برای ایجاد همگرایی ملی، یک استراتژی پی‌ریزی کند. در این شکی نیست که در افغانستان به دلیل گوناگونی زبان‌ها و ملیت‌ها و از سوی دیگر بدلیل این که در گذشته‌ها این کشور گرفتار دیکتاتوریهایی بوده که بعضی از اقوام و ملیت‌های ساکن در افغانستان احساس می‌کردند که از حق

۱۲- جواهری، غلام یحیی، از قول عبدالحفیظ منصور در میز گرد سیاسی رادیو دری، (۱۸۰۷۰۱۳۸۴)

جدول ۱. صف بندی های حزبی در پارلمان با تفکیک احزاب طرفدار یا مخالف دولت^{۱۵}

کرسی ها	رهبری	احزاب سیاسی
احزاب سیاسی و اعضای طرفدار دولت		
۱۰	استادربانی	جمعیت اسلامی- حزب استادربانی
۱۲	اسماعیل خان، اعطاء محمد نور، احمد ولی مسعود	دیگر جمعیت ها- حزب نهضت ملی
۱۰	پیر سید احمد گیلانی	محاذ ملی اسلامی افغانستان
۷	انور الحق احدی	حزب افغان ملت
۷	عبدالرب رسول سیاف	تنظیم دعوت اسلامی افغانستان
۵	خلیلی و انوری	هزاره ها/ اهل تشیع (حزب وحدت، حرکت اسلامی و دیگران)
۴	صبغت الله مجددی	تنظیم جبهه ملی نجات افغانستان
۳	سید اسحاق گیلانی	نهضت همبستگی ملی افغانستان
۱	جمیل کرزی	حزب همبستگی ملی جوانان افغانستان
۲۲		افراد و اشخاصیکه از دولت و یا از شخص کرزی حمایت میکنند
۸۱		مجموع طرفداران دولت
احزاب سیاسی و اعضای مخالف دولت		
۲۵	محمد یونس قانونی	حزب افغانستان نوین
۲۰	دوستم و سید نورالله	حزب جنبش ملی افغانستان
۱۸	محمد محقق	حزب وحدت مردم افغانستان
۱۲	فاروقی، صباون و گلبدین	گروه حزب اسلامی
۷	اکبری، جاوید و کاظمی	اهل تشیع (حزب وحدت، حرکت و اقتدار)
۲		دیگران
۸۴		مجموع مخالفین دولت
بی طرف و یا نامعلوم		
۷	بکتاش، احساس، کوهستانی، ناصری، نعت و بیروز	جبهه دموکرات ملی (ایتلاف ۱۴ حزب ساسی)
۶	علومی، آرین، رنجبر و تنی	احزاب چپی
۲	سید منصور نادری	حزب پیوند ملی (حزب اسماعیلیه)
۹۶		مجموع اعضای که صف حزبی شان معلوم نیست
۴۸		مجموع اعضای که به کدام حزب تعلق ندارند
۹۴۲		مجموع

و حقوق خویش محروم اند. در دو، سه دهه اخیر که زمینه برای حضور اقوام مختلف در صحنه پیدا شده است به صورت طبیعی این تعصبات قومی بیشتر آشکار شد و مجالی برای تبارز پیدا کرده است. متأسفانه بدلائل مختلفی بخصوص در زمان جنگ برای تعصبات بیشتر دامن زده شده است و عمیقاً افغانستان گرفتار نوعی واگرایی های ملی است. در چنین شرایطی است که انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی برگزار گردید و طبیعی هم بود که واگرایی های ملی یکبار دیگر تبلور و بروز کند که چنین هم شد و دلیل آن هم این است که طی چهار سال اخیر و پس از تحولاتی که در افغانستان بوقوع پیوست دولت نتوانسته است سیاست های کلان و موفقی را در عرصه همگرایی های ملی در جامعه پیاده کند و فرهنگ ملت شدن را جایگزین ملیت گرایی ها و قوم گرایی ها نماید. نه تنها دولت نتوانسته کاری را انجام دهد بلکه خود دولت هم در تشدید گرایشات قومی نقش داشته است.^{۱۳}

محمد جواد برهانی استاد دانشگاه معتقد است که قوم گرایی و قبیله گرایی باعث شد که مردم نتوانند انتخاب دقیق و شایسته داشته باشند: «اینکه مردم نتوانستند آگاهانه و بدون در نظر داشت هیچ گونه تبعیضی رای بدهند باعث شد تا ما از انتخابات نتیجه مطلوبی بدست نیاوریم. مردم بیشتر به اساس قومیت رای دادند تا به اساس تشخیص درست؛ بدون اینکه از خود بپرسند که شخص مورد نظر آیا شایستگی لازم را دارد یا خیر. ما آدم های شایسته، با کفایت، تحصیل کرده و مقتدری هم داریم که آشنایی لازم را با مسایل سیاسی دارند ولی متأسفانه به دلیل گرایشات قومی و قبیله ای نتوانستند به پارلمان راه بیابند. از آن سو، اشخاصی به پارلمان راه یافتند که بسیار ضعیف و بعضی های شان کم سواد بودند، اما چون پشتیبانان قوی داشتند و متعلق به یک گروه قومی قوی و غالب بودند و از حمایت قومی برخوردار بودند به راحتی به پارلمان راه یافتند.»^{۱۴}

ترکیب پارلمان اول بر اساس طرفداری یا مخالفت نمایندگان با حکومت:

پارلمان افغانستان یک نهاد چند پارچه و چند فراکسیونی است که این از ابتدا بنابر عدم حضور احزاب سیاسی مقتدر قابل پیش بینی بود. بطور تخمینی بر اساس تحلیلی که از سابقه کاندیدان و احزاب سیاسی و صف بندی های حزبی در پارلمان افغانستان نشان داده شده است اعضای شورای ملی افغانستان یا مستقل و یا مربوط و یا طرفدار یکی از ۳۳ حزب سیاسی خواهند بود. از طرف دیگر این ها همه در سه طبقه مختلف و ناپایدار ذیل طبقه بندی شده می توانند: **طرفدار حکومت:** ۸۱ نفر از اعضای پارلمان شامل اعضای

۱۳- جواهری؛ یحیی، از قول احمد ضیا رفعت در میز گرد سیاسی رادیو دری، (۱۸۰۷۰۱۳۸۴)

۱۴- مصاحبه با محمد جواد برهانی استاد دانشکده علوم اجتماعی در دانشگاه کاتب (۲۱۰۷۰۱۳۹۰)

15. [http://www.areu.org.af/Uploads/EditionPdfs/531D-A_House Divided-print.pdf](http://www.areu.org.af/Uploads/EditionPdfs/531D-A_House%20Divided-print.pdf)

طول ده سال اخیر برای رفع این مشکل تلاش‌های زیادی صورت گرفته است، ولی هنوز راهی طولانی در پیش است.

محمد جواد برهانی استاد دانشگاه با اشاره به پیشینه تاریخی این مشکل می‌گوید: «در گذشته برای زنان هیچ جایگاه و نقشی را نمی‌دیدیم ولی امروزه تعدادی از خانم‌ها در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی حاضر شدند و قدم‌های جدی برای دفاع از خود و حقوق شهروندی شان برداشتند و امروز این نقش قابل توجه است. ولی تا هنوز به آن جایگاه شایسته‌ای که برای زنان در مجلس نمایندگان باید داده شود نرسیده‌اند و یا به شکل ساختاری از آن حفاظت نشده است. به طور مثال در کادر اداری پارلمان به ندرت دیده می‌شود که خانم‌ها ریاست کمیسیون‌ها را به عهده داشته باشند. یا در تصمیم‌گیری‌های درون پارلمان زیاد تاثیر گذار باشند. نظر به پیشینه مرد سالارانه که افغانستان دارد، امروز هم تقریباً نگاه همانگونه است. در پارلمان برای خانم‌ها زمینه داده نمی‌شود تا اظهار نظر نمایند. البته اظهار نظرهایی صورت می‌گیرد ولی چندان اثری به وضعیت خانم‌ها ندارد. به دلیل سطح پایین آگاهی، که همیشه دامن‌گیر خانم‌های افغانستان بوده، خانم‌ها چه در پارلمان فعلی و چه در پارلمان قبلی نقش کم رنگی را دارا بودند.»^{۱۶}

فاطمه نظری عضو مجلس نمایندگان می‌گوید: «من در دور دوم وکالت خود قرار دارم ولی باور دارم که هیچ یکی از خانم‌ها از وکالت خود در درون پارلمان رضایت ندارند. به دلیل اینکه چالش‌های فراوانی فراروی خانم‌ها قرار دارد. نسبت به هر فرد جامعه زن‌ها مشکل بیشتر دارند خصوصاً زن‌هایی که در پارلمان ایفای وظیفه می‌نمایند. حساسیت در مقابل آنان زیاد است. زمانی که مثلاً سخنی از جانب یک خانم در درون پارلمان مطرح می‌شود ده‌ها تن دیگر در مقابلش ایستاده می‌شوند که چرا یک زن این گپ را زد. با وجود اینکه حق قانونی و مدنی هر فرد قلمداد می‌شود که به عنوان یک وکیل نظر خود را مطرح کند.»^{۱۷}

خانم نظری معتقد است که مشکلات نمایندگان زن در پارلمان ریشه در متن جامعه دارد. وی از بی‌توجهی جامعه جهانی در بهبود این وضعیت شکایت می‌کند: «همان چالش‌هایی را که ما در اجتماع شاهد هستیم عین چیز را در پارلمان شاهدیم. زن‌ها در درون پارلمان نمی‌توانند حرکت وسیعی بکنند. به نظر من جامعه جهانی در این خصوص توجهی ندارد. جامعه جهانی باید سهولت‌هایی را برای توانمندسازی نمایندگان زن فراهم کند. مثلاً نمایندگان زن مشاور داشته باشند و بخاطر ارتقای ظرفیت زنان در زمینه سیاست و وظایف پارلمانی ورکشاپ‌هایی را دایر نمایند و کارهایی دیگر در رابطه با بالا بردن سطح آگاهی زنان در عرصه‌های مختلف انجام دهند.»^{۱۸}

۱۶- مصاحبه با محمد جواد برهانی استاد دانشکده علوم اجتماعی در دانشگاه کاتب (۲۱.۰۷.۱۳۹۰)

۱۷- مصاحبه با فاطمه نظری نماینده مردم کابل در پارلمان (۰۸.۰۸.۱۳۹۰)

۱۸- همان

مستقل و طرفداران ۱۳ حزب سیاسی که می‌توان این احزاب را احزاب طرفدار حکومت بحساب آورد.

مخالف حکومت: ۸۴ نفر از اعضای پارلمان شامل اعضای مستقل و طرفداران ۹ حزب سیاسی، که می‌توان آن‌ها را در جمع احزاب مخالف حکومت بشمار آورد.

بی‌طرف و یا نامعلوم: ۸۴ نفر از اعضای پارلمان را می‌توان در این گروه دسته‌بندی کرد. ۶۹ نفر از این جمله اعضای مستقل بوده و ۱۵ نفر دیگر طرفداران احزاب سیاسی چپی یا دموکرات‌اند که در کدام صف‌بندی خاصی شامل نبوده و اتحاد سیاسی آنها تاکنون نامعلوم بوده است.^{۱۹}

احزاب سیاسی و نقش آنان در پارلمان:

در برابر تقویه یک سیستم موثر حزبی در افغانستان چالش‌های مهمی قرار دارد. بیشتر احزاب حمایت قدرتمندی از هواداران و اعضای خود نمی‌توانند و اکثر آنها منابع کمی در دسترس دارند و قدرت و نفوذ آنها نیز خیلی کم است. از طرف دیگر احزاب سیاسی توسط دولت نیز تشویق نشده و می‌توان این ادعا را مبنی بر تعیین یک نظام انتخاباتی که در آن نقش احزاب سیاسی بسیار کم بوده است، به وضوح مشاهده کرد. اما از همه مهم‌تر مشکل‌ترین و عمده‌ترین چالشی که در برابر احزاب سیاسی قرار دارد، اینست که مردم افغانستان از آنان تصویر خوبی ندارند، اعم از کمونیست‌ها و احزاب دوران جهاد که نقش منفی را در تاریخ پرخاطره افغانستان داشته‌اند.

در انتخابات پارلمانی، اگر چه بعضی از کاندیدان به احزاب سیاسی خاصی وابسته بودند، اما بنابر گفته‌های فوق، فقط منحیت کاندیدان مستقل ثبت نام نموده بودند. از ۵۹۰۰ نفر کاندید تنها ۲۴۱ نفر (۱۲.۸ درصد) به حیث کاندید احزاب سیاسی ثبت شده بودند. از ۲۴۹ نفر اعضای منتخب ولسی جرگه، ۸۸ نفر یعنی تقریباً ۳۵ فیصد آن عضویت احزاب سیاسی را داشته‌اند.

نقش زنان نماینده در پارلمان

چنانچه قبلاً نیز اشاره شد، در پارلمان اول ۶۸ کرسی و در پارلمان دوم ۶۹ کرسی از مجموع ۲۴۹ کرسی مجلس نمایندگان به زنان تعلق گرفت. این مقدار حضور زنان در مجلس نمایندگان نسبت به همه کشورهای همسایه و بسیاری از کشورهای دیگر وضعیت بهتری را نشان می‌دهد. با این حال، چنانچه تذکر داده شد، مشارکت و سهم زنان در پارلمان از لحاظ کیفی بسیار پایین است و نمایندگان زن اکثراً نمی‌توانند نقش بسیار موثری بازی کنند. یکی از عمده‌ترین عوامل آن نیز سنت‌های زن ستیز و فرهنگ مردسالار جامعه افغانی است. این سنت و فرهنگ خصوصاً در میان قبایل و مناطق غیرشهری بسیار برجسته‌تر و زمخت‌تر است. هرچند در

جدول ۲: نسبت شمار کاندیداهای زن هر ولایت به کرسی های اختصاصی زنان*

ولایت	کاندیداهای زن	کرسی های ویژه زنان	نسبت شمار کاندیداهای زن هر ولایت به کرسی های اختصاصی زنان
۱ ارزگان	۴	۱	۴
۲ بادغیس	۴	۱	۴
۳ بامیان	۶	۱	۶
۴ بغلان	۱۲	۲	۶
۵ بدخشان	۱۶	۲	۸
۶ بلخ	۱۴	۳	۴.۷
۷ پروان	۱۱	۲	۵.۵
۸ پکتیکا	۵	۱	۵
۹ پکتیا	۵	۱	۵
۱۰ پنجشیر	۲	۱	۲
۱۱ تخار	۱۱	۲	۵.۵
۱۲ جوزجان	۵	۱	۵
۱۳ خوست	۵	۱	۵
۱۴ دایکندی	۶	۱	۶
۱۵ زابل	۷	۱	۷
۱۶ سرپل	۱۱	۱	۱۱
۱۷ سمنگان	۵	۱	۵
۱۸ غزنی	۱۳	۳	۴.۳
۱۹ غور	۱۲	۲	۶
۲۰ فاریاب	۱۰	۳	۳.۳
۲۱ فراه	۵	۱	۵
۲۲ قندوز	۱۲	۱	۱۲
۲۳ قندهار	۱۰	۳	۳.۳
۲۴ کابل	۱۰۲	۹	۱۱.۳
۲۵ کاپیسا	۱۱	۱	۱۱
۲۶ کنر	۲	۱	۲
۲۷ لغمان	۷	۱	۷
۲۸ لوگر	۸	۱	۸
۲۹ ننگرهار	۲۴	۴	۶
۳۰ نورستان	۸	۱	۸
۳۱ نیمروز	۳	۱	۳
۳۲ وردک	۹	۲	۴.۵
۳۳ هلمند	۷	۲	۳.۵
۳۴ هرات	۲۴	۵	۴.۸
۳۵ کوچی ها	۱۰	۳	۳.۳

* کمیسیون مستقل انتخابات، برگرفته از سایت فارسی بی بی سی: www.bbcpersian.com

فاطمه نظری بخشی از مشکل نمایندگان زن را ناشی از ناتوانی خود شان نیز می داند: «متأسفانه خانم هایی که در این دوره اشتراک نمودند ضعیف هستند و نقش چندانی ندارند. تا هنوز زنان نماینده کاری که چشمگیر و وسیع باشد انجام ن داده اند. تنها در رابطه با قانون محو خشونت علیه زنان یک مقدار کار شده ولی کار قناعت بخشی صورت نگرفته است.»^{۱۹}

وی با این حال از زمینه هایی که در اختیار زنان است ابراز رضایت می کند و می گوید: «با آن هم خداوند را شکرگزار هستیم. در همین شرایط هم جایگاه زنان بد نیست و ۲۵ فیصد پارلمان را زنان تشکیل می دهند. ما تلاش های خود را برای بهبود این وضعیت می کنیم و هستند یک تعداد خانم هایی که در دوره قبلی هم در پارلمان حضور داشتند که تلاش می کردند و نظر خود را بیان می نمودند.»^{۲۰}

خانم فوزیه حبیبی از فعالان سیاسی زن معتقد است که در پارلمان مسئله زن و مرد مطرح نیست بلکه سرنوشت ملت مطرح است. با این حال دفاع از حقوق زن یکی از وظایف اصلی نمایندگان زن در پارلمان محسوب می شود. به گفته ایشان در پارلمان باید از عزت، حیثیت و کرامت زن افغان به عنوان یک انسان دفاع لازم صورت بگیرد. فوزیه حبیبی می گوید: «هرچند که پارلمان یک نهاد قانون گذار است و مسائل عمومی کشور را بیشتر در بر می گیرد و جایگاهی نیست که صرفاً بخواهیم از حق و حقوق یک قشر خاص صحبت کنیم اما از آنجائی که باز هم می شود در پارلمان مسائل و موضوعات مختلف را مطرح کرد و زنان هم به عنوان قشر عظیم جامعه از حق و حقوقی برخوردارند، نمایندگان مردم به خصوص نمایندگان زن در پارلمان، این رسالت را دارند که در رابطه با احقاق حقوق خانم ها و دادن آزادی های مشروع برای این عضو اصلی و مهم جامعه تلاش نمایند.»^{۲۱} خانم حبیبی بر ضرورت هماهنگی و همفکری با نمایندگان دیگر برای انجام کار موثر در زمینه حقوق زنان تأکید می کند: «بنده اگر در پارلمان حضور داشته باشم بیشتر سعی خواهم کرد یک همفکری با سایر نمایندگان به وجود بیاوریم تا جایگاه واقعی زنان را در جامعه و حتی تصمیم گیری های مهم کشور ارج گذاریم. هرچند که در پارلمان مسئله زن و مرد مطرح نمی باشد اما از آنجائی که در طول سال های متمادی زنان در جامعه افغانستان مظلوم واقع شده اند و از هرگونه حقوق و امتیازات اجتماعی خویش محروم مانده اند بنابراین لازم است در جهت زنده نمودن هویت زنان و زنده کردن حقوق آنان بیشتر تلاش شود. حضور زنان در پارلمان باعث تشویق سایر زنان جامعه برای مشارکت در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی و سیاسی کشور خواهد بود.»^{۲۲}

۱۹- همان

۲۰- همان

۲۱- فوزیه حبیبی، در میزگرد سیاسی برون مرزی خراسان: <http://dari.irib.ir>

۲۲- همان

پیشنهادهای و راه‌حل‌ها برای حمایت از مشارکت زنان در انتخابات

متأسفانه ده سال پس از سقوط طالبان و ایجاد اداره جدید هنوز جایگاه زنان در نظام سیاسی افغانستان از روی کاغذ به صحنه عمل وارد نشده است. آزادی‌های مدنی زنان به بهانه‌های مختلف در بند کشیده می‌شود و زنان در محلات افغانستان از ابتدایی‌ترین حقوق بشری محروم می‌باشند. با آنکه در این مدت جامعه جهانی به منظور بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و آموزش و پرورش زنان میلیون‌ها دالر را اختصاص داده و ده‌ها نهاد ملی و بین‌المللی برای دفاع از حقوق زنان و بهبود شرایط زندگی آنان آغاز به کار نموده، ولی متأسفانه از مجموع این تلاش‌ها نتایج قابل ملاحظه‌ای که دگرگونی واقعی را در حیات زنان به وجود بیاورد به دست نیامده است. با این مشکلات و چالش‌های دست و پاگیر چگونه می‌توان مقابله نمود و با کدام شیوه‌ها و راهکارها می‌توان آنها را از سر راه زنان افغانستان برداشت؟

بی شک اولین گام برای رفع این موانع به رسمیت شناختن زنان به عنوان بازیگران تاثیرگذار در جامعه است. چنانچه گفته شد، قانون اساسی و قانون انتخابات افغانستان حمایت‌های قانونی خوبی برای مشارکت سیاسی زنان خلق کرده است. اما در عمل زنان هنوز با مشکلات و چالش‌های فراوانی مواجه‌اند.

ما در اینجا به کمک اعلامیه کمیته مشارکت سیاسی زنان، کمپاین ۵۰٪ زنان افغانستان و دیگر فعالان حقوق زن پیشنهادات مشخصی در زمینه توانمندسازی و تقویت مشارکت سیاسی زنان ارائه می‌نماییم:

۱- تلاش در جهت دستیابی به صلح پایدار و عادلانه در کشور از طریق یافتن راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز و پایان بخشیدن به راه‌حل‌های جنگجویانه و مذاکرات غیر شفاف با عاملین جنگ‌ها و سرکوب: زنان قربانیان اصلی بیش از سه دهه جنگ بوده‌اند. پرداختن به جنگ و بودن در شرایط جنگی باعث از بین رفتن بسیاری از فرصت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و عقب ماندگی جامعه و مهاجرت میلیون‌ها انسان از این کشور شده است. از این رو از دولت افغانستان می‌خواهیم به منظور دستیابی به صلح پایدار و پایان بخشیدن به منازعاتی که بیش از ۳ دهه به طول انجامیده، خواست دادخواهانه ما را پاسخ گفته و مسئولیت‌پذیری در مقابل قربانیان را پیش شرط هر نوع دستیابی به صلح و در صدر برنامه‌های کاری خود قرار دهد.

۲- تامین امنیت اجتماعی زنان (در عرصه‌های کاری، دسترسی به سیستم قضایی عادلانه): لازمه گام برداشتن در عرصه‌های مختلف اجتماعی، برخورداری از امنیت اجتماعی و آزادی‌های فردی است که خود دربرگیرنده امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و قضایی می‌باشد. ما از دولت می‌خواهیم در راستای تامین امنیت اجتماعی

انتخابات پارلمانی افغانستان به روایت آمار

ولایت	کاندیداهای زن	کرسی‌های ویژه زنان	نسبت شمار کاندیداهای زن هر ولایت به کرسی‌های اختصاصی زنان
۱ ارزگان	۴	۱	۴
۲ بادغیس	۴	۱	۴
۳ بامیان	۶	۱	۶
۴ بغلان	۱۲	۲	۶
۵ بدخشان	۱۶	۲	۸
۶ بلخ	۱۴	۳	۴.۷
۷ پروان	۱۱	۲	۵.۵
۸ پکتیکا	۵	۱	۵
۹ پکتیا	۵	۱	۵
۱۰ پنجشیر	۲	۱	۲
۱۱ تخار	۱۱	۲	۵.۵
۱۲ جوزجان	۵	۱	۵
۱۳ خوست	۵	۱	۵
۱۴ دایکندی	۶	۱	۶
۱۵ زابل	۷	۱	۷
۱۶ سرپل	۱۱	۱	۱۱
۱۷ سمنگان	۵	۱	۵
۱۸ غزنی	۱۳	۳	۴.۳
۱۹ غور	۱۲	۲	۶
۲۰ فاریاب	۱۰	۳	۳.۳
۲۱ فراه	۵	۱	۵
۲۲ قندوز	۱۲	۱	۱۲
۲۳ قندهار	۱۰	۳	۳.۳
۲۴ کابل	۱۰۲	۹	۱۱.۳
۲۵ کاپیسا	۱۱	۱	۱۱
۲۶ کنر	۲	۱	۲
۲۷ لغمان	۷	۱	۷
۲۸ لوگر	۸	۱	۸
۲۹ ننگرهار	۲۴	۴	۶
۳۰ نورستان	۸	۱	۸
۳۱ نیمروز	۳	۱	۳
۳۲ وردک	۹	۲	۴.۵
۳۳ هلمند	۷	۲	۳.۵
۳۴ هرات	۲۴	۵	۴.۸

منابع و رویکردها:

۱. احمد ضیا رفعت در میز گرد سیاسی رادیو دری، نویسنده غلام یحیی جواهری (۱۸۰۷۰۱۳۸۴)
۲. فوزیه حبیبی در میزگرد سیاسی برون مرزی خراسان در: <http://dari.trib.ir>
۳. سایت انیستیتوت دیموکراتیک ملی <http://ndi.org>
۴. عبدالحفیظ منصور در میزگرد سیاسی رادیو دری، نویسنده غلام یحیی جواهری (۱۸۰۷۰۱۳۸۴)
۵. کمیته مشارکت سیاسی زنان و کمپاین ۵۰٪ زنان افغانستان، برگرفته از: <http://www.mihan-af.com>
۶. کمیسیون مستقل انتخابات، برگرفته از سایت فارسی بی بی سی: www.bbcpersian.com
۷. گرفته شده از وب سایت هفته نامه واقعیت. <http://wclrf.org.af>
۸. نتایج انتخابات پارلمانی دور اول در افغانستان، از سایت <http://ariaye.com>
۹. مصاحبه با فاطمه نظری نماینده مردم کابل در پارلمان (۰۸۰۸۰۱۳۹۰)
۱۰. مصاحبه با محمد جواد برهانی استاد دانشکده علوم اجتماعی در دانشگاه کاتب (۲۱۰۷۰۱۳۹۰)
11. <http://farhangistan.net>
12. <http://ohchr.org>
13. <http://ohchr.org>
14. <http://ohchr.org>
15. <http://www.areu.org.af/Uploads/EditionPdfs/531D-A-House-Devided-print.pdf>
16. www.aftabnews.ir
17. www.aftabnews.ir
18. www.aftabnews.ir

که موجب باز شدن درهای انکشاف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به روی زنان می‌شود، تلاش عملی نماید و در گام نخست در جهت ایجاد و استحکام زیر ساختارها گام بردارد.

۳- اعلام بسیج عمومی برای سواد آموزی زنان و تخصیص منابع مورد نیاز مالی و انسانی به این امر مهم: بسیاری از مشکلاتی که جامعه فعلی افغانستان با آن دست به گریبان است به ویژه وضعیت نابسامان زنان، بر خواسته از سطح پایین سواد و آگاهی در میان مردم است که در این میان نسبت بی‌سوادی در میان زنان بیشتر از مردان است. ما از دولت افغانستان می‌خواهیم که در عین توجه به آموزش کودکان و کسب اطمینان از دسترسی تمام کودکان این سرزمین اعم از دختر و پسر، به امکانات آموزشی و تحصیلی رایگان و با کیفیت، با استفاده از امکانات و مجموعه ظرفیت‌های خود، در جهت رفع معضل بی‌سوادی در میان زنان بزرگسال اقدامات بسیار موثری انجام دهد و با اعلام بسیج عمومی برای سواد آموزی از تمام ظرفیت‌های داخلی و خارجی استفاده نماید.

۴- تلاش در جهت رفع قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان و گنجاندن اصل برابری جنسیتی بدون قید و شرط در تمام قوانین: همه قوای سه گانه باید خود را مسئول و متعهد در برابر رفع قوانین تبعیض‌آمیز بدانند که در این زمینه ابتدا باید قوانین عادی به نفع حقوق زنان اصلاح شوند. برای تغییر کیفی قوانین نابرابر و حتی رسوم، تعصبات و سنت‌های ضد زن می‌بایست سیاست‌های مشخص فرهنگی و آموزشی بلند مدت و حمایت‌های قانونی از طرف دولت روی دست گرفته شود و هم در سطح مکاتب و هم از طریق رسانه‌های عمومی تبلیغ و تکثیر شود. تجربه جهانی حکومت‌های مردمی که هدف پیشرفت و انکشاف کشور را دارند نشان می‌دهد که برای مقابله با معضل سنت‌های عقب مانده و تبعیض‌آمیز روابط قدرت، می‌بایست سیاست‌های همه جانبه و طولانی مدت را در پیش گرفت.

۵- تلاش در جهت ایجاد فرصت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برابر میان زنان و مردان: زنان به عنوان نیمی از جامعه انسانی کشور افغانستان از بسیاری از فرصت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی محروم‌اند. همانطور که در کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، که کشور افغانستان نیز آن را امضا نموده است، آمده است زنان باید بتوانند در کلیه انتخابات و همه پرسی‌ها، چه به عنوان رای دهنده و چه به عنوان کاندیدا شرکت کنند و دولت‌ها باید زنان را بدون هیچگونه تبعیض و در شرایط مساوی با مردان، در مدیریت کشور، یعنی در تمامی ادارات، مجامع و سازمان‌های دولتی، چه در داخل و چه خارج از کشور سهم سازند.^{۲۳}

۲۳- کمیته مشارکت سیاسی زنان و کمپاین ۵۰٪ زنان افغانستان، برگرفته از: <http://www.mihan-af.com>

زهره مهرجو روفیان - هرات

بررسی نقش زنان در پارلمان (هرات)

پیش در آمد

در نظام‌های سیاسی دموکراتیک و مردمی، پارلمان یکی از اجزای مهم دولت به شمار می‌رود. برای اینکه دولت پاسخگوی مردم باشد داشتن مجلس نمایندگان حتمی و حیاتی است ولی این نهاد در صورتی می‌تواند نقش موثرتر و بهتر بازی کند که اعضای آن از توانایی و تعهد کافی نسبت به وظایف و مسئولیت‌های‌شان برخوردار باشند. از جانبی دیگر، این نهاد باید از اقشار مختلف جامعه نمایندگی بتواند و خواست‌های آنان را در تصامیم و مصوبات خود بازتاب دهد و یا منافع آنان را مدنظر قرار دهد. بر همین اساس خواسته‌های زنان، که نیمی از پیکره جامعه را تشکیل می‌دهند، باید مورد توجه آن قرار داشته باشد و نمایندگانی از میان آنان در این نهاد عضویت داشته باشند.

مشارکت زنان در انتخابات و عضویت آنان در مجلس نمایندگان در قانون اساسی و قانون انتخابات افغانستان از حمایت‌های قانونی برخوردارند و می‌توانند برابر با مردان از حق مشارکت سیاسی، چه در حد رای‌دهنده و چه در موقف کاندید، برخوردار باشند. علاوه بر این، قانون حداقل ۲۵ درصد مجلس نمایندگان کشور را سهم زنان پیش‌بینی کرده است؛ یعنی این مقدار برای زنان محفوظ است و برای بیشتر از آن می‌توانند با رقیبان مرد خود رقابت کنند. بر این اساس، حضور کمی زنان از حمایت قانونی برخوردار است. اما موثریت زنان در مجلس نمایندگان بسته به حضور کیفی و نقش موثر آنان نیز دارد. این مسأله بستگی به توانایی‌های شخصی و ظرفیت اقدام هماهنگ و سازمان‌یافته آنان در مجلس دارد.

تحقیق حاضر تلاش می‌کند میزان حضور و نقش زنان را در مجلس نمایندگان افغانستان مورد بررسی قرار دهد. این تحقیق ناظر بر دو انتخابات پارلمانی کشور است که در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۹ برگزار شد. همچنین این تحقیق محدود به ولایت هرات است و به ولایات دیگر و یا کل کشور فقط در حد توضیح بعضی از مسایل اشاره خواهد کرد.

ضمناً به نقش افراد متنفذ و قدرتمند و احزاب سیاسی نیز در

انتخاب کاندیدان زن پرداخته خواهد شد. به ویژه بر نقش احزاب سیاسی تأکید خواهد شد، زیرا وجود احزاب سیاسی ارتباط مستقیم با پارلمان کشور دارد و نقش آنها می‌تواند مهم و حیاتی باشد. این که احزاب سیاسی در کشور نیروهای مثبت تلقی می‌شوند یا منفی، وابسته است به رسالت و پویایی یک حزب سیاسی. چه بسا احزابی در کشور و در هرات فعالیت دارند که با هدفمندی و استراتژی مشخص سیاسی کاندیدان و نمایندگان زن را کمک می‌کنند و آنان را مورد حمایت قرار می‌دهند.

همچنین در این تحقیق به توانایی‌ها و از جمله سطح سواد و دانش نمایندگان زن هرات و نیز نگرش مردم به نمایندگی زنان پرداخته خواهد شد.

هدف تحقیق:

هدف کلی این تحقیق شناخت شاخص‌های تأثیرگذار روی اعضای پارلمان و تثبیت نقش زنان در مجلس است. در این بخش روی این مسأله که کدام فکتورها می‌توانند روی انتخاب اعضای پارلمان، نقش نماینده‌های زن و تصمیم‌گیری و کیلان زن از ولایت هرات در پارلمان نقش داشته باشند، تمرکز شده است.

همچنین پارلمان فعلی با پارلمان گذشته مورد مقایسه قرار خواهد گرفت. به تفاوت‌های پارلمان اول و پارلمان کنونی اشاره می‌کنیم. نماینده‌های زن در مجلس اول را با نمایندگان زن مجلس فعلی مورد مقایسه قرار می‌دهیم. و در کل میزان موفقیت هردو پارلمان را می‌سنجیم.

زمینه‌های قانونی مشارکت زنان در انتخابات:

چنانچه می‌دانیم، انتخابات و مشارکت سیاسی شهروندان یکی از اصول اساسی دموکراسی می‌باشد و خود دارای پیش شرط‌های امنیتی، اقتصادی، سطح آگاهی بلند، رشد جامعه مدنی و احزاب سیاسی می‌باشد. ولی متأسفانه مشارکت مردم در انتخابات با مشکلات و چالش‌های فراوانی مواجه است. مشکلاتی همچون

نامنی، فساد و تقلب، سطح پایین آگاهی سیاسی مردم، فرهنگ سنتی و ناتوانی اقتصادی بخشی از این مشکلات است. زنان بیشتر از مردان از این محدودیت‌ها آسیب می‌بینند. با این همه، نخستین انتخابات شورای ملی همزمان با انتخابات شوراهای ولایتی در ماه سنبله ۱۳۸۴ و انتخابات دوم پارلمانی در ۲۷ سنبله ۱۳۸۹ برگزار شد. براساس حکم قانون، اتباع افغانستان که برای حداقل ده سال تابعیت این کشور را دارا بوده‌اند می‌توانستند خود را منحیت کاندید نامزد نمایند، به شرط اینکه به جرایم ضدبشری یا جنایت محکوم نشده یا از حقوق مدنی‌شان از سوی محکمه محروم نشده باشند. سن تمام کاندیدان برای ولسی جرگه باید بیشتر از ۲۵ سال و برای مشرانو جرگه بیشتر از ۳۵ سال باشد.

براساس قانون انتخابات زنان ۲۵ درصد اعضای پارلمان را تشکیل می‌دهند و از هر ولایت مطابق نفوس آن نماینده زن در پارلمان راه پیدا می‌کنند. در فقره پنجم ماده ۸۳ قانون اساسی افغانستان آمده است که «در قانون انتخابات باید تدابیری اتخاذ گردد که نظام انتخاباتی، نمایندگی عمومی و عادلانه را برای تمام مردم کشور تأمین نماید و به تناسب نفوس از هر ولایت، طور اوسط حداقل دو وکیل زن در ولسی جرگه عضویت یابد.»^۱

قانون انتخابات نیز در فقره اول ماده ۲۲ مقرر می‌دارد که: «کمیسیون (انتخابات) برای تعیین حداقل کاندیدان زن که در هر ولایت باید انتخاب شوند طرزالعمل‌ها و فورمولی را ترتیب می‌نماید که مبتنی بر نفوس هر ولایت باشد، تا مقتضیات ماده هشتاد و سوم قانون اساسی که باید تعداد کاندیدان منتخب زن حداقل دو چند تعداد ولایات موجوده باشد، تأمین گردد.»^۲

این تصریحات قانونی حمایت‌های خوبی از حضور و مشارکت زنان در مجلس نمایندگان را فراهم می‌سازد. زنان با استفاده از این حمایت‌های قانونی در انتخابات‌های کشور فعالانه شرکت کردند. در اولین انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۳، برای اولین بار یک زن کاندید ریاست جمهوری شد، حدود ۴۱.۵ درصد زنان برای شرکت در انتخابات ثبت نام کردند. این میزان در سال بعد برای اشتراک در انتخابات پارلمانی، به ۴۴ درصد رسید. ۲۷ درصد اعضای مجلس نمایندگان (۶۸ کرسی از مجموع ۲۴۹ کرسی)، و ۲۲.۵ درصد سنا (۲۳ کرسی از مجموع ۱۰۲ کرسی) در پارلمان را زنان تشکیل می‌دادند و نزدیک به ۲۹ درصد از کرسی‌های شوراهای ولایتی (۱۲۱ کرسی از مجموع ۴۲۰ کرسی) را در دور قبلی در اختیار خود داشتند.^۳

به اساس گزارش کمیسیون انتخابات، در دومین انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸، از میان ۴۱ تن از کاندیدان دو کاندید زن نیز وجود داشت و از میان ۳۱۸۰ تن از نامزدان شوراهای ولایتی حدود ۳۳۳ تن آنان را زنان تشکیل می‌دادند. در این انتخابات حدود ۴۷۰۰۰ تن از زنان به عنوان کارمندان انتخاباتی در سراسر کشور به صورت موقتی استخدام شده بودند که ۳۹ درصد مجموع کارمندان موقت انتخاباتی را تشکیل می‌دادند و نزدیک به ۶۲۰۰۰ تن از زنان به عنوان ناظر انتخابات شرکت کرده بودند که ۲۲ درصد مجموع ناظرین انتخابات را شامل می‌شدند. بنابر گزارش کمیسیون انتخابات ۳۸.۲ درصد از مجموع رای‌دهندگان در این انتخابات را زنان تشکیل می‌دادند.^۴

در دومین انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۹، به اساس گزارش کمیسیون انتخابات حدود ۴۰۳ میلیون نفر در انتخابات شرکت کرده بودند که حدود ۳۹ درصد (۱۵۷۹۰۴۶۸ نفر) آنان را زنان تشکیل می‌دادند که اندکی کاهش را نسبت به انتخابات گذشته نشان می‌دهد. در این انتخابات حدود ۴۱۳ تن از زنان به عنوان کاندید در انتخابات سهم گرفتند که حدود یک چهارم مجموع کاندیدان بود. در نتیجه این انتخابات حدود ۶۹ زن به مجلس نمایندگان راه یافتند. هرچند در این دور یک کرسی بیشتر به زنان اختصاص یافته است، اما در این دور تنها ۱۲ تن در رقابت با مردان و بدون استفاده از سهمیه ۲۵ درصدی، به پارلمان راه یافتند، در حالی که در انتخابات پارلمانی گذشته، ۲۹ نفر در رقابت با مردان به پارلمان راه یافته بودند. این نکته بیانگر آن است که زنان این بار با محدودیت بیشتر و شانس کمتری مواجه بوده‌اند.^۵

مشارکت زنان ولایت هرات در انتخابات‌های پارلمانی و چالش‌های فراروی آنان:

در ولایت هرات نیز، زنان در دو انتخابات پارلمانی گذشته توانستند به صورت فعال مشارکت ورزند. در هردو پارلمان شماری از زنان از ولایت هرات به حیث نماینده‌های این ولایت به مجلس نمایندگان راه یافتند و همراه با مردان در تصمیم‌گیری‌های مهم و حیاتی کشور نقش بازی کردند.

با این حال، طبیعی است که با توجه به محدودیت‌ها و مشکلاتی که زنان با آن در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مواجه‌اند، کارایی آنان تا حدود زیادی صرف مبارزه با این محدودیت‌ها و مشکلات می‌شود. عمده‌ترین چالش از این جهت، چالش فرهنگی و سنتی است. «این محدودیت در سطح کشور و گاه حتا در سطح مدیریت

۴- کمیسیون انتخابات افغانستان، دریافت شده از سایت رسمی آن در تاریخ ۱۵ حوت ۱۳۹۰ به این آدرس: http://www.iec.org.af/results_10/pdf/turnout_summary_4all.pdf?phpMyAdmin=5918814359a9c7d86aebc64a35a592d

۵- بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان (فیفا)، گزارش بخش زنان در انتخابات ولسی جرگه سال ۱۳۸۹، دریافت شده به تاریخ ۸ قوس ۱۳۹۰ از این آدرس: <http://www.fefa.org.af/dari/fardireport/Women%20and%202010%20Parliamentary%20Elections%20Dari.pdf>

۱- وزارت عدلیه ج.ا.ا. مجموع قوانین، نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، (۱۳۹۰)، قانون اساسی، ص ۱۹

۲- وزارت عدلیه ج.ا.ا. قانون انتخابات افغانستان، ماده ۲۲

۳- یونیفم، پیشرفت برای زنان پیشرفت برای همه است، سایت یونیفم، دریافت شده به تاریخ ۱۵ حوت ۱۳۹۰ به این آدرس: http://www.unifem.org/afghanistan/media/pubs/o8/factsheet_DR.html



کشور نیز وجود دارد. باورهای سنتی حاکم بر جامعه افغانستان، زنان را از پرداختن به سیاست و امور مربوط به تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های سیاسی باز می‌دارد. طبق این باور، گفته می‌شود که زنان باید در انقیاد مردان باشند و در هر امری از دستور آنان متابعت کنند.^۶ بنابر باورهای سنتی رایج در جامعه افغانستان، زنان نباید در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی دخالت کنند. آن‌ها از توانایی و ظرفیت‌های کمتری نسبت به مردان برخوردارند و حتی برای به حاشیه راندن آن‌ها روایت‌سازی‌های مذهبی نیز صورت گرفته است. چنانچه در اعلامیه شورای علمای سرتاسری افغانستان نیز آمده است که «در خلقت بشر، مرد اصل و زن فرع می‌باشد»... و زنان نباید بدون محرم شرعی‌شان سفر کنند و از «اختلاط

با مردان بیگانه در عرصه‌های مختلف اجتماعی، مانند تعلیم، تحصیل، بازار، دفاتر و سایر شئون زندگی» دوری نمایند.^۷ نتیجه قطعی این گونه باورها محرومیت زنان از وارد شدن در حوزه عمومی، به ویژه پرداختن به مسایل سیاسی و تعیین سرنوشت سیاسی‌شان است.^۸ در چنین وضعیتی به صورت طبیعی حضور زنان از یک حضور سمبلیک شروع می‌شود. هرچند این حضور سمبلیک مورد انتقاد بعضی از افراد قرار دارد، اما بعضی‌ها این حضور سمبلیک را در بستر سنتی فرهنگ افغانستان دستاورد بزرگی می‌دانند و معتقدند که زنان می‌توانند از این حضور سمبلیک برای تثبیت جایگاه و نقش خود استفاده کنند. عبدالقادر رحیمی رئیس دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر در حوزه غرب می‌گوید: «نقش زنان در پارلمان هرچند که سمبولیک هم باشد ارزنده است و زنان توانسته‌اند با استفاده از این نقش سمبولیک، جایگاه واقعی خود را در پارلمان بدست آرند. زنان و فعالان مدنی باید از این فرصت بهترین استفاده را انجام دهند.»^۹

اما گلثوم صدیقی رئیس بنیاد زنان حقوقدان افغانستان معتقد است که از این نقش سمبولیک زنان بیشتر افراد دیگر و به ویژه گروه‌های سیاسی استفاده می‌کنند: «تعدادی از زن‌هایی که در پارلمان راه

۶- کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، نگاهی به حضور و نقش زنان در حوزه عمومی و فعالیت‌های سیاسی، حوت ۱۳۹۰، ص ۱۱

۷- متن اعلامیه شورای سرتاسری علمای افغانستان، ۱۲ حوت ۱۳۹۰، دریافت شده از سایت دفتر ریاست جمهوری افغانستان در تاریخ ۱۵ حوت ۱۳۹۰ به این آدرس:

<http://president.gov.af/fa/news/7489>

۸- کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، همان

۹- مصاحبه اختصاصی با عبدالقادر رحیمی، رئیس دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در ولایت هرات

می‌یابند از استقلال فکری بر خوردار نیستند و بیشتر نقش یک سمبول را ایفا می‌کنند. بیشتر آنان از پشتوانه‌های سیاسی برخوردار اند و افراد مافوق آنها بنابر مصالح خود آنها را حمایت می‌کنند تا بتوانند از این طریق در پارلمان نفوذ پیدا کنند و در تصمیم سهم بگیرند و از منافع خود حفاظت کنند.»^{۱۰}

این دیدگاه اما مورد انتقاد قرار دارد. شماری از صاحب‌نظران معتقد اند که حضور و مشارکت زنان در هرات مستقلانه بوده و تابع خواست و منافع هیچ کسی نبوده است. چنانچه داکتر نذیر احمد حیدر زاده وکیل شورای ولایتی در ولایت هرات می‌گوید: «زنانی که خود را کاندید کرده بودند بر اساس انتخابات آزاد و سری و بر اثر تبلیغات و کمپاین انتخاباتی بوده و ناشی از ارتباطات و پشتوانه سیاسی و دولتی نبوده است. آنها توانسته‌اند با کسب آرا به پارلمان راه یابند و هیچگاه یک وزیر و یا یک فرد با صلاحیت در دولت نمی‌تواند با فرستادن نماینده خود به پارلمان آرای همه اعضای پارلمان را به نفع خود بچرخاند.»^{۱۱}

یکی از مشکلات اصلی زنان در انتخابات مشکلات اقتصادی است. چنانچه می‌دانیم، زنان از لحاظ قدرت و فرصت‌های اقتصادی نسبت به مردان از زمینه‌های بسیار کمتری برخوردارند. در فرهنگ سنتی قبایل افغانستان، زنان هنوز از حق مالکیت بر دستمزدهای خود برخوردار نیستند و حتی اکثر زنان به کارهایی مشغول‌اند که درآمدزا نمی‌باشند. این مسأله آنان را از لحاظ مالی نیازمند حمایت‌های دیگران می‌سازد. به اعتقاد عبدالقادر رحیمی، رئیس دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر در هرات، زن‌ها برای

۱۰- مصاحبه اختصاصی با گلثوم صدیقی، رئیس بنیاد زنان حقوقدان افغانستان

۱۱- مصاحبه اختصاصی با داکتر عبدالظاهر فیض زاده، وکیل شورای ولایتی ولایت هرات

اینکه بتوانند برای راه یافتن به پارلمان به شیوه درست کمپاین نمایند نیاز به حمایت شدن دارند چون آنها از نظراقتصادی خودکفا نیستند و نمی‌توانند بودجه کمپاین شان را فراهم نمایند.^{۱۲}

ولی ضیا احمد ضیا رئیس کمیسیون انتخابات در حوزه هرات می‌گوید: «انتخابات پارلمانی بر اساس قانون انتخابات برگزار شد و افراد آزادانه خود را کاندید کردند. کاندیدان کمپاین‌های انتخاباتی راه انداختند و مردم به آنها رای دادند. برندگان زن در این انتخابات اکثراً کسانی بودند که در پارلمان گذشته عضو بودند. کارکردهای مثبت و فعالیت‌هایی که در پارلمان گذشته داشتند باعث شد که بار دیگر مردم به آنها اعتماد کرده و به آنها رای دادند.»^{۱۳}

وابستگی حزبی و نقش احزاب در انتخابات‌های پارلمانی در هرات:

بعضی از افراد فکر می‌کنند که وابستگی به احزاب سیاسی و یا حمایت احزاب و گروه‌های سیاسی از کاندیدان زن مطلقاً منفی است و نباید وجود داشته باشد. اما وابستگی کاندیدان و نمایندگان به احزاب و برخورداری از حمایت احزاب الزاماً به معنای آن نیست که نماینده استقلال عمل ندارد و یا نمی‌تواند نقش نمایندگی خود را به خوبی بازی کند. ولی چنانچه ضیا احمد ضیا رئیس کمیسیون انتخابات در حوزه هرات می‌گوید، حمایت کردن احزاب از کاندیدان یکی از شیوه‌هایی است که کاندیدان را به رسیدن به هدف کمک می‌کند، در صورتیکه هدف از حمایت کردن همانا خدمت‌گزاری احزاب به ملت و موثر واقع شدن احزاب در عرصه سیاست باشد. این یک امر معمول است که اکثریت کاندیدانی که درانتخابات ولسی جرگه سهم گرفته بودند با یک نهاد سیاسی ارتباط داشته و یا ازسوی برخی حلقات سیاسی مورد حمایت قرار گرفتند.»^{۱۴}

با وجود کارکرد موثر و مثبت احزاب سیاسی در نظام‌های دموکراسی و به ویژه در فعالیت‌های انتخاباتی، اکثر کاندیدان وابستگی و تعلق حزبی خود را پنهان می‌کنند. دلیل اینکه کاندیدان دوست ندارند خود را از سوی احزاب کاندید کنند و یا پشتوانه سیاسی و حزبی خود را آشکار سازند و ترجیح می‌دهند که کاندیدان مستقل معرفی شوند، این است که احزاب سیاسی افغانستان اکثراً احزاب جهادی گذشته هستند که هرکدام درگیر جنگ‌های داخلی بوده اند و مردم از آنها خاطرات خوشی ندارند. فعالیت ناکام این احزاب باعث شده که احزاب در مجموع بدنام شوند. ضیا احمد ضیا رئیس کمیسیون انتخابات در ولایت هرات می‌گوید: «بدبختانه همه کاندیدان مستقل بودن را در روند انتخاباتی نسبت به وابستگی شان به احزاب سیاسی ترجیح داده اند چون خوف از دست دادن آراء شان را داشته و می‌خواستند از طریق مستقل بودن رای مردم را از آن خود کنند. ولی متأسفانه بسیاری از

۱۲- مصاحبه اختصاصی با عبدالقادر رحیمی، رئیس دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در ولایت هرات

۱۳- مصاحبه اختصاصی با ضیا احمد ضیا، رئیس کمیسیون مستقل انتخابات در حوزه هرات

۱۴- همان

وکلای ما این موضوع را تا هنوز درک کرده نتوانسته اند که انتخابات یک پروسه ملی است و برای رشد، تقویت و نهادینه شدن دموکراسی در یک کشور راه اندازی می‌گردد که در این میدان احزاب سیاسی و سیاسیون نقش برجسته و موثر دارند. آنها می‌کوشند جامعه را با تلاش و معلومات‌شان بیشتر سیاسی نموده و یا آموزش سیاسی دهند نه اینکه در این پروسه کسانی که پشتوانه سیاسی دارند خود خواهان پنهان نمودن هویت سیاسی‌شان گردیده و مردم را در تاریکی قرار دهند. این موضوع درحالت کنونی دو مشکل بزرگ اجتماعی و سیاسی را بارمی‌آورد؛ اول اینکه این شیوه نامعقول باعث خطر بزرگ برای رشد و تقویت دموکراسی و نهادینه شدن افکار احزاب سیاسی در کشور می‌گردد. دوم برعلاوه اینکه کاندیدان از این روش برای ملت یک آموزش و آگاهی درست را نمی‌دهند، رأی ملت را بر مبنای معلومات اشتباه بدست آورده و سیاست را بسوی دیگرگونی بیشتر می‌کشاند. این حقیقت است که افکار عامه مردم افغانستان نظر به تاریخ تلخ گذشته که پیوسته جنگ و بی‌ثباتی آن را درخود فروبرده است، حساسیت خاصی از نام احزاب دارند. اما کاندیدان باید در راستای معلومات دهی به ملت صادق بوده و شفافیت کاری شان را از آغاز کاندیداتوری شان شروع نمایند تا با آنچه که هستند خود را در صحنه ظاهر نمایند.»^{۱۵}

کارکرد و نقش نمایندگان زن؛ ضعف سازماندهی و انسجام در پارلمان:

گذشته از اینکه زنان چگونه و از چه طریق به پارلمان راه یافته اند حال می‌پردازیم به این موضوع که زنان نماینده هرات تا چه اندازه کارکرد مثبت داشته اند و توانسته اند مشکلات زنان هرات و مردم را حل کنند. اگر به اساس مقایسه حضور زنان را نقد کنیم، دیده می‌شود که نماینده‌های زن هرات نسبت به نماینده‌های سایر ولایات حضور پر رنگ‌تر داشته اند. آنها از لحاظ کارایی نیز درخشیده اند، چنانچه بسیاری از مردم عملکردهای آنان را برای رسیدگی به خواسته‌ها و انتظارات شان نسبتاً موفق ارزیابی کرده اند و حتا نسبت به بعضی از نماینده‌های مرد از آنها ابراز رضایت بیشتر کرده اند.^{۱۶}

نجلا دهقان نژاد نماینده مردم هرات در پارلمان نیز کارکرد و نقش زنان در دو پارلمان را مثبت ارزیابی نموده می‌گوید: «زنان در مجلس سهم فعال و ارزنده داشته و همواره در تصمیم‌گیری‌های مهم و حیاتی پا به پای مردان نقش داشته‌اند.» وی می‌افزاید: «اگر در مورد کارکرد نماینده‌های زن از ولایت هرات قضاوت کنیم بیجا نخواهد بود که بگوییم زنان هرات از جمله فعال‌ترین اعضای مجلس بوده، نه تنها برای مردم هرات بلکه برای جامعه افغانی در سراسر کشور برنامه‌های کاری مفید و مثمر داشته‌اند و در عرصه‌های مختلف انکشافی و بازسازی مانند اعمار سرک‌ها، خدمات عام‌المنفعه،

۱۵- همان

۱۶- مصاحبه‌های اختصاصی با جمعی از باشندگان ولایت هرات

صحت، زراعت و غیره فعالیت کرده‌اند.^{۱۷}

اما شریفه شهاب کاندید انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ و کارمند دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر در حوزه غرب معتقد است که نقش زنان در پارلمان چندان پررنگ و موثر نبوده است. وی می‌گوید: «در پارلمان اول و دوم تعدادی از زن‌ها توانستند به شکل الگویی و سمبولیک به پارلمان راه یابند و کارایی آن‌ها نیز در بعضی موارد خوب بوده است، اما سطح آگاهی زنان بسیار پایین است و یک تعداد زن‌هایی که در پارلمان راه پیدا کرده اند از توانایی کافی برخوردار نبوده‌اند. و این نه تنها در مورد زنان بلکه در مورد مردان هم صدق می‌کند. چنانچه شماری از آن‌ها از سواد کافی بهره‌مند نیستند و عده محدودی به اندازه کافی باسوادند. روی هم رفته نقش زنان زیاد پر رنگ نبوده است. اگرچه ما کسانی را هم داریم که از سطح دانش و آگاهی بالایی برخوردارند، اما تعدادشان انگشت شمار است که در اقلیت قرار داشته و نمی‌توانند طبق دلخواه خود برای مردم کار کنند.»^{۱۸}

یکی از عواملی که نمایندگان پارلمان، اعم از زن و مرد، نتوانستند کارایی موثر از خود نشان دهند درگیری‌هایی است که به صورت غیراصولی در درون پارلمان اتفاق افتاد. این درگیری‌ها هم زمان را از دست پارلمان گرفت و هم باعث ایجاد زدوبندهای غیراصولی در پارلمان شد و در نتیجه مانع آن گردید که نمایندگان بتوانند به وظایف اصلی خود بپردازند. عبدالقادر رحیمی رییس دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر در حوزه غرب این درگیری‌ها را بازتاب وضعیت عمومی منازعات افغانستان و پیامد سال‌های طولانی منازعه در کشور می‌داند: «از نظر من علت درگیری‌ها میان افراد بر می‌گردد به سی سال جنگ در افغانستان. بخشی از این منازعات هنوز در کشور وجود دارد و به صورت طبیعی در درون پارلمان افغانستان نیز بروز پیدا می‌کند.»^{۱۹} اما ضیا احمد ضیا رئیس کمیسیون مستقل انتخابات در هرات جدال‌های داخل پارلمان را طبیعی می‌داند و معتقد است که در پارلمان تمام دنیا این گونه مباحثات داغ وجود دارد: «اگر شما چنین برداشت دارید که تنش‌هایی که در پارلمان کشور ما وجود دارد در دیگر کشورهای وجود ندارد اشتباه است، زیرا که این مسأله یک امر عادی و معمولی در همه کشورها است و اگر رسانه‌ها و پارلمان‌های دیگر کشورها را تعقیب کنیم می‌بینیم که در همه پارلمان‌ها تنش و تضاد میان اعضای آن وجود دارد. جایی که در آن روی مسائل سیاسی بحث می‌شود و اندیشه‌ها در مقابل هم قرار می‌گیرند، به صورت طبیعی مخالفت‌ها بوجود می‌آید و این به آن معنا است که افراد دارای

نظرها و اندیشه‌های مختلف هستند و در مورد موضوعات سیاسی و مسائل کشور موضع‌گیری دارند و همیشه در جایی که تنش است اینجا توانمندی نیز است.»^{۲۰}

این اختلافات به هر دلیلی که بوده باشد، حداقل یکی از پیامدهای آن این بوده که نمایندگان نتوانستند به صورت منسجم و سازمان‌یافته عمل کنند و گروه‌های پارلمانی برای پی‌گیری خواسته‌های‌شان به وجود بیاورند. یکی از نکاتی که باعث شده زنان نیز نتوانند کارایی بسیار موثر از خود نشان دهند، همین نکته است. آن‌ها نتوانستند یک گروه پارلمانی واحد و قدرتمند برای حمایت و دفاع از حقوق زنان ایجاد کنند. بهتر این است که زنان نماینده به فکر تشکلهای و تیم‌های کاری باشند و بتوانند بصورت مشترک با هم کار کنند، تصمیم مهم برای کشور و مردمی که به آنها چشم امید دوخته‌اند بگیرند زیرا که یک وکیل به تنهایی هیچ کاری را کرده نمی‌تواند. در پارلمان افغانستان اگر گروه‌های پارلمانی نیز ایجاد شده است، بسیار کوتاه مدت و مقطعی بوده و فاقد دید استراتژیک است و مبنای فکری ندارد. از این رو این جناح‌ها در مقاطع خاصی ایجاد می‌شوند و به زودی از بین می‌روند. چنانچه جناح‌های «حمایت از قانون» و «اصلاح طلبان» در درون پارلمان برای مدتی توانستند شمار زیادی از اعضای پارلمان را انسجام بخشند ولی بعد از حل مشکلات درونی پارلمانی این گروه‌های پارلمانی نیز کمرنگ شدند. زنان نیز اگر دید مشترک سیاسی پیدا کنند و بتوانند بر محور آن گروه پارلمانی منسجمی برای دفاع از خواسته‌های خود ایجاد نمایند می‌توانند در جامعه مردسالار و سنتی افغانستان اقدامات موثری انجام دهند.

همچنین مسایلی مانند اختلافات نژادی لسانی سمتی و مذهبی که عده‌ای از افراد از آن‌ها جهت منافع سیاسی‌شان استفاده می‌کنند نیز فرصت کار موثر را از نمایندگان، از جمله زنان، گرفته است. نمایندگان زن هرات نیز درگیر این مشکلات می‌باشند. با این وصف، نباید از کارکردهای زنان نماینده هرات چشم‌پوشی نمود. طوریکه بسیاری از مصاحبه شونده‌ها اظهار می‌دارند، این برای اولین بار در تاریخ افغانستان است که زنان با این تعداد وارد سیاست می‌شوند و به این میزان در تصمیم‌گیری‌های درون پارلمان نقش بازی می‌کنند.

اگر بصورت مقایسوی نقش زنان را در دو پارلمان مورد قضاوت قرار بدهیم به این حقیقت دست می‌یابیم که پارلمان اول به عنوان یک تجربه نو برای خانم‌ها در راه گام نهادن در میدان سیاست تلقی می‌شد. با آنهم فعالیت‌های زیادی انجام داده‌اند. اما از پارلمان فعلی توقع‌های بیشتری می‌رود و مردم امید دارند که کارکردهای مهم و سرنوشت سازی برای جامعه داشته باشند. خانم منیژه صادق معتقد است که در دوره‌ی گذشته، چون پارلمان کشور نو تاسیس بود به آن شکلی که ما توقع داشتیم نبوده است. البته این قضاوت زن و ۲۰- مصاحبه اختصاصی با ضیا احمد ضیا، رییس کمیسیون مستقل انتخابات در حوزه هرات

۱۷- مصاحبه اختصاصی با نجلا دهقان نژاد، وکیل منتخب مردم هرات در مجلس نمایندگان

۱۸- مصاحبه اختصاصی با شریفه شهاب، کارمند کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و کاندید در انتخابات ۱۳۸۹

۱۹- مصاحبه اختصاصی با عبدالقادر رحیمی، رییس دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در ولایت هرات

منابع و رویکردها:

الف- منابع مکتوب و سایت‌های اینترنتی:

- ۱- مجموع قوانین، از نشرات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، سال نشر ۱۳۹۰، قانون اساسی
- ۲- قانون انتخابات افغانستان،
- ۳- بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان (فیفا)، گزارش بخش زنان در انتخابات ولسی جرگه سال ۱۳۸۹، دریافت شده به تاریخ ۸ قوس ۱۳۹۰ از این آدرس:

<http://www.fefa.org.af/dari/fardireport/Women%20and%202010%20Parliamentary%20Elections%20Dari.pdf>

- ۴- پیشرفت برای زنان پیشرفت برای همه است، سایت یونیفم، دریافت شده به تاریخ ۱۵ حوت ۱۳۹۰ به این آدرس:

http://www.unifem.org/afghanistan/media/pubs/08/factsheet_DR.html

- ۵- کمیسیون انتخابات افغانستان، دریافت شده از سایت رسمی آن در تاریخ ۱۵ حوت ۱۳۹۰ به این آدرس:

http://www.iec.org.af/results_10/pdf/turnout_summary_4all.pdf?phpMyAdmin=5918814359a9c7d86aecbc64a35a592d

- ۶- کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، نگاهی به حضور و نقش زنان در حوزه عمومی و فعالیت‌های سیاسی، حوت ۱۳۹۰
- ۷- متن اعلامیه شورای سرتاسری علمای افغانستان، ۱۲ حوت ۱۳۹۰، دریافت شده از سایت دفتر ریاست جمهوری افغانستان در تاریخ ۱۵ حوت ۱۳۹۰ به این آدرس:

<http://president.gov.af/fa/news/7489>

ب- مصاحبه‌های اختصاصی:

۱. مصاحبه اختصاصی با داکتر عبدالظاهر فیض زاده، وکیل شورای ولایتی ولایت هرات
۲. مصاحبه اختصاصی با زهرا حسن پور، رئیس دفتر ولسا در حوزه غرب
۳. مصاحبه اختصاصی با ضیا احمد ضیا، رئیس کمیسیون مستقل انتخابات در حوزه هرات
۴. مصاحبه اختصاصی با عبدالقادر رحیمی، رئیس دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در ولایت هرات
۵. مصاحبه اختصاصی با گلثوم صدیقی، رئیس بنیاد زنان حقوقدان افغانستان
۶. مصاحبه اختصاصی با منیژه صادق، رئیس امور زنان ولایت هرات
۷. مصاحبه اختصاصی با نجلا دهقان نژاد، وکیل منتخب مردم هرات در مجلس نمایندگان
۸. مصاحبه اختصاصی با شریفه شهاب، کارمند کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و کاندید در انتخابات ۱۳۸۹
۹. مصاحبه‌های اختصاصی با جمعی از باشندگان ولایت هرات

مرد را همزمان دربر می‌گیرد. اگر بگوییم کارکرد پارلمان ضعیف بود کارکرد تمام اعضای پارلمان را شامل می‌شود. من امیدوارم که این تجربه به صورت مداوم تقویت شود و رو به بهبود داشته باشد.^{۲۱} به همین ترتیب خانم زهرا حسن پور رئیس دفتر ولسا می‌گوید: «در این پارلمان تجربه‌ها بیشتر شده و صدای زنان بیشتر شنیده می‌شود. امروزه زنان صدای‌شان را بلند می‌کنند اگرچه صدای‌شان بجایی نرسد و این یک تغییر مثبتی است که در پارلمان آمده است.»^{۲۲}

نتیجه گیری

تجربه مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، و از جمله مشارکت در انتخابات، یک تجربه نوپا و تازه در افغانستان است. این تجربه بعد از سال‌های طولانی جنگ و ناامنی و ویرانی در کشور برای زنان افغانستان میسر شده است. از این رو، زنان در مشارکت سیاسی خود هنوز با مشکلات سنتی و فرهنگی بسیاری مواجه‌اند. این مشکلات به خصوص در دهات دوردست و مناطق قبایلی بسیار برجسته است. علاوه براین، ناامنی نیز بیشتر از هرکس برای زنان مشکل ایجاد می‌کند. محدودیت‌های اقتصادی و عدم استقلال اقتصادی مشکل دیگری است که زنان برای وارد شدن در فعالیت‌های اقتصادی دارند. زیرا فعالیت‌های اقتصادی نیازمند هزینه‌گذاری است و عدم توانایی مالی کافی و عدم استقلال اقتصادی امکان اقدام و فعالیت موثر را از زنان می‌گیرد.

با این همه، زنان افغانستان، از جمله زنان ولایت هرات، در انتخابات‌های کشور به طور فعال شرکت کردند. در انتخابات‌های پارلمانی این مشارکت برجسته‌تر و فعال‌تر بود. زنان توانستند حضور نسبتاً چشمگیری در پارلمان پیدا کنند و نقش آنان نیز در پارلمان قابل توجه بوده است. هرچند هنوز نمی‌توان بسیار خوش‌بینانه و امیدوارانه به نقش و کارکرد آنان قضاوت کرد، ولی با توجه به مشکلات و محدودیت‌های آنان، می‌توان امیدوار بود که این نقش در آینده بیشتر شود و بهبود پیدا کند. در مجموع می‌توان گفت که زنان تا دست یافتن به امکان برخورداری مساوی از حق مشارکت سیاسی هنوز راه درازی در پیش دارند، ولی می‌توانند با اقدام و سهم موثر و سازمان‌یافته و خلق انسجام و هماهنگی میان خود به آن دست پیدا کنند. این نکته توانایی و جسارت زنان، به ویژه زنان عضو پارلمان را به آزمون می‌گیرد.

۲۱- مصاحبه اختصاصی با منیژه صادق، رئیس امور زنان ولایت هرات

۲۲- مصاحبه اختصاصی با زهرا حسن پور، رئیس دفتر ولسا در حوزه غرب



فاطمه شفایی - بلخ

زنان و قدرت سیاسی (بلخ)

مقدمه

تقدیر مردم افغانستان، بعد از سقوط طالبان و با پشت سر گذاشتن بیش از سه دهه جنگ، این شد که با اشتراک در انتخابات، خود سرنوشت سیاسی خود را تعیین کنند. مردم به امید آینده‌ای روشن و بهتر راهی انتخابات شدند و در انتخابات‌هایی که پشت سر گذاشته شد، به کاندیدان مورد نظر خود رای دادند. اشتراک در انتخابات‌های پارلمانی سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۹ دو تجربه مهم مشارکت مردم افغانستان در تعیین نمایندگان‌شان بود.

مقاله‌ای را که اکنون در دست دارید ناظر بر همین دو انتخابات است. این تحقیق در جستجوی آن است که نشان دهد انتخابات پارلمانی اسد ۱۳۸۴ و سنبله ۱۳۸۹ چگونه برگزار شدند و چه تفاوت‌هایی با همدیگر داشته‌اند. تمرکز اصلی این مقاله بر وضعیت مشارکت زنان در ولایت بلخ است. هرچند نظر به ضرورت، به سطح کل کشور نیز به صورت مختصر پرداخته می‌شود.

روش تحقیق

این رساله براساس معلومات جمع‌آوری شده از مراجع مختلف تهیه شده است و بیشتر معلومات آن براساس مصاحبه با اشخاص مسوول و مردم عادی گردآوری شده است. در مواردی نظر به خواست مصاحبه‌شدگان، از ذکر نام آنان در متن خودداری شده است.

مشکلات تحقیق

گاهی مصاحبه‌شدگان حاضر نبودند که نام‌شان ذکر شود. دلیل آن را هراس از آینده و احتمال آزار و اذیت توسط کسانی که درباره‌شان صحبت می‌شود، ذکر می‌کردند. برای خانم‌ها دلیل دیگری نیز وجود داشت که عبارت از سنت‌ها و باورهای سنتی بود که مانع ذکر نام آنان می‌گردید.

مشکل دیگر این بود که برای گرفتن مصاحبه با مسوولین ارگان‌های حکومتی و یا موسسات، نیازمند کارت هویت و یا درخواست‌نامه رسمی برای مصاحبه بودیم اما این سهولت برای ما وجود نداشت.

جدی نگرفتن و بی‌اعتنایی و گاه حتا تمسخر ما توسط کسانی که می‌خواستیم با آنان گفتگو کنیم، مشکل دیگر ما بود. شاید زن بودن ما در این مساله بی‌تاثیر نبوده باشد. گاه حتا خانم‌ها نیز با ما از سر بی‌اعتنایی و عدم جدیت برخورد می‌کردند. ما اگر معرفی‌نامه و یا کارت هویت رسمی می‌داشتیم شاید با این مشکل کمتر مواجه می‌شدیم.

عدم بیان صریح و دقیق حقایق و طفره رفتن از توضیح مسایل، خصوصاً توسط کسانی که خود را بازنده انتخابات احساس می‌کردند، و توجیه کردن شکست‌شان مطابق منافع خود، مشکل دیگر در جریان تحقیق بود.

انتخابات و تعیین نمایندگان مردم در پارلمان

انتخابات، سلسله اقدامات و عملیات منسجم و پیوسته‌ای است که در یک محدوده جغرافیایی مشخص و زمانی محدود و معین صورت می‌گیرد و منجر به برگزیده شدن فرد یا افراد و یا موضوع و مرام خاصی از سوی اکثریت مردم می‌شود.^۱ در انتخابات مورد نظر ما، اشخاصی برای نمایندگی از مردم در پارلمان، برگزیده می‌شوند.

مطابق حکم قانون انتخابات افغانستان، تمام شهروندان کشور که سن ۱۸ سالگی را تکمیل کرده باشند می‌توانند به عنوان رای‌دهنده شرکت کنند و به کاندیدان مورد نظر خود رای دهند. تمام کسانی که حداقل ده سال تابعیت کشور را داشته باشند و حداقل ۲۵ سال داشته باشند، می‌توانند خود را منحث کاندید در پارلمان نامزد نمایند. سن در نظر گرفته شده برای اعضای مشرانو جرگه نیز ۳۵ سال می‌باشد.^۲ همچنین کاندیدان باید از هر گونه جرایم ضدبشری و جنایت مبرا بوده باشند و از سوی محکمه مجرم شناخته نشده باشند. این افراد در صورت کسب رای کافی از مردم، برای پنج سال عضو پارلمان افغانستان می‌شوند.

شورای ملی یا پارلمان افغانستان متشکل از دو بخش می‌باشد:

۱- تبیان، انتخابات چیست؟ ۱۳۸۴/۲/۱۴

۲- وزارت عدلیه قانون انتخابات

درصدی، در انتخابات اول ۶۸ کرسی و در انتخابات دوم ۶۹ کرسی در ولسی جرگه برای زنان اختصاص یافته است. اگر به یک ولایت صرف دو کرسی اختصاص یافته باشد، در آن صورت یکی آن برای زنان اختصاص می‌یابد.^۳

شورای ملی نهاد قانون‌گذاری دولت است که می‌تواند قوانین را تعدیل یا لغو کرده، برنامه‌ها را تأیید کرده، بودجه حکومت را به تصویب رسانیده، وزرا را تغییر داده یا معاهدات را تصویب نماید. ولسی جرگه می‌تواند علیه یک وزیر رأی عدم اعتماد صادر نموده، مقرری‌هایی را که از سوی رئیس جمهور صورت می‌گیرند، تأیید یا رد نماید، کمیسیون‌هایی را غرض بررسی اعمال حکومت تعیین نماید.^۴

انتخابات پارلمانی سنبله ۱۳۸۴

انتخابات پارلمانی افغانستان در سنبله ۱۳۸۴ قرار بود که با انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی یکجا برگزار شود اما سرانجام، این انتخابات بنابه دلایلی به تعویق افتاد. نتایج آن نیز بعد از یک ماه از برگزاری انتخابات اعلان شده و ادعای‌های زیادی مبنی بر تقلب در آن از سوی بعضی احزاب وارگان‌های سیاسی و مدنی مطرح گردید. در اثر این انتقادات، کمیسیون مستقل انتخابات به تعداد ۵۱ کارمند خود را از وظیفه برکنار کردند که در حقیقت وقوع تقلبات گسترده را اثبات می‌کرد.

جدول نتایج این انتخابات به صورت زیر بود: انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹
انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۹ دومین تجربه انتخابات پارلمانی در کشور بود. در این انتخابات به تعداد ۵۸۴۲ کاندیدا از ۳۴ ولایت ثبت نام کردند که تعداد ۴۰۶ نفر آنان زن بودند.

کمپاین‌ها و مبارزات انتخاباتی در این انتخابات نسبت به انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۴ از شور و هیجان بیشتری برخوردار بود. هرچند در مجموع میزان مشارکت مردم نسبت به انتخابات قبلی کمتر بود. به نظرمی‌رسید که کاندیدان از مبارزات انتخاباتی انتخابات ۱۳۸۴ تجربه‌ای حاصل کرده باشند و برآن بودند تا بیشتر با رای دهندگان (مردم) به طور مستقیم در ارتباط باشند. مطبوعات و رسانه‌ها نیز از کارکردهای خوبی برخوردار بودند و نقش آگاهی‌دهی خود را به خوبی بازی می‌کردند و رویدادها و اتفاقات را نیز به سرعت برای مردم منعکس می‌ساختند.

با این حال، مشکلات زیادی نیز در این انتخابات وجود داشت. مطابق گزارش بنیاد مستقل انتخابات افغانستان تعداد بسیار زیادی از این کاندیداها صلاحیت کافی را برای راهیابی به پارلمان به دلایل گوناگون از قبیل بی‌سوادی، نقض حقوق بشر و بعضی فعالیت‌های شبه نظامی و تبهکارانه برای وارد شدن به ولسی جرگه نداشتند.^۵

۳-برگرفته از سایت کمیسیون مستقل انتخابات ۱۳۸۷-۱۳۸۹
<http://www.iec.org.af/>

۴- همان

۵-ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد، نوامبر ۲۰۱۱

نام ولایت	تعداد نمایندگان		جمله	جمله تعداد رای دهندگان
	مرد	زن		
بدخشان	۷	۲	۹	۲۴۳,۷۴۰
بادغیس	۳	۱	۴	۱۳۶,۷۸۱
بغلان	۶	۲	۸	۲۰۹,۱۶۵
بلخ	۸	۳	۱۱	۳۰۷,۱۱۵
بامیان	۳	۱	۴	۱۲۶,۲۹۶
دایکندی	۳	۱	۴	۱۵۶,۶۳۰
فراه	۴	۱	۵	۱۱۰,۸۲۸
فاریاب	۶	۳	۹	۲۵۶,۷۹۷
غزنی	۸	۳	۱۱	۳۷۸,۵۷۷
غور	۴	۲	۶	۲۱۳,۲۹۳
هلمند	۶	۲	۸	۱۹۴,۱۶۲
هرات	۱۲	۵	۱۷	۵۱۷,۹۲۶
جوزجان	۴	۱	۵	۱۳۸,۰۸۵
کابل	۲۴	۹	۳۳	۳۹۹,۸۱۰
کندهار	۸	۳	۱۱	۱۸۸,۶۷۷
کاپیسا	۳	۱	۴	۸۳,۹۶۶
خوست	۴	۱	۵	۱۸۸,۴۷۳
کوچیه	۷	۳	۱۰	۴۰۹,۶۴۴
کنر	۳	۱	۴	۱۲۶,۲۸۲
کندز	۷	۲	۹	۲۴۶,۷۵۸
لغمان	۳	۱	۴	۸۷,۴۸۴
لوگر	۳	۱	۴	۷۶,۲۷۰
ننگرهار	۱۰	۴	۱۴	۳۸۳,۱۷۰
نیمروز	۱	۱	۲	۳۷,۷۵۰
نورستان	۱	۱	۲	۷۹,۸۶۵
پکتیا	۴	۱	۵	۲۵۱,۴۸۹
پکتیکا	۳	۱	۴	۲۶۴,۸۵۸
پنجشیر	۱	۱	۲	۴۹,۲۱۸
پروان	۴	۲	۶	۸۷,۵۱۷
سمنگان	۳	۱	۴	۱۰۹,۹۵۵
سرپل	۴	۱	۵	۱۲۰,۹۳۹
تخار	۷	۲	۹	۲۷۹,۲۴۶
ارزگان	۲	۱	۳	۳۵,۳۶۳
وردک	۳	۲	۵	۱۰۰,۶۶۳
زابل	۲	۱	۳	۲۰,۶۹۵

یکی مجلس نمایندگان یا ولسی جرگه و دیگری مجلس سنا یا مشرانو جرگه. مجلس نمایندگان که از نظر صلاحیت و مفهوم بخش اصلی پارلمان شمرده می‌شود، دارای ۲۴۹ کرسی بوده که با در نظر داشت تناسب نفوس برای هر ولایت تعداد مشخصی از نمایندگان پیش‌بینی شده است. در هر ولایت، نظر به تعداد نمایندگان آنان، برای زنان نیز سهم مشخص حدود ۲۵ درصد در نظر گرفته شده است که نباید کمتر از آن باشد ولی زنان می‌توانند در رقابت با مردان بیشتر از آن را نیز بدست آورند. در کل ترکیب پارلمان، مطابق این سهمیه ۲۵

تقلب انتخاباتی نیز در این انتخابات گسترده‌تر و پرسرودتر بود. نتایج اولیه انتخابات پارلمانی، ۱۳۸۹ گواه مقیاس نگران کننده‌ای از تقلب در سراسر کشور بود. در این انتخابات بیش از یک میلیون رای به اساس فیصله کمیسیون انتخابات از شمارش بیرون شد.^۶

متأسفانه شرایط امنیتی نیز نسبت به انتخابات قبلی بدتر شده بود. در کمپاین‌ها و مبارزات انتخاباتی خطرات و مشکلات امنیتی بیشتری از طرف شورشیان و مخالفان دولت وجود داشت که مستقیماً فعالیت‌های مردم ملکی و کاندیدان را در روز انتخابات تهدید میکردند و باعث شدند تا تاثیر خود را در نتایج انتخابات به جا بگذارند.

این مشکلات باعث شده که میزان مشارکت مردم در انتخابات، از جمله مشارکت زنان در انتخابات دوم پارلمانی کمتر شود. خانم لطیفه یکی از اشتراک کنندگان در این انتخابات گفت: «علت کم رنگ بودن مشارکت خانم‌ها دو دلیل بوده می‌تواند اول عدم شفافیت انتخابات ریاست جمهوری و عدم کارکردهای مثبت و قابل ملاحظه نمایندگان قبلی در ولسی جرگه، که باعث شد اعتماد مردم را از بین ببرد. دوم مشکلات امنیتی و ممانعت فامیل‌های زنان از مشارکت آنان در انتخابات به خاطر باورهای سنتی رایج در جامعه»^۷ به خاطر این دلایل، به گفته اکثریت خانم‌ها اشتراک خانم‌ها در این پروسه بسیار کم رنگ به نظر می‌رسید.^۸

صاف یک‌تن دیگر از اشتراک کنندگان محل رای‌دهی لیسه غفور ندیم مربوط ناحیه یازدهم، در حالیکه از وضعیت امنیتی راضی به نظر می‌رسید به خبرنگار وخت گفت: «بسیار به شوق و علاقه به سوی صندوق آمدم تا اینکه به نامزد وکیل مورد نظر خود رای دهم با هیچ گونه مشکل مواجه نشدم، مگر اشتراک خانم‌ها بسیار کم‌رنگ به نظر می‌رسید»^۹

متأسفانه حضور و اشتراک زنان نه تنها در انتخابات، بلکه در مجموع در فعالیت‌های اجتماعی و ادارات عمومی کم‌رنگ است و از صلاحیت تصمیم‌گیری محدودی در امورات کلان ملی و مردمی برخوردارند. عدم حضور زنان در قضا، سیمولیک بودن زنان در جرگه مشورتی صلح و مشارکت اندک زنان در شوراهای ولایتی مواردی است که در حاشیه بودن زنان را به نمایش می‌گذارد.

براساس گزارش‌های منتشر شده، حضور زنان در ادارات دولتی از سال‌های گذشته تا بحال همواره رو به کاهش بوده است. مثلاً در سال ۲۰۰۶ میزان حضور آنان در ادارات دولتی به ۳۱ درصد می‌رسید اما در سال ۲۰۱۰ این نسبت به ۱۸ درصد کاهش یافته است.^{۱۰} از لحاظ

۶- بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه (فیفا)، (۳ عرق ۱۳۸۹)

www.fefa.org.af

۷- آژانس خبری وخت؛ سه دلیل عمده مانع شرکت وسیع زنان در انتخابات پارلمانی شد، ۲۷ سنبله ۱۳۸۹.

www.wakht.com

۸- همان

۹- همان

۱۰- کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، نگاهی به حضور و نقش زنان در حوزه عمومی و فعالیت‌های سیاسی، تاریخ ۱۷ حوت ۱۳۹۰، در: <http://www.aihrc.org.af/fa/women-rights>

کیفی نیز این حضور بسیار کم‌رنگ است و تنها ۸ درصد تصامیم کشور توسط زنان گرفته می‌شود.^{۱۱} گزارش‌ها از ولایت بلخ نیز حاکی است که در این ولایت حدود ۷ هزار زن در ادارات دولتی کار می‌کنند. از این میان تنها ۵ درصد آنان در پست‌های عالی مشغول کار می‌باشند.^{۱۲}

در مجموع، در انتخابات‌های گذشته، زنان نسبت به مردان از حمایت‌های کمتری برخوردار بودند و رای شان اکثراً از رقیبان مرد شان کمتر بود. با این حال شماری از زنان توانستند در رقابت برنده شوند و در پارلمان راه پیدا نمایند. مثلاً در انتخابات پارلمانی اول، فوزیه گیلانی کاندیدای ولایت هرات با کسب ۱۶۸۸۵ رای توانست به پارلمان راه یابد.^{۱۳}

انتخابات پارلمانی و سطح آگاهی سیاسی خانم‌ها در ولایت بلخ

مشارکت خانم‌ها در پارلمان نشانگر آگاهی سیاسی زنان و توانایی تاثیرگذاری آنان در امور سیاسی می‌باشد. میزان این تاثیرگذاری وابسته به میزان تحصیل و سواد خانم‌ها و نیز شرایط موجود برای فعالیت‌های سیاسی و انتخاباتی آنان و پایگاه مردمی شان می‌باشد.

از لحاظ شرایط امنیتی و اجتماعی، ولایت بلخ فرصت مساعدتری را نسبت به بسیاری از ولایات ناامن کشور در اختیار زن‌ها قرار داده بود. این فرصت مساعدتر در رشد آگاهی‌های عمومی و سطح سواد زنان نیز نقش داشته است. در این ولایت شماری از خانم‌ها توانسته اند میزان تحصیلی شان را در شرایط مطلوب در مراکز تحصیلی عالی ونیمه عالی دولتی و غیر دولتی با نتیجه خوب به پایان برسانند. در کنار تحصیل در مراکز تحصیلی، زنان در سازمان‌های مختلف فرهنگی، آموزشی و مدنی، که در راستای بلند بردن آگاهی خانم‌ها فعالیت می‌کنند، حضور فعال و چشمگیر داشته‌اند. این سازمان‌ها در راستای توانمندسازی زنان و رشد آگاهی‌های عمومی در میان آنان فعالیت کرده‌اند. به عنوان نمونه، سازمان معاونت برای دفاع از حقوق زنان در ولایت بلخ، در پروگرام‌های آگاهی عامه در زمینه‌های مختلف و دفاع از حقوق زنان فعالیت داشته است. این سازمان در مدت ۸ سال، سمینارها و نشست‌ها و ترینینگ‌ها در محلات مختلف برای خانم‌ها برگزار کرده است تا آن‌ها را در مسایل مختلف اجتماعی و مشارکت سیاسی سهیم ساخته و موقف آنان را در اجتماع تقویت نماید.^{۱۴}

با این حال، با تمام تلاشی که از سوی سازمان‌ها و نهادهای ملی و بین‌المللی در زمینه توانمندسازی زنان صورت گرفته است، زن‌ها هنوز از

۱۱- همان

۱۲- خبرگزاری کوچه، نگرانی از کاهش مشارکت زنان در اجتماع (برگرفته از مجله کلید گروپ) سه شنبه، ۴ مرداد ۱۳۹۰ / www.kokchapress.com

۱۳- نذیر احمد صوفی زاده اولفوس، انتخابات، (۱۳۸۴)، برگرفته از سایت آریایی: <http://www.ariaye.com/>

۱۴- مصاحبه با ملالی روشندل عثمانی رییس سازمان معاونت دفاع از حقوق زنان در ولایت بلخ

انگیزه کاندید شدن برای پارلمان

برای کاندید شدن خانم‌ها در انتخابات انگیزه‌های مختلفی می‌تواند نقش داشته باشد مثلاً بخاطر رفع مشکلات و محدودیت‌هایی که خانم‌ها در خانواده و اجتماع با آن مواجه‌اند، یا ابراز موجودیت در مقابل مردسالاری و اثبات توانایی‌های خود در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و یا هم‌حداً منافع و خواست‌های شخصی.

مرد سالاری و نابرابری‌های جنسیتی در افغانستان، مثل اکثر کشورها و جوامع دیگر، رسم دیرینه می‌باشد و از زمان‌های بسیار قدیم مروج بوده است که براساس آن به خانم‌ها به حیث یک انسان درجه دو نگریسته می‌شود که دارای فهم و درک و موقف انسانی و اجتماعی پایین‌تر نسبت به مردان می‌باشند. در افکار رایج سنتی در افغانستان خانم‌ها ناقص‌العقل می‌باشند. متأسفانه این طرز دید، تا هنوز در جامعه سنتی افغانستان، به ویژه در دهات و در میان قبایل، به قدرت خود باقی است و باعث می‌شود که آنان در مقایسه با مردان همیشه دست کم گرفته شوند.

حضور خانم‌ها در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، از جمله در پارلمان، هم می‌تواند این مفکوره را در ذهن سنتی جامعه کم‌رنگ سازد و هم این فرصت را به زنان می‌دهد که در تصمیم‌گیری‌ها و وضع قوانین، موقف و حقوق یکسان زنان و مردان را تضمین کنند.

مرد سالاری بی‌ارتباط با مشکلات زنان در خانواده نمی‌باشد. زنان و دختران از فرصت‌ها و امتیازات بسیار کمتر نسبت به پسران و مردان خانواده در عرصه‌های آموزش، حضور در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و حقوق اقتصادی برخوردارند. مثلاً اگر یک خانواده بخواهد یکی از فرزندان پسر و دختر خود را به مکتب بفرستد، همیشه اولویت را به پسرش می‌دهد.

این محدودیت در سطح جامعه نیز وجود دارد و فرصت برخورداری از امکانات زندگی اجتماعی برای دختران بسیار محدودتر است و جامعه فرصت‌های بیشتری در عرصه‌های آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در اختیار مردان قرار داده است و زنان در اکثر این موارد محروم‌ترند. این وضعیت حتی حمایت‌های اجتماعی کمتری برای زنان عرضه می‌کند. آسیب‌پذیری زنان در جامعه بسیار بیشتر از مردان است. به عنوان مثال، یک زن یا دختر نمی‌تواند دورتر از خانه به راحتی و آسودگی سفر کند و یا به طور درازمدت سفر کند و یا غروب ناوقت تر به خانه برگردد و یا شب را در خانه دوستانش بسربرد، در حالی که این محدودیت‌ها برای مردان یا هیچ وجود ندارد و یا به حداقل می‌رسد.

حضور زنان در مراجع رسمی قدرت، از جمله در پارلمان می‌تواند این محدودیت‌ها را به مرور زمان کمتر کند. این نکته برای بعضی از زنان به عنوان انگیزه کاندید شدن‌شان مطرح بوده است. یکی از کاندیدان انتخابات پارلمانی اخیر، که در پارلمان راه نیافته است و خواست نامش گرفته شود، اظهار می‌دارد:

موقعیت و نقش ضعیفی در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی برخوردارند و نمی‌توانند در میدان رقابت با مردان برابری کنند. محدودیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی فراوانی برسر راه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی آنان قرار دارد. فعالیت زنانی که عضو پارلمان شده‌اند، نیز متأثر از این محدودیت‌ها می‌باشند و نقش‌شان در بسیاری از موارد سمبولیک می‌باشد. چنانچه آقای مفید آگاه امور سیاسی و دینی می‌گوید:

حضور خانم‌ها در پارلمان حضور سمبولیک بوده و در بسیار مواقع نمی‌توانند به طور مستقل تصمیم بگیرند. با این حال، نسبت حضور آنان در پارلمان امیدبخش است. از لحاظ میزان مشارکت در انتخابات نیز، زنان حضور چشمگیری در پای صندوق‌های رای داشته‌اند که این امر مدیون امنیت نسبی است که در ولایت بلخ وجود داشته است.^{۱۵} اما زنان هنوز هم با مشکلات زیادی در مشارکت سیاسی و حضور در فعالیت‌های اجتماعی مواجه‌اند. سطح پایین آگاهی‌های سیاسی و حساسیت نسبتاً کم نسبت به سرنوشت جمعی و سیاسی و نیز عدم فعالیت سازمان یافته و منسجم بخشی از این مشکلات است. از لحاظ شرایط لازم برای نمایندگی از مردم نیز، به اعتقاد بعضی‌ها، زنان توانمندی کمتری دارند و از تجارب و آگاهی تخصصی و مسلکی کمتری برخوردارند.^{۱۶} با این همه، به خاطر شرایط نسبتاً بهتر امنیتی در ولایت بلخ، خانم‌ها در این ولایت نسبت به دیگر ولایات آزادترند و می‌توانند در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مشارکت کنند. از جمله در حال حاضر ۴۲ فیصد دانشجویان ولایت بلخ را دختران تشکیل می‌دهند.^{۱۷}

به اعتقاد برخی از آگاهان، حمایت جامعه جهانی از فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی زنان، تأثیرات مثبتی بر وضعیت زنان در افغانستان، از جمله در ولایت بلخ، داشته است. جامعه جهانی و موسسات کمک‌کننده بین‌المللی از دو جنبه بر نقش و حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار بوده است. یکی حمایت‌های فکری و فرهنگی، که باعث شد زمینه برای فعالیت زنان مساعدتر شود، و دیگر در بخش‌های آموزش و توانمندسازی زنان که بسیار تأثیرگذار بوده است.^{۱۸}

با این همه، به دلیل محدودیت‌ها و مشکلاتی همچون سطح پایین آگاهی سیاسی و حساسیت کمتر نسبت به سرنوشت سیاسی و عدم انسجام در فعالیت‌ها، و براساس گزارشات و معلومات، میزان مشارکت و توانایی خانم‌ها در دو انتخابات پارلمانی گذشته تفاوت چندانی نکرده و حتی کمتر شده است. با این حال، به نظر می‌رسد زنانی که در انتخابات پارلمانی دوم خود را کاندید کرده بودند، با جرأت و جسارت بیشتری وارد رقابت‌های انتخاباتی شدند.

۱۵- مصاحبه با یک آگاه امور سیاسی و علوم دینی که نخواست نامش ذکر شود.

۱۶- مصاحبه با چند تن از آگاهان امور سیاسی که نخواستند نام‌شان ذکر گردد و دوفرا از محصلین پوهنچى تعلیم و تربیه دانشگاه بلخ، ۱۵ میزان ۱۳۹۰

۱۷- مصاحبه با فربیا مجید رییس ریاست امور زنان در ولایت بلخ

۱۸- مصاحبه با ملالی روشندل عثمانی رییس سازمان معاونت دفاع از حقوق زنان در ولایت بلخ

انتخابات پارلمانی نقش داشته اند، نباشد:

- مقابله در برابر مرد سالاری و اثبات توانایی زنان؛
- مشکلات و محرومیت‌های زنان در فامیل‌ها و جامعه؛
- رقابت‌های قومی، نژادی و مذهبی؛
- شهرت‌طلبی و مشهور شدن در جامعه و حتا انگیزه‌های مالی و شغلی؛

وابستگی و استقلال کاندیدان زن

در برگره‌های تبلیغاتی کاندیدان همه کاندیدان خانم در ولایت بلخ مستقل معرفی شده بودند، هرچند ظاهراً شماری از آنان توسط احزاب و گروه‌های سیاسی حمایت می‌شده‌اند و مخارج کمپاین‌های‌شان نیز توسط آن‌ها تأمین می‌شده‌است. ولی ظاهراً این کاندیداها نخواستند خود را کاندید یک حزب یا جریان سیاسی اعلان کنند. در ولایات دیگر نیز همین‌گونه بوده است. این نکته بیانگر آن است که از یک سو مردم از احزاب سیاسی، که اکثراً احزاب دوران جهاد و جنگ‌های داخلی‌اند، خاضره خوشی ندارند و بناءً ابراز تعلق و وابستگی به آنان نه یک امتیاز، بلکه یک نقطه منفی در وجهه کاندیدان به شمار می‌رود. از سویی دیگر، سیاست حزبی در این کشور هنوز جا نیافتاده و احزاب نتوانسته‌اند جایگاه شایسته‌ای در سیاست کشور پیدا کنند، در حالی که احزاب یکی از ارکان دموکراسی دانسته می‌شود و کاندیدان انتخابات در کشورهای دموکراتیک معمولاً توسط احزاب معرفی می‌شوند.

با این همه، کاندیدان به صورت غیررسمی تحت نفوذ افراد و قوماندانان و یا رهبران جهادی هستند و توسط آنان معرفی می‌شوند. متأسفانه این وضعیت حتا استقلال عمل آنان را در پارلمان متأثر ساخته و نمی‌توانند مطابق تعهدات خود عمل کنند. حضور و نقش قوماندانان در محلات برگزاری انتخابات را نیز متأثر می‌سازد و نمی‌گذارد که مردم آزادانه در انتخابات شرکت کنند و به کاندید مورد نظر خود رای بدهند.

این وابستگی و اعمال نفوذ به گفته آقای صفوت یکی از اساتید دانشگاه بلخ در انتخابات دوم پارلمانی بیشتر از انتخابات اول شده است: کاندیدان و از جمله کاندیدان خانم‌ها در دور اول بیشتر با هدف خود وارد پارلمان شده بودند و از آزادی بیشتری در کارهایشان برخوردار بودند و نتایج بهتری داشتند اما در دور دوم وابستگی‌ها بیشتر و بیشتر شده است در عوض دستاوردها کمتر و کمتر.^{۲۲}

حضور و ارزیابی نقش خانم‌های نماینده در پارلمان

مسلم است که مشکلات خانم‌ها برای مشارکت در انتخابات نسبت به آقایان بیشتر است. خانم‌ها در مقابل شرایط امنیتی آسیب پذیری بیشتری دارند، محدودیت‌های فرهنگی و سنتی فراوانی در برابر آنان وجود دارد، از لحاظ اقتصادی نیز اکثر آنان نمی‌توانند از پس مخارج انتخابات برآیند. مردسالاری، عدم رسیدگی به شکایات، خشونت،

ممکن است هرکسی انگیزه خاصی برای کاندید شدن داشته باشد، اما من با درک شرایط زندگی زنان در جامعه و ارزیابی مشکلات آنان خود را کاندید کردم و بر آن بودم تا به گونه‌ای بتوانم صدای زن را به عنوان بخش عمده‌ای از جامعه بلند نمایم و در راستای حقوق آنان تلاش کنم.^{۱۹}

درگیری‌ها و منازعات قومی و قبیله‌ای متأسفانه واقعیت تلخ افغانستان در طول دو-سه دهه اخیر بوده است. سایه این مسأله هنوز هم بر روابط و مناسبات اقوام و قبایل مختلف این کشور سنگینی می‌کند. هرچند منطق منازعات، دیگر درگیری و جنگ و خشونت نیست، اما رقابت‌های قومی و قبیله‌ای همچنان وجود دارد. فرقه‌گرایی مذهبی نیز مشکلی دیگر است که اقشار مختلف جامعه را در مقابل هم قرار داده است. تعلقات قومی، قبیله‌ای، مذهبی و زبانی برگزینان و انگیزه‌های سیاسی شماری از افرادی که در پارلمان خود را کاندید کرده بودند بی تأثیر نبوده است. البته طبیعی است که این مشکلات جامعه را به اقشار، اقوام و قبایل مختلف تقسیم کرده است و لذا ممکن است خواست‌های کاملاً ویژه‌ای نظر به محرومیت‌ها و نیازمندی‌های خود داشته باشند. مثلاً آن بخشی از جامعه که به خاطر تعلق مذهبی یا قومی خود محروم بوده‌اند، خواست‌شان رفع این محرومیت است. از این رو الزاماً طرح خواسته‌های قومی یا قبیله‌ای چیز منفی‌ای نیست. اما این نکته نیز امکان دارد که کسی به خاطر این تعلقات خود را کاندید کند و هدفش اعمال تعصب و تبعیض در مقابل دیگران باشد. از این رو، ممکن است این مسأله برای کسانی از جنبه مثبت و همدلی مهم بوده باشد و یا از جنبه منفی و رقابت آمیز.

همانگونه که گفته شد، برای بعضی‌ها کاندید شدن در پارلمان تا حدود زیادی انگیزه شخصی داشته است. بعضی‌ها ممکن است به خاطر شهرت طلبی و مشهور شدن در جامعه خود را کاندید کرده باشند و بعضی‌های دیگر نیز ممکن است چوکی پارلمان را به عنوان یک شغل و راه امرار معاش برای خود در نظر گرفته باشند. گاه هر دوی این انگیزه همزمان نقش داشته است. شهرت‌طلبی برای پیدا نمودن وظیفه‌های بهتر و خوبتر در ریاست‌ها و یا وزارت‌ها، تا بتوانند عاید خوبی برای خانواده خویش کسب نمایند.^{۲۰} می‌توان گفت که بعضی از کاندیدان اطلاعات کافی از پارلمان و وظیفه آن و مسئولیت نمایندگی از مردم نداشتند و انگیزه آنان تنها بدست آوردن یک وظیفه دوامدار و امید به آینده این مصروفیت بود.^{۲۱}

در مجموع انگیزه خانم‌ها را برای کاندید شدن می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد، هرچند ممکن است این دسته بندی، شامل تمامی انگیزه‌هایی که ممکن است در کاندید شدن خانم‌ها در دو

۱۹- گفتگو با یکی از کاندیدان پارلمان در سال ۱۳۸۹، ۳ میزان ۱۳۹۰

۲۰- مصاحبه با یک آگاه امور دینی و سیاسی در بلخ که نخواستند نام شان ذکر شود، ۱۵ میزان ۱۳۹۰

۲۱- مصاحبه با احمدعلی از سجاده فارغ التحصیل تربیه معلم ولایت بلخ، ۲۵ عقرب ۱۳۹۰

۲۲- مصاحبه با صفوت استاد دانشگاه بلخ

ندادن حق تصمیم، نداشتن وقت کافی برای نشان دادن میزان توانایی در انجام کارهای مهم، دست نیافتن به کرسی های بلندتر، بی اعتمادی به توانایی های آنان موضوعاتی است که خانم ملیحه احمدزی کاندید دور دوم انتخابات پارلمانی ولایت بلخ به عنوان مشکلات زنان بیان نمود.^{۲۳} با این حال، خانم ها همچنان پرشور در انتخابات شرکت کردند؛ چه به عنوان رای دهنده و یا به عنوان کاندید در انتخابات سهم بارز گرفتند و توانستند نتیجه نسبتاً مطلوب را بدست بیاورند.

ولی مردم تاحدودی از کارکردهای خانم ها ناراضی اند و می گویند که آن ها رای شان را گرفته و کاری برای آن ها نکرده اند. این نارضایتی البته اکثراً ناشی از این است که مردم افغانستان از صلاحیت ها و مسئولیت های یک نماینده پارلمان آگاهی ندارند و نمی دانند که یک وکیل در مجلس ملی چه کارهایی را باید انجام دهد. از این رو آن ها نمی توانند در مورد عملکرد نمایندگان پارلمان درست قضاوت کنند که آیا آن ها در پارلمان نقش خویش را به درستی انجام داده اند یا خیر و گاهی گفته می توانیم از نقش اصلی نمایندگان در پارلمان بیخبرند.^{۲۴} اما گاه انتقادات جدی تری نیز وجود دارد که عدم کارایی موثر نمایندگان پارلمان را ناشی از جدی نگرفتن مسئولیت نمایندگی شان می دانند:

«اگر خودشان بخواهند می توانند موثر واقع شوند زیرا خانم ها نیمی از پیکره جامعه را تشکیل می دهند. می توانند اما بعضی موضوعات دیگری همچون وابستگی به احزاب و تنظیم ها و امثال آنها و در نظر نگرفتن اصل مسئولیت خویش و تنها اندیشیدن به منافع شخصی باعث شده که وظیفه اصلی خویش را در پارلمان از یاد ببرند. البته کسانی هم هستند که وظیفه خویش را به طور مناسب انجام می دهند و در مقابل مردم احساس مسئولیت می کنند.»^{۲۵}

این نکته قابل تذکر است که این قضاوت ها تنها در مورد زنان نماینده در پارلمان صورت نمی گیرد، بلکه مردان نیز به باد این انتقادات گرفته می شوند.

آینده مشارکت زنان در فعالیتهای سیاسی و انتخاباتی؛ چالش ها و راه حل ها:

زنان برای مشارکت در انتخابات و در مجموع فعالیتهای سیاسی و اجتماعی با مشکلات فراوانی مواجه اند. اما سطح پایین سواد یکی از عمده ترین این مشکلات است که گریبان گیر زنان افغانستان می باشد.^{۲۶} البته این مشکل تنها مربوط به خانم ها نمی باشد و مردها را نیز در بر می گیرد ولی روشن است که در مجموع خانم ها از سطح سواد

پایین تری نسبت به مردان برخوردارند.

سنتی بودن مردم و پایبند بودن به رسم و عینعات زن ستیز یکی دیگر از موانع بزرگی است که از قدیم الایام در افغانستان وجود داشته است و بی سواد و یا سطح پایین سواد و آگاهی در جامعه بی ارتباط با این موضوع نمی باشد.

مشکلات امنیتی بخشی دیگر از این چالش ها است. اگرچند بعد از روی کار آمدن اداره جدید در افغانستان فرصت برای فعالیت های سیاسی و اجتماعی زنان مساعدتر شد، ولی بدتر شدن روزافزون شرایط امنیتی این فرصت را تنگ تر می سازد. خانم ها در مقابل ناامنی آسیب پذیرترند و بدتر شدن شرایط امنیتی به صورت طبیعی زمینه را برای آنان مسدودتر می سازد.

با توجه به مشکلاتی که مطرح شد، راه حل های عمده نیز می تواند به قرار ذیل باشد:

رشد آگاهی های عمومی و بلند بردن سواد در میان مردم افغانستان، به ویژه خانم ها و تلاش برای توانمندسازی آنان در عرصه فعالیت های اجتماعی، مدنی و سیاسی؛

برقراری امنیت و ایجاد فرصت برای خانم ها، تا بتوانند بدون هراس در فعالیت های سیاسی و انتخاباتی مشارکت کنند؛

رفع نابرابری های جنسیتی در سطح قوانین و سیاست گذاری دولت و توجه به حقوق زنان توسط ارگان های مسئول؛

اصلاح فرهنگ زن ستیز سنتی در جامعه و مبارزه با مردسالاری از طریق فعالیت های آموزشی و فرهنگی و گسترش آن در سطح جامعه؛ حمایت از زنان فعال در عرصه فعالیت های اجتماعی و سیاسی

و تشویق و ترغیب آنان برای حضور در فعالیت های سیاسی و مدنی؛

این نکته ها می تواند آینده فعالیت های سیاسی و اجتماعی زنان و حضور آنان در جامعه را بهبود بخشد.

منابع :

۱. مصاحبه ها با تعدادی از نمایندگان پارلمان و شوراهای ولایتی که اغلب از افشا شدن اسم و مشخصات خویش امتناع ورزیدند.
۲. مصاحبه با آگاهان امور سیاسی و دینی و محصلان دانشگاه بلخ
۳. معلومات اینترنتی و گزارشات خبری از سایت های مختلف

۲۳- مصاحبه با ملیحه احمد زی کاندید دور دوم انتخابات پارلمانی از ولایت بلخ

۲۴- مصاحبه با یکتا رای دهنده در ولایت بلخ (معلم در یکی از مکاتب)، ۳۰ عقرب ۱۳۹۰

۲۵- مصاحبه با قمر نوری کاندید دور دوم انتخابات پارلمانی از ولایت بلخ

۲۶- مصاحبه با یکی از رای دهندگان (معلم در یکی از مکاتب) تاریخ ۳۰ عقرب ۱۳۹۰ ولایت بلخ

بخش دوم:

موانع سنتے درانت خابات

پس زمینه تاریخی و وضعیت فعلی مشارکت سیاسی زنان (کابل)

مقدمه

افغانستان پس از سال‌ها جنگ و ویرانی و گذراندن دوره‌های سیاه تاریخی، دوره جدید سیاسی خود را با حضور و حمایت جامعه جهانی برای ایجاد دولت دموکراتیک و حاکمیت قانون آغاز کرد. در این دوره قانون اساسی جدید افغانستان تصویب و توشیح شد، نهادهای حکومتی بر اساس آن ایجاد گردید، دو دور انتخابات ریاست جمهوری، دو دور انتخابات پارلمانی و نیز انتخابات‌های شوراهای ولایتی برگزار گردید، ملیون‌ها مهاجر به کشور بازگشتند و مردم امیدوارانه به زندگی جدید خود آغاز کردند.

موضوع این نوشته تحقیقی بررسی مشارکت و فعالیت زنان در انتخابات‌های اخیر و چالش‌های فراوری آنان در انتخابات است. این نوشته بیان می‌دارد که مشکلات زنان ریشه‌های تاریخی دارد و در طول تاریخ کشور با مسأله حقوق و مشارکت سیاسی زنان برخورد ابزاری شده است. از این رو زنان بسته به تحولات سیاسی با فراز و فرودهای فراوانی مواجه شده‌اند. هرچند در طول ده سال اخیر زنان توانسته‌اند راه خود را به سوی مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی باز کنند، اما هنوز محدودیت‌های فرهنگی و سنتی فراوری آن‌ها بسیار زیاد است. مشکلات و محدودیت‌های امنیتی بخشی دیگر از این مشکلات است که متأسفانه روز به روز بیشتر شده است.

برای بررسی این موضوع از روش‌های تحلیلی - توصیفی استفاده شده و اطلاعات و داده‌های آن با استفاده از سایت‌های اینترنتی و اجرای مصاحبه با کارشناسان، کاندیدان و مردم عادی جمع‌آوری شده است.

۱. سهم‌گیری زنان در دو انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی کشور

چنانچه تذکر داده شد، افغانستان در دور جدید شاهد برگزاری چندین انتخابات (ریاست جمهوری و پارلمانی) بوده است. دو

انتخابات ریاست جمهوری در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۹ و دو انتخابات پارلمانی در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰. با توجه به آمار شرکت کنندگان در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ میزان مشارکت زنان افغانستان در فعالیت‌های سیاسی بیشتر شده بود، هرچند چالش‌ها و مشکلات امنیتی آنان نیز بیشتر شده بود که بر میزان مشارکت زنان رای دهنده در انتخابات نیز تأثیر منفی گذاشته بود.

اولین دور انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی

نخستین انتخابات ریاست جمهوری این کشور در سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۴) و با حضور گسترده ناظران داخلی و بین‌المللی برگزار شد. مسئولیت برگزاری این انتخابات را کمیسیون ۱۱ نفری انتخابات که به اساس فرمان رییس جمهوری دوره انتقالی تشکیل شده بود، و از جمله ۵ تن آن را کارشناسان امور انتخاباتی تشکیل می‌دادند، که از جانب نمایندگی سیاسی سازمان ملل در کابل توظیف شده بودند. افغانستان، نخستین انتخابات ریاست جمهوری خود را به تاریخ نهم اکتبر سال ۲۰۰۴ برگزار کرد که در آن، هجده نفر برای احراز پست ریاست جمهوری، به رقابت پرداختند. در این انتخابات، برای اولین بار یک زن کاندید ریاست جمهوری شد.^۱ در مجموع ۱۲.۶ میلیون نفر برای شرکت در این انتخابات ثبت نام شده بودند. براساس آمار رسمی، ۸۱۲۸۹۴۰ نفر که هفتاد درصد کل ثبت نام کنندگان را تشکیل می‌دادند، در این انتخابات شرکت کردند. در این انتخابات حدود ۴۱.۵ درصد زنان برای شرکت در انتخابات ثبت نام کرده بودند.^۲ مشارکت زنان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴، در داخل افغانستان بیش از ۴۰ درصد کل رای دهندگان و در خارج از کشور در میان مهاجران مقیم ایران و پاکستان حدود ۳۰ درصد بود. ولایات دایکندی در مرکز، فاریاب در شمال، هرات در غرب و نورستان در شرق، بیشترین درصد رای دهندگان زن

۱- مسعوده جلال

۲- کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، حضور و نقش زنان در حوزه عمومی و فعالیت‌های سیاسی، حوت ۱۳۹۰



شهلا عطا نامزد ریاست جمهوری در انتخابات سال ۱۳۸۸

را در این انتخابات داشت و ولایات ارزگان، در مرکز و هلمند در جنوب، به ترتیب با دو و شش درصد، کمترین رای دهندگان زن را در انتخابات داشتند.^۳

در انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۴ جمعاً حدود ۶ میلیون نفر برای شرکت در انتخابات ثبت شده بودند که حدود ۵۵ درصد مجموع واجدان شرایط رای دهی را تشکیل می دادند. حدود ۵۹ درصد رای دهندگان ثبت شده را مردان و حدود ۴۱ درصد آنان را زنان تشکیل می دادند.

در این دوره ۲۷ درصد اعضای مجلس نمایندگان (۶۸ کرسی از مجموع ۲۴۹ کرسی)، و ۲۲.۵ درصد سنا (۲۳ کرسی از مجموع ۱۰۲ کرسی) در پارلمان را زنان تشکیل می دادند و نزدیک به ۲۹ درصد از کرسی های شوراهای ولایتی (۱۲۱ کرسی از مجموع ۴۲۰ کرسی) را در دور قبلی در اختیار خود داشتند.^۴

دومین دور انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی

انتخابات دوم ریاست جمهوری کشور در ۲۹ اسد ۱۳۸۸ برگزار شد. بر اساس آمار کمیسیون انتخابات افغانستان در هنگام برگزاری این انتخابات کل رای دهندگان افغان حدود ۱۷ و نیم میلیون تن بودند که از آن جمله ۳۹ درصد آن ها را زنان تشکیل داده بودند.^۵

در این انتخابات ۴۱ نفر خود را برای انتخابات ریاست جمهوری افغانستان کاندید کردند که پس از کناره گیری ۵ نفر از آنان ۳۷ نفر تا پایان انتخابات با هم به رقابت پرداختند. دو تن از این کاندیدان زن بودند.^۶ همچنین ۵ زن دیگر به حیث معاونان نامزدهای ریاست جمهوری در این انتخابات حضور داشتند.^۷ همچنین از میان ۳۱۸۰ تن از نامزدان شوراهای ولایتی حدود ۳۳۳ تن آنان را زنان تشکیل می دادند.

در این انتخابات حدود ۴۷۰۰۰ تن از زنان به عنوان کارمندان انتخاباتی در سراسر کشور به صورت موقت استخدام شده بودند که ۳۹ درصد مجموع کارمندان موقت انتخاباتی را تشکیل می دادند و نزدیک به ۶۲۰۰۰ تن از زنان به عنوان ناظر انتخابات شرکت کرده بودند که ۲۲ درصد مجموع ناظرین انتخابات را شامل می شدند. بنابر گزارش کمیسیون انتخابات ۳۸.۲ درصد از مجموع اشتراک

۳- بی بی فارسی، نخستین انتخابات افغانستان؛ آمار و اطلاعات، ۲۸ سرطان ۱۳۸۸، برگرفته از: http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2009/07/090719_ram_first_election_details.shtml

۴- پیشرفت برای زنان پیشرفت برای همه است، سایت یونیفم، دریافت شده به تاریخ ۱۵ حوت ۱۳۹۰ به این آدرس: http://www.unifem.org/afghanistan/media/pubs/08/factsheet_DR.html

۵- بی بی سی فارسی، 'کمپین پنج میلیون رای دهنده زن' در افغانستان، ۱۳ اسد ۱۳۸۸، برگرفته از: http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2009/08/090804_a-af-election-women-campaign.shtml

۶- فروزان فنا و شهلا عطا

۷- عقیقه معروف، فاطمه نعیمی، نفس جهید، نورضیا چرخي نامزدان معاونت دوم ریاست جمهوری و زرمینه سحر نامزد معاونت اول ریاست جمهوری

کنندگان در این انتخابات را زنان تشکیل می دادند.^۸ در انتخابات پارلمانی دوم در سال ۱۳۸۹ جمعاً حدود ۱۲ میلیون نفر واجد شرایط ثبت شده بودند که به اساس گزارش کمیسیون انتخابات حدود ۴۰۳ ملیون نفر در انتخابات شرکت کرده بودند. حدود ۳۹ درصد (۱.۵۷۹.۴۶۸ نفر) از این رای دهندگان را زنان تشکیل می دادند که اندکی کاهش را نسبت به انتخابات گذشته نشان می دهد. در این انتخابات حدود ۴۱۳ تن از زنان به عنوان کاندید در انتخابات سهم گرفتند که حدود یک چهارم مجموع کاندیدان بود. در نتیجه این انتخابات حدود ۶۹ زن به مجلس نمایندگان راه یافتند. هرچند در این دور یک کرسی بیشتر به زنان اختصاص یافته است، اما در این دور تنها ۱۲ تن در رقابت با مردان و بدون استفاده از سهمیه ۲۵ درصدی، به پارلمان راه یافتند، در حالی که در انتخابات پارلمانی گذشته، ۲۹ نفر در رقابت با مردان به پارلمان راه یافته بودند. این نکته بیانگر آن است که زنان این بار با محدودیت بیشتر و شانس کمتری مواجه بوده اند.^۹

۸- کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، حضور و نقش زنان در حوزه عمومی و فعالیت های سیاسی، حوت ۱۳۹۰

۹- همان

مشکلات سنتی و فرهنگی زنان برای مشارکت در انتخابات:

شکاف جنسیتی در اکثر جوامع سنتی یکی از پایدارترین و برجسته ترین شکل شکاف های اجتماعی در طول تاریخ بوده است. فرهنگ های جوامع سنتی با احکام قطعی و تغییرناپذیر، زن و مرد را از همدیگر جدا کرده و میان آنان تمایز و تبعیض قایل شده اند. هرچند فعالان حقوق زن و جنبش های اجتماعی مدافع حقوق زنان در طول بیش از صد و پنجاه سال اخیر برای رفع این شکاف تبعیض آمیز تلاش کرده اند، اما هنوز هم در بسیاری از جوامع، به ویژه جوامع سنتی و عقب مانده مثل افغانستان، زنان قربانی بدترین اشکال تبعیض، خشونت و محرومیت از حقوق اساسی شان اند. این محرومیت ها و تبعیضات، به اشکال مختلف وجود دارد و حتا عرصه زندگی خصوصی زنان را نیز در امان نگذاشته است، اما مهمترین نمود این محرومیت ها در حوزه عمومی و در عرصه فعالیت های اجتماعی دیده می شود. جامعه برای آنان حوزه ممنوعه بوده و حضور و اشتراک در فعالیت های اجتماعی برای آنان کاری خلاف اخلاق و هنجار، و حتا جرم پنداشته شده است، چه، سیاست و اداره امور اجتماعی همواره یک امر مردانه پنداشته می شده و زنان از این عرصه غایب بوده اند.

هرچند افغانستان در طول ده سال اخیر در عرصه حقوق زنان دستاوردهای قابل توجهی داشته است، ولی زنان هنوز با مشکلات متعددی در متن جامعه مواجه اند و هنوز قربانی انواع خشونت ها، تبعیضات، محرومیت ها و نابرابری های بیشماری اند. این مشکلات ریشه در عرف و عنعنات ناپسند جامعه و سطح پایین آگاهی در میان مردم، به ویژه خود زنان، دارد. علاوه برآن زنان هنوز با نابرابری های جنسیتی در ساختار دولت و اشتراک در فعالیت های اجتماعی و سیاسی نیز مواجه اند.^{۱۰} این مشکلات به ویژه در عرصه مشارکت سیاسی و حضور در انتخابات ها بیشتر است.

پس زمینه تاریخی موقعیت فرودست زنان در فرهنگ افغانی

زنان در تاریخ فرهنگ سنتی افغانستان، همچون اکثر جوامع سنتی دیگر، موقعیت فرودست داشته اند و با آنان همچون شی و یا ابزاری در خدمت مردان برخورد شده است. عامل تاریخی شی وارگی و شی انگاری زنان در حوزه اقتدار مردانه ریشه در استبداد تاریخی، خشونت سیستماتیک و ساختاری، انگاره های دینی و اسطوره تاریخی قدرت مردانه دارد. جنگ و فرهنگ جنگ، بی امنیتی، شقاوت های تاریخی، بنیادگرایی دینی، محدودیت های اجتماعی و تفکر سنتی مسلط مردانه، عواملی اند که بیشترین آسیب ها را بر زنان وارد می نمایند. در عین حال، دولت های پدرسالار و حوزه های

قدرت که بیشتر با اشتراک مردان شکل گرفته اند، به زن و موقعیت او نگاه ابزاری دارند. جدا از سایر مولفه ها، حقوق زنان، سوژه به شدت سیاسی است و در نتیجه در تقابل با سیاست های پدرسالارانه جوامع قرار گرفته و در تقابل با قدرت و تفکر سیاسی حاکم و نهاد های بازتولید کننده آن عملا امکان تبارز نیرومند نمی یابند از این رو کسب حقوق زنان در یک فرایند برابری طلبانه صرفا می تواند در متن یک کارزار فراگیر سیاسی و اجتماعی معنا و مفهوم بیابد.

در افغانستان تنها مساله تبعیض جنسیتی به عنوان یک معضله مطرح نمی گردد، بل مجموعه یی از تبعیض و ستم همراه با تبعات جنگ و شاخصه های جوامع پس از جنگ، بی امنیتی، فقر و خشونت ساختاری، مساله جایگاه زنان و توازن جنسیتی را با دشواری جدی مواجه ساخته است.

از آنجایی که نقد فرهنگی کنش ها و رفتارهای سنتی این چینی، با واکنش تفکر سنتی رو به رو می شود، به یک گفتمان مسلط اجتماعی مبدل نمی شود.

با این هم، هرگاه پالیسی های سیاسی-دولتی و تک رفتارهای معدود زنان را در بستر زندگی اجتماعی به عنوان هنجارهای تعیین کننده روند تاریخی اجتماعی مبارزات زنان بدانیم، متأسفانه به این نتیجه می رسیم که سیاست گذاری ها و رفتارها چونان محدود و متمرکز در یک سطح - اطراف شاه یا رئیس جمهور- بوده اند، که به مجرد تغییر دولت و سیاست هر بار دچار دگرگونی ساختاری عمیق گردیده اند. به بیان دیگر، گاهی سیاست مداران مرد، زنان را از خانه به اجتماع رهنمایی کرده و گاهی با بینش و نگره سیاسی-دینی دوباره خانه نشین ساخته اند. این در حالی است که زنان تصمیم حضور در حوزه خانه و حوزه اجتماع را با درک شعوری در یک گفتمان اجتماعی بررسی نکرده و سهمی در تصمیم گیری نداشته اند. به این معنا که قدرت های مذکر با بینش پدرسالارانه و یک سوئه در مورد تصمیم گیری کرده با توجه به منافع گروه حاکم غالبا زنان را با چیدمان شطرنجی و شی انگاری از متن بیرون رانده اند. نگاه فشرده به تاریخ معاصر افغانستان و مسایل حقوق زنان در دوران امیر عبدالرحمن خان سیستم قانونی تدوین شده یی وجود نداشت، با این هم او با صدور فرامینی کوشید تا بعضی برخوردهای سنتی با زنان را که از دیدگاه او در تعارض با اسلام بودند، کمرنگ سازد. در این زمینه میتوان به فرمان هایی در ارتباط به آزادی ازدواج زن بیوه، حق میراث دختران و شرط برای ازدواج کودک مبنی بر پذیرش آن در دوران بلوغ اشاره کرد. هرچند معلومات دقیق در این مورد در دست نیست که تا چه اندازه این فرمان ها کارآیی داشته اند، ولی مسلم این است که تاثیرات این فرمان ها نتوانستند از حوزه دربار و درباریان به بیرون سرایت کنند. از سوی دیگر امیر با یک فرمان دیگر حق کامل نظارت زنان را به همسران شان داد که در نتیجه افزون بر این که فرمان های پیشین تغییری در زندگی زنان به وجود نیاوردند، بلکه با این فرمان زنان



فروزان فنا نامزد ریاست جمهوری در انتخابات سال ۱۳۸۸

محمد ظاهر شاه، برای حمایت از زنان کار همه گستر و درخور که ثبت تاریخ شده باشد، وجود ندارد. با این هم موسسه خیریه نسوان (موسسه نسوان و بعدها میرمنو تولنه) در سال ۱۹۴۶ میلادی در همین دوره تاسیس گردید. در این موسسه زنانی از خانواده شاهی و خانواده های متمول کابل فعالیت های اجتماعی و فرهنگی و خیریه را آغاز کردند. در این سال ها آزادی هایی هم برای زنان خانواده های سلطنتی و شهری ثروتمند وجود داشت که بیشتر به برنامه های خانگی و مجالس خصوصی محدود می گردید تا یک حرکت اجتماعی فراگیر. این دور تا زمان صدارت سردار محمد داوود تا سال ۱۳۵۳ ادامه داشت.

در دوره صدارت سردار محمد داوود، توجه به معارف، پیشرفت و تحصیل زنان بخشی از استراتژی دولت شد و مشمول پلان های کاری پنج ساله گردید. مکاتب رسمی دخترانه تاسیس گردید، زنان طبقات بالا و خانواده های متمول در شماری از اداره های رسمی به کار آغاز کردند، آواز میرمن پروین، نخستین آواز خوان زن، از طریق امواج رادیو پخش گردید. داوود خان در سال ۱۹۵۹ میلادی از دختران خانواده سلطنتی و ارکان بلند پایه دولتی خواست تا بدون چادری در مراسم گرامیداشت از جشن استقلال حضور یابند. بدین

دوباره بخشی از اموال مردان شمرده شدند. گفته می شود که خانم حلیمه ملقب به بیو جان، همسر امیر عبدالرحمن، زن قوی و بااراده یی بود که در محیط کار گویا مردانه حضور می یافت و بحث و گفتگو می کرد؛ اما متأسفانه او بیشتر نماد قدرت امیر بود تا الگوی رفتاری برای همه زنان.

در دوره سلطنت امیر حبیب الله، با مداخله مستقیم خانواده طرزی، دیدگاه های جدیدی در مورد نقش زنان در حلقهات دربار به میان آمد. محمود طرزی که پرورش یافته جریانات نوگرایی در حوزه امپراتوری عثمانی بود، با استدلال و منطق، تحصیل زنان و نقش اجتماعی ایشان را که بر اثر سنت و عرف غیر اسلامی تلقی می گردید، اسلامی و مطابق مذهب عنوان کرد و سلسله مقالاتی را در جریده سراج الاخبار زیر ستون «تامور زنان جهان» در مورد پیشرفت های زنان و نقش آنان در اجتماع به نشر رساند. مخاطبان این نشریه غالباً حلقهات دربار و معدود خانواده های شهری بودند. این ستون با این که با اعتراض گروهی از خوانندگان مواجه گردید، کماکان منتشر می شد.

نخستین مایه های روشنفکری و ایجاد تغییر در زندگی سنتی را می توان در اوایل سلطنت شاه امان الله خان جستجو کرد. نخستین تلاش ها در ایجاد نقش متفاوت زنان در افغانستان با حرکت نمادین ملکه ثریا و پس اندازی حجاب و شرکت او در جشن استقلال همراه با همسران وزرای دفاع و خارجه بدون حجاب، گشایش نخستین مکتب دخترانه در سال ۱۹۲۱ میلادی، نشر جریده ارشاد النسوان در سال ۱۹۲۲ میلادی، اعزام نخستین گروه دختران به خارج از کشور برای تحصیل، تحصیل اجباری از شش تایازده سالگی، تدوین قانون اساسی و پایه گذاری سیستم قانونی مرکزی و رسمی آغاز گردید. همچنان شاه امان الله خان در مجلسی که با نمایندگان مردم در سال ۱۹۲۷ میلادی در پغمان داشت، در مورد تعیین سن ازدواج و محدود کردن تعدد زوجات به مذاکره پرداخت که با واکنش تند نمایندگان رد گردید و سرانجام منجر به شورش و سقوط سلطنت وی گردید.

از آن جایی که در تاریخ افغانستان، مردان با نقش اجتماعی زنان و پوشش آنان بیشتر از هر موضوع دیگری مساله داشته اند، یکی از مسایل خیلی جدی مورد تضاد در صد سال اخیر تاریخ افغانستان نظریه پردازی در همین راستا بوده و حجاب و پوشش اسلامی بیشتر از این که یک حکم دینی باشد به ابزار سیاسی سیاست مداران و بازدهی قدرت مردانه و حس مالکیت مبدل شده است.

در دروان امارت امیر حبیب الله کلکانی، تمام اصلاحات از جمله حرکت های مدنی مبنی بر تغییر دیدگاه ها و نقش زنان دگرگون گردید و معدود زنان شهری و درباری که از مزایای تغییر مستفید شده بودند، دوباره ناگزیر به پوشش گویا اسلامی تن در داده و از نقش های اجتماعی محروم گردیدند. در دوره محمد نادر شاه و

های نه چندان پررنگی داشتند. با این که شمار زندانیان زن در این دوران مشخص نیست، اما شواهد نشان می دهند که تعدادی از زنان نیز، زندان و مرگ بر اثر شکنجه را در داخل زندان متقبل شدند.

هنگامی که مجاهدین در اوایل دهه نود کنترل کشور را به دست گرفتند، نقش و پوشش زنان شهری و باسواد را که در حوزه اجتماعی و اقتصادی فعال بودند، دگرگون ساختند بدون این که زنان مقاومتی از خود نشان دهند و یا هم هنگامی که طالبان به قدرت رسیدند، با فرمان و فتوای طالبانی پوشش و موقعیت اجتماعی سیاسی زنان را تغییر دادند و باز هم زنان کنش یا واکنشی یا گپ و گفت محسوسی نداشتند؛ همان سان که در به دست آوردن آزادی ها و حقوق نسبی که در دوره های قبل به دست آورده بودند، نیز نقشی نداشتند. هر چند در زمان امارت طالبان گزارش هایی مبنی بر تظاهرات زنان علیه پوشیدن چادری و نشستن در خانه در شهر های هرات، مزار شریف و قندهار وجود دارد. اما این در حالیست که شمار تظاهر کنندگان از مرز دو صد نفر فراتر نرفت.

با تاسف که تاریخ صد سال اخیر افغانستان نشان می دهد که مایه های شعوری زنان، آبخشور حرکت های برابری خواهی، عدالت و حقوق زنان نبوده یا دست کم نقش پویا و فعال زنان آن سانی که باید می بود تا هشت سال پیش وجود نداشت.

با این که تحولات ده سال اخیر و تلاش ها در راستای تغییر زندگی زنان، نیز زاده مداخله و فشار از بالا به پایین بوده است، اما این فضای باز موجب پیدایی گفتمان های زنانه و حرکت های فردی و گروهی گردیده است. ایجاد وزارت امور زنان و کمیسیون مستقل حقوق بشر، حضور زنان در کابینه، پارلمان و شوراهای ولایتی، پلان کاری ملی زنان افغانستان، استراتژی انکشاف ملی افغانستان، پروتوکل محو ازدواج اجباری و ازدواج اطفال (۲۴ نوامبر ۲۰۰۵ میلادی)، کمیسیون محو خشونت علیه زنان (۹ جولای ۲۰۰۳ میلادی)، الحاق و تصویب کنوانسیون محو کلیه تبعیضات علیه زنان (۵ مارچ ۲۰۰۳ میلادی) باز هم حرکت هایی از بالا به پایین اند.

نبایست فراموش کرد که حقوق برابر، به معنای فرصت برابر نیست. قانون اساسی افغانستان سال ۲۰۰۳ میلادی افزون بر رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر کنوانسیون های بین المللی که به آنها الحاق نموده است (ماده ۷)، حقوق مساوی در برابر قانون را برای همه شهروندان افغانستان تضمین می کند. (ماده ۲۲)، و طرح پروگرام برای ایجاد توازن و انکشاف تعلیم زنان (ماده ۴۴)، حمایت از زنان بی سرپرست (ماده ۵۳) و طفل و مادر (ماده ۵۴)، را در نظر دارد. در این قانون حتا تبعیض مثبت که وجه اجرایی در کشورهای رو به توسعه دارد، نیز در ارتباط به حضور زنان در شورای ملی در نظر گرفته شده است. (ماده ۸۳)

ولی با این هم شکاف عمیق بین قانون و زندگی عملی مردم وجود دارد. عدم مراجعه شهروندان به قانون، عدم پایبندی و ارج گذاری به قانون و ارجحیت سنت و عرف نسبت به قانون سبب شده

گونه نهضت نسوان و رفع حجاب که مقدمات آن از سال ۱۹۵۸ میلادی گذاشته شده بود با بهانه درخواست معلمان مکتب قابلیت و مکتب متوسطه نسوان به اجرا گذاشته شد. داوود خان در این راستا خود به گفتگو و مناقشه با قشر محافظه کار جامعه پرداخت. زنان در این دوره با تصویب قانون اساسی سال ۱۹۶۴ میلادی به حقوق سیاسی و حق رای دهی رسیدند. در کمیته تسوید قانون اساسی ۱۹۶۴ میلادی برای بار نخست دو خانم حضور یافتند و در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۶۵ میلادی چند خانم به پارلمان حضور یافتند و دو خانم دیگر به عنوان سناتورانتصابی تعیین شدند.

نخستین نهاد مدنی زنانه مستقل از چارچوب دولت، سازمان دموکراتیک زنان که شاخه‌یی از حزب دموکراتیک خلق به شمار می‌رفت، در سال ۱۹۶۵ میلادی پایه گذاری شد. این نهاد، که بیشتر روی حوزه سیاست تمرکز داشت، از دید ایدیولوژیک و طبقاتی قسما به دفاع از موقعیت زنان می پرداخت. یکی از حرکت های مدنی که گفته می شود از سوی این سازمان راه اندازی گردیده بود مظاهره جمعی از زنان در اعتراض به مسوده منع تحصیل دختران در خارج از کشور و دریافت تضمین قانونی حضور در پارلمان در سال ۱۹۶۸ میلادی است؛ حرکتی که صرف نظر از عدم گستردگی آن می‌توان آن را گونه‌یی از یک کنش اجتماعی نامید.

خلاف دوران صدارت، سردار محمد داوود پس از کودتا و گزینش سامانه جمهورییت نظر به فشارهایی که بیشترین از قشرهای سنتی - مذهبی بر او تحمیل شده بود، با محافظه کاری نسبت به حقوق زنان برخورد کرد و بیشتر مصروف خنثا سازی توطئه ها علیه خود گردید. این در حالی بود که هیچ گونه فشار اجتماعی نیز مبنی بر تغییر نقش زنان در متن جامعه دیده نمی شد. ولی با اینهم گروهی از زنان در شهرها، به زندگی اجتماعی- اقتصادی خویش کماکان ادامه می دادند و قشر محافظه کار نیز با تسامح و احتیاط با این گروه ها برخورد می کردند.

در دوران حکومت چهارده ساله حزب دموکراتیک خلق افغانستان، دولت مداران بیشتر با شتاب زدگی ایدیولوژیک و نسخه برداری ناشیانه از کشور بزرگ شوراها که هیچ گونه مشابهت و همسانی با افغانستان نداشت، به جنبه های روبنایی زندگی زنان توجه کردند. سوژه های حقوق زنان و برابری اجتماعی با استراتژی های نادرست و تب و تاب حزبی منجر به عقبگرد حرکت های زنانه و تفسیر نامناسب از آزادی زنان و حقوق آنان گردید. در این جریان حرکت های خودجوشی از سوی گروهی از زنان در واکنش به برنامه های حزب دموکراتیک خلق در چندین مرحله سامان یافت. این حرکت ها که بیشتر احساسات ضد دولتی را بازتاب می دادند تا صدای برابری خواهی زنان را، نیز خیلی همه گستر نشدند و به زودی فروکش کردند. بزرگترین و مهم ترین تظاهرات زنان را در سال ۱۹۸۲ میلادی در آستانه تجلیل از دومین سالگرد انقلاب ثور در شهر کابل می‌توان مشاهده کرد. زنان در سایر شهرها نیز مقاومت

است که قانون در بیشتر مناطق افغانستان حاکمیت نداشته باشد و مردم به قرارداد های عرفی مراجعه نمایند. در سرزمینی که هنوز مسایل حقوقی زنان حل نشده است و زنان مطابق قانون نتوانسته اند که حقوق خود را به دست بیاورند، شاید ادعای برابری جنسیتی گزافه‌یی بیش نباشد. برابری جنسیتی تنها با قانون محقق نمی‌گردد. در این راستا مسایل ساختاری جامعه، عقب‌ماندگی اقتصادی، مسایل روان جمعی، تاریخی، سیاسی و فرهنگی، به صورت یک کمپلکس قوی و مستحکم عمل می‌کنند. این در حالیست که زن در قانون عرفی که مجری آن بیشترین جرگه‌ها و شوراهای قومی و قشرهای سنتی - مذهبی اند، به عنوان طرف مساوی به شمار نمی‌رود و در چنین شوراها اگر احترامی به زن وجود دارد، ناشی از نقش مادری زن است تا نقش اجتماعی او.^{۱۱}

مشکلات و چالش‌های فعلی مشارکت زنان

براساس گزارش های منتشر شده از انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹، زنان در این انتخابات نسبت به گذشته با مشکلات و موانع بیشتری مواجه بوده‌اند. به ویژه مشکلات امنیتی در اکثر ولایات زنان را بیشتر تهدید می‌کرد. در شماری از مناطق ناامن کشور زنان نتوانستند در انتخابات شرکت کنند. مشکلات امنیتی باعث شد که شمار ناظرین زن در این انتخابات کمتر بوده است و در موارد زیادی کاندیدان زن و یا کمپاین‌گران آنان از سوی طالبان، قوماندانان محلی، و رقیبان انتخاباتی آنان مورد تهدید قرار گرفته بودند. به اساس گزارش بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان، مشارکت زنان در ولایات ناامن از قبیل فراه، نیمروز، کندهار، ارزگان، غزنی و پکتیا در پایین ترین سطح قرار داشته است.

یکی از مشکلات زنان در انتخابات سال ۱۳۸۹ در مرحله ثبت نام رای دهندگان بود. کمیسیون انتخابات برای ثبت نام رای‌دهندگان در هر ولایت تنها یک مرکز ثبت نام باز کرده بود و اکثر قریب به اتفاق زنان از ولسوالی‌ها و مناطق دوردست نمی‌توانستند برای ثبت نام و گرفتن کارت رای دهی به مرکز ولایت مراجعه کنند.

علاوه بر این‌ها، توانمندی پایین اقتصادی زنان برای راه اندازی کمپاین های انتخاباتی نیز آنان را با محدودیت بزرگی مواجه می‌سازد. سطح پایین آگاهی میان زنان مشکل دیگری است که میزان مشارکت و سهم گیری زنان را در انتخابات ها و در مجموع در فعالیت های سیاسی کاهش می‌دهد.^{۱۲}

باورهای سنتی حاکم بر جامعه افغانستان، زنان را از پرداختن به سیاست و امور مربوط به تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های سیاسی باز می‌دارد. طبق این باور، گفته می‌شود که زنان باید در انقیاد مردان

۱۱- این بخش خلاصه نگاری ای از این مقاله است: آرمان شهر، منیژه باختری، بازنشاسی نقش زنان افغانستان در مبارزات آزادی خواهی زنان، مشار ۱۵ و ۱۶، حمل ۱۳۹۰، ص ۲ برگرفته از: <http://www.scribd.com/doc/56633073/ArmanShahr-15-16-Dari>

۱۲- کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، حضور و نقش زنان در حوزه عمومی و فعالیت های سیاسی، حوت ۱۳۹۰

باشند و در هر امری از دستور آنان متابعت کنند. در جدیدترین اعلامیه شورای علمای سرتاسری افغانستان نیز آمده است که «در خلقت بشر، مرد اصل و زن فرع می‌باشد... و زنان نباید بدون محرم شرعی شان سفر کنند و از «اختلاط با مردان بیگانه درعرصه های مختلف اجتماعی، مانند تعلیم، تحصیل، بازار، دفاتر و سایر شئون زندگی» دوری نمایند. نتیجه قطعی این گونه باورها محرومیت زنان از وارد شدن در حوزه عمومی، به ویژه پرداختن به مسایل سیاسی و تعیین سرنوشت سیاسی شان است.^{۱۳}

بر اساس گزارشاتی از جریانات انتخابات به دست آمده در بسیاری از مناطق، خصوصاً ولایات دور افتاده بعضی از زنان به طور غیر مستقیم رای دادند. طوری که کارت رای‌دهی‌شان را پدر و یا هم شوهرشان به مرکز رای دهی می‌آوردند تا به جای آنان رای بدهند، بدون اینکه خودشان حضور داشته باشند. این مشکل حتی در جریان کارت گرفتن هم موجود بود. عده ای همراه با چادری عکس می‌گرفتند چرا که از طرف فامیل شان ممانعت ایجاد شده بود و آن‌ها اجازه نداشتند که عکس‌شان گرفته شود و در کارت رای‌دهی‌شان عکس صورت‌شان دیده شود. گاه این محدودیت‌ها باعث شده که زنان از حق رای شان محروم شوند و نتوانند در انتخابات شرکت کنند.

را حله زنی ۲۷ ساله که در روز برگزاری انتخابات تازه از ولایت دایکندی آمده بود، هیچ کارت رای‌دهی نداشته چرا که شوهر راحله بر این عقیده بوده که گرفتن کارت برای راحله هیچ ضروری نیست و او هیچ نیاز ندارد که رای بدهد.

این مشکل نه تنها در رابطه با زنانی که رای دهنده بودند دیده شده، بلکه عده ای از زنانی که هم رای گیرنده بودند با این مشکل مواجه شده بودند. آنها نمی‌توانستند بنا بر مشکلات خانوادگی عکس‌های خود را در پوستره‌های تبلیغاتی خود استفاده کنند. به جای آن وسیله شناخت آنها فقط نام و نشان انتخاباتی شان بود.^{۱۴} شاه گل رضایی یکی از کاندیدان پارلمان نیز دچار همین مشکل شده بود. وی بعد از اینکه پوستره‌های تبلیغاتی اش را پخش کرده بود پی‌درپی از طرف گروه‌های ناشناسی تهدید می‌شد تا پوستره‌های انتخاباتی خود را از سطح شهر جمع کند.^{۱۵}

هرچند دولت با نظر داشت گذشته زن در افغانستان امتیازاتی برای تقویت اشتراک و حضور زنان در انتخابات در نظر گرفت. به طور نمونه هرچند بعضی از زنان رای کافی برای ورود به پارلمان را کسب نکرده بودند، اما دولت با وضع «تبعیض مثبت» به نفع آنان زمینه حضور حداقل ۲۵ درصدی در مجلس نمایندگان را مساعد ساخت. همچنان در قسمت بعضی کاندیدان، بسیاری از معیارهایی را که یک کاندید ضرورت داشت، در رابطه با بعضی کاندیدان زن

۱۳- همان

۱۴- برگرفته از سایت کمیسیون مستقل انتخابات و سایت کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

۱۵- مصاحبه با شاگل رضایی، نماینده مردم در پارلمان

نادیده گرفت. از جمله میزان سواد بالا و همچنان مواردی که به ظرفیت زنان و آگاهی زنان نسبت به انتخابات و مسایل سیاسی و اجتماعی ربط داشت، تا حدودی این موارد را نادیده گرفته و اجازه اشتراک را برای شان دادند. در کنار آن برای ارتقا ظرفیت زنان کارهایی ترتیب دادند...

کارشناسان مسایل سیاسی بر این باورند که سهم‌گیری زنان در انتخابات افغانستان بنا بر گذشته بد تاریخی‌شان، ولو که به صورت صوری و ظاهری بوده اما می‌تواند شروعی باشد برای مشارکت زنان در مسایل اجتماعی و سیاسی چراکه آن‌ها بر این باورند که جوامع محروم برای به اثبات رساندن خود نیاز به یک سری حرکت‌ها دارند ولو این حرکت‌ها کاذب و نمادین باشند اما می‌توانند شروع و آغازی برای یک حرکت با نتیجه باشد، و شروعی برای بیرون شدن زنان از گذشته و سهم‌گیری آنان در مسایل اجتماعی، سیاسی و... مشارکت و حضور زنان در انتخابات نیز می‌تواند قدم اولی باشد برای مشارکت فعالیت زنان در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی. در ابتدا زن باید به یک خود باوری برسد ولو که این خود باوری ظاهری باشد تا بتواند اولین گام‌ها را بردارد. تا در آینده گام‌های بعدی موثرتر باشد.^{۱۶}

عده‌ای هم نا آگاهانه رای داده و عده‌ای هم به خواست شوهران و بزرگ خانواده‌های خود رای دادند. بانو زنی ۳۸ ساله با دختر ۱۸ ساله خود رای می‌دهند ولی به شخصی که رای دادند بنا بر خواست شوهر خانواده بوده خود آنها هم هیچ ناراضیتی در مقابل این عمل نداشتند. آنها این ادعا را داشتند که (ما هیچ معلوماتی در مورد کسانی که خودشان را کاندید کرده بودند نداشتیم بنابر این بنا به خواست شوهر خود رای دادیم). نا آگاهی زنان در رابطه با مسایل انتخاباتی نیز خود می‌تواند تاثیر داشته باشد هرچند این تاثیر زیاد چشمگیر نیست اما با آن هم ابزار بودن و وسیله بودن بعضی از آرا خود مشکلی است.

نتیجه:

به طور خلاصه می‌توان گفت که مشارکت زنان در انتخابات‌های اخیر به عنوان یک شروع خوب قابل قدر بوده است. این نکته خصوصا از آن جهت قابل درک می‌شود که زنان در طول تاریخ از حق مشارکت سیاسی محروم بوده‌اند و موقعیت آنان نیز فرودست تر از مردان بوده است. با زنان و مسأله حقوق زن در تاریخ سیاسی کشور اکثرا همچون ابزار سیاسی برخورد شده است. از این رو وضعیت و حقوق زنان در کشور دستخوش فراز و فرودهای بسیاری بوده است.

با این حال، آنچه که مهم است و باید مورد توجه قرار گیرد، روند رو به رشد وضعیت حقوق زنان و مشارکت سیاسی آنان در انتخابات‌ها است. اگر این وضعیت روند صعودی داشته باشد،

می‌توان نسبت به آینده آن امیدوار بود.

از لحاظ نگرش عمومی نسبت به مسأله مشارکت زنان و نیز حساسیت خود زنان نسبت به حق سیاسی‌شان، ما شاهد بهبودی نسبی در وضعیت هستیم. در واپسین انتخابات‌های کشور میزان حساسیت‌ها فرهنگی و سنتی نسبت به مشارکت زنان کمتر شده بود. همچنین خود زنان نیز به این مسأله با جدیت بیشتری می‌نگریستند. چنانچه مشارکت زنان در انتخابات به عنوان کاندید روند صعودی داشته و در انتخابات‌های ریاست جمهوری و پارلمانی دور دوم در کشور تعداد بیشتری از زنان مشارکت داشتند.

اما مشکل امنیتی در برابر مشارکت زنان نسبت به گذشته بیشتر شده بود. چنانچه در انتخابات‌های اخیر ریاست جمهوری و پارلمانی کشور نسبت به انتخابات‌های دور قبلی شمار کمتری از زنان به عنوان رای دهنده مشارکت ورزیدند.

باید گفت که علاوه بر چالش‌های امنیتی، هنوز مشکلات فراوانی فراروی مشارکت زنان در انتخابات وجود دارد. این مشکلات به ویژه در مناطق دور دست و روستایی بیشتر است. در آن مناطق هنوز سنت‌ها و فرهنگ زمخت قبیله‌ای حاکم است که پذیرای مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی نیست و به حضور آنان در انتخابات به دیده منفی می‌نگرد.

۱۶- مصاحبه با ذاکر حسین ارشاد، استاد علوم سیاسی در دانشگاه ابن سینا

موانع سنتی و حمایت‌های قانونی (هرات)

مقدمه

جامعه افغانستان یک جامعه سنتی است و پیوسته از الگوهای سنتی خود متأثر بوده است. این الگوها محدودیت‌های زیادی در مقابل زنان خلق می‌کند؛ و به ویژه در امور اجتماعی و سیاسی آنان را با مشکلات فراوانی مواجه می‌سازد تا آنجا که حضور آنان را در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی بد و ناشایسته قلمداد می‌کند. این محرومیت‌ها و چالش‌ها با توجیهات مذهبی و دینی نیز عمق بیشتر پیدا می‌کنند، زیرا سنت‌ها و باورهای سنتی افغانستان، همچون اکثر جوامع مذهبی، با باورها و اعتقادات مذهبی عجین شده و تمایزی میان آن‌ها گذاشته نمی‌شود.

محرومیت زنان از حضور و نقش اجتماعی از دو جنبه قابل تأمل است:

یکی از جنبه حقوق بشری آنان به عنوان انسان؛ از این جهت که خود آنان به عنوان انسان از بخشی حقوق و امتیازات طبیعی‌شان محروم می‌شوند. می‌دانیم که زندگی اجتماعی فرصت‌ها و امکانات ویژه را خلق می‌کند که انسان‌ها در زندگی فردی خود از آن‌ها برخوردار نیستند. حقوق سیاسی و اجتماعی و بخشی اعظمی از حقوق اقتصادی و فرهنگی از این جمله‌اند. اگر کسی از جنبه‌های اجتماعی حیات خود محروم شود به صورت طبیعی از این حقوق و امتیازات نیز محروم می‌شود. مثلاً آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و تعیین سرنوشت سیاسی شان حق دخالت ندارند، از لحاظ سیاسی همیشه تابع و فرمانبردار شرایط و وضعیت‌هایی‌اند که دیگران برای شان می‌سازند و از لحاظ اقتصادی نیز کاملاً وابسته به دیگران می‌مانند و بدین سان هیچ گونه آزادی و ابتکار عمل برای آنان احترام نمی‌شود. لذا آن‌ها صرفاً نقش ابزار را بازی می‌کنند و به تعبیری بهتر نوکران سر به فرمان دیگران‌اند.

جنبه دوم محرومیت زنان از حضور و نقش اجتماعی رویکرد جامعه شناختی است؛ بدین معنا که هرگاه جامعه از نیرو و توانمندی‌های نیمی از پیکره خود محروم شود، به همان میزان توان تحرک و تکامل

و پیشرفت را از دست می‌دهد. محرومیت زنان از حضور در جامعه و به عهده گرفتن نقش اجتماعی نه تنها باعث می‌شود که جامعه را از توانمندی‌های آنان محروم سازد، بلکه آنان را به باردوش جامعه تبدیل می‌نماید که باید دیگران این بار را به دوش بکشند. این مسأله جامعه را از ابتکار عمل و توان تحرک، تحول و تغییر محروم می‌سازد و در نتیجه اسیر سرنوشت شان می‌سازد.^۱

یکی از مسایلی که محرومیت زنان را تداوم بخشیده است، ضعف سواد در جامعه افغانستان، و به ویژه ضعف سواد در میان خود زنان می‌باشد. ضعف سواد در میان زنان به ویژه در مناطق دوردست دهات و روستاها بسیار زیاد است. مناطق ناامن از این جهت وضع بدتری برای زنان رقم زده است.

با این حال، زنان افغانستان برای رفع این نابرابری‌ها و محرومیت‌ها تلاش‌های فراوانی انجام داده‌اند. در اثر این تلاش‌ها، آن‌ها پشته‌ای قانونی در تعهدات بین المللی افغانستان و قانون اساسی این کشور برای دسترسی به حقوق سیاسی شان را یافته‌اند. همه شهروندان افغانستان، بدون تفکیک و تمایز میان زن و مرد، «حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا می‌باشند» و «حق دارند به منظور تأمین مقاصد مادی و معنوی، مطابق به احکام قانون، جمعیت‌ها تأسیس نمایند» و نیز «حق دارند مطابق به احکام قانون، احزاب سیاسی تشکیل دهند...»^۲ این احکام قانونی فرصت‌های حقوقی معتبری برای حضور و مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، از جمله انتخابات، را فراهم آورده است.

اما از لحاظ عملی مشارکت زنان هنوز با مشکلات فراوانی مواجه است. این احکام قانونی باید در فرهنگ جامعه نهادینه شود تا زنان بتوانند به راحتی از این حقوق‌شان بهره‌مند گردند. این مسأله نیازمند تلاش‌های فراوانی است. از آنجا که باورها و سنت‌ها یک شبه بوجود نیامده بلکه سینه به سینه و نسل به نسل به ما رسیده‌اند، به سادگی

۱- ح. خوش نگار، سایت شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر، زنان و جامعه، برگرفته از: www.cshrn.af

۲- کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، حضور و نقش زنان در حوزه عمومی و فعالیت‌های سیاسی، حوت ۱۳۹۰، ص ۱۱

و یک شبه از بین نمی‌روند

مقاله حاضر تأثیر باورهای فرهنگی و سنتی جامعه افغانستان را بر مشارکت زنان به بررسی می‌گیرد. سپس به ضمانت‌ها و حمایت‌های حقوقی و قانونی ای که برای مشارکت سیاسی زنان خلق شده پرداخته می‌شود و در آخر نیز به صورت مختصر نگاهی انداخته می‌شود به مشارکت و سهم زنان در دو انتخابات پارلمانی ۱۳۸۴ و ۱۳۸۹. در نوشتن این مقاله با کارشناسان و فعالان زن گفتگوهای شخصی صورت گرفته و نیز از منابع و معلومات مکتوب در سایت‌های انترنتی استفاده شده است.

مشارکت زنان در بستر فرهنگ سنتی

در اینجا در ابتدا در مورد فرهنگ سنتی و و جایگاه زنان در آن بحث می‌کنیم، و سپس در سایه فرهنگ و سنت‌های جامعه افغانستان زمینه‌های فعالیت سیاسی و اجتماعی زنان را مورد ارزیابی قرار دهیم.

فرهنگ سنتی و جایگاه زنان

فرهنگ یکی از اصطلاحاتی است که از لحاظ معنایی بسیار فراخ دامن و گسترده است. از این رو برای آن تعاریف متعدد و متنوعی ارائه شده است. اما آنچه که مورد نظر ما در این نوشته است، «فرهنگ هنجار هدایتگری است که زندگی مردم را در یک مسیر هدایت می‌کند.» و به عبارت دیگر فرهنگ مجموعه رفتارها، کنش‌های اکتسابی، باورها، اعتقادات و ارزش‌های مورد قبول اعضای یک جامعه می‌باشد. یا بنا به تعریف دیگر، فرهنگ مجموع اعتقادات، باورها، نهادهای دینی و عرفی، زبان، سنن و ادب و رسوم، علوم و فنون و ارزش‌های یک جامعه را در بر می‌گیرد.

بنا بر این تعاریف، اولاً کلمه اکتسابی، رفتار فرهنگی را از رفتارهای وراثتی و زیست‌شناختی متمایز می‌کند؛ ثانیاً، فرهنگ، شامل اعتقادات و باورها و همه رفتارها و اعمال جمعی است. به هر حال باید توجه داشت که در موضوع فرهنگ، ما با یک کل سروکار داریم نه با اجزای تشکیل دهنده آن.

حال با توجه به این تعاریف مختلف از فرهنگ، بدیهی است که فرهنگ یک جامعه به عنوان زیر مجموعه‌ای اجتماعی دارای ساختار و کارکردهای مشخص است، به نحوی که این کارکردها در ساختار فرهنگی جامعه و ارتباط آن با سایر زیر مجموعه‌ها و خود مجموعه جامعه انتظام می‌یابد.

فرهنگ سنتی و فرهنگ مدنی

در واقع در جوامع سنتی حفظ بافت فرهنگی و هویت فرهنگی حائز اهمیت است و در این جوامع زمانی که سخن از حفظ هویت فرهنگی به میان می‌آید باید فرهنگ ملی را در برابر آن چه که آن را تهدید و مورد تجاوز قرار داده است حفظ و حراست نمود.^۳ فرهنگ‌های سنتی نسبت

به ارزش‌ها و هنجارهای خود و دیگران برخورد احساساتی و متعصبانه دارد و به هیچ وجه نمی‌تواند آماده گفتگو و پذیرش هنجارهای فرهنگی دیگر باشد. فرهنگ سنتی همه خوبی‌ها را از آن خود می‌داند و هر ارزش یا هنجار فرهنگی دیگر را بد و ناپسند می‌شمارد. فرهنگ سنتی با این نگرش امکان رابطه با فرهنگ‌های دیگر را از خود می‌ستاند. از این رو فرهنگ سنتی یک فرهنگ ایستا و راکد است و توان تحول و تکامل تدریجی را ندارد. اما فرهنگ جوامع متمدن و مدنی فرهنگ پویا و متحول است و با پدیده‌های جدید برخورد عاقلانه دارد و نسبت به خود و ارزش‌های خود کمتر از روی احساسات برخورد می‌کند. این برخورد عاقلانه و غیراحساسی امکان آن را برای جامعه مساعد می‌سازد که با پدیده‌های جدید از روی گزینش برخورد کند و به اصطلاح بهترین‌ها را بگیرد و بد‌ها را از فرهنگ خود بزدايد. این است که فرهنگ جوامع مدنی و متمدن همواره نوشونده، متحرک و پویا است.

فرهنگ سیاسی سنتی و زنان

همانگونه که گفتیم فرهنگ هدایت کننده و تعیین کننده باورها و رفتارهای مردم است. از این رو در مسایل اجتماعی و سیاسی نیز هنجارها و ارزش‌ها فرهنگی جامعه بر رفتارها و تصمیم افراد یک جامعه تأثیرات عمیقی دارد. این بخش از فرهنگ را تحت عنوان فرهنگ سیاسی یاد می‌کنیم و می‌دانیم که فرهنگ سیاسی جزو فرهنگ عمومی جامعه است. بنابراین، فرهنگ سیاسی یک جامعه بر نحوه مشارکت مردم، قضاوت آنان در مورد رای دادن، حق رای‌دهی، چگونگی خصوصیات و ویژگی‌های افراد برجسته و شایسته برای رای گرفتن و غیره را تعیین می‌کند.

فرهنگ سنتی در زمینه مسایل اجتماعی و سیاسی برای زنان محدودیت‌های زیادی دارد. فرهنگ‌های جوامع سنتی با احکام قطعی و تغییرناپذیر، زن و مرد را از همدیگر جدا کرده و میان آنان تمایز و تبعیض قایل شده‌اند. هرچند فعالان حقوق زن و جنبش‌های اجتماعی مدافع حقوق زنان در طول بیش از صد و پنجاه سال اخیر برای رفع این شکاف تبعیض آمیز تلاش کرده‌اند، اما هنوز هم در بسیاری از جوامع، به ویژه جوامع سنتی و عقب‌مانده مثل افغانستان، زنان قربانی بدترین اشکال تبعیض، خشونت و محرومیت از حقوق اساسی شان‌اند. این محرومیت‌ها و تبعیضات، به اشکال مختلف وجود دارد و حتا عرصه زندگی خصوصی زنان را نیز در امان نگذاشته است، اما مهمترین نمود این محرومیت‌ها در حوزه عمومی و در عرصه فعالیت‌های اجتماعی دیده می‌شود. جامعه برای آنان حوزه ممنوعه بوده و حضور و اشتراک در فعالیت‌های اجتماعی برای آنان کاری خلاف اخلاق و هنجار، و حتا جرم پنداشته شده است، چه، سیاست و اداره امور اجتماعی همواره یک امر مردانه پنداشته می‌شده و زنان از این عرصه غایب بوده‌اند.^۴ چنانچه قبلاً نیز مطرح شد، افغانستان نیز از لحاظ فرهنگی یک جامعه سنتی است و هنجارهای متعصبانه سنتی قبایل مختلف تعیین

۴- کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، حضور و نقش زنان در حوزه عمومی و فعالیت‌های سیاسی، حوت ۱۳۹۰، ص ۳

متحد، افغانستان از لحاظ توسعه جنسیتی هنوز در لیست کشورهای است که در سطح بسیار پایین قرار دارند و مقام ۱۴۱ را از این لحاظ به خود اختصاص داده است. زنان افغانستان برای تعدیل این نابرابری های جنسیتی و محرومیت ها از تلاش باز نایستاده اند و فعالیت ها در این عرصه همچنان ادامه دارد.^۷

ولی البته این نکته را نباید فراموش کرد که فرهنگ سازی تنها وظیفه دولت نیست، بلکه وظیفه تک تک اعضای جامعه است، و هر کس می تواند در رشد، باروری و انکشاف فرهنگی جامعه نقش بازی کند. به ویژه مراکز آموزشی و دانشگاه ها، رسانه ها و نهادهای مدنی نقش بسیار مهمی در اصلاح و رشد فرهنگ جامعه دارند.

حمایت های قانونی از حق مشارکت زنان در انتخابات

علی رغم محدودیت های سنتی و فرهنگی، در طول سال های اخیر و در تحت حمایت های جامعه جهانی، حقوق زنان و حق مشارکت سیاسی آنان در انتخابات ضمانت ها و پشتوانه های قانونی مهمی بدست آورده است. هرچند تا اجرایی شدن این ضمانت های قانونی هنوز راه زیادی در پیش است، ولی می توان این مسأله را از دستاوردهای مهم افغانستان در زمینه حقوق زنان شمرد.

افغانستان شماری از مهم ترین اسناد بین المللی در زمینه حقوق زنان و رفع نابرابری ها و تبعیضات علیه آنان از قبیل اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، اعلامیه محای خوشنیت علیه زنان، کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، و غیره را امضا و تصویب کرده است. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، که افغانستان در سال ۱۹۸۳ به آن ملحق شده است، در ماده سوم خود تصریح می کند: «دولت های طرف این میثاق متعهد می شوند که تساوی حقوق زنان و مردان را در استفاده از حقوق مدنی و سیاسی پیش بینی شده در این میثاق تأمین می کند.» کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) در ماده دوم خود «برقراری حمایت قانونی از حقوق زنان بر مبنای برابری با مردان و حصول اطمینان از حمایت موثر از زنان در مقابل هرگونه اقدام تبعیض آمیز از طریق مراجع قضایی ذیصلاح و سایر موسسات دولتی» و نیز «اتخاذ تدابیر لازم از جمله وضع قوانین به منظور اصلاح یا فسخ قوانین، مقررات، عرف یا روش های موجود که نسبت به زنان تبعیض آمیزند» را از جمله تعهدات دولت های عضو می شمارد.^۸

قانون اساسی کشور نیز در مورد سهم گیری زنان در امور سیاسی و اجتماعی کاملاً صراحت دارد. به گونه مثال ماده ۲۲ قانون اساسی، که مربوط به حقوق اساسی اتباع است چنین صراحت دارد:

«هرنوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی

۷- همان، ص ۵

۸- کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، حضور و نقش زنان در حوزه عمومی و فعالیت های سیاسی، حوت ۱۳۹۰، ص ۴

کننده رفتار افراد در این قبایل است. نکته مشترک در این فرهنگ های قبیلوی نگاه دست دوم نسبت به زن است. بنابر هنجارهای فرهنگ سنتی قبایل افغانستان، زنان حق ندارند در مسایل اجتماعی و سیاسی دخالت کنند و حتا دخالت زنان در مسایل اجتماع و سیاسی را بد می داند. حوزه جامعه در انحصار مردان بوده و زنان تابع دستورات و فضای مردانه است. از این رو زنان افغانستان «همواره قربانی این محدودیت های تبعیض آمیز و محرومیت ها بوده اند. علاوه بر تحولات سریع و شدید سیاسی در تاریخ افغانستان، سخت گیری های فرهنگی- سنتی نیز عرصه را برای حضور زنان در جامعه بسیار سخت و تنگ ساخته است.»^۹

باورهای سنتی حاکم بر جامعه افغانستان، زنان را از پرداختن به سیاست و امور مربوط به تصمیم گیری ها و فعالیت های سیاسی باز می دارد. طبق این باور، گفته می شود که زنان باید در انقیاد مردان باشند و در هر امری از دستور آنان متابعت کنند. چنانچه چندی قبل در اعلامیه شورای علمای سرتاسری افغانستان آمده است که «در خلقت بشر، مرد اصل و زن فرع می باشد»... و زنان نباید بدون محرم شرعی شان سفر کنند و از «اختلاط با مردان بیگانه در عرصه های مختلف اجتماعی، مانند تعلیم، تحصیل، بازار، دفاتر و سایر شئون زندگی» دوری نمایند. نتیجه قطعی این گونه باورها محرومیت زنان از وارد شدن در حوزه عمومی، به ویژه پرداختن به مسایل سیاسی و تعیین سرنوشت سیاسی شان است.^{۱۰}

این باور سنتی پشتوانه های تاریخی و ادبی هم دارد. چنانچه در شعر زیر آمده است:

به گفتار زنان هرگز مکن کار
زنان را تاتوانی مرده انگار
زنان چون ناقصان عقل و دین اند
چرا مردان ره آنان گزینند
این ابیات نشان دهنده جایگاه و موقعیت انسانی زن در جامعه است که از نگرش فرهنگ سنتی و قبیلوی جامعه سرچشمه می گیرد.

هرچند در سال های اخیر تلاش های زیادی برای رفع این محدودیت ها و نابرابری ها در افغانستان صورت گرفته و دستاوردهای زیادی نیز داشته است، با این حال، زنان هنوز با مشکلات متعددی در متن جامعه مواجه اند و هنوز قربانی انواع خشونت ها، تبعیضات، محرومیت ها و نابرابری های بیشماری اند. این مشکلات ریشه در عرف و عنعنات ناپسند جامعه و سطح پایین آگاهی در میان مردم، به ویژه خود زنان، دارد. علاوه بر آن زنان هنوز با نابرابری های جنسیتی در ساختار دولت و اشتراک در فعالیت های اجتماعی و سیاسی نیز مواجه اند. زنان در مقابل شرایط امنیتی نامساعد نیز آسیب پذیری بیشتری نسبت به مردان دارند و بدترین شدن وضعیت امنیتی، عرصه را برای آنان بیشتر تنگ کرده است. زنان افغانستان، هرچند در عرصه فعالیت های پارلمانی نقش برجسته ای داشته اند، ولی از تبعیضات جنسیتی فراگیر و گسترده رنج می برند. بنابر گزارش توسعه انسانی سازمان ملل

۹- همان

۱۰- همان، ص ۱۱

می‌باشند.^۹

همچنین ماده ۳۳ قانون اساسی در قسمت مشارکت همه اتباع کشور در انتخابات چنین صراحت دارد:

«اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا می‌باشند.»^{۱۰} از این ماده به صراحت معلوم می‌شود که مشارکت در انتخابات به صفت کاندید و یا رای دهنده حق تمام اتباع واجد شرایط افغانستان می‌باشد؛ یعنی زنان به اندازه مردان، از این حق بهره‌مند هستند.

همچنان قانون اساسی در ماده ۸۳ در رابطه به عضویت زنان در ولسی جرگه چنین حکم می‌کند:

«در قانون انتخابات باید تدابیری اتخاذ گردد که نظام انتخاباتی نمایندگی عمومی و عادلانه را برای تمام مردم کشور تأمین نماید و به تناسب نفوس از هر ولایت طور اوسط حداقل دو وکیل زن در ولسی جرگه عضویت یابد.»^{۱۱} ماده ۸۴ قانون اساسی نیز رییس جمهور را موظف ساخته است تا از جمله یک ثلث اعضای مشرانو جرگه که انتصاب آن‌ها از صلاحیت رئیس جمهور است، نیم آن‌ها را از میان زنان برگزیند.^{۱۲}

قانون انتخابات نیز در تمام احکام خویش شرایط یکسان را، برای مرد و زن در نظر گرفته است و هیچ نوع تبعیض را در قسمت اشتراک زنان در روند انتخابات روا نداشته است.

برعلاوه قانون اساسی و قانون انتخابات، در استراتیژی انکشاف ملی و اهداف هزاره سوم افغانستان، طرح‌هایی به منظور تعلیم و تحصیل زنان و ایجاد تساوی جندر (جنسیت) گنجانیده شده است. استراتیژی انکشاف ملی افغانستان بر تساوی جنسیتی تأکید می‌کند و آن را مسأله مشترک و قابل توجه در تمام بخش‌های امنیتی، حکومت‌داری و انکشافی در عرصه‌های مختلف دانسته است: «دیدگاه حکومت داشتن ملتی است صلح دوست و مترقی، که زنان و مردان از امنیت، حقوق و فرصت‌های مساوی در تمام عرصه‌های زندگی برخوردار باشند. این استراتیژی چارچوبی را برای ادغام همه جانبه مسأله جندر در تمامی بخش‌ها فراهم می‌کند تا به وضعیت زنان در جامعه، شرایط اجتماعی اقتصادی و دسترسی به فرصت‌های انکشافی آنان رسیدگی شود.» استراتیژی انکشاف ملی افغانستان برای رفع نابرابری‌های جنسیتی در ادارات دولتی، تطبیق استراتیژی تساوی جنسیت اجتماعی را مسئولیت همه دوایر دولتی در سطح ملی و ولایتی می‌داند.^{۱۳}

این نکات، تعهدات حقوقی و ضمانت‌های قانونی برای رفع نابرابری‌های جنسیتی و دفاع از حقوق مدنی و سیاسی زنان به شمار می‌رود. چنانچه اشاره شد، افغانستان هنوز تا اجرایی شدن این

۹- قانون اساسی افغانستان، ماده ۲۲

۱۰- همان، ماده ۳۳

۱۱- همان، ماده ۸۳

۱۲- همان، ماده ۸۴

۱۳- کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، حضور و نقش زنان در حوزه عمومی و فعالیت‌های سیاسی، حوت ۱۳۹۰، ص ۴

تعهدات و دستورهای قانونی، راه درازی در پیش دارد. طی کردن این راه نیازمند همکاری همه جانبه نهادهای مختلف با همدیگر در این زمینه است.

زنان و دو دور انتخابات پارلمانی در افغانستان

چهره جدید افغانستان پس از امارت اسلامی طالبان و دوران تلخ حکومت آنان با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پس از آن انتخابات پارلمانی در تاریخ جدید افغانستان ثبت شد. در این دوره یک فضای جدید سیاسی مطرح شد که زن‌ها نیز در آن حضور یافتند و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی سهم گرفتند. در این فضای جدید زن‌ها به عنوان یک انسان احساس شخصیت و اظهار وجود کردند و خودشان را باور کردند.^{۱۴} با این حال، بازهم محدودیت‌هایی برای آنها وجود داشت. چنانچه قبلاً هم ذکر شد، سنت و دید سنتی مردم نسبت به زن‌ها شخصیتی برای آن‌ها تعریف کرده که هنوز هم وجود دارد، و حتا خود زن‌ها نیز به خود آنگونه نگاه و قضاوت می‌کنند و در تحت این نگرش سنتی، «هرچه را که دیگران بیسندند آن‌ها انجام می‌دهند.»^{۱۵} ولی با همه اینها «زنان در اولین انتخابات خوب درخشیدند و دلیل آن یک نوع احساس آزادی و شخصیت بود که زنان پیدا کرده بودند.»^{۱۶}

انتخاباتی پارلمانی اول (سنبله ۱۳۸۴)

زنان در انتخابات اول پارلمانی حضور چشمگیری داشتند. مشارکت آن‌ها در این انتخابات، به ۴۴ درصد رسید که در نتیجه ۲۷ درصد اعضای مجلس نمایندگان (۶۸ کرسی از مجموع ۲۴۹ کرسی)، و نزدیک به ۲۹ درصد از کرسی‌های شوراهای ولایتی (۱۲۱ کرسی از مجموع ۴۲۰ کرسی) را در اختیار خود گرفتند.^{۱۷} این میزان مشارکت زنان برای افغانستانی که سال‌ها جنگ و ویرانی و بنیادگرایی را پشت سر گذاشته بود، بسیار امیدوار کننده بود.

با این حال، در این انتخابات زنان «با واکنش‌ها و مخالفت‌های زیادی مواجه بودند. هرچند آن‌ها سعی کردند حضور و مشارکت خود را به خوبی به نمایش بگذارند، اما این مشارکت اولاً سیستماتیک نبود ثانیاً انتخابات یک پدیده جدید بود و ثالثاً زنان قدرت، ثروت و دانش کافی نداشتند و نتوانستند مشارکت خود را به یک مشارکت موثر تبدیل کنند»^{۱۸} لذا «حضور زنان در این انتخابات تنها یک حضور کمی

۱۴- مصاحبه اختصاصی با آقای فصیحی، ماستر حقوق و علوم سیاسی و استاد دانشگاه خواجه عبدالله انصاری در هرات

۱۵- مصاحبه اختصاصی با آقای وحیدی، ماستر حقوق و علوم سیاسی و استاد دانشگاه خواجه عبدالله انصاری در هرات

۱۶- مصاحبه اختصاصی با آقای فصیحی، ماستر حقوق و علوم سیاسی و استاد دانشگاه خواجه عبدالله انصاری در هرات

۱۷- کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، حضور و نقش زنان در حوزه عمومی و فعالیت‌های سیاسی، حوت ۱۳۹۰، ص ۱۲

۱۸- مصاحبه اختصاصی با آقای وحیدی، ماستر حقوق و علوم سیاسی و استاد دانشگاه خواجه عبدالله انصاری در هرات



انتخابات پارلمانی دوم (سنبله ۱۳۸۹)

مشکلات و چالش‌های سنتی در برابر زنان در انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۹ نیز وجود داشت. هرچند در فاصله پنج سال بعد از انتخابات اول پارلمانی، ذهنیت و باورهای مردم نسبت به زنان تاحدودی تغییر کرده بود، ولی قسمت عمده این تغییرات در شهرها اتفاق افتاده بود و مناطق دهاتی و به خصوص در میان قبایل هنوز نگرش سنتی نسبت به زنان غالب‌تر بود؛ کمابیش همان مردم با همان عقاید و باورها و سنت‌ها در مرحله دوم نیز وجود داشتند.

در دومین انتخابات پارلمانی در سال ۱۳۸۹، به اساس گزارش کمیسیون انتخابات حدود ۴۰۳ میلیون نفر در انتخابات شرکت کرده بودند که حدود ۳۹ درصد (۱۵۷۹۴۶۸ نفر) آنان را زنان تشکیل می‌دادند که اندکی کاهش را نسبت به انتخابات گذشته نشان می‌دهد. در این انتخابات حدود ۴۱۳ تن از زنان به عنوان کاندید در انتخابات سهم گرفتند که حدود یک چهارم مجموع کاندیدان بود. در نتیجه این انتخابات حدود ۶۹ زن به مجلس نمایندگان راه یافتند.^{۲۳}

در این انتخابات مشارکت مردم در مجموع و در ضمن آن مشارکت زنان نیز، نسبت به انتخابات اول پارلمانی از جنب و جوش و کمیت کمتری برخوردار بود. شاید یکی از دلایل آن تقلبات گسترده در انتخابات‌های قبیلی، به خصوص انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ و نارضایتی مردم از کارکرد دولت و پارلمان بوده است. اما بعضی‌ها معتقدند که مشارکت زنان در این دور از لحاظ کیفی بهتر بود. یعنی «این بار زن‌ها آگاهانه در انتخابات شرکت کردند و رای دادند و در

بود. از لحاظ کمی خیلی حضور با شکوهی داشتند اما از لحاظ کیفی حضورشان چندان قدرتمند نبود.»^{۱۹}

مشکلاتی که در این انتخابات بود ریشه در همان دید سنتی و باورهای نادرست اجتماعی داشت که نسل به نسل در تاریخ ما نهادینه شده است. «مردم ما سنتی هستند و با باورهای سنتی به صورت توده ای قضاوت و عمل می‌کنند. مطابق باورهای سنتی در قبایل افغانستان، زنان تخم شیطان هستند یا زن‌ها ناقص‌العقل هستند. این باورهای سنتی حتا خود زنان را نیز متقاعد ساخته و نگاه آنان را نیز نسبت به خود شان مطابق این باورها ساخته است.»^{۲۰} این باورها زنان را در انزوا می‌کشاند و خصوصاً فرصت و زمینه فعالیت و نقش اجتماعی و سیاسی را از آنان می‌گیرد.

زنان در تحت تسلط این باورهای سنتی آمادگی وارد شدن در یک فضای باز را نداشتند. کاندیدان زنی که برای کمپاین در بین مردم می‌رفتند، با فشارها، مخالفت‌ها و حتا با تمسخرهای مردم مواجه می‌شدند.^{۲۱} در بین مردم بخصوص در مناطق دور دست تبلیغات سوء علیه زنان راه می‌انداختند که باید به زن‌ها رای داده نشود و حتا کسانی بودند که می‌گفتند هرکس که به زن‌ها رای بدهد همسرش بروی حرام می‌گردد.^{۲۲}

۱۹- مصاحبه اختصاصی با آقای فصیحی، ماستر حقوق و علوم سیاسی و استاد دانشگاه خواجه عبدالله انصاری در هرات

۲۰- همان

۲۱- گفتگوی اختصاصی با خانم سجادی، مدیر لیسه اناث بعثت و کاندیدی پارلمان

۲۲- همان

۲۳- کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، حضور و نقش زنان در حوزه عمومی و فعالیت‌های سیاسی، حوت ۱۳۹۰، ص ۱۲

انتخاب خود دقیق تر از قبل عمل کردند.^{۲۴}

از انتخابات اول تا انتخابات پارلمانی دوم پنج سال فاصله داشتیم. این پنج سال در صورتی که از امکانات و زمینه‌ها به خوبی استفاده شود، زمان کمی نیست. ولی به نظر می‌رسد که افغانستان نتوانست از این زمان به خوبی استفاده کند و چالش‌هایی را که بر سر راه انتخابات وجود داشت بردارد. به اعتقاد بعضی کارشناسان در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ «نه تنها موانع و مشکلات انتخابات قبل را داشتیم بلکه یکسری موانع دیگر نیز افزوده شده بود.»^{۲۵} «مردم یک دوره حکومت‌داری راتجربه کرده بودند و فاصله‌ها بین دولت و مردم روز بروز زیادتر شده بود که این فاصله ناشی از کم‌کاری‌های دولت و عدم توجه به خواسته‌ها و مشکلات مردم و گسترش بی‌اعتمادی نسبت به دولت بود. همچنین دولت در زمینه امنیت موفق نبود؛ دامنه‌های ناامنی گسترش یافت و باعث شد بخشی از مردم برای مشارکت در انتخابات شوق و اشتیاق سابق را نداشته باشند و ناامید بودند.»^{۲۶} مسأله دیگر این بود که در طول این پنج سال در زمینه تبلیغات و آگاهی دهی از حقوق زنان، اهمیت مشارکت در انتخابات، حق مشارکت در انتخابات و غیره کار زیادی صورت نگرفته بود. از این رو، هنوز هم سطح آگاهی در میان مردم به ویژه زنان از چگونگی برگزاری انتخابات و اهمیت آن بسیار پایین بود. علاوه بر این‌ها، گسترش فساد و تقلب در انتخابات‌ها نیز اعتماد و علاقه مردم را به انتخابات ضربه زده بود. شماری از مردم معتقد بودند که رای دادن و ندادن آن‌ها چندان تفاوتی ندارد و کسانی که مورد نظر حکومت است، از طریق تقلب و رای‌های نامشروع برنده می‌شوند. آن‌ها با این نگرش انگیزه خود را برای شرکت در انتخابات از دست می‌دادند. زنان خود نیز از فرصت‌ها آنطور که باید و شاید استفاده نکردند.^{۲۷} زنهایی که در پارلمان بودند همسو و متحد نبودند، روابط سازمان یافته میان آنان وجود نداشت و آن‌ها نتوانستند برای تغییر و بهبود وضعیت عمومی زنان در جامعه اقدامات موثری انجام دهند و پروگرام‌های موثری را برای رشد و انکشاف زنان آماده سازند. اختلاف‌های سمتی، نژادی، مذهبی، قومی، سنت و تجدد نیز مشکلات را بیشتر ساخته است.

خلاصه و جمع بندی:

زنان افغانستان در زمینه‌های مختلف، به ویژه در عرصه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی با محدودیت‌ها و مشکلات فراوانی مواجه‌اند. این محدودیت‌ها ریشه در فرهنگ و باورهای سنتی جامعه افغانستان دارد. فرهنگ افغانستان یک فرهنگ مردسالار است. سنت‌های قبایلی افغانستان زنان را شایسته حضور و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی

و سیاسی نمی‌داند و این حوزه را جزو قلمرو مردان به شمار می‌آورد. حضور زنان در جامعه و فعالیت‌های اجتماعی از نظر سنت‌های قبایلی بد و خلاف ارزش‌های غالب جامعه پنداشته می‌شود. از این رو زنان حق ندارند در این فعالیت‌ها مشارکت کنند.

البته این نگرش سنتی به زنان در شهرهای بزرگ و مناطق مرکزی افغانستان بسیار کمتر است. در این مناطق زن‌ها می‌توانند در فعالیت‌های اجتماعی سهم بگیرند و حتا پیشگام باشند. همچنین در طول سال‌های اخیر بعد از سقوط طالبان تلاش‌های زیادی صورت گرفت تا زنان از این محدودیت‌ها نجات پیدا کنند. این تلاش‌ها هرچند دستاوردهای زیادی داشته است، ولی تا رفع این نابرابری‌ها و تحقق حقوق مدنی و سیاسی زنان، به نظر می‌رسد افغانستان هنوز راه زیادی در پیش دارد.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای افغانستان در زمینه حق مشارکت سیاسی زنان خلق حمایت‌های قانونی برای حقوق زنان است. قانون اساسی افغانستان برابری حقوق شهروندی زن و مرد را تصریح کرده و از جمله از حق مشارکت سیاسی زنان و شرکت در انتخابات به صراحت پشتیبانی کرده است. اما متأسفانه ناامنی، فساد و ناکارگی حکومت از عواملی است که نگذاشته این حمایت‌های قانونی عملی شود. به این خاطر مشارکت زنان در انتخابات‌های کشور سیر نزولی داشته است. حضور و مشارکت زنان در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۴ از لحاظ کمیت بسیار بیشتر بود. اما در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹، کمتر شده بود. هرچند این حضور از لحاظ کیفی بهبود یافته بود و زنان با آگاهی و تجربه بیشتر در انتخابات شرکت کردند و انتخاب دقیق‌تر داشتند، ولی در مجموع مشارکت زنان در انتخابات سیر نزولی داشته است.

منابع و رویکردها:

۱. پگاه اندیشه
۲. سایت شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر، زنان و جامعه، نوشته ح. خوش نگار: www.cshrn.af
۳. قانون اساسی افغانستان
۴. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، حضور و نقش زنان در حوزه عمومی و فعالیت‌های سیاسی، حوت ۱۳۹۰،
۵. گفتگوی اختصاصی با خانم سجادی، مدیر لیسه انات بعثت و کاندیدای پارلمان
۶. مصاحبه اختصاصی با آقای فصیحی، ماستر حقوق و علوم سیاسی و استاد دانشگاه خواجه عبدالله انصاری در هرات
۷. مصاحبه اختصاصی با آقای وحیدی، ماستر حقوق و علوم سیاسی و استاد دانشگاه خواجه عبدالله انصاری در هرات
۸. مصاحبه اختصاصی با داکتر نوش آفرین وکیل اسبق مردم غور در پارلمان

۲۴. مصاحبه اختصاصی با آقای فصیحی، ماستر حقوق و علوم سیاسی و استاد دانشگاه خواجه عبدالله انصاری در هرات

۲۵. مصاحبه اختصاصی با داکتر نوش آفرین وکیل اسبق مردم غور در پارلمان

۲۶. مصاحبه اختصاصی با آقای وحیدی، ماستر حقوق و علوم سیاسی و استاد دانشگاه خواجه عبدالله انصاری در هرات

۲۷. مصاحبه اختصاصی با آقای فصیحی، ماستر حقوق و علوم سیاسی و استاد دانشگاه خواجه عبدالله انصاری در هرات

اسما رزما (شیخ زاده) - بلخ

سنت های بازدارنده مشارکت زنان در انتخابات (بلخ)

پیش در آمد

یکی از مهم ترین مسایل هر جامعه رشد و توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن می باشد، که به لحاظ اهمیت و اعتبار خاصی که دارد معمولا در راس دستور کار دولت ها قرار می گیرد. جامعه افغانستان نیز، بالخصوص با پایان یافتن جنگ های متوالی، دوران سازندگی و رشد و شکوفایی و توسعه را آغاز نموده است و به توسعه به مثابه هدف اصلی خود نگاه می کند. بدین لحاظ، تجهیز جامعه و افراد آن برای نیل به چنین وضعیتی یک ضرورت انکارناپذیر است.

همچنین از نظر اندیشمندان اجتماعی، توسعه هر جامعه ای متضمن یک سری مبانی، معیارها و عوامل می باشد و در این میان، حضور فعالانه افراد در صحنه های مختلف جامعه، و به اصطلاح مشارکت سیاسی و اجتماعی آنان، از عوامل بسیار مهم و حیاتی در امر توسعه اجتماع به حساب می آید. در این راستا بخصوص مساله مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان باید مورد توجه جدی قرار بگیرد تا زمینه های اساسی مشارکت فعال نیمی از جمعیت جامعه در صحنه های مختلف اجتماع فراهم آید.

این نوشته سعی دارد با بهره گیری از منابع مختلف و نظرات و دیدگاه های اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی و مردم عوام به مطالعه و بررسی تاثیر سنت ها و فرهنگ جامعه بر حضور و عدم حضور زنان در انتخابات پارلمانی افغانستان بپردازد و تمرکز اصلی آن بر وضعیت و میزان مشارکت زنان در ولایت بلخ می باشد.

هدف اصلی این نوشته این می باشد که دریابد فرهنگ سنتی و رسم های قبیله ای مردم بر فعالیت زنان در ولایت بلخ چقدر تأثیرگذار بوده است. چنانچه می دانیم، سنت های رایج در میان قبایل افغانستان زنان را از حضور در فعالیت های اجتماعی و سیاسی منع می کند. تاثیر این سنت ها بر مشارکت زنان در دو انتخابات پارلمانی گذشته چگونه بوده است؟

در این تحقیق به طور کلی علاوه بر مطالعه کتاب ها، مقالات،

مجلات و سایت های اینترنتی، تلاش صورت گرفته از شیوه تحقیقات میدانی و طرح پرسشنامه و انجام مصاحبه با مردم و نیز گفتگوهای اختصاصی با کارشناسان و یا فعالین رقابت های انتخاباتی نیز استفاده صورت گیرد.

در جمع آوری اطلاعات و انجام مصاحبه ها مشکلات زیادی وجود داشت. به عنوان مثال عدم دسترسی کافی و آسان به منابع و حاضر نشدن اشخاص برای مصاحبه از بزرگترین مشکلات این تحقیق بوده است. با این همه، از همکاری همه دوستانی که در انجام این تحقیق یاری رسانده اند، سپاسگزاری می شود.

پیشینه تاریخی مشارکت و فعالیت سیاسی زنان

سابقه جنبش سیاسی زنان و اندیشه های مربوط به آن را باید از انقلاب فرانسه به بعد پیگیری کرد. در سال ۱۷۹۲ نویسنده انگلیسی به نام ماری ولستونکرافت با نوشتن رساله حمایت از حقوق زن توجه افکار عمومی را به موقعیت سیاسی زنان جلب کرد. در طی انقلاب فرانسه هواداران آزادی زنان طی اعتراض نامه ای به مجلس ملی نوشتند: «شما همه تعصبات گذشته را نابود کرده اید لیکن اجازه می دهید که قدیمی ترین و شایع ترین آنها باقی بماند و آن تعصبی است که موجب می شود نیمی از جمعیت از منصب و احترام و به ویژه از حضور در آن مجلس محروم گردند.»^۱ پس از آن جنبش آزادی و حقوق زنان در اکثر کشورهای اروپایی و آمریکا به تدریج شکل گرفتند و خواهان حقوق و آزادی های زنان شدند. این جنبش ابتدا بر حق رأی و مشارکت سیاسی زنان تأکید داشتند و فکر می کردند که با به دست آوردن حق رای برای زنان، نابرابری های دیگر نیز از بین خواهند رفت. اما با همگانی شدن حق رای در نیمه اول قرن بیستم، جنبش زنان متوجه ریشه های فرهنگی و اجتماعی نابرابری های جنسیتی شدند و برای رفع آن به مبارزات حق خواهانه خود ادامه دادند.

11- J.McCrindle, (Women's History) in Radical Philosophy.No.10, Spring 1975, P.41.

در افغانستان پیشینه واکنش به وضعیت سنتی زنان از سابقه تاریخی زیادی برخوردار نیست. فرهنگ مردسالارانه جامعه سنتی افغانستان دیدگاهی تحقیرآمیز نسبت به زنان داشته و مجال فعالیت سیاسی برای آنان اصلاً مهیا نبوده است. تقلید از سنت ها و آداب و رسوم جامعه مردسالار و محدودیت فعالیت زنان به خانه‌داری و شوهرداری از ویژگی‌های وضعیت زنان در جامعه سنتی افغانستان بوده است. هرچند این وضعیت، به ویژه در روستاها و مناطق غیرشهری، هنوز هم متأسفانه وجود دارد، ولی روی هم رفته همگام با تحولات دیگر در عرصه جامعه و سیاست، زنان نیز توانسته‌اند تاحدودی این سنت را به نفع خود تعدیل کرده و به عرصه فعالیت های اجتماعی و سیاسی حضور پیدا کنند. ولی با این حال، زنان هنوز با مشکلات زیادی رو به رو هستند.

زنان افغانستان با تمام تلاش ها، هنوز نتوانسته اند یک جنبش مدافع حقوق زنان را در سراسر کشور ایجاد کنند و فعالیت ها در این زمینه هنوز بسیار پراکنده است. خانم نسیمه ازکیا مسئول شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر در ساحه شمال کشور معتقد است که ضعف اصلی سطح پایین آگاهی و ظرفیت در میان زنان است: «زمانیکه ما زنان آگاه و با ظرفیت داشته باشیم خیلی زود می‌توانیم این سنت ها را بشکنیم، ولی تا امروز چنین چیزی نداشتیم. ما هنوز یک جنبش قوی زنانه نداریم و این، کاری است که در کوتاه مدت نمی‌شود به آن رسید. تا زمانیکه یک جنبش آگاه و با ظرفیت در میان زنان نداشته باشیم نمی‌توانیم به رفع و تعدیل سنت ها و باورهای محدودکننده زنان دست پیدا کنیم.»^۲

با تمام تلاش هایی که تاکنون صورت گرفته، متأسفانه نگاه غالب به مسأله حقوق زنان هنوز معیوب است و نابرابری های جنسیتی را درونی تر می‌سازد و تداوم می‌بخشد. روحیه غالب آن است که به زنان از سر دلسوزی و ترحم نگریده شود و به آنان امتیاز داده شود. این نگاه جایگاه مرد را بالاتر از زنان تعیین می‌کند. اصطلاح «تبعیض مثبت» نیز آشکار کننده همین نگاه از بالا به پایین می‌باشد. این نگاه حاوی موقعیت برتر مردان نسبت به زنان است؛ یعنی نگاه ترحم آمیز و دلسوزانه باید از سوی مردان، که موقف تثبیت شده و برتر دارند، به زنان که ضعیف و ناتوان اند و شایسته ترحم.

تبعیض علیه زنان:

تبعیض در مقابل زنان از همان آوان تولد آغاز می‌شود؛ از زمانی که تازه متولد می‌شوند. چنانچه می‌دانیم، هرگاه پسری متولد شود هیاهو و شادمانی زیادی بخاطرش راه می‌افتد، اما نسبت به تولد دختر اکثراً بی‌اعتنایی می‌شود و دست کم گرفته می‌شود، گویا اتفاق مهمی نیفتاده است.

هنوز هم اکثر مردم در وهله اول یکدیگر را با نوعی جنسیت

تعریف می‌نمایند و از دیدگاه تعصبات خاص جنسیتی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. غالباً به انسان ها فقط به عنوان مرد یا زن نگریسته می‌شود، به جای آنکه انسان‌های برابر در نظر باشد. هرچند در سطح تبلیغات و سخنان رسمی از برابری حقوق زن و مرد فراوان سخن گفته می‌شود، ولی فرصت های برابر با مردان، به زنان اعطا نشده و جایگاه برابر برای مرد و زن تعریف نشده است. هرچند اکنون برابری بین زن و مرد در قانون تاحدودی وجود دارد، هر مزیت و فرصتی که برای مرد وجود دارد، در اختیار زن نیز می‌تواند قرار گیرد. ولی در عمل زنان باید خود شهامت تحقق آن، و مقابله با سنت های بی‌مورد را داشته باشند. و اگر زنان به جایگاه خویش دست نمی‌یابند، تنها خود آنها هستند که مقصر اند و می‌بایست که مورد سرزنش قرار گیرند.^۳

این را هم باید پذیرفت که مبارزه با این سنت ها و مشکلات کارآسانی نیست و نیاز به کارهای دراز مدت دارد زیرا تبعیض برعلیه زن ریشه در فرهنگ و سنت های جامعه دارد. همچنین زنان هنوز نمی‌توانند در کنار مردان به عنوان یک شهروند برابر با آنها قرارگیرند زیرا تمام نظام سیاسی، اقتصادی و سیاست گذاری اجتماعی ما مردانه است. فرهنگ جامعه هنوز نان آوران و مالیات‌دهندگان را بر وابستگان و افراد تحت تکفل برتر می‌داند. مادام که زن تحت حمایت یک مرد است، به راحتی نادیده انگاشته می‌شود.

در خانواده ها، زنان با تمام زحمات و تلاش‌هایی که انجام می‌دهند، هنوز فاقد استقلال اقتصادی هستند و از این رو نادیده انگاشته شده و در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرند. زنانی که استقلال اقتصادی ندارند، خود نیز پیوسته خواسته‌های دیگر اعضای خانواده را بر خواسته‌های خود مقدم می‌شمرند. این وضعیت تا آنجا زنان را محدود ساخته است که چنانچه مورد تجاوز، بدرفتاری یا خشونت های دیگر قرار گیرند راه‌های چندانی برای گریز از دست مردانی که به آنها وابسته اند پیش روی ندارند.^۴ وقتی جامعه از طریق سیاست‌های اقتصادی زن را کم اهمیت جلوه می‌دهد، رفته رفته زنان هم به این باور می‌رسند که کم اهمیت هستند.

نقش و موقعیت زن را در جامعه نیز نقش او در خانه رقم می‌زند. در مجموع، جامعه با الگوی مردانه قالب ریزی شده و به نیازهای زنان توجه کمتری نشان می‌دهد. جامعه سنتی افغانستان نیز یک جامعه مردانه به شمار می‌رود که توسط سنت‌ها و هنجارهای رایج، موقعیت زنان همیشه تضعیف می‌شود. متأسفانه این سنت‌ها را به اسلام ارتباط می‌دهند و یک سلسله قیودات را به نام اسلام و شریعت برای خانم‌ها وضع می‌کنند. به طور مثال زنان را مقید به چهار چوب خانه‌ها دانسته و از کارکردن در بیرون و حضور در اجتماع منع می‌کنند. طاهر مفید استاد جامعه شناسی و اسلام

۳- فیگز، کیت، زنان و تبعیض (تبعیض جنسی و افسانه فرصت های برابر)، ترجمه م. اسفندیار زندپور، چاپ دوم، ص ۱۲ و ۱۳

۴- همان، ص ۱۵ و ۱۶

۲- نسیمه ازکیا مسوول شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر در زون شمال (مزار شریف)

شناسی این نگاه را ناشی از اغراض سیاسی در تاریخ اسلام می‌داند، نه مربوط به ذات دین اسلام. وی دید متولیان رسمی اسلام را از دید واقعی دین اسلام نسبت به جایگاه زنان تفکیک می‌کند و می‌گوید:

زاویه دید متولیان رسمی اسلام در طول تاریخ، همواره نظر مسلط حکومت را با توجیه اسلامی در دوره‌های مختلفه داشتند، و علمای دین نظر دولت را توجیه می‌کردند. این علما از حکومت معاش می‌گرفتند و حکومت را توجیه اسلامی می‌کردند. اما زاویه دید اسلام و قرآن در این مورد با دیدگاه فوق‌الذکر کاملاً متفاوت بوده و در تضاد با این دیدگاه سنتی و رسمی متولیان دین قرار دارد. در قرآن عموماً مخاطب آن همه مردم است و مشخص‌کننده زن و مرد نیست. در رابطه به انسان، چه مرد و چه زن، دو تا عرصه داریم یکی عرصه مسئولیت هاست و دیگری عرصه حقوق و امتیازات. در عرصه مسئولیت‌ها معیار همان توان است؛ هر کس به اندازه توانش مسئولیت دارد. مسئولیت‌سازندگی، مسئولیت خدمت به خود، خانواده، جامعه، کشور و ... عادلانه‌ترین قضاوت اینست که هرکس به اندازه توانش بازده کاری داشته باشد. پس هر کس به اندازه توانش مسئولیت دارد. اما زن و مرد از لحاظ حقوق و امتیازات انسانی با همدیگر تفاوت ندارند و هرکدام از مقام انسانی برابر برخوردارند. اسلام نه تنها مخالف حضور زنان در اماکن عمومی و اجتماعات نیست بلکه در مواردی آن را یک مسئولیت می‌داند. مثلاً آموختن علم یک مسئولیت است و بر زن و مرد فرض دانسته شده است. وقتی کسی تحصیل کرد، مسئولیت دارد تا در جامعه و به مردم خود خدمت کند.^۵ چنانچه می‌بینیم، آقای مفید حضور در جامعه و فعالیت‌های اجتماعی را یک مسئولیت می‌داند. وی هرچند بر بعضی تفاوت‌ها در حقوق و تکالیف زن و مرد تأکید می‌کند، ولی آنان را از لحاظ کرامت و شرافت انسانی کاملاً برابر می‌داند و هرگونه تبعیض را میان زن و مرد مطرود و مردود می‌شمارد. در بسیاری از کشورها تبعیض بر اساس جنس به وسیله قانون ممنوع قرار داده شده است. با اینهمه زنان در عمل در اکثر کشورها با تبعیض مواجه‌اند. تبعیض می‌تواند مستقیم و غیرمستقیم باشد. تبعیض از لحاظ جنسیت اجتماعی وقتی عرض وجود می‌کند که یک طرز رفتار نابرابر میان زنان و مردان، از قوانین، مقررات یا عملکرد منشا گرفته و میان زنان و مردان تفاوت صریح به وجود آورد. تبعیض غیرمستقیم به این معنا است که قوانین و مقررات از لحاظ جنس‌غیر جانب‌دار و بی‌طرف می‌باشد ولی در عمل به مشکلاتی می‌انجامد که عمدتاً افراد یک جنس خاص آنرا متحمل می‌شوند.

نقش زنان در زندگی سیاسی

پژوهش‌های موجود حاکی از این است که برابری سیاسی زنان با مردان در جوامع امروزی بیشتر جنبه حقوقی دارد تا واقعی. موانع

گوناهگونی برسر راه مشارکت سیاسی زنان وجود دارد. جنبش سیاسی زنان وقتی به معنای واقعی کلمه ظاهر می‌شود که خودجوش، رقابت‌آمیز، گروهی، سازمان‌یافته و مبتنی بر ایدئولوژی مناسب و خاص جنبش زنان باشد. در صورتی که مشارکت زنان در زندگی سیاسی به تحریک گروه‌های اجتماعی دیگر (به ویژه به خواست مردان) صورت گیرد، غیر رقابتی باشد یعنی برای تأیید مواضع قدرت مستقر انجام شود، فردی و پراکنده باشد، یعنی به صورت جنبش گروهی و سازماندهی جمعی صورت نگیرد و به ویژه اگر بر وفق علایق و اخلاقیات مردانه ظاهر شود، به معنای واقعی مشارکت سیاسی زنان نخواهد بود.^۶

براساس پژوهش‌های موجود زنان نسبت به مردان از آگاهی سیاسی کمتری برخوردارند و در مقایسه با مردان از نظر سیاسی بی‌تفاوت‌ترند و یا در صورت مشارکت در زندگی سیاسی بیشتر از مردان با احزاب راست و محافظه‌کار گرایش دارند.^۷ بر اساس بسیاری از پژوهش‌ها مشارکت زنان در زندگی سیاسی مشارکت مستقل نیست بلکه تابع علایق مردانه‌ای است که همه‌جا در زندگی سیاسی حاکم است. به عبارت دیگر سیاست (مشغله‌ای مردانه) تلقی می‌شود. همچنین استدلال شده است که تنها زنان از آراء سیاسی شوهران خود در نتیجه شور و مشورت با آنها آگاه هستند. مردان ضرورت احساس نمی‌کنند که در خصوص سیاست با زنان خود مشورت کنند.^۸

طاهره یک خانم جوان از شهر مزار شریف در جواب اینکه به کی رای دادی، گفت: «من چون هیچ آگاهی در رابطه به کاندیدان نداشتم بنابراین به کسی رای دادم که شوهرم رای داده است چون من بی‌سواد هستم و از این چیزها هم چیزی نمی‌فهمم و شوهرم گفت به فلان نفر رای بده و من هم قبول کردم و به همان نفر رای دادم.»^۹ اندازه مشارکت زنان در انتخابات نسبت به مردان کمتر می‌باشد. زنان کمتر به مسایل سیاسی و بیشتر به مسایل زندگی شخصی و خصوصی علاقه‌مندند. ماریا یک خانم جوان از شهر مزار شریف می‌گوید: «من تا هنوز رای نداده‌ام و علاقه هم ندارم که رای بدهم. مرا چه کار به کارهای سیاسی و دولت؟! آن‌ها که رای دادند چه کردند و چه را تغییر دادند که یک رای من بتواند تغییر بدهد؟»^{۱۰}

جایگاه زنان در متن فرهنگ سنتی جامعه

ویلیامز در تعریف فرهنگ می‌گوید: فرهنگ شیوهی خاصی از زندگی است، خواه متعلق به یک مردم یا به یک دوران یا یک گروه اجتماعی باشد. شیوهی خاص زندگی مبتنی است بر یک «روح مشترک». بنابراین تعریف فرهنگ نمایانده «ویژگی» افراد و

۶- حسین بشیریه، جامعه‌شناسی سیاسی، نشر نی، تهران، ۱۳۸۳

۷- همان

8 - Lazarsfeld, op.cit.p.141

۹- گفتگو با طاهره، یک باشنده شهر مزارشریف،

۱۰- گفتگو با یک خانم خانه ۲۵ ساله، پاشنده شهر مزار شریف

۵- گفتگو با طاهر مفید، استاد جامعه‌شناسی و اسلام‌شناسی



یا با چادری عکس می‌گرفتند. این مسایل مشکلات و محدودیت‌های زیادی را برای زنان ایجاد کرده بود.

واقعیت این است که در بستر فرهنگ و سنت قبیله فرصت و زمینه برای رشد و پرورش استعداد زنان وجود نداشته است و حتی از این سنت و فرهنگ برای اسارت و بیچارگی زنان بهره جسته شده است. مصیبت‌ها و بدبختی‌های مردم این سرزمین ریشه در فرهنگ و سنت قبیله دارد. این فرهنگ خود قبل از هرچیز، بر اسارت و بردگی زنان تاکید کرده است که نمونه‌های عینی آن را در زندگی زنان در میان قبایل افغانستان مشاهده می‌نماییم. وضعیت زندگی مصیبت بار زنان افغانستان زمانی می‌تواند بهبود یابد که فرهنگ و سنت‌های اسارت‌آور قبیله دستخوش تغییر و تحول گردیده و بامعیارها و ارزش‌های انسانی همخوان گردد.

محدودیت‌های فرهنگی-سنتی زنان در مشارکت سیاسی:

زنان منحنی اعضای فعال در پروسه دموکراتیک بعد از سقوط حاکمیت مستبد طالبان در تاریخ افغانستان تبارز نمودند. آن‌ها به اساس حمایت‌های قانونی برای کسب کرسی‌های پارلمانی به رقابت پرداخته، در مبارزات انتخاباتی اشتراک و در نهادهای انتخاباتی ایفای وظیفه نمودند، در راستای آگاهی دهی در مورد انتخابات به آموزش مردم مبادرت ورزیده و از مراکز رای‌دهی حین انتخابات نظارت کردند.

با این حال، محدودیت‌های سنتی و فرهنگی هنوز هم عرصه

همچنین گروه‌ها (یا دوران‌ها)، گروه‌های قومی، اجتماعات متنوع، یا زیرگروه هاست.

سنت عبارت است از عادات و رسوم و آیین‌ها که طی قرون متمادی حفظ شده و بنیه و ریشه علمی ندارد و طی قرون از بین خود مردم برخاسته و در اذهان تک تک افراد جایگزین گردیده و جای قانون را گرفته است و مانند یک قانون نانوشته در بین مردم رسوخ کرده و همه افراد به آن بدون غور و بررسی باور داشته و از آن پیروی می‌کنند و سرکشی از آن را اشتباه و حتا جرم می‌پندارند. سنت‌های رایج در جامعه افغانستان اکثراً زمینه مشارکت سیاسی زنان را محدود می‌سازد. این سنت‌ها زنان را در چارچوب خانه‌ها محصور می‌سازد و بیرون آمدن آنان را در عرصه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی ناپسند می‌شمارد. این سنت‌ها مانع فعالیت سیاسی و اجتماعی زنان شده است و بر انتخابات نیز تأثیر گذاشته است.

به دلیل سطره این سنت‌ها، زنانی که وارد فعالیت‌های سیاسی می‌شوند، مورد طعن و بدزبانی‌ها و قضاوت‌های ناشایسته مردم قرار می‌گیرند. این سنت‌ها مانع کاندید شدن و مشارکت زنان در انتخابات نیز می‌شوند. کسانی هم که خود را کاندید کرده اند، به دلیل این محدودیت‌های سنتی نتوانسته اند به صورت آزادانه و فعال به مبارزات و تبلیغات انتخاباتی اقدام کنند. زنان در هنگام رای دادن نیز با محدودیت‌های سنتی مواجه بوده اند. شماری از آنان اجازه اشتراک در انتخابات را نداشتند، شماری دیگر هنگام گرفتن کارت رای‌دهی نمی‌خواستند عکس‌شان در کارت استفاده شود و

فعالیت‌های اجتماعی را برای زنان تنگ می‌سازد. نقش محدودکننده سنت‌ها و فرهنگ سنتی بسیار برجسته است، به گونه‌ای که قانون نمی‌تواند در مقابل آن از زنان به خوبی حمایت کند. مشکلات سیاسی و حتی قوانین محدودکننده چندان مانع بزرگی بر سر راه اشتغال زنان نیستند بلکه این موانع فرهنگی است که موجب می‌شود به کار زن به دیده تردید نگریسته شود. طوریکه خانم سکینه امیری فارغ دانشکده حقوق نتوانست در مقابل سنت حاکم بر جامعه از حق قانونی خود استفاده کند:

«می‌خواستم خود را در انتخابات پارلمانی کاندید کنم، ولی از طرف فامیل مخالفت صورت گرفت. گفتند زن را چه کار به سیاست و کارهای دولتی؟! زن باید در خانه باشد و مسئولیت خانه را بر عهده بگیرد.»^{۱۱}

محدودیت‌های فرهنگی و سنتی از بزرگترین موانع کار زنان در اجتماع بوده است. طاهر مفید نیز معتقد است که محدودیت‌های فرهنگی بیش از هر عامل دیگری بر اشتغال زنان در کشور تاثیر می‌گذارد: بررسی قوانین موجود اعم از قانون اساسی و سایر قوانین نشان می‌دهد که زنان افغانستان مشکل اساسی از لحاظ قانونی ندارند، اما عوامل فرهنگی و سنتی خاصی در قالب قوانین نانوشته مانع مشارکت کامل زنان در فعالیت‌های سیاسی و حضورشان در اجتماع می‌گردد. ^{۱۲} آقای تقی واحدی نیز می‌گوید که «یکی از باورهای که انگیزه زنان را برای حضور و مشارکت سیاسی کاهش می‌دهد این باور عمومی است که می‌گویند جای زن در خانه است و بیشتر باید به امور خانه بپردازد و امور بیرونی را به مردان واگذار کند. در هر جایی که این باورها پر رنگ تر است زنان هم کمتر علاقه می‌گیرند در انتخابات شرکت کنند.»^{۱۳}

نگاه‌های نامناسب جامعه به توانمندی‌های زنان موضوعی است که اغلب فعالان سیاسی نیز به آن به عنوان مهم‌ترین مانع پیش‌روی اشتغال زنان اشاره می‌کنند. بلقیس هادی عضو شورای ولایتی بلخ می‌گوید: «عمده‌ترین موانع، موانع فرهنگی بر سر راه فعالیت زنان است و معمولاً به نگاه خانواده‌ها به فعالیت سیاسی دختران و زنان مربوط می‌شود.»^{۱۴} او که معتقد است زنان در حوزه کسب و کار سهم کمی دارند، می‌گوید: «زنان برای گرفتن سهم بیشتر در دولت باید به دنبال توانمند شدن خود بروند و دولت و نهادهای مربوط باید به توانمندسازی دختران و زنان کمک کنند.»^{۱۵}

یکی دیگر از خانم‌های کاندید به نام حمیده امیری می‌گوید: من با موافقه ملای مسجد به داخل مسجد رفتم تا با مردم در آن جا صحبت کنم، همین که به صحبت آغاز کردم مردها از هر طرف

۱۱- گفتگو با سکینه امیری، باشنده شهر مزار شریف

۱۲- گفتگو با طاهر مفید استاد جامعه‌شناسی و اسلام‌شناسی

۱۳- گفتگو با تقی واحدی، نویسنده و خبرنگار

۱۴- گفتگو با بلقیس هادی نماینده شورای ولایتی بلخ

۱۵- همان

صدا بلند کردند، به این معنی که من محیط مسجد را آلوده ساخته ام باید از مسجد خارج شوم، بعضی‌ها حرف‌هایم را گوش کردند، اما بسیاری مسجد را ترک کردند.»^{۱۶}

سوالی که اکنون مطرح است این است که تا چه حد خانم‌ها در این انتخابات سهم خواهند گرفت. زنان چه نقشی خواهند داشت و این نقش به چه مقدار مهم و تعیین کننده خواهد بود.

نکته مهم دیگر این است که اگر زنان بتوانند در انتخابات شرکت نیز بکنند، ولی اکثراً نمی‌توانند به صورت مستقل کاندید مورد نظر خود را انتخاب کنند و به او رای بدهند. زیرا زنان در انتخاب‌شان، تابع مردان خانواده، به ویژه شوهرشان، هستند و مطابق نظر آن‌ها رای می‌دهند. فریبامجید رییس امور زنان ولایت بلخ در این مورد می‌گوید: «هرچند تا حدودی مداخلات مردان در تصمیم‌گیری خانم‌ها در رای دادن کم شده است، ولی متأسفانه باز هم فامیل‌هایی وجود دارند که در آنها تصمیم گیرنده‌های اصلی مردان هستند و حرف اول و آخر را آن‌ها می‌زنند. باید گفت که این امر به معضله سطح پایین سواد و دانش در میان خانم‌ها برمی‌گردد.»^{۱۷}

چنانچه قبلاً هم ذکر شد، متأسفانه محدودیت‌های فراروی زنان در متن فرهنگ سنتی جامعه همواره توسط اعتقادات دینی مردم توجیه شده است و به آنان گفته شده که فرارفتن از این محدوده‌های سنتی مخالفت با دین اسلام و اعتقادات دینی است. خانم مریم یک باشنده مزار شریف گفت: «من سواد ندارم ولی می‌خواستم به یک خانم که در کمپاین اش اشتراک کرده بودم و زن فهمیده‌ای بود رای بدهم ولی شوهرم برای من گفت که زن چه کرده می‌تواند، از دستش چه کار برمی‌آید؟ زن که در بیرون کار کند از اسلام دور شده است و تو با این کارت خود را در گناه او دخیل می‌سازی. اسلام به زن گفته که باید در خانه بماند و نباید در بیرون همراه مردان کار کند. وی به من یکی از کاندیدان مرد را معرفی کرد که برایش رای بدهم.»^{۱۸} او همچنین اضافه کرد که من چون یک زن هستم هیچ وقت در امور زندگی همراه من مشوره نمی‌شود. این رسم و رواج‌ها از سابق وجود داشته که زن باید در خانه باشد و فقط به جمع و جارو و بچه داری مشغول باشد.

آقای تقی واحدی سطح پایین شعور سیاسی در میان زنان را عامل اصلی این مسأله می‌داند و می‌گوید که شعور سیاسی زنان بنابر محرومیت‌های طولانی و گسترده نسبت به مردان کمتر است. از این رو اکثراً در تحلیل وضعیت ناتوان اند و لاجرم بنا به خواست شوهران شان رای می‌دهند. از این رو رای دادن آن‌ها از تأثیرات کیفی ضعیف برخوردار است. این مسأله بخصوص در مناطق روستایی بیشتر است.^{۱۹}

۱۶- گفتگو با یکی از کاندیدان انتخابات

۱۷- گفتگو با فریبامجید رییس امور زنان ولایت بلخ

۱۸- گفتگو با مریم یک باشنده دشت شور مزار شریف

۱۹- گفتگو با تقی واحدی، نویسنده و خبرنگار

زنان با توجه به این محدودیت ها، نسبت به مشارکت در انتخابات علاقمندی کمتری دارند. محمد یعقوب آزرده خبرنگار، دلایل عدم علاقه زنان در مسائل سیاسی را مواردی از قبیل مرد سالاری، عدم آگاهی زنان از نقش شان، رسم و رواج های بی اساس، عدم استقلال در انتخاب و برداشت های ناصواب از اسلام می داند.^{۲۰} عبدالحمید صفوت استاد دانشگاه نیز معتقد است که زنان از باورمندی قوی برخوردار نیستند و همچنان استقلال رای ندارند و همیشه وابسته به کسی دیگر می باشند. وی یکی دیگری از مشکلات خانم ها را این می داند که آن ها وظایف و حقوق خود را از دید ملاحای بی سواد می بینند.^{۲۱} خانم سلامت عظیمی استاد دانشگاه و فعال حقوق بشر نیز بر نقش بازدارنده ناآگاهی و مردسالاری به عنوان عواملی که نقش اساسی در عدم حضور زنان در رای دادن و کاندید شدن در پروسه انتخابات دارند، تأکید می کند.^{۲۲} این نکته ها، امیدواری و انگیزه خانم ها را برای رای دادن تضعیف کرده و این تصور را ایجاد کرده است که رای دادن یا ندادن آنان تأثیری در وضعیت جامعه و خود آنان ندارد. از یکی از خانم ها پرسیدم: رای دادی؟ در جواب گفت: خیر. وقتی دلیل آن را پرسیدم، بسیار با بی تفاوتی گفت: دفعه پیش رای دادم چه فایده کرد که این بار رای بدهم.^{۲۳}

حمایت های قانونی از حقوق و مشارکت سیاسی زنان در افغانستان

حقوق سیاسی و مدنی زنان در تعهدات بین المللی افغانستان و قوانین داخلی کشور تصریح شده است. تامین و پیشرفت برابری میان زنان و مردان مفاهیمی بنیادی حقوق بشری بین المللی محسوب می شوند. این امر به وسیله اسناد متعدد سازمان ملل متحد چون اعلامیه جهانی حقوق بشر، پیمان بین المللی سال ۱۹۶۶ درباره حقوق مدنی و سیاسی و پیمان بین المللی درباره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون سال ۱۹۷۹ در باره محو تمام انواع تبعیض علیه زنان (CEDAW) و غیره تسجیل شده است.^{۲۴}

قانون اساسی کشور نیز در مورد سهم گیری زنان در امور سیاسی و اجتماعی کاملاً صراحت دارد. به گونه ای مثال ماده ۲۲ قانون اساسی که مربوط به حقوق اساسی اتباع است چنین صراحت دارد: «هرنوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب

مساوی می باشند».

ماده ۳۳ قانون اساسی در قسمت مشارکت همه اتباع کشور در انتخابات چنین صراحت دارد: «اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا می باشند».

از این دو ماده به صراحت معلوم می شود که مشارکت در انتخابات به صفت کاندید و یا رای دهنده حق تمام اتباع واجد شرایط افغانستان می باشد؛ یعنی زنان به اندازه ی مردان، از این حق بهره مند هستند. همچنان قانون اساسی در ماده ۸۳ در رابطه به عضویت زنان در ولسی جرگه چنین حکم می کند:

«در قانون انتخابات باید تدابیری اتخاذ گردد که نظام انتخاباتی نمایندگی عمومی و عادلانه را برای تمام مردم کشور تأمین نماید و به تناسب نفوس از هر ولایت طور اوسط حداقل دو وکیل زن در ولسی جرگه عضویت یابد».

همچنین ماده ۸۴ قانون اساسی رییس جمهور را موظف ساخته است تا از جمله یک ثلث اعضای مشرانو جرگه، که انتصاب آنها از صلاحیت رئیس جمهور است، نیم آن ها را از میان زنان برگزیند.^{۲۵} قانون انتخابات نیز در تمام احکام خویش شرایط یکسان را، برای مرد و زن در نظر گرفته است و هیچ نوع تبعیض را در قسمت اشتراک زنان در روند انتخابات روا نداشته است.

برعلاوه قانون اساسی و قانون انتخابات، در استراتژی انکشاف ملی و اهداف هزاره سوم افغانستان، طرح هایی به منظور تعلیم و تحصیل زنان و ایجاد تساوی جندر (جنسیت) گنجانیده شده است. استراتژی انکشاف ملی افغانستان، تساوی جنسیت را مسأله مشترک و قابل توجه در تمام بخش های امنیتی، حکومت داری و انکشافی در عرصه های مختلف اقتصادی و اجتماعی دانسته و حکومت را به تطبیق آن مکلف می سازد.^{۲۶} وزارت امور زنان که در راستای توانمند سازی زنان کار می کند، تصریح می دارد که داشتن یک افغانستان صلح آمیز که در آن زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی از امنیت، حقوق و فرصت های مساوی برخوردار باشند، دیدگاه دولت افغانستان است. این دیدگاه سه هدف اساسی را که عبارت از صلح، انکشاف و مساوات می باشد، احتوا می نماید و برای رسیدن به این دیدگاه استراتژی وزارت زنان مطابق پلان کاری اش محو تبعیض علیه زنان، انکشاف منابع بشری زنان، و تامین رهبریت و مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان، می باشد.^{۲۷}

هدف از تطبیق استراتژی توانمندسازی زنان از طریق طرح پالیسی ها برنامه ها و پلان ها برای زنان است. روی این هدف وزارت امور زنان کوشیده از طریق ذهنیت سازی جامعه فرصت های مساوی

۲۵- قانون اساسی افغانستان، ماده ۸۴

۲۶- کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، گزارش حقوق اقتصادی و اجتماعی در افغانستان، گزارش پنجم، ۸۹-۱۳۸۸، سال نشر ۱۳۹۰، ص ۵۹

27- <http://www.gmic.gov.af/dari/index.php/analysis/392-2011-03-05-11-09-45>

۲۰- گفتگو با محمد یعقوب آزرده کارمند تلویزیون تمدن و خبرنگار

۲۱- گفتگو با عبدالحمید صفوت رییس دفتر CCA و استاد دانشگاه بلخ

۲۲- گفتگو با سلامت عظیمی استاد حقوق در پوهنتون بلخ و کارمند حقوق بشر در بخش حمایت از حقوق طفل

۲۳- گفتگو با شکریه باشند شهر مزار شریف

۲۴- اساسات حقوق کارکنان زن و برابری جنسیت اجتماعی (دفتر سازمان بین المللی کار ILO ژنیو)

برای زنان مانند مردان ایجاد شود.

قابل یادآوری است که با استفاده از امتیازاتی که قانون اساسی برای مشارکت زنان در انتخابات داده است، امروزه افغانستان، در ردیف ۲۰ کشور برتر جهان به ارتباط عضویت زنان در پارلمان به شمار می رود. تعداد وکلای زن در شورای ملی افغانستان بیش از تمام کشورهای اسلامی و بسیاری از کشورهای غربی است. حقوق و امتیازاتی که قانون اساسی برای زنان قایل شده است در حقیقت فرصت‌هایی اند تا زنان بتوانند با استفاده از آن در حیات سیاسی و اجتماعی کشور سهم فعال بگیرند و موقعیت خود را، به عنوان شهروندان برخوردار از حقوق مساوی با مردان، در جامعه تثبیت کنند. یکی از مهمترین مراجعی که زنان می‌توانند بر نحوه تصمیم‌گیری‌های آن، تأثیر بگذارند و از آن طریق طرح‌ها و برنامه‌های خود را جنبه‌ای قانونی بخشند و عملی نمایند شورای ملی است. به تعداد ۶۹ نماینده ولسی جرگه را زنان تشکیل می‌دهند که اگر این نمایندگان، به شکل متحد و یکپارچه عمل کنند بیش از ۲۷ درصد رأی پارلمان را خواهند داشت که این امر می‌تواند در تمام تصمیم‌گیری‌های پارلمان، تأثیری تعیین کننده داشته باشد.^{۲۸}

باوجود این، مشکلات و چالش‌های مشارکت زنان در انتخابات کاملاً حل نشده اند و گذشته از مشکل امنیتی، ده‌ها مشکل دیگر فرا راه زنان، برای دستیابی به حقوقی که قانون اساسی و سایر قوانین کشور برای شان قایل شده است، قرار دارد.

عدم آگاهی زنان از حقوق شان به طور فزاینده بمثابه یک محدودیتی تلقی گردیده که مانع به کارگیری موثر حقوقی می‌شود که هم در قوانین ملی و هم در معیارهای بین‌المللی از آن حمایت شده است. از آن رو اشاعه و تبلیغ معلومات درباره این حقوق یک وسیله حیاتی برای بهبود مسأله زنان در جامعه محسوب می‌شود. در سایه حمایت‌های قانونی و به خاطر تلاش‌های مشترک ارگان‌های دولتی و نهادهای مدنی، زنان بعد از سقوط حکومت طالبان در اکثر نهادهای تصمیم گیرنده اجتماعی و سیاسی حضور پیدا کرده و نقش موثر بازی کرده اند، هرچند، همانگونه که قبلاً گفته شد، هنوز هم مشکلات فراوانی فراراه آنان وجود دارد. حضور و اشتراک زنان بعد از سقوط طالبان در بعضی از نهادها به نسبت زیر بوده است:

۱۲ درصد در لویه جرگه اضطراری؛

۲۰ درصد در لویه جرگه قانون اساسی؛

۴۰ درصد اشتراک در انتخابات ریاست جمهوری، شورای ملی و شوراهای ولایتی؛

۲۷ درصد در ولسی جرگه؛

۲۲ درصد در مشرانو جرگه؛

۲۵ درصد در جرگه مشورتی صلح؛

۲۱ درصد کارمندان دولت؛

۹ درصد در سطح تصمیم گیری دولت؛

۵ درصد در سکتور امنیتی؛

۲۴ درصد در سکتور صحت؛

۱۰ درصد در سکتور عدلی و قضایی کشور؛

۳۷ درصد متعلمین؛

۲۸ درصد معلمین؛

۱۸ درصد محصلین پوهنتون‌ها؛

۱۵ درصد استادان پوهنتون‌ها؛^{۲۹}

هرچند این ارقام در کشوری که سال‌های طولانی جنگ و حاکمیت زن ستیز طالبان را، که زنان در آن از حق کار و تحصیل بکلی محروم بودند، پشت سر گذاشته است، و هنوز هم در گیر جنگ و ناامنی است، موفقیت و دست آورد بزرگی به شمار می رود که باید به آن، به دیده قدر نگریسته شود، اما این دستاوردها هنوز بسیار شکننده است. از سویی دیگر وضعیت عمومی مشارکت و حضور زنان متأسفانه در بعضی از موارد رو به بدی بوده است. مثلاً میزان مشارکت زنان در انتخابات‌های اخیر نسبت به انتخابات‌های اول کمتر شده است. نسبت حضور زنان در ادارات دولتی نیز نسبت به سال‌های گذشته کمتر شده است.^{۳۰}

نقش نهادهای مدنی، رسانه‌ها و نهادهای حقوق بشری در زمینه مشارکت زنان

با ایجاد اداره جدید کشور، تلاش‌های گسترده‌ای از سوی مجامع بین‌المللی و نهادهای داخلی در زمینه دموکراسی، حقوق بشر و مشارکت زنان و بهبود شرایط زندگی آنان در افغانستان صورت گرفت. نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی در این زمینه فعال شدند، وزارت امور زنان برای فعالیت در راستای حقوق زنان و توانمندسازی آنان و ایجاد هماهنگی میان ارگان‌های مختلف در این زمینه ایجاد شد و کمیسیون مستقل حقوق بشر بخاطر نظارت بر وضعیت حقوق بشری مردم به وجود آمد.

با این حال، باگذشت بیش از ده سال از سقوط طالبان و ایجاد دولت جدید، هنوز هم مشکلات فراوانی در برابر زنان وجود دارد و آنان را، خصوصاً در عرصه زندگی اجتماعی و سیاسی، محدود و محصور می‌سازد. هنوز ذهنیت جامعه برای پذیرش زنان آماده نشده است و خشونت علیه زنان هنوز هم بسیار اتفاق می‌افتد. ولی تغییرات زیادی نیز به وجود آمده و کشور در این زمینه‌ها دستاوردهای بزرگی نیز داشته است و نهادهای مختلفی در این زمینه نقش بازی کرده اند. یکی از نهادهای که برای بالابردن سطح آگاهی خانم‌ها و تشویق آنان به مشارکت در انتخابات‌ها فعالیت کرده است کمیسیون مستقل

29- <http://www.gmic.gov.af/dari/index.php/analysis/392-2011-03-05-11-09-45>

۳۰- رجوع کنید به: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، گزارش حقوق اقتصادی و اجتماعی در افغانستان، گزارش پنجم، ۸۹-۱۳۸۸، سال نشر ۱۳۹۰

28- <http://www.afghanistanvotes.com/dari/politics/9-2009-05-26-07-18-09.html>

محدودیت‌های سنتی-فرهنگی زمانی بهتر درک می شود که توجه کنیم که اکثر این سنت ها به اسلام نسبت داده شده و با آموزه های دینی توجیه می شود.

یکی از مهم ترین مسائلی که زنان امروز با آن مواجه اند محدودیت در تحصیلات و اشتغال و عدم توازن آنان با مردان است. این مسأله باعث شده است که چالش های فراروی زنان همواره بازتولید شود و تداوم پیدا کند. در صورتی که اولاً زنان جامعه از خود آگاهی اجتماعی و شناخت نقش و مسئولیت خویش برخوردار شوند و با فرایند جامعه پذیری سیاسی و آموزش آگاهی های مدنی در زمینه فعالیت های سیاسی و اجتماعی به شخصیت و نقش مستقل خود باور پیدا کنند، ثانیاً از زمینه های مشارکت خود جوش در سایه حمایت های قانونی برخوردار گردند، می توان انتظار داشت که میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی آنان در جامعه افزایش یابد.

باید توجه داشت که برای موثر واقع شدن این مسایل برای افزایش و گسترش مشارکت زنان در جامعه، باید ضرورت حضور فعالانه و مشارکت سیاسی و اجتماعی آنان در فرهنگ عمومی جامعه تبیین و تثبیت شود و در قالب یک باور فرهنگی درآید و از طرف دیگر با تطبیق قانون و استفاده از احکام قانونی با باورهای نادرست و منفی، و برخورد های شخصی و سلیقه ای نسبت به فرایند مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در جامعه مبارزه شود و بدین صورت مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان به عنوان یک حق در جامعه نهادینه گردد.

بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی مثل ساموئل هانتینگتن یکی از لوازم توسعه جامعه را مشارکت سیاسی و اجتماعی افراد جامعه می دانند.^{۳۲} افزایش مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان به مفهوم افزایش سهم آنان در فراگرد توسعه جامعه است.

بطور کلی از مجموع مباحث گذشته این نتیجه مهم به دست می آید که مقتضیات هر عصری ایجاب می کند که مسائل اساسی و موثر جامعه از جمله مسائل مربوط به زنان مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد و به ارزیابی گذشته بسنده نشود و در حدود مقتضیات اجتماعی در آن ها تجدید نظر به عمل آید و انسان نسبت به مسائل جدید بدون تعصب نگاه کند. با نگاه جدید به مسأله مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان، و البته در سایه حمایت های قانونی، می توان امیدوار بود که آینده فراروی زنان در این زمینه روشن تر و بازتر از گذشته باشد.

حقوق بشر می باشد که با راه اندازی ورکشاپ ها در زمینه های مختلف در راستای آگاهی دهی مردم کارهای زیادی را انجام داده است. این نهاد یک بخش ویژه برای حمایت و انکشاف حقوق زنان دارد که در رابطه به پیگیری قضیه های حقوق بشری مرتبط به خانم ها و بالا بردن سطح آگاهی آنان کارهایی را انجام داده است.

فوزیه نوابی، مسئول بخش حمایت و انکشاف حقوق زنان در دفتر ساحوی مزار شریف کمیسیون مستقل حقوق بشر در رابطه به فعالیت های این بخش می گوید: «نه سال از فعالیت کمیسیون حقوق بشر می گذرد و بخش حمایت و انکشاف حقوق زنان یکی از بخش های ویژه آن می باشد. بخش حمایت و انکشاف حقوق زنان ورکشاپ ها و کنفرانس های زیادی را دایر نموده است. از جمله در رابطه با حقوق سیاسی زنان ورکشاپ هایی را برای زنان، پلیس، مولوی ها، معلمین و کلانترهای گذر راه اندازی نموده است. دایر نمودن این ورکشاپ ها باعث بالا رفتن سطح آگاهی سیاسی و مدنی زنان گردیده است.»^{۳۱} یکی از کارهای دیگر کمیسیون حقوق بشر در جریان انتخابات نظارت بر پروسه رای دهی بوده است تا در شفافیت انتخابات کمک کند و از تقلبات جلوگیری صورت بگیرد.

نهادهای مدنی نیز در زمینه مشارکت زنان در انتخابات ها، بیشتر از هرچیز نقش آگاهی دهی و نظارتی داشته اند. آن ها با راه اندازی برنامه های آموزشی و تبلیغاتی تلاش کرده اند زمینه را برای مشارکت آنان مساعد بسازند و خود آنان را نیز تشویق کرده اند که در انتخابات به صورت گسترده اشتراک ورزند. همچنین این نهادها در هنگام برگزاری انتخابات ها نقش نظارتی موثری داشته اند.

رسانه ها نیز در آگاهی دهی به مردم و تبلیغات برای اشتراک آگاهانه در انتخابات نقش بازی کرده اند و از مراحل مختلف پروسه انتخابات اطلاع رسانی کرده و مردم را در جریان قرار داده اند.

هرچند انتخابات های افغانستان، بخصوص دو انتخابات اخیر ریاست جمهوری و پارلمانی با تقلبات گسترده همراه بود، ولی می توان گفت که نقش نظارتی نهادهای مدنی و رسانه ها خالی از موثریت نبوده است. به خصوص در افشای این تقلبات نقش آنان بسیار برجسته بوده است.

سخن آخر

چالش های فراروی زنان امروز کم نیست؛ هم در حوزه اجتماعی و هم در محیط خانواده. ریشه اکثر این مشکلات در فرهنگ و سنت های رایج در جامعه می باشد. این سنت ها همانند زندان زنان را در خود محدود ساخته اند و خود آنان را به زندانبانان خود تبدیل کرده اند. این نگاه سنتی و فرهنگی محدود کننده باعث می شود که کار و فعالیت زنان حتا در درون خانواده نیز دست کم گرفته شود و اهمیت درجه دو به آن داده شود. پیچیدگی چالش ها و

۳۲- هانتینگتن، ساموئل، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، ص ۵۷

۳۱- گفتگو با فوزیه نوابی مسئول بخش حمایت و انکشاف حقوق زنان در دفتر ساحوی کمیسیون حقوق بشر در مزار شریف

بخش سوم:

چالش‌های امنیتی فراروی مشارکت زنان در انتخابات

مریم رضایی - کابل

نامنه در برابر مشارکت زنان در انتخابات (کابل)

قانونی نیز در پی دارد و در مواردی حتی با مجازات مرگ، آنهم نه مرگ معمولی، بلکه با «اعدام»، «سنگسار» و دیگر انواع مرگ خشونت بار پاسخ داده می شود.

این چالش فرهنگی-سنتی مصداقی از عدم مسئولیت و عدم امنیت زنان در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی به شمار می آید. روشن است که این محدودیت و چالش برای مردان یا هیچ وجود ندارد و یا بسیار کمتر از آن چیزی است که در برابر زنان وجود دارد. علاوه بر این، گسترش نفوذ طالبان و گروه های مسلح مخالف دولت برهنه ترین وجه ناامنی را نیز به نمایش گذاشته است. هرچند این ناامنی میزان مشارکت سیاسی همه مردم را محدود و متأثر می سازد، ولی به روشنی می توان دریافت که زنان از این منظر نیز قربانی اصلی به شمار می رود. این نوشته تلاش می کند که به مفهوم موسع تر ناامنی به عنوان چالشی در برابر مشارکت سیاسی زنان در انتخابات بپردازد و نقش محدود کننده آن را، هم در برابر رای دهندگان زن و هم در برابر کاندیدان زن، مورد بررسی قرار دهد.

پرسش تحقیق:

موضوع مشارکت سیاسی زنان در افغانستان را می توان یکی از پر جنجال ترین موضوعات در جامعه سنتی افغانستان دانست و در این زمینه می توان پرسش های بی شماری را مطرح کرد. این پرسش ها هر کدام به مشکلات و مسایل مشخصی در رابطه به مشارکت سیاسی زنان معطوف می باشد. این تحقیق اما به طور مشخص به معضل امنیتی خواهد پرداخت و به این پرسش پاسخ خواهد داد که «امنیت زنان کابل در دو دوره انتخابات پارلمانی چگونه بوده است و مشخصا زنان در جریان مبارزات انتخاباتی و هنگام برگزاری انتخابات با چه ناامنی هایی مواجه بوده اند؟»

در این تحقیق کوشش می گردد که با مراجعه به کتاب ها و اسناد مکتوب و همچنین مصاحبه با صاحب نظران، زنان رای دهنده و زنانی که نامزد انتخابات پارلمانی کابل بوده اند و یا به حیث نماینده در پارلمان انتخاب شده اند، به این پرسش پاسخ داده شود.

نعیم سوک سوک به قمر و تاجور نگاه کرد و گفت: اگر عاشق بازی کنیم، ناز دخترها زیاد می شود. ما بچه ها باید منت بکشیم. باید پیش شان عذر و زاری کنیم؛ ولی اگر پادشاه وزیر بازی کنیم، آن ها «رعیت» می شوند و ناز و نخره نمی توانند. فقط جان شان بیربیر می لرزد و از ترس بزن و بکوب «پادشاه»، یک سوراخ موش را به هزار روپیه می خرند.

محمدجواد خاوری، گل سرخ دل افکار

مقدمه:

«چادری، دریچه قدرت»^۱ شعار انتخاباتی «زرها فرخنده نادری»، نماینده مردم کابل در دومین دور انتخابات پارلمانی بود. این شعار علاوه بر آن که شعار کژتاب و چند پهلوست، از جایگاه عینی و واقعی زن در جامعه افغانستان حکایت دارد: قدرت، زنان را در حصار چادر می خواهد. قطع نظر از تصریح قانون در مورد حق مشارکت سیاسی زنان، چه به عنوان رای دهنده و چه به عنوان کاندید، و حتا قایل شدن تبعیض مثبت برای تقویت حضور سیاسی آنان در قانون، در واقع جایگاه زن در ذهنیت مردم افغانستان زیستن در حصار برقع و در میان چهار دیوار خانه است. این زیستن زن در حصار خانه که پیوستاری از خانه پدر تا خانه شوهر را در بر می گیرد، او را به هستی بدل کرده است که در بسیاری اوقات حضور او در جایگاه های سیاسی و اجتماعی، به ویژه پست های کلیدی چون نمایندگی پارلمان، برای اکثر مردم زیر پا گذاشتن اخلاق و آداب جامعه و برباد دادن حیثیت و شرف خانواده به شمار می رود. خانه تنها دنیای زن افغان ست. فراتر رفتن زن، از دایره بسته و در واقع «زندان» زادن و زیستن و مردن در خانه، نوعی طغیان و عصیان بر ضد فرهنگ و باورهای مقدس جامعه، و شکستن آداب و سنت ها به شمار می رود^۲ و علاوه بر مجازات و تنبیه اجتماعی، گاه مجازات

1- <http://www.fzm.af/dari/?cat=1>

۲- به حیث نمونه میتوان از «قانون جنجالی احوال شخصیة تشیع» نام برد و در آن زن حق ندارد، بدون اجازه مرد از خانه بیرون شود و حتی به مرد حق میدهد که در صورت عدم تمکین زن، به او تجاوز کند.

بدیهی است که «پاسخ روشن به این پرسش بدون توجه به روند مشارکت سیاسی زنان، قوانین مربوط به حضور زنان در انتخابات و در کل بدون نگرستن به آن در ماتریس فرهنگی افغانستان ناممکن است.»^۳ با این حال، تلاش می‌شود که موضوعات مطرح شده در این مقاله تماماً معطوف به سوالاتی باشد که در بالا ذکر شد.

اهمیت تحقیق:

براساس آمارهایی که دفتر مرکزی احصائیه منتشر کرده است، حدود ۴۹ درصد نفوس افغانستان را زنان تشکیل می‌دهد.^۴ باوجود این جمعیت، تنها یک چهارم کرسی‌های پارلمان و شوراهای ولایتی برای زنان در نظر گرفته شده‌اند. به رغم تبعیض مثبت، سهم یک چهارم برای زنان را نیز می‌توان تبعیض آمیز دانست. با قطع نظر از بُعد کیفی و حضور غیرموثر و سمبلیک زنان، از نظر آماری نیز حضور زنان اندک است. ساده‌ترین معنای سهم ۲۵٪ از کرسی‌ها برای زنان آن است که برای هر مرد، سه برابر یک زن سهم در نظر گرفته شده است. این سهم غیرعادلانه نیز با تهدیدها و ددرسهای فراوانی روبه‌رو است. حضور زنان در پارلمان، شوراهای ولایتی و شوراهای محلی با چالش‌ها و تهدیدهای جانی و حیثیتی همراه بوده است. این تهدیدها تقریباً جزء زندگی روزمره زنان شده است. زنان نه تنها از سوی طالبان و مخالفین مسلح دولت تهدید می‌شوند، بلکه از سوی همکاران شان نیز مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند. فرهنگ سنتی جامعه نیز برای حقوق زنان، به ویژه در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، چالش و تهدید به شمار می‌رود. هرچند دولت افغانستان در تمامی اظهارات و بیانیه‌ها در داخل و خارج کشور از نتایج «افتخار آمیز» دولت برای بهبود وضع زنان یاد می‌کند، ولی کاهش درصد زنان در دومین دور انتخابات شوراهای ولایتی و پارلمان و همچنین در ادارات دولتی نشان دهنده‌ی آن است که افغانستان در سال‌های اخیر روند وارونه را در این زمینه طی کرده است. گزارشی که کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در زمینه میزان مشارکت زنان در ادارات دولتی منتشر کرده است نشان می‌دهد که «براساس آمار اداره مرکزی احصائیه در سالنامه ۱۳۸۹، از مجموع کارکنان دولت نزدیک به ۸۲ درصد را مردان تشکیل می‌دهند و زنان تنها در حدود ۱۸ درصد آنان را شامل می‌شوند. این در حالی است که آمار سال ۱۳۸۸ احصائیه مرکزی حضور زنان را در میان مجموع کارمندان دولت بیش از ۲۰ درصد نشان می‌دهد. در سال ۲۰۰۶ حدود ۳۱ درصد از پست‌های ادارات دولتی به زنان اختصاص داشت.»^۵

یکی از عوامل عمده کاهش حضور و مشارکت زنان در فعالیتهای

سیاسی و اجتماعی معضل ناامنی است. چنانچه می‌دانیم، زنان در مقابل ناامنی آسیب پذیری بیشتری دارند و مخصوصاً در کاهش مشارکت آنان در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی تأثیر فراوان دارد. متأسفانه دولت و مقامات مسئول امنیتی در زمینه رفع این مشکل زنان کمتر توجه نشان داده‌اند. براساس گزارش دیده‌بان حقوق بشر «مسئولان امنیتی برای بهبود وضعیت زنان عضو پارلمان و سایر زنان فعال در صحنه سیاسی هرگز اقدام معنادار و قابل توجهی نکرده‌اند.»^۶

اما به هر حال از آن‌جا که گام اول برای حل یک مسئله فهم آن است، بنابراین باید، در این زمینه تحقیق صورت بگیرد و مشخصا عوامل ناامنی و تهدیدهایی که زنان را نسبت به مشارکت سیاسی دل‌سرد می‌کنند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند.

ضرورت تحقیق:

اگر تساوی و توازن جنسیتی در مشارکت سیاسی را یکی از اساسی‌ترین شاخص‌های استقرار عدالت در جامعه بدانیم، در این صورت می‌توان گفت جامعه افغانستان، به دلیل حضور کم‌رنگ زنان با عدالت اجتماعی فاصله بسیار دارد. رابطه زن و مرد همان‌گونه که استاد محمدجواد خاوری در کتاب «گل سرخ دل افکار» می‌گوید، نه رابطه انسانی، بلکه رابطه‌ی «پادشاه» و «رعیت» است و درست در این رابطه‌ی نابرابر و غیرانسانی است که «جان زنان از ترس مردان بیربیر می‌لرزد و از ترس بزن و بکوب «پادشاه»، یک سوراخ موش را به هزار روپیه می‌خرند.»^۷ رعیت دانستن دایمی نیمی از جمعیت یک جامعه، آن هم صرفاً به دلیل تفاوت‌های بیولوژیکی و جنسیتی، نه از منظر اخلاق مدنی قابل توجیه است و نه به لحاظ مدیریتی. به ویژه از منظر توسعه انسانی، رابطه نابرابر و تبعیض آمیز میان زن و مرد از یک سو نشان دهنده آن است که جامعه از لحاظ توسعه انسانی در سطوح ابتدایی قرار دارد و از سوی دیگر به معنای آن است که جامعه از نیرو و ظرفیت نیمی از جمعیت انسانی خود برای رشد و توسعه محروم می‌شود.

همچنین وقتی نیمی از جامعه در ترس و هراس دایمی و همیشگی به سر می‌برد، در واقع تمامی جامعه در ترس و هراس زندگی می‌کند. به همان میزان که زن به عنوان رعیت در معرض تهدید و ترس است، به همان میزان خانواده و بستگان او این ترس و هراس را تجربه می‌کنند. برخورد کلی و کلیشه‌ای با این مشکل اما نه تنها گره از کار فرو بسته‌ی زنان نمی‌گشاید، بلکه آن را پیچیده تر می‌کند.

برای تقویت مشارکت زنان و رفع نابرابری‌های جنسیتی ابتدا

6. *Rachael Reid, Afghanistan researcher at Human Rights Watch, We Have the Promises of the World: Women's Rights in Afghanistan* <<http://www.hrw.org/en/reports/2009/12/03/we-have-promises-world-o>

۷- گل سرخ دل افکار، مجموعه داستان، محمدجواد خاوری، تهران، انتشارات عرفان، ۱۳۸۷، ص ۸۱.

۳- مصاحبه با زهرآحسینی، دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد «مطالعه زنان در دانشگاه تهران»، محل مصاحبه موسسه تحصیلات عالی این سینا، ۱۹/۱۲/۱۳۹۰.

4. *Sea: Central Statistic Organization's website, Statistic Yearbook 2010-2011, Population*, at: <http://cso.gov.af/en/page/4847>

۵- محمدحسین سرآمد، حضور و نقش زنان در حوزه عمومی و فعالیتهای سیاسی، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، حوت ۱۳۹۰، ص ۶



تشکیل حکومت انتقالی به ۱۲ درصد ارتقایافت.^۹ در سال ۱۳۸۲، در لویه جرگه‌ای که برای تصویب قانون اساسی برگزار گردید، ۲۰ درصد از شرکت‌کنندگان را زنان تشکیل می‌دادند.^{۱۰} در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۳، زنان ۲۸ درصد از کرسی‌های پارلمان را به دست آوردند.^{۱۱} همچنین با تفاوت سه کرسی از ۲۵ درصد کرسی‌های شوراهای ولایتی را، یعنی ۱۲۱ کرسی را از آن خود کردند.^{۱۲} اما این رشد کمی نمی‌تواند به معنای بهبود مشارکت سیاسی زنان تصور شود زیرا میزان مشارکت زنان در انتخابات به عنوان رای دهنده رو به کاهش بوده است. در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۴ حدود ۴۴ درصد رای دهندگان را زنان تشکیل می‌دادند، در حالی که در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ حدود ۳۹ درصد رای دهندگان زنان بودند.^{۱۳}

۹- حسینه سلیمان و حبیبه رسولی، زنان هنوز خاموش‌اند، گزارش‌دهی از جنگ و صلح، ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳.

۱۰- همان.

۱۱- سی‌ام‌آی، افغانستان: انتخابات ۲۰۰۵، <http://www.emi.no/afghanistan/?id=204andElections>

۱۲- یونیمف، زنان مردان افغانستان: ارقام مقدماتی جنسیتی، ۲۰۰۸، ص ۲۴.

۱۳- محمد حسین سرآمد، حضور و نقش زنان در حوزه عمومی و فعالیت‌های سیاسی، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، حوت ۱۳۹۰، ص ۱۲

ضرورت است که درک دقیق و درستی از وضعیت به دست آورد و عوامل و ریشه‌های مسأله را پیدا کرد. وانگهی هر نوع راه‌حلی که مبتنی بر داده‌های تحقیقی و پژوهشی نباشند و در پاسخ به مشکلات واقعی زنان طراحی نگردد، بن‌بست‌های فراروی حضور زنان در ساختار قدرت را بیشتر خواهد کرد.

چنانچه مطرح شد، یکی از مشکلات اصلی فراروی زنان در مشارکت سیاسی معضل ناامنی است. پژوهش حاضر در جست‌وجوی بررسی مشکلات امنیتی است که زنان کابل در دو دور انتخابات پارلمانی با آن مواجه بوده‌اند.

روند مشارکت سیاسی زنان در نهادهای نمایندگی

حضور زنان در نقش‌های بالای دولتی از نظر کمی رو به کاهش، اما در نهادهای نمایندگی رو به افزایش بوده است. به استثنای دومین دور انتخابات شورای ولایتی، روند مشارکت زنان در عرصه‌های گوناگونی روند سیر رو به بالا داشته است. در توافق نامه بن در سال ۱۳۸۰ کمتر از ۱۰ درصد شرکت‌کنندگان را زنان تشکیل می‌دادند.^۸ در لویه جرگه اضطراری سال ۱۳۸۱ مبنی بر

۸- مسعوده سلطان، از گفتار تا واقعیت: زنان در برنامه صلح، کمیسیون طرح سیاست‌گذاری صلح برای زنان، فبروی، ۲۰۰۵.

بنیادهای قانونی مشارکت زنان در انتخابات و فعالیت‌های سیاسی

پس از سقوط طالبان، حضور زنان در پارلمان و دیگر نهادهای نمایندگی به صورت جدی مطرح گردید. در توافق‌نامه بن، که مبنای اساسی اداره جدید کشور به شمار می‌رود، بخش خاصی برای تأکید بر اهمیت مشارکت سیاسی زنان در حکومت جدید مطرح گردید.^{۱۴} قانون اساسی جدید که سال ۱۳۸۲ به تصویب رسید «هر نوع تبعیض علیه زنان را ممنوع خوانده و بیان می‌کند که تمام اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون حقوق و وجایب مساوی دارند.^{۱۵} همچنین در این قانون تأکید شده است که به طور متوسط از هر ولایت حداقل دو زن باید به شورای ملی راه یابد.^{۱۶} همچنین باید حداقل ۵۰ درصد اعضای انتصابی مجلس سنا زن باشند.^{۱۷} در قانون انتخابات نیز آمده است که از مجموعه ۵۴۴ عضو شوراهای ولایتی در سراسر کشور، ۱۲۴ عضو آن باید زن باشند.^{۱۸}

علاوه بر سهمیه‌بندی قانونی، دولت افغانستان برای برقراری توازن جنسیتی، تعهدات دیگری نیز دارد. در سال ۱۳۸۱ دولت «کنوانسیون محو هرگونه تبعیض علیه زنان» را امضا کرد.^{۱۹} همچنین دولت افغانستان برخی از سیاست‌گذاری‌های را در راستای تأمین حضور و مشارکت سیاسی زنان تصویب کرده است که عملی شدن آن‌ها تا حد زیادی به برقراری توازن جنسیتی کمک می‌کنند. این سیاست‌گذاری‌ها شامل موارد زیر می‌شوند:

برنامه ملی کاری زنان افغانستان که شیوه‌های برقراری توازن جنسیتی در ادارات دولتی را مشخص می‌کند؛

اهداف انکشافی هزاره افغانستان، که تعهد دولت افغانستان را به ارتقای مشارکت ۳۰ درصد زنان در تمامی ساختارهای انتخاباتی دولت تا سال ۱۳۹۹ را بیان می‌کند؛^{۲۰}

برنامه انکشافی افغانستان که برابری جنسیتی را در تمامی امور و به‌ویژه بهبود مشارکت آنان در حکومت‌داری را یکی از اهداف مهم معرفی می‌کند.^{۲۱}

علاوه بر قوانین موجود، در سال ۱۳۸۳ با تأسیس وزارت امور زنان، دولت افغانستان متعهد گردید که این وزارت به صورت فعالانه در راستای برقراری توازن جنسیتی و امنیت پایدار زنان فعالیت

۱۴- درود الیوب و تاروپ نوردولند، سهمیه‌بندی جنسیتی: راز اصلی برابری مطالعات امور در عراق و افغانستان، کمسیون اروپا برای تحقیقات سیاسی، شماره ۳، شماره مسلسل (۱۳۸۳).

۱۵- قانون اساسی افغانستان، ماده ۲۲.

۱۶- همان، ماده ۸۳.

۱۷- همان، ماده ۸۴.

۱۸- وزارت عدلیه ج.ا.ا. قانون انتخابات افغانستان، ماده ۳۱.

۱۹- کنوانسیون محو هرگونه تبعیض علیه زنان، سازمان ملل، ۱۹۸۱، ماده ۷.

۲۰- اداره انکشافی سازمان ملل، اهداف انکشافی هزاره در افغانستان، رشد تساوی جنسیتی و تقویت زنان، هدف سوم، ۱۳۸۳.

۲۱- جمهوری اسلامی افغانستان، استراتژی ملی افغانستان: استراتژی امنیت، حکومت‌داری، رشد اقتصادی و محو فقر، ۱۳۸۷ ص ۱۹۵.

نماید، اما، به رغم حمایت‌های قانونی و تعهدات ملی و بین‌المللی، چنان‌که قبلاً اشاره شد و در بخش بعدی به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت، اوضاع امنیتی زنان فعال، به ویژه نمایندگان پارلمان روند نگران‌کننده‌ای را می‌پیماید و هر روز بدتر می‌گردد.

ناامنی و تأثیر آن بر مشارکت زنان در انتخابات:

داده‌ها نشان می‌دهند که به رغم حمایت‌های بین‌المللی، دولت افغانستان در تأمین امنیت زنان مشارکت‌کننده در انتخابات ناکام بوده است. البته خطاست اگر مشکل ناامنی به زنان کاسته شود. مشکل ناامنی در جریان انتخابات فراگیر بود و باعث کاهش مشارکت مجموع مردم افغانستان، اعم از زن و مرد، گردید.

ناامنی، متناسب با ساختار جمعیتی هر ولایت الگوهای متفاوتی پیدا می‌کند. جنرال ظاهر عظیمی سخنگوی وزارت دفاع افغانستان در کنفرانس مطبوعاتی، که سخنگوی آپساف و سخنگوی امور ملکی ناتو نیز در آن حضور داشتند، به ناکامی دولت در تأمین امنیت انتخابات اعتراف کرد و اظهار داشت که «در بیش از ۹۰۰ مرکز رای دهی انتخابات ولسی جرگه مشکلات امنیتی وجود داشت.^{۲۲}» کمیسیون مستقل حقوق بشر نیز از ناامنی به عنوان مشکل اصلی زنان مشارکت‌کننده در انتخابات یاد کرد و تأکید ورزید که کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان موظف است که «سهولت‌های بیش‌تری برای زنان در انتخابات پارلمانی فراهم کند.^{۲۳}»

ناامنی برای زنان مشارکت‌کننده در انتخابات از همان آغاز یک مسأله جدی بود. بانکی مون دبیرکل سازمان ملل اظهار داشت که «امنیت زنان مشارکت‌کننده در انتخابات را باید مسأله اصلی افغانستان دانست و کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان باید ضمن تأمین امنیت مراکز رأی‌گیری، شرایط حضور همه مردم را در پای صندوق‌های رأی فراهم کند.^{۲۴}» به رغم این تأکیدات بین‌المللی و تدابیر امنیتی «حضور زنان در انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۹ کم‌رنگ بود.^{۲۵}» شیرین بی‌بی، یک‌تن از باشندگان ولایت کابل، که در پروسه انتخابات با شوق و علاقه خاص اشتراک نموده بود، گفت: «بسیار خوش هستم که مسئولان امنیتی آمادگی خاص برای تأمین امنیت انتخابات، به خصوص برای خانم‌های رای دهنده گرفته بودند اما حضور خانم‌ها در این دور انتخابات کم‌رنگ به نظر می‌رسید.^{۲۶}»

گسترش ناامنی تأثیر مستقیم بر کاهش میزان مشارکت زنان

۲۲- عبدالحی روشن، مشکلات امنیتی در بیش از ۹۰۰ مرکز رای‌دهی در افغانستان، رادیوآزادی، یک‌شنبه، ۲۲ آگوست ۲۰۱۰.

۲۳- شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان، مشکلات زنان در انتخابات پارلمانی، ۱۳۸۹، ۲/۲.

۲۴- باشگاه خبرنگاران، ۴۰۵ زن، نامزد انتخابات پارلمانی افغانستان، شنبه، ۱۲ سرطان ۱۳۸۹.

۲۵- آژانس خبری وخت، با وجود تدابیر امنیتی حضور زنان در انتخابات پارلمانی کم‌رنگ بود، کابل، ۲۸ سنبله ۱۳۸۹. http://www.wakht.com/cat_4/014577.php/

۲۶- همان.

ویژه در مورد زنان بسیار قابل توجه است، زیرا مشارکت و انتخاب آزادانه زنان را عوامل پرشمار فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و غیره تهدید می‌کند. در این بخش کوشش می‌گردد به برخی از دیدگاه‌های مربوط به ناامنی‌های زنان از زبان کارشناسان، رای دهندگان و زنان نماینده مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

الف- از دیدگاه کارشناسان:

کارشناسان در باره عوامل ناامنی مشارکت زنان در انتخابات هم‌نظر نیستند. احمد عزیزی کارشناس امور فرهنگی می‌گوید: «باید به زمینه‌های اجتماعی انتخابات توجه کرد. نقش اصلی زنان در افغانستان کار در چارچوب خانواده است. مشارکت سیاسی زنان به معنای گام‌نهادن در فضای بیرون از خانواده می‌باشد و بنا بر این انتظارات جامعه از زنان را نقض می‌کند. به رسمیت شناختن جایگاه زنان به معنای به رسمیت شناختن آن در اجتماع نیست. مشکلات فراروی مشارکت سیاسی زنان و تهدیدات و ناامنی‌هایی که زنان در معرض آن‌ها قرار دارند، نشانه‌ی شکاف میان فرهنگ و قانون و در واقع نظام کنترل رسمی و غیررسمی است.»^{۳۲}

اسدالله احمدی، کارشناس امور اجتماعی بر این باور است که «میان انتخابات و خشونت جنسی پیوند گسست‌ناپذیر وجود دارد. اگر از منظر روان‌کاوی به پدیده انتخابات بنگریم، انتخابات در ذات خود دارای بار جنسی است. مفهوم «رای سری» و تشریفات مناسکی آن ریشه در تابوهای جنسی دارد. انتخابات نوعی انفجار لیدوئیک و استعلایی‌سازی تجربه لذت است. زیبایی‌شناسی کردن عکس‌ها در انتخابات به صورت ناخودآگاهی لذت جنسی احساسی و بصری را پیش‌فرض می‌گیرد. از این منظر رای به جنس موافق به صورت غیر مستقیم ارضای تمایلات همجنس‌خواهانه و رای به جنس مخالف را می‌توان تمایلات دیگرجنس‌خواهانه دانست. شور و اشتیاق مردم و نمایندگان هنگام انتخابات و ملال و افسردگی و اعتراضات و ندامت روحی و در کل احساس گناه ناشی از مشارکت در آن دلایل روان‌کاوانه دارند. این گناه و افسردگی را می‌توان مطابق فرمول گذار از «اصل لذت» به «اصل واقعیت» فروید تجزیه و تحلیل کرد.»^{۳۳} اگر انتخابات را دارای بار لیدوئیک بدانیم، در این صورت «با میانجی آن می‌توان ناخودآگاه فرهنگی افغانستان را درک و فهم کرد. نخست اینکه آشفتگی، بی‌نظمی و تقلب هم‌ارز آن چیزی است که انسان‌شناسان از آن به عنوان مرحله تاریخی آشفتگی جنسی بشر یاد می‌کنند. مرحله که روابط جنسی هنوز تنظیم و نهادینه نشده است؛ بنابراین انتخابات، به عنوان یک تجربه‌ی نو در افغانستان نمی‌تواند با اشکال گوناگون خشونت، به‌ویژه خشونت علیه زنان همراه نباشد. ناامنی‌های که زنان مشارکت‌کننده و رای‌دهنده با آن مواجه هستند در همین آشفتگی ریشه دارد. دوم اینکه رای‌دادن

در انتخابات داشته است. در شماری از مناطق ناامن کشور زنان نتوانستند در انتخابات شرکت کنند. مشکلات امنیتی باعث شد که شمار ناظرین زن در انتخابات پارلمانی دوم کمتر شود و در موارد زیادی کاندیدان زن و یا کمپاین‌گران آنان از سوی طالبان، قوماندانان محلی، و رقیبان انتخاباتی آنان مورد تهدید قرار گرفته بودند.^{۲۷}

مشکلات و محدودیت‌های سنتی و فرهنگی نیز باعث می‌شد که زنان در مقابل مشکلات امنیتی آسیب‌پذیرتر شوند. گاه این سنت‌ها خود باعث تهدید و ارعاب زنان می‌شد. خبرگزاری «العربیه» در دومین دورانتخابات پارلمانی گزارش داد که «جامعه سنتی افغانستان ورود زن به پارلمان را به سادگی نمی‌پذیرد»^{۲۸} و همچنین یادآور شد که «مسئولان نظارت بر انتخابات افغانستان، هشدار داده اند «که امنیت جان و مال و حیثیت زنان نامزد شده برای عضویت پارلمان این کشور در معرض خطر است»^{۲۹}

نعیمه صورتگر یکی از زنان کاندید به خبرگزاری رویترز گفت: «از بدو نام نویسی برای انتخابات مورد انواع تهدیدها قرار گرفته و ده‌ها پیام تهدید و توهین از طریق ایمیل و غیره دریافت کرده است.»^{۳۰} این ناامنی البته فقط به ولایت‌های دوردست اختصاص نداشت. روبینا جلالی می‌گوید: «مردان تا دیر وقت شب می‌توانند به هر جا برای تبلیغات انتخاباتی و دیدار با هواداران شان بروند ولی ما از این امکان برخوردار نیستیم. پاره کردن عکس‌های تبلیغاتی زنان کاندیدا و رنگ پاشی بر این عکس‌ها و یا چسباندن پوسته‌هایی دیگر بر آنها»^{۳۱} نه تنها در ولایت‌های دوردست، بلکه در کابل امر معمولی و پیش‌پاافتاده به شمار می‌رفت.

گستره مفهوم ناامنی برای زنان در فرایند مشارکت سیاسی:

هرچند برهنه‌ترین مفهوم ناامنی همان است که معمولاً از ناحیه دشمن بروز می‌کند و جان، مال و عزت و آبروی انسان را تهدید می‌نماید، ولی می‌توان از آن مفهوم وسیع‌تری را مراد کرد. یعنی به هر مشکل و مانعی که باعث شود انسان استقلال اراده و رای خود را از دست بدهد می‌توان به عنوان ناامنی نگریست. در امر انتخابات و مشارکت زنان نیز عواملی که باعث شود میزان مشارکت زنان کاهش یابد، و یا رای آنان خلاف اراده و انتخاب خودشان به صندوق ریخته شود، می‌تواند در شمار ناامنی به حساب بیاید. این مفهوم ناامنی به

۲۷- محمد حسین سرآمد، حضور و نقش زنان در حوزه عمومی و فعالیت‌های سیاسی، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، حوت ۱۳۹۰، ص ۱۳

۲۸- شبکه خبری العربیه، جامعه سنتی افغانستان ورود زن به پارلمان را به سادگی نمی‌پذیرد، ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۰، http://www.alarabiya.net/fa_afghan.html

۲۹- همان.

۳۰- همان.

۳۱- همان.

۳۲- مصاحبه با احمد عزیزی، ۲۳/۹/۱۳۹۰.

۳۳- مصاحبه با اسدالله احمدی، ۱۴/۸/۱۳۹۰.

مردان به مردان فرافکنی تمایلات هم‌جنس‌خواهانه‌ای است که توسط فرهنگ دینی سرکوب شده است.^{۳۴} بدون شک ناامنی جنبه‌های گوناگون دارد. بنابراین علاوه بر بعد روان‌کاوی ابعاد دیگر این مسأله را نباید نادیده گرفت. احمد عزیزی می‌گوید: «اگر بخواهیم مسأله را عمیق‌تر بشکافیم، ناامنی زنان در انتخابات به یک موضوع فرهنگی کلان‌تر بر می‌گردد: سوژکتیو بودن زنان. اگر در این سطح تأمل نماییم حضور واقعی زنان از اساس بی‌معناست. زن موضوع ساخته‌شده توسط مردان است. حق آن توسط مردان تعریف می‌گردد و مکانیسم استیفای حقوق آنان‌ها نیز توسط زنان سنجیده می‌شود.»^{۳۵} برخی از کارشناسان دولت را عامل اصلی این ناامنی‌ها می‌دانند. دکتر رمضان بشردوست نماینده کابل براین باور است که عامل اصلی ناامنی زنان در مشارکت سیاسی، کارگزاران دولت و به ویژه شخص کرزی است که «به همسر خود اجازه فعالیت‌های اجتماعی را نمی‌دهد. زن کرزی به عنوان بانوی اول مملکت باید با رنج و درد مردم غریب شریک باشد، اما کرزی او را تا آن حد خانه نشین کرده است که مردم افغانستان هنوز عکس بانوی اول مملکت‌شان را ندیده‌اند و نمی‌شناسند کیست؟»^{۳۶} نورالحق علومی و اشرف‌غنی احمدزی نیز ناامنی را به بی‌برنامگی‌های دولت ارجاع می‌دهند. به نظر آن «دولت می‌تواند امنیت زنان را در هنگام انتخابات تأمین نماید، اما مشکل اصلی آن است که دولت هیچ برنامه منظمی در مورد مشارکت سیاسی زنان ندارد.»^{۳۷} به هر حال ناامنی زنان یک پدیده چند وجهی است و هنگام تحلیل این پدیده باید تمامی جوانب آن، اعم از مدیریتی، روانی، فرهنگی و تاریخی آن در نظر گرفته شود.

ب- از دیدگاه رای‌دهندگان زن

بر خلاف دیدگاه کارشناسان، که بیش‌تر ناامنی‌را به عنوان یک امر ساختاری تحلیل می‌کنند، مشارکت‌کنندگان از تجربه‌های‌شان درباره انتخابات سخن می‌گویند. عوامل ناامنی از دیدگاه آن‌ها پیوستاری از عوامل خانوادگی تا سیاسی و فرهنگی را در بر می‌گیرد. من در اینجا ناامنی را به مفهوم وسیع‌تر آن در نظر می‌گیرم و آن را به معنای عدم استقلال رای و اراده در هنگام رای دادن مراد می‌کنم. پس ناامنی از این منظر یعنی وجود هرگونه فشار و اجباری که استقلال اراده را از فردی رای دهنده سلب کند و مانع مشارکت‌اش در انتخابات شود و یا حتا باعث شود که خلاف میل‌اش به کسی دیگر رای دهد.

۳۴- همان.

۳۵- مصاحبه با احمد عزیزی، ۲۳/۹/۱۳۹۰.

۳۶- دکتر رمضان بشردوست، زنان و هبری سیاسی، <http://afghanadvocacy.org.af>

۳۷-

سهیلا اکبری از این مفهوم موسع ناامنی سخن می‌گوید: «من کارت رای‌دهی گرفتم تا در انتخابات شرکت کنم. شرکت در انتخابات از هر حیث برایم مهم بود. هم به خاطر آن که می‌خواستم انتخابات را تجربه کنم و هم این کار را نوعی مشارکت در سرنوشت سیاسی جامعه می‌دانم. با شرکت در انتخابات لاقلاً وجدانم آرام می‌شد که به کاندید مورد نظر رای داده‌ام. اما روز انتخابات ما مهمان داشتیم و پدر و مادرم گفتند به جای رای دادن ظرف‌ها را بشوی. وظیفه دختر کارخانگی است، نه رای دادن. خانواده‌ام اجازه بیرون رفتن و مشارکت در انتخابات را نداد.»^{۳۸} فشار خانوادگی البته تنها مشمول ممانعت از رای دادن نیست، برخی از مردان خانواده زنان را مجبور کرده‌اند که به کاندید مورد نظر مردان رای دهند. نادیه خیری می‌گوید: «من می‌خواستم که به یک کاندید زن رای دهم، اما پدرم گفت زن‌ها نماینده خوبی نیستند. تو باید به فلان کاندید مرد رای بدهی و مرا مجبور کرد که به کاندید مورد نظر او رای دهم. اگر فشار خانواده نمی‌بود، حتماً به کاندید مورد نظر خودم رای می‌دادم.»^{۳۹}

ناامنی مورد نظر فقط در اعمال فشار از سوی اعضای خانواده برای کنترل اراده آن‌ها خلاصه نمی‌گردد. رای دهنندگان زن با انواع گوناگون ناامنی، از قبیل آزار خیابانی، توهین و تحقیر به رای‌دهندگان زن و اجبار مسئولین صندوق آراء نیز رو به‌رو هستند. زهرا طاهری می‌گوید: «روز انتخابات ما از یک راه دور آمدیم که رای بدهیم. در طول راه، یک عده از پسران اول به ما حرف‌های بی‌ربط گفتند. وقتی ما واکنش نشان ندادیم به فحش‌دادن شروع کردند و چون محل رای دهی دور بود، مجبور شدیم از نیمه راه منصرف شویم و بدون رای دادن به خانه برگردیم.»^{۴۰}

زنان در هنگام رای دادن نیز با مشکلات فراوانی روبه‌رو بوده‌اند. یکی از این مشکلات عدم آگاهی کافی از نحوه رای دادن و در مجموع بی‌سوادی بوده است. ثریا علوی، یکی از ناظران انتخاباتی، می‌گوید: «اکثر زنان مشارکت‌کننده بی‌سواد بودند و نمی‌دانستند چگونه رای بدهند. به همین سبب گاه مردان شان بدون اینکه با آن‌ها مشورت کنند، فرد مورد نظر خود را علامت‌گذاری می‌کردند. گاهی نیز مسئولین صندوق‌ها از این بی‌سوادی سوء استفاده نموده و به نفع کاندیدهای مورد علاقه شان تقلب می‌کردند.»^{۴۱}

بدون شک در جامعه افغانستان، فقط تسجیل «مشارکت سیاسی زنان» به عنوان یک حق قانونی در قانون کافی نیست. دولت باید دیگر سازو کارهای مشارکت را نیز فراهم نماید. از جمله برای تقویت مشارکت زنان باید امنیت مشارکت تأمین گردد. فرهنگ و باورهای سنتی جامعه با آموزش‌های مدنی و تقویت فرهنگ مدنی پذیرای

۳۸- مصاحبه با سهیلا اکبری، ۲۶/۸/۱۳۹۰.

۳۹- مصاحبه با نادیه خیری، ۲۴/۸/۱۳۹۰.

۴۰- مصاحبه با فاطمه طاهری،

۴۱- مصاحبه با ثریا علوی، ۲۵/۱۳۹۰.

مشارکت زنان شود. هرچند این کار نیازمند فعالیت گسترده فرهنگ و آموزشی است، ولی اگر دولت به عنوان ممثل حاکمیت ملی و اتوریته مشروع ملی از مشارکت زنان حمایت کند، می تواند در تقویت حضور و مشارکت زنان در فعالیت های اجتماعی و سیاسی نقش موثری داشته باشد.

ج- از دیدگاه کاندیدان زن

اگر زنان را به عنوان یکی از مهم ترین قربانیان ناامنی های انتخاباتی در نظر بگیریم، در این صورت زنانی که به حیث کاندید در انتخابات شرکت می کنند، با خشونت های مضاعف رو به رو خواهند بود. آن ها همزمان در معرض فشارهای خانوادگی، اجتماعی و سیاسی قرار دارند. هم نامزدهای رقیب شان کوشش می کنند آن ها را در جامعه تخریب نمایند و هم فرهنگ زن ستیز حاکم بر کشور تمایل به حاشیه رانی مضاعف آن ها دارد. فاطمه نظری که عضو پارلمان اول نیز بود و از نظر تعداد آرا در انتخابات پارلمانی دوم در بین زنان مقام اول را در کابل کسب کرده بود، می گوید: «با شروع انتخابات دور دوم پارلمان، فشارها بر من زیاد شد، به قسمی که من در یک ناامنی مطلق به سر می بردم. بسیاری از مخالفان و حتا نزدیکانم علیه من دست به توطئه زدند و کوشش کردند برایم پرونده های اخلاقی بسازند. آن ها با طرح بحث های خانوادگی و فامیلی می خواستند مرا بین مردم بد نام سازند و نگذارند مردم به من رای دهند. برخی حتا ادعا می کردند که از روابط اخلاقی من فیلم و اسناد تصویری دارند.»^{۴۲}

تردید نیست که پخش چنین شایعه هایی در جامعه بسته افغانستان بسیار خطرناک است و نه تنها خطر سیاسی و حیثیتی، بلکه حتی خطر جانی را در پی دارد. خانم نظری معتقد است که «پخش این شایعه ها به من بسیار ضربه زد. اگر این شایعه ها نمی بود، مسلماً آرای من از ۶۸۱۴ رای بیش تر بود. حرف های رکیک از بعضی ها می شنیدم و می گفتند که اگر فلان چیز می خواهید به ۳۰۸ رای بدهید. پوسترهایم را در سرک ها پاره می کردند. این ماجرا به جایی رسید که حتی نزدیکانم نسبت به من مشکوک شدند. من البته در برابر این تهمت ها مقاومت کردم و مردم هم به من رای دادند ولی در زمان انتخابات به شدت احساس ناامنی می کردم.»^{۴۳} مینا خاشعی، یکی از نامزدهای انتخابات پارلمانی دور دوم که برنده نشد، نیز می گوید: «پیش از کاندید شدن در انتخابات تصور دقیقی از مشکلات حضور در اجتماع نداشتم. هنگام کمپاین انتخاباتی کل فضای خانواده ام ناامن شده بود. کسانی که خانواده ام را می شناختند، حرف های بد و نیش دار می زدند. در کوچه و سرک ها اذیت می شدم و بد و بی راه می شنیدیم. به هر حال، حضور زنان با مشکلات زیادی همراه می باشد. بعد از شرکت در انتخابات فضاهای عمومی برای من

به شدت ناامن شده است.»^{۴۴}

فرخنده زهرانداری می گوید که من شعار انتخاباتی ام را «چادری، دریچه قدرت» انتخاب کردم. منظورم از این شعار آن نیست که من به چادر اعتقاد دارم. من خودم چادر نمی پوشم و بسیار آزاد زندگی می کنم. من می خواستم با این شعار به صورت کنایه در باره وضعیت زنان، به ویژه ناامنی که آن ها گرفتار آنند، حرف بزنم.»^{۴۵}

به هر حال تمامی زنان، اعم از زنان رای دهنده و مشارکت کننده در انتخابات از تجربه ناامنی سخن می گویند. چنانچه تذکر رفت، کمیسیون مستقل حقوق بشر، یوناما، سخن گویی آیساف و دیگر نهادهای مربوط ناامنی را یکی از مشکلات اساسی مشارکت زنان در انتخابات می دانند.

نتیجه گیری

به رسمیت شناختن حق مشارکت سیاسی زنان، به ویژه مشارکت در نهادهای انتخاباتی یک گام لازم، اما کافی نیست. شکاف قانون و فرهنگ در افغانستان بیش تر از آن است که با قانونی شدن مشارکت زنان ترمیم گردد. یکی از مشکلات اساسی که مانع دستیابی زنان به حق مشارکت سیاسی شده است، مشکلات امنیتی است که پیش روی زنان قرار دارد. تا آن جا که به تحقیق حاضر ارتباط دارد، کارشناسان این مشکل را تحلیل ساختاری و فرهنگی می کند. از نظر آن ها ساختار فرهنگی و همچنین مدیریتی افغانستان در بردارنده عناصری است که به عنوان مانع در برابر مشارکت سیاسی زنان عمل می کند. دولت افغانستان می تواند این موانع را کاهش داده و زمینه مشارکت سیاسی زنان را بهبود بخشد. اما دولت هیچ گونه برنامه جامع و موثری در این باره نداشته است. روایت زنان از ناامنی علاوه بر آن که الگوهای ساختاری و فرهنگی ناامنی و کم کاری دولت افغانستان را بیان می کند، دلیل متقن بر وجود ناامنی به عنوان یک واقعیت است؛ واقعیتی که اگر به صورت بنیادی تغییر داده نشود، مشارکت سیاسی زنان مشارکت سمبلیک و غیرواقعی خواهد بود.

۴۲- مصاحبه با فاطمه نظری، ۴/۸/۱۳۹۰

۴۴- مصاحبه با مینا خاشعی، ۲۸/۷/۱۳۹۰

۴۳- همان.

۴۵. <http://www.fzn.af/dari/?cat=1>

منابع و رویکردها:

کتاب‌ها و گزارش‌های چاپی:

۱. اداره انکشافی سازمان ملل، اهداف انکشافی هزاره در افغانستان، رسد تساوی جنسیتی و تقویت زنان، هدف سوم، ۱۳۸۳
۲. باشگاه خبرنگاران، ۴۰۵ زن، نامزد انتخابات پارلمانی افغانستان، شنبه، ۱۲ سرطان ۱۳۸۹.
۳. جمهوری اسلامی افغانستان استراتژی ملی افغانستان: استراتژی امنیت، حکومت‌داری، رشد اقتصادی و محو فقر، ۱۳۸۷
۴. حسین سلیمان و حبیب رسولی، زنان هنوز خاموش‌اند، گزارش‌دهی از جنگ و صلح، ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳.
۵. درود الیوب و تاروپ نوردولند، سهمیه‌بندی جنسیتی: راز اصلی برابری مطالعات امور در عراق و افغانستان، کمیسیون اروپا برای تحقیقات سیاسی، شماره ۳، شماره مسلسل (۱۳۸۳)۳.
۶. شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان، مشکلات زنان در انتخابات پارلمانی، ۱۳۸۹/۲/۲.
۷. عبدالحی روشن، مشکلات امنیتی در بیش از ۹۰۰ مرکز رای‌دهی در افغانستان، رادیوآزادی، یک‌شنبه، ۲۲ آگوست ۲۰۱۰.
۸. محمدحسین سرآمد، حضور و نقش زنان در حوزه عمومی و فعالیت‌های سیاسی، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، حوت ۱۳۹۰.
۹. گل سرخ دل افگار، مجموعه داستان، محمدجواد خاوری، تهران، انتشارات عرفان، ۱۳۸۷.
۱۰. مسعوده سلطان، از گفتار تا واقعیت: زنان در برنامه صلح، کمیسیون طرح سیاست‌گذاری صلح برای زنان، فبروی، ۲۰۰۵.

اسناد حقوقی:

۱. قانون اساسی افغانستان،
۲. قانون انتخابات افغانستان،
۳. کنوانسیون محو هرگونه تبعیض علیه زنان، سازمان ملل، ۱۹۸۱.

مصاحبه‌ها و گفتگوهای خصوصی:

۱. مصاحبه با احمد عزیزی، ۲۳/۹/۱۳۹۰.
۲. مصاحبه با اسدالله احمدی، ۱۴/۸/۱۳۹۰.
۳. مصاحبه با ثریا علوی، ۷/۱۳۹۰/۲۵.
۴. مصاحبه با زهراسین، دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد «مطالعه زنان در دانشگاه تهران»، محل مصاحبه موسسه تحصیلات عالی ابن سینا، ۱۳۹۰/۷/۱۹.
۵. مصاحبه با سهیلا اکبری، ۲۶/۸/۱۳۹۰.
۶. مصاحبه با فاطمه طاهری،

۷. مصاحبه با فاطمه نظری، ۴/۸/۱۳۹۰.

۸. مصاحبه با مینا خاشعی، ۲۸/۷/۱۳۹۰.

۹. مصاحبه با نادیه خیری، ۲۴/۸/۱۳۹۰.

۱۰. یونیفم، زنان مردان افغانستان: ارقام مقدماتی جنسیتی، ۲۰۰۸.

مقالات و گزارش‌های منتشر شده در سایت‌های اینترنتی

- 1- <http://www.fzn.af/dari/?cat=1>
- 2- Central Statistic Organization's website, Statistic Yearbook 2010-2011, Population, at: <http://cso.gov.af/en/page/4847>
- 3- Rachel Reid, Afghanistan researcher at Human Rights Watch, We Have the Promises of the World: Women's Rights in Afghanistan <http://www.hrw.org/en/reports/2009/12/03/we-have-promises-world-4>
- ۴- سی ام آی، افغانستان: انتخابات ۲۰۰۵ <http://www.cmi.no/afghanistan/?id=204andElections>
- ۵- آژانس خبری وخت، با وجود تدابیر امنیتی حضور زنان در انتخابات پارلمانی کم‌رنگ بود، کابل، ۲۸ سنبله ۱۳۸۹. http://www.wakht.com/cat_4/014577.php/
- ۶- شبکه خبری العربیه، جامعه سنتی افغانستان ورود زن به پارلمان را به سادگی نمی‌پذیرد، ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۰. http://www.alarabiya.net/fa_afghan.html
- ۷- دکتر رمضان بشردوست، زنان و هبری سیاسی، <http://afghanadvocacy.org.af>



فريجه خرسند - هرات

امنيت در برابر مشارکت (هرات)

مقدمه

افغانستان کشوری است که بیش از سه ده جنگ و خونریزی زیرساخت‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اش را ویران کرده و کشور را به سمت بی‌ثباتی و ناامنی سوق داده است. هیولای جنگ تبعات بی‌شمار و سنگینی برای مردم افغانستان داشته است که یکی از این تبعات نامیمون و ناخوشایند عقب ماندگی و عدم پیشرفت و انکشاف است.

از سال ۲۰۰۱ به این طرف و بعد از استقرار حکومت موقت، تلاشها برای سروسامان بخشیدن به وضعیت عمومی کشور بالا گرفته است. توجه بی‌سابقه جامعه بین‌المللی به افغانستان به عنوان کشوری که می‌تواند آستان صدها تهدید برای جهان باشد، و نیز تلاش‌های نخبه‌های سیاسی، روشنفکران، علمای دینی و بخش‌های به حاشیه نگه داشته شده‌ای چون اقلیتهای قومی، زبانی، مذهبی، اجتماعی و به ویژه زنان، خبر از اجماع عمومی برای بازسازی و احیای همه جانبه کشور می‌داد. سال‌های نخستین تحولات در کشور با امیدها و آرزوهای بسیار به همراه بود. دورنمای کشور روشن و آینده تابان به نظر می‌رسید. تشکیل صدها نهاد مدنی در سرتاسر کشور، کمک‌های سیل آسای جامعه بین‌المللی، برگزاری انتخابات و تشکیل حکومت با رای مردم و بسا مسایل دیگر خوش‌بینی‌ها را تقویت کرده و امید برای بهبود را بیشتر می‌ساخت.

اما متأسفانه مسایلی مانند فرهنگ سنتی و قبیله‌ای، پراکندگی اجتماعی، قوم‌گرایی و قبیله‌گرایی در سیاست کشور، تبعیض و تعصب، بی‌اعتمادی گسترده، بی‌قانونی، بی‌سوادی، عدم آگاهی سیاسی، نبود سیستم، فساد گسترده و گسترش روزافزون ناامنی و بسا عوامل دیگر سد راه تحقق آرمانهای مردم افغانستان شدند. این مسایل وضعیت کشور را دوباره با بحران مواجه ساخته است.

بطور عموم مردم عادتاً دولت را متولی و مسئول تحولات و تغییرات می‌دانند. این وضعیت بخاطری است که نقش مردم در کشور ما ضعیف است و از سوی دیگر ایجاد تشکل سازمان‌دهنده برای تحقق

امور مشکل است. خوشبختانه در این اواخر مردم به نقش و اهمیت حضورشان به عنوان تصمیم‌گیرنده‌های اصلی پی برده و در مقام منتقدین آگاه و با استفاده از حق شهروندی خویش در تشکیل و اصلاح نظام کشور سهم به سزایی به عهده گرفته اند.

فعال سازی مردم به عنوان بازیگران اصلی، در تقویت مشارکت و حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی نیز بسیار موثر بوده است. با وجود مشکلات اجتماعی و فرهنگی بسیار، زنان با حضور قدرتمند در مجامع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور و در انتخابات، به عنوان رای دهندگان مستقل و خواهان تغییر، نقش پررنگی را در تسریع روند مدنیت در ساختار دولت و ملت به عهده گرفتند. در جامعه سنتی افغانستان آرا و افکار زنان جایگاه پایینی دارد، در حالیکه زنان می‌توانند صاحب اندیشه‌های نو بوده و زمینه یک تحول اجتماعی و ایجاد یک بستر نورا فراهم سازند. تجربه زنان در قسمت صلح و حکومت داری می‌تواند به عنوان یک رویکرد جدید مورد توجه قرار بگیرد. شاید این تجربه زنان بتواند پاسخ و راه‌حلی برای گذار از منازعات گسترده در کشور باشد و زمینه توسعه اجتماعی را با استفاده از دیدگاه‌های جدید فراهم سازد.

مسأله این است که با وجود شرایط اجتماعی و سیاسی کشور، زنان چگونه و با استفاده از کدام ابزار توانسته‌اند که به صورت نسبی به تقویت نقش‌شان در اجتماع بپردازند؟ دو انتخابات ریاست جمهوری کشور عرصه نمایش حضور و مشارکت زنان به عنوان شهروندان برابر با مردان بود. از طرفی دیگر، انتخابات پارلمانی نمایانگر این بود که زنان نیز می‌توانند به عنوان نمایندگان مردم در مقام بازیگران سیاسی داخل چرخه قدرت شوند و در تصمیم مهم کشور نقش فعال بازی نمایند.

اشتراک نسبتاً فعال زنان در دو انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری کشور نشان داد که زنان افغان ظرفیت و توانایی این را دارند که در تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی، که رقم زننده سرنوشت کشور است، نقش موثر و به سزایی را ایفا نمایند. زنان افغان با حمایت جامعه بین‌المللی و قوانین تدوین شده کشور در

باشد.^۱ خوشبختانه دیده شده است که با وجود مشکلات فراوان فراروی زنان در کشور، آنان در اکثر ولایات و بخصوص ولایت‌های بزرگ کشور از این حق شهروندی شان استفاده کرده و پا به عرصه سیاست افغانستان گذاشتند.

و اما درهرات به عنوان یکی از کلان شهرهای افغانستان حضور زنان در انتخابات پارلمانی کشور چگونه بوده است؟

میزان مشارکت زنان در انتخابات پارلمانی

بر اساس گزارشات منابع رسمی و غیر رسمی زنان در هرات در انتخابات دور دوم پارلمانی در سال ۱۳۸۹ حضور نسبتاً فعال داشته اند. چنانچه ضیا احمد ضیا مسئول ولایتی کمیسیون انتخابات در هرات میگوید: «زنان در هرات حضور پررنگ در انتخابات پارلمانی داشته اند. در این انتخابات ۴۰ درصد از مجموع رای دهندگان را زنان تشکیل میدادند و ۲۷ زن در پروسه انتخابات خود را کاندید کرده بودند. پنج کرسی از ۱۷ کرسی نمایندگان هرات در پارلمان کشور مربوط به زنان این ولایت می باشد. همچنان کمیسیون انتخابات بر اساس طرزالعمل‌های خود تلاش کرد تا زنان باسواد را در شهر و ولسوالی‌ها منحیث کارمند انتخابات استخدام نماید.»^۲ منیژه صادق رییس امور زنان ولایت هرات نیز در رابطه به حضور زنان این ولایت در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ گفت: «آنچه که مشخص است این است که با وجود اینکه انتخابات پارلمانی یک تجربه نو است و این بار دوم بود که ما انتخابات پارلمانی برگزار می‌کردیم، با آنهم دیدیم که حضور زنان هرات پرشور و گسترده بود. و زنان این ولایت با وجود مشکلات فراوان علاقمندی زیادی برای اشتراک در انتخابات داشتند و این جای افتخار است که زنان هراتی پای صندوقهای رای رفتند و خود را کاندید کردند.»^۳

گزارش‌های نشر شده توسط خبرگزاری‌های مختلف نیز حاکی از حضور گسترده زنان حوزه غرب کشور، بخصوص هرات در انتخابات ۲۸ سنبه ۱۳۸۹ بوده است. بر اساس گزارش بی‌بی‌سی، با آنکه انتخابات از سوی گروه طالبان تهدید شده بود، و با آغاز روند رای‌گیری در شهر هرات، حضور مردم کم‌رنگ بود، اما با گذشت چند ساعت از آغاز رای‌گیری، آهسته آهسته به شمار شرکت‌کنندگان افزوده شد. براساس این گزارش، شمار شرکت‌کنندگان زن، نسبت به مردان قابل ملاحظه بود و در برخی مراکز رای‌گیری صف‌های طولانی زنان در پشت درهای اتاق‌های رای‌گیری نشانه استقبال ویژه زنان از این انتخابات بود. نویسنده این گزارش نوشت که استقبال زنان در یکی از مراکز رای‌گیری، به حدی گسترده بود که این مرکز توان پاسخگویی لازم به زنان شرکت‌کننده را نداشت. ناظران حاضر

سال‌های اخیر در دو انتخابات پارلمانی کشور، علی‌رغم تهدیدهای گوناگون، حضور یافته و به پای صندوق‌های رای رفتند.

هدف از این تحقیق بررسی حضور زنان و تاثیر اوضاع امنیتی در اشتراک و حضور زنان در دو انتخابات پارلمانی در سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۸۹ در ولایت هرات است و اینکه در هرات به عنوان یکی از کلان شهرهای افغانستان میزان مشارکت زنان تا چه حدی بوده است.

حضور زنان در تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی در یک کشور نشان از آگاهی سیاسی زنان آن کشور می‌دهد. ولی در کشور ما جریان‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زنان از ۱۰ سال بدین سو تحت تاثیر اوضاع ناگوار امنیتی قرار داشته است. بنائبررسی اوضاع امنیتی بر حضور زنان در دو انتخابات پارلمانی در ولایت هرات یکی دیگر از اهداف مهم این تحقیق است.

این تحقیق بر اساس مصاحبه با افراد مسئول، و نیز استفاده از سایت‌های معتبر خبری و تحلیلی و در روشنایی احکام قانون انتخابات افغانستان تهیه و ترتیب گردیده است.

در این تحقیق تلاش صورت گرفته از منابع موثق و با صلاحیت استفاده گردد تا بتوان تا حد امکان تحقیق موثق و جامع را ارایه نمود. با آنهم تعدادی از منابع به طور نسبی در مورد موضوعات انتخابات صحبت می‌کردند و آمار دقیق را در اختیار نداشتند و این موضوع یکی از مشکلاتی بود که نویسنده در جریان تحقیق با آن مواجه شد.

جا دارد از تمام موسسات و مسئولان نهادهای دولتی ذیربط، که اطلاعات و دیدگاه‌های شان را در اختیارم گذاشتند تشکر نمایم.

مدخل بحث:

یکی از اساسات نظامی دموکراسی و مردم سالار آماده سازی شرایط برای برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه در کشور است، و میزان مشارکت شهروندان یک کشور در انتخابات نشان از وضعیت سیاسی و اجتماعی آن کشور می‌دهد. در این میان حضور زنان در انتخابات، بخصوص در جوامعی که به تازگی بحران را پشت سر گذاشته اند و یا در حالت بحران قرار دارند، از اهمیت خاص برخوردار است.

افغانستان هنوز در شرایط نسبتاً بی‌ثبات اجتماعی- سیاسی قرار دارد. بناء حضور زنان به عنوان یک قشر بزرگ، در تصمیم مهم سیاسی می‌تواند به بهبود وضعیت عمومی کشور کمک بسیار بزرگی نماید. بناء بعد از سقوط حکومت طالبان و روی کار آمدن دولت جدید جامعه جهانی و نهادهای داخلی تلاش نمودند تا نقش زنان را در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی پرنگ‌تر سازند.

بخشی از این کار ایجاد بستر قانونی مناسب و مساعد بود که در قانون اساسی و قوانین دیگر افغانستان تسجیل شد. چنانچه در قانون انتخابات افغانستان آمده است که باید حداقل ۲۵ درصد کرسی‌های پارلمان (حداقل ۶۲ کرسی از مجموع ۲۴۹ کرسی) متعلق به زنان

۱- قانون انتخابات افغانستان

۲- مصاحبه با ضیا احمد ضیا مسئول ولایتی کمیسیون انتخابات در هرات، تاریخ ۵/۷/۱۳۹۰

۳- مصاحبه با منیژه صادق، رییس امور زنان ولایت هرات، تاریخ ۱۳/۷/۱۳۹۰

تفاوت مشارکت زنان در شهر و ولسوالی های ولایت هرات:

روشن است که زنان در شهرهای بزرگ امکان و فرصت بیشتری برای مشارکت دارند. در ولایت هرات نیز این نکته صدق می کند. منیژه صادق رییس امور زنان هرات حضور زنان را در شهرها نسبت به ولسوالی ها بیشتر می داند. وی می گوید که زنان در شهرها از آگاهی های بیشتر برخوردارند. با این حال وی حضور زنان را در مجموع رضایت بخش ارزیابی می کند.^۹

ضیا احمد ضیا مسئول بخش کمیسیون انتخابات در هرات نیز می گوید که «مشارکت زنان هم در شهر و هم در مراکز ولسوالی ها گسترده بود. به گفته وی بنا به مشکلات که زنان در کشور دارند در مناطق دوردست احتمالاً زنان کمتر اشتراک کرده باشند ولی در ولسوالی ها به شکل وسیع و در شهر به شکل وسیعتر اشتراک نمودند.»^{۱۰}

مقایسه حضور زنان در انتخابات پارلمانی اول و دوم

با وجود اینکه زنان حضور پررنگ در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ داشته اند ولی با آنهم میزان مشارکت آنان در این انتخابات نسبت به انتخابات ۱۳۸۴، حدود ۸ درصد کاهش را نشان می دهد. بنا به گفته ضیا احمد ضیا مسئول کمیسیون انتخابات در هرات، حضور زنان در انتخابات ۱۳۸۴ حدود ۴۸ درصد بود. در حالی که این میزان در انتخابات ۱۳۸۹ حدود ۴۰ درصد بوده است. وی همچنین تذکر می دهد که در مجموع میزان اشتراک مردم چه زن و چه مرد در انتخابات پارلمانی دوم کمتر بود.^{۱۱}

عبدالقادر رحیمی رییس دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر در حوزه هرات دلیل کاهش مشارکت زنان در انتخابات دوم را مشکلات و محدودیت های امنیتی می داند. وی می گوید: «سهم گیری زنان در پروسه انتخابات با در نظر داشت مسایل امنیتی در دور دوم انتخابات نسبت به دور اول ضعیف تر بود. در دور اول انتخابات ما شاهد امنیت بهتری بودیم ولی متأسفانه امنیت روز به روز خراب تر می گردد. در دور اول انتخابات ما به بسیاری از ولسوالی ها دسترسی داشتیم ولی در دور دوم متأسفانه نزدیک ترین ولسوالی ها به شهر نا امن بود و هم کاندیدها و هم رای دهندگان امنیت چندانی نداشتند تا بتوانند آزادانه رفت و آمد کنند و رای خود را استفاده نمایند.»^{۱۲}

از لحاظ کاندیداتوری تفاوت در حضور زنان بوجود نیامده بود. در انتخابات اول هم ۲۷ زن خود را برای احراز پست نمایندگی

در این مرکز بارها از مسئولان کمیسیون انتخابات خواستار افزایش اتاق ها و صندوق های رای در این مرکز شدند.^۴

داود صبا والی هرات نیز گفته بود که در بسیاری از سایت ها اشتراک زنان نسبت به مردان در پروسه رای دهی بیشتر بوده است. زنان تا ساعت ده بعد از ظهر به دلیل ترس از حملات مخالفان مسلح اشتراک نکردند اما بعد از آن لحظه به لحظه تعداد اشتراک زنان بیشتر از مردان شد.^۵

لیلا احراری مسئول بخش جندر کمیسیون انتخابات در هرات می گوید این کمیسیون براساس طرز العمل های خود تلاش کرد تا زن های با سواد را در شهرها و ولسوالی ها منحیث کارمند انتخابات استخدام نماید تا بتوانند حضور زنان را در بخش های مختلف انتخابات بیشتر نمایند. همچنان سهولت هایی برای زنان و مردان فراهم ساخته و حتی یک نوع تبعیض مثبت را برای زنان قایل شده اند و در هرات از مجموع ۱۵۳ کاندید ۲۷ تن آن را خانم ها تشکیل می دادند. این زنان از اقوام مختلف خود را کاندید نموده بودند که پنج تن^۶ از آنان توانستند به پارلمان راه بیابند.^۷

اما زهرا حسن پور مسئول موسسه واسا (نهاد حمایت از زنان) می گوید: «من نمی گویم که زنان حضور کمتری داشتند ولی تا جایی که من مشاهده کردم حضور مردم در کل کمتر بود و مردم به یک حالت ناامیدی بسر می بردند. البته این ها بیشتر از چشم دیدها و مطالعات خودم بود و نه بر اساس آنچه که رسانه ها اعلام کردند. من باور زیادی به آمارهایی که رسانه ها در این زمینه ارایه کردند ندارم. همچنان با خیلی ها که ما صحبت کردیم چندان علاقه مندی برای اشتراک در انتخابات نداشتند چون از تقلب هایی که ممکن بود صورت بگیرد هراس داشتند.»^۸

با این حال براساس گفته ها و گزارشات نشر شده نمی توان حضور نسبتاً خوب زنان هراتی را در پای صندوق های رای نادیده گرفت. می توان گفت این حضور نشان می دهد که آنها به اهمیت اشتراک شان در انتخابات پی برده اند و اینکه با استفاده از حق قانونی شان می توانند در تصمیم گیری های کلان سیاسی کشور اشتراک داشته باشند. این خود نشان می دهد که وضعیت آگاهی سیاسی زنان در هرات امیدوار کننده است.

^۴ - سایت فارسی بی بی سی http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2010/09/100918_ko2-pe-herat-women.shtml

^۵ - آژانس خبری وخت www.wakht.com

^۶ - ناهید احمدی فرید، مسعوده کروخی، شهناز همتی، رحیمه جامی، نجلا دهقان نژاد

^۷ - مصاحبه با لیلا احراری مسئول بخش جندر کمیسیون انتخابات در هرات، تاریخ ۵/۷/۱۳۹۰

^۸ - مصاحبه با زهرا حسن پور مسئول موسسه واسا (نهاد حمایت از زنان)، تاریخ ۲۲/۷/۱۳۹۰

^۹ - مصاحبه با منیژه صادق، رییس امور زنان ولایت هرات، تاریخ ۱۳/۷/۱۳۹۰

^{۱۰} - مصاحبه با ضیا احمد ضیا مسئول دفتر کمیسیون انتخابات در هرات؛ تاریخ ۵/۷/۱۳۹۰

^{۱۱} - همان.

^{۱۲} - مصاحبه با عبدالقادر رحیمی رییس دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر در حوزه هرات، تاریخ ۱/۷/۱۳۹۰



پارلمان کاندید کرده بودند و در انتخابات دوم هم ۲۷ زن کاندید داشتیم.

مشکلات و چالش‌های مشارکت زنان در انتخابات پارلمانی دوم

الف - چالش‌های امنیتی

چنانچه اشاره شد، مشکلات امنیتی و اجتماعی از جمله موارد مهم است که کارشناسان امور آن را از عوامل عمده حضور کم‌رنگ‌تر زنان هراتی در انتخابات دور دوم نسبت به انتخابات دور اول می‌دانند. داکتر نذیر احمد حیدر زاده رییس کمیته روابط شورای ولایتی با احزاب، نهادها و جامعه مدنی مشکلات اجتماعی را یکی از عوامل عمده حضور کم‌رنگ زنان در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ می‌داند. به گفته وی خانم‌هایی که کاندید بودند بخصوص در سطح ولسوالی‌ها با تهدید از طرف فامیل و گروه‌های مخالف روبرو بودند زیرا براساس باورهای سنتی زن نباید خود را در انتخابات پارلمانی کاندید کند. در اکثر ولسوالی‌های هرات، بخصوص گلران، شیندند و رباط سنگی، متأسفانه یک سری مشکلات برای زنان خلق شد و تعدادی از آنها نتوانستند در انتخابات اشتراک نمایند.^{۱۳}

آقای حیدر زاده همچنان مشکلات امنیتی را یکی دیگر از دلایل

عمده می‌داند که باعث گردید زنان حضور کم‌رنگ‌تری نسبت به انتخابات دور اول داشته باشند. به باور وی در انتخابات اول امنیت بسیار خوب بود و کوچک‌ترین حادثه بوقوع نپیوست و زنان می‌توانستند در ولسوالی‌ها رفت و آمد نمایند، ولی در انتخابات دوم اوضاع امنیتی خراب بود؛ زنان نمی‌توانستند از ولسوالی‌های خود بیرون بروند و حضور آنان بسیار کم‌رنگ شد. در سطح ولسوالی‌هایی که زنان بیشتر نقش داشتند به دلایل امنیتی سایت‌های برگزاری انتخابات بسته شد. بعضی از سایت‌ها آتش زده شد و انفجار داده شد. یک سری رقابت‌های ناسالم بین کاندیدها نیز باعث دامن زدن به ناامنی‌ها گردید.^{۱۴}

کمیسیون مستقل حقوق بشر در حوزه غرب نیز بر مشکلات امنیتی رادر انتخابات دوم پارلمانی در هرات تأکید نمود. به گفته عبدالقادر رحیمی رییس دفتر ساحوی این کمیسیون در حوزه غرب «سهم‌گیری زنان در پروسه انتخابات با در نظر داشت مسایل امنیتی در دور دوم انتخابات ضعیف‌تر بود. کاندیدان در دور اول به بسیاری از ولسوالی‌ها دسترسی داشتند ولی در دور دوم حتی به نزدیک‌ترین ولسوالی‌ها نیز دسترسی کامل وجود نداشت و هم کاندیدها و هم رای دهنده‌ها از امنیت کامل برخوردار نبودند تا بتوانند آزادانه رفت

۱۳- مصاحبه با داکتر نذیر احمد حیدر زاده رییس کمیته روابط شورای ولایتی با احزاب، نهادها و جامعه مدنی، تاریخ ۱۳۹۰/۶/۲۷- /

۱۴- همان

است مشکلات فراوان سرراه آن‌ها است و زنان هراتی هم خالی از این مشکلات نبودند. بزرگترین مشکل زنان در هرات عدم حمایت خانواده و جامعه از آنان بود. تعدادی از زنان که ما با آن‌ها صحبت می‌کردیم می‌گفتند که حتا خانواده آن‌ها از آنان حمایت نمی‌کنند.^{۱۸} زهرا حسن پور رییس موسسه واسا از ناامیدی زنان کاندید برای برنده شدن می‌گوید. وی می‌گوید: «من در یک برنامه که از سوی موسسه واسا برگزار گردید با تعدادی از زنان کاندید صحبت کردم. بعضی از آنها می‌گفتند که ما هر چه تلاش کنیم باز هم در انتخابات قلب صورت می‌گیرد و زحمات ما بیهوده است. علاوه بر این ما شاهد بودیم که در هرات روی عکس زنان حساسیت نشان می‌دادند رنگ می‌پاشیدند؛ عکس‌ها را پاره می‌کردند. من با یک خانم کاندید صحبت کردم که سه چهار بار بیلپورد تبلیغاتی اش را که هزینه زیادی هم داشت پاره کرده بودند. وی می‌گوید که این نشان دهنده این مسأله است که هستند کسانی که از قدرت زنان می‌ترسند و به همین خاطر عکس زنان را پاره می‌کردند و این برای من خوش آیند بود؛ هر چه که بیشتر این کار را می‌کردند بیشتر نشان دهنده ترس آنان از قدرت زنان بود.^{۱۹}

خانم حسن پور علاوه می‌کند: «مشکل دیگر که من متوجه شدم این بود که مردم زنان کاندید را جدی نمی‌گرفتند. من با تعدادی از مردم که صحبت کردم آن‌ها استدلال می‌کردند که زنان مستقل نیستند و اینکه یک زن بدون حمایت یک حزب توانایی ندارند مبارزات انتخاباتی خود را به پیش ببرند.»^{۲۰}

ج- چالش‌های اقتصادی

مشکل دیگر زنان کاندید در هرات مشکلات اقتصادی بود. زنان از لحاظ اقتصادی توانایی اندکی داشتند و نمی‌توانستند پا به پای مردان مبارزه انتخاباتی نمایند. آن‌ها اکثراً نمی‌توانستند از پس مصارف کمپاین‌های انتخاباتی بر بیایند، به ویژه که این انتخابات بسیار پرمصرف هم بود و بعضی از کاندیدان پول‌های بی‌شماری را مصرف کردند.

لیلا احراری مسئول بخش زنان کمیسیون انتخابات در هرات به مشکلات دیگری نیز اشاره می‌کند: «زنان نظر به بعضی از مشکلات نتوانستند مانند مردان کمپاین نمایند. از جمله مشکلات اقتصادی و امنیتی بود. همچنین مبارزات انتخاباتی مصادف گردیده بود با ماه مبارک رمضان، و بیشتر گرد همایی‌ها از طرف شب صورت می‌گرفت و اشتراک در آن برای زنان مشکل بود.»^{۲۱}

۱۸- مصاحبه با منیژه صادق، رییس امور زنان ولایت هرات، تاریخ ۱۳/۷/۱۳۹۰

۱۹- مصاحبه با زهرا حسن پور مسئول موسسه واسا (نهاد حمایت از زنان)، تاریخ ۲۲/۷/۱۳۹۰

۲۰- همان

۲۱- مصاحبه با لیلا احراری مسئول بخش جندر کمیسیون انتخابات در هرات، تاریخ ۵/۷/۱۳۹۰

وآمد کنند و رای خود را استفاده نمایند. متأسفانه در انتخابات دوم بعضی از سایتهای انتخاباتی اصلاً فعال نشد. وقتی که امنیت خراب باشد به نظر من اولین قربانیان آن زنان و کودکان هستند. شما بخاطر دارید که کسانی در کمپاین فوزیه گیلانی کار می‌کردند کشته شدند. پس زمانی که یک کاندید زن نتواند افرادش را برای کمپاین به خارج از شهر بفرستد چگونه می‌تواند از آن منطقه رای بگیرد؟ بناء مسأله امنیت در پروسه انتخابات امر بسیار مهم است و خانم‌ها هم از این مسأله طبیعتاً ضرر زیادی دیدند.^{۱۵}

ضیا احمد ضیا مسئول دفتر کمیسیون انتخابات در هرات نیز وجود تهدیدهای امنیتی در مقابل زنان را تأیید کرده می‌گوید «شرایط امنیتی در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ نسبت به انتخابات پارلمانی ۱۳۸۴ بدتر شده است. دور اول ما مراکز رای دهی بسته نداشتیم ولی در این انتخابات ما مراکز رای دهی بسته داشتیم و این خود می‌تواند تأثیر مستقیم بر حضور زنان داشته باشد.»^{۱۶}

لیلا احراری مسئول بخش زنان کمیسیون انتخابات در هرات نیز معتقد است که در انتخابات پارلمانی اول مردم با امیدواری بسیار زیادی به پای صندوق‌های رای رفتند و امنیت نسبتاً خوب بود و به همین دلیل زنان بیشتر حضور داشتند، ولی در دور دوم زنان به دلایل امنیتی حضور کمتری داشتند.^{۱۷}

بناءً نتیجه می‌گیریم که وضعیت بد امنیتی، بخصوص از چند سال بدین سو، در تمام عرصه‌های زندگی مردم ما تأثیر بسیار بدی را بر جا گذاشته است. در دور دوم انتخابات پارلمانی ما شاهد حضور کم‌رنگ‌تر مردم، بخصوص زنان در پای صندوق‌های رای بودیم.

ب- چالش‌های فرهنگی-سنتی

مشکل دیگر جامعه سنتی ما است. در اکثر محلات پوسترهای زنان را پاره می‌کردند یا روی آن‌ها رنگ می‌ریختند. حتا در جاهایی که کمپاین‌های انتخاباتی برگزار می‌کردند شعارهای بدی به آنها داده می‌شد.

با این‌همه، حضور زنان در انتخابات دوم پارلمانی با آگاهی و بینش کامل‌تر و روشن‌تر بود. در دور اول نفوذ و تأثیر بعضی گروه‌ها بیشتر بود و حتا آنانی که به پارلمان می‌رفتند آگاهی لازم را نداشتند. ولی در این دور زنان آگاهانه اشتراک کردند و از حق رای خود هوشیارانه استفاده کردند.

به باور منیژه صادق رییس امور زنان ولایت هرات مشکلات زنان در افغانستان بسیار زیاد است بخصوص زنانی که پا به عرصه سیاست می‌گذارند. مشکلات فرهنگی و سنتی از عمده‌ترین مشکلات آنان است. در جامعه‌ای که هنوز عرف و عنعنات ناپسند در آن حاکم

۱۵- مصاحبه با عبدالقادر رحیمی رییس دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر در حوزه هرات، تاریخ ۱/۷/۱۳۹۰

۱۶- مصاحبه با ضیا احمد ضیا مسئول بخش کمیسیون انتخابات در هرات، تاریخ ۵/۷/۱۳۹۰

۱۷- مصاحبه با لیلا احراری مسئول بخش جندر کمیسیون انتخابات در هرات، تاریخ ۵/۷/۱۳۹۰

امکانات و فرصت‌ها:

با وجود همه مشکلات که زنان در دو انتخابات پارلمانی و بخصوص دور دوم با آن مواجه بودند با آنهم از یک سری حمایت‌های قانونی برخوردار بودند. این حمایت‌های قانونی در جامعه کاملاً سنتی ما، که باور چندانی به توانایی‌های زنان ندارند، این فرصت را برای آنان مساعد ساخت تا در انتخابات اشتراک نموده و از مردمشان نمایندگی نمایند.

منیژه صادق رییس امور زنان هرات می‌گوید که زنان کاندید تنها فرصتی که داشتند این بود که توانستند از همان حق قانونی خود که قانون به آن‌ها داده استفاده کرده و خود را کاندید نمایند. به گفته خانم صادق زنان نیاز به این داشتند که دولت امکانات بیشتری را برای آنها فراهم نموده و مردم حمایت بیشتری از آنها می‌نمودند.^{۲۲}

زهره حسن پور مسئول موسسه واسا در هرات هم معتقد است از لحاظ اجتماعی زمینه بهتری برای زنان در دور دوم مساعد شده بود. به گفته خانم حسن پور «زنان در هرات با توانایی و آگاهی بیشتری پا به عرصه مبارزات انتخاباتی گذاشتند و مردم هم تا حدودی حضور زنان را پذیرفته بودند. به عنوان مثال زمانی که عکس تبلیغاتی یک زن کاندید را بروی دیوار می‌دیدند تعجب نمی‌کردند و در مورد چهره ظاهری او تبصره نمی‌کردند. در انتخابات پارلمانی اول مردم به زنان بیشتر بر اساس چهره رای دادند و کمتر کسی به تجربیات و توانایی‌های زنان توجه داشت. بیشتر به قیافه و چهره او اهمیت می‌دادند؛ بیشتر سر زشتی و زیبایی زنان کاندید تبصره می‌کردند. در حالیکه در دور دوم ما کمتر شاهد این گونه مسایل بودیم. به نظر من در این دور مردم بیشتر متوجه تجربیات و توانایی‌های زنان بودند.»^{۲۳}

باید گفت بر علاوه دولت نهادهای حمایت از زنان نیز نقش حمایتی بسیار مهمی در اشتراک و حضور زنان در عرصه‌های مختلف کشور بر عهده دارند. با توجه به این موضوع نهادهای حمایت از زنان در هرات برای حضور آنان در انتخابات دور دوم یک سلسله برنامه‌هایی را روی دست گرفته بودند. این نهادها نقش حمایتی از کاندید مشخص را بر عهده نداشتند بلکه بیشتر نقش شان آموزشی و آگاهی دهی برای زنان کاندید بود.

موسسه واسا یکی از ده‌ها نهاد اجتماعی حمایت از زنان است که از چند سال بدین سو در هرات فعالیت می‌کند. خانم زهره حسن پور مسئول این نهاد در رابطه به این که واسا چه اقداماتی را برای تشویق و اشتراک زنان در انتخابات انجام داده است، می‌گوید «دفتر واسا در قسمت ظرفیت سازی زنان پروگرام‌هایی داشته است. همچنان در قسمت لیدرشیپ یا چگونگی رهبری کمپاین برنامه‌های

۲۲- مصاحبه با منیژه صادق، رییس امور زنان ولایت هرات، تاریخ ۱۳/۷/۱۳۹۰

۲۳- مصاحبه با زهره حسن پور مسئول موسسه واسا (نهاد حمایت از زنان)، تاریخ ۲۲/۷/۱۳۹۰

آموزشی برگزار کرده است. اکثر زنان که در هرات خود را کاندید نموده بودند در پروگرام‌های ما اشتراک نموده بودند. پروگرام‌های آگاهی ما متمرکز به شهر هرات نبود بلکه ما در چندین ولایت زون غرب فعالیت داشتیم. در جلساتی که با مردم داشتیم به این مسأله تاکید کردیم که از دادن رای به زنان خجالت نکشید و اگر فکر می‌کنید یک زن می‌تواند از شما به طور درست نمایندگی کند به او رای بدهید.^{۲۴}

همینطور نهادهای دیگر هم فعالیت‌های تشویقی و حمایتی را برای حضور زنان در انتخابات داشتند ولی این نهادها از یک کاندید خاص حمایت نمی‌کردند. ریاست امور زنان هرات نیز می‌گوید بیشتر فعالیت‌های آنان متمرکز بود به آموزش شیوه کمپاین برای زنان کاندید.

خانم منیژه صادق رییس امور زنان هرات می‌گوید با توجه به اینکه یکی از کارهای عمده ریاست امور زنان و خود وزارت امور زنان تشویق خانم‌ها و حضور و مشارکت آنان در تمام عرصه‌های سیاسی و اجتماعی است، بر همین اساس ما هم برای خانم‌های کاندید، چه در شورای ولایتی و چه در پارلمان و حتی در ریاست جمهوری، ورکشاپ‌ها و کمپاین‌هایی داشتیم برای اینکه شیوه‌های درست مبارزات انتخاباتی را بیاموزند.^{۲۵}

نتیجه گیری

سال‌های جنگ و ناامنی در کشور تمام زیر ساخت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور را فرو پاشیده است و افغانستان را در عرصه‌های مختلف دچار مشکل و بحران کرده است. باوجود تلاش‌های فراوان برای حل این مشکلات، هنوز کشور در چنگال نابسامانی‌های بی‌شمار گرفتار است. روشن است که برای آوردن هرگونه تغییر و بهبودی، به کمک استراتژی‌های مختلف در کشور، نخست باید ابعاد نظری راهکارها و ریشه‌های تیوریک آن در کشور شناسانده شود. بر همین مبنا سال‌ها است که جای‌مباحثه و گفتگو به منظور تبیین ریشه‌های مباحث حول محور موضوعات حقوق بشری به ویژه بحث حقوق زنان، جامعه مدنی و مباحث اجتماعی دیگر به خاطر نهادینه سازی این مسایل، خالی است. از جانب دیگر به گونه عملی نیز کشور دچار بحران عملکرد گردیده و عناصر تشکیل دهنده دولت دمکراتیک چون مفهوم شهروندی - که مستلزم به رسمیت شناختن هویت زن و مرد به عنوان شهروندان برابر یک کشور است - نقض گردیده و به آن بی‌اعتنایی شده است

در رابطه به آسیب‌های جامعه مدنی در افغانستان یکی از عوامل مهمی که محتاج بررسی است، بنیان‌های فرهنگی در افغانستان

۲۴- مصاحبه با زهره حسن پور مسئول موسسه واسا (نهاد حمایت از زنان)، تاریخ ۲۲/۷/۱۳۹۰

۲۵- مصاحبه با منیژه صادق، رییس امور زنان ولایت هرات، تاریخ ۱۳/۷/۱۳۹۰

اجتماعی رقم بزنند؛ اگر چه این حضور با مشکلات و عقب‌گردهایی نیز همراه بوده است، ولی باز هم یک فرصت تاریخی غیرقابل انکار برای زنان در کشور محسوب می‌شود.

منابع و رویکردها:

۱. آژانس خبری وخت www.wakht.com
۲. سایت فارسی بی بی سی http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/۲۰۱۰/۰۹/۱۰۰۹۱۸_k۰۲-pe-herat-women.shtml
۳. قانون انتخابات افغانستان
۴. مصاحبه با داکتر نذیر احمد حیدرزاده رییس کمیته روابط شورای ولایتی با احزاب، نهادها و جامعه مدنی، تاریخ ۱۳۹۰/۶/۲۷-
۵. مصاحبه با زهرا حسن پور مسئول موسسه واسا (نهاد حمایت از زنان)، تاریخ ۱۳۹۰/۷/۲۲
۶. مصاحبه با ضیا احمد ضیا مسئول دفتر کمیسیون انتخابات در هرات، تاریخ ۱۳۹۰/۷/۵
۷. مصاحبه با عبدالقادر رحیمی رییس دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر در حوزه هرات، تاریخ ۱۳۹۰/۷/۱
۸. مصاحبه با لیلا احراری مسئول بخش جندر کمیسیون انتخابات در هرات، تاریخ ۱۳۹۰/۷/۵
۹. مصاحبه با منیژه صادق، رییس امور زنان ولایت هرات، تاریخ ۱۳۹۰/۷/۱۳

می‌باشد. برای تحقق جامعه مدنی، انکشاف افغانستان و قدرت‌یابی آن، بارور کردن بنیان‌های فرهنگی، قانونی و حزبی در کشور امر بسیار ضروری است تا فرهنگ عقلانی در کشور نهادینه شود. در افغانستان جامعه بسیار ضعیف است فعالیت‌های سازمان‌یافته در آن اندک می‌باشد. همچنین ساختار جامعه مشتت و پراکنده است؛ یعنی از انسجام فرهنگی بر خوردار نیست که این حالت نتیجه فرهنگ عشیره‌ای حاکم بر آن بوده است و این فرهنگ انسان خاص خود را پرورش می‌دهد.

در زمینه فرهنگ سیاسی غیر منسجم نیز باید متذکر شد که مبنای فرهنگ سیاسی استوار بر وفاداری از عناصر قومی، محلی و طایفه‌ای است. وفاداری‌های قومی، محلی، قبیله‌ای و طایفه‌ای اختلاف و تضاد (چند پارچگی فرهنگی) را در پی می‌آورد. در احزاب سیاسی افغانستان به عنوان یکی از ارزشهای جامعه مدنی، میزان وفاداری به ارکان حزب و پابندی به آن (وابستگی اورگانیکی) ضعیف بوده است و از انسجام درونی (هارمونی) برخوردار نیست.

چند پارچگی‌های اجتماعی، فرهنگ‌بدبینی و بی‌اعتمادی را در افغانستان بوجود آورده است، بحران بی‌اعتمادی در سه سطح فرد، اجتماع و حکومت به مشاهده می‌رسد و به همین دلیل است که شخصیت افغانی از خوردسالی می‌آموزد که تنها به منافع خود بیاندیشد نه به منافع جمع. اصولاً جمع‌گرایی، روحیه کار جمعی، نهادگرایی، کار سیستمی به دلیل عدم تحمل‌پذیری، تعامل و تساهل و کثرت‌گرایی ضعیف است.

بدون شک در چنین بستری ناآرام و غیر مطمئن، بحث حقوق زنان به ویژه حضور سیاسی زنان در جامعه را به شدت دچار مشکل نموده و برنامه‌های توسعه‌ی در کشور را آسیب می‌زند. حضور زنان در ده سال گذشته در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور، می‌رساند که این خود زنان‌اند که می‌توانند ثابت نمایند که هر گونه تغییر و پیشرفت در کشور بدون حضور آنان میسر نیست. زنان باید در عرصه مدیریت‌های کلان کشوری چون رهبری پروسه صلح، نهادسازی برای جامعه مدنی و دادخواهی به منظور نهادینه سازی فرهنگ حقوق بشر، و انکشاف‌های اقتصادی سهم به سزای خویش را ایفا نمایند.

پارلمان به عنوان یک نهاد مهم قانون‌گذار در کشور است و برای موفقیت هر چه بیشتر این نهاد تقنینی نیاز است تا زنان و مردان از همه اقشار، اقوام و ملیت‌ها در آن سهم داشته باشند. حضور زنان در این مرجع مهم تصمیم‌گیری می‌تواند در تغییر برای بهبود اوضاع کشور نقش کلیدی و انکارناپذیری را ایفا نماید.

تعداد بیشماری از رای‌دهنده‌های زن و شماری قابل ملاحظه کاندیداهای خانم در دو دور انتخابات پارلمانی در کشور توانستند فرصت‌ها و موقعیت‌های خوبی را برای شان در عرصه‌های سیاسی و



خدیجه کریمی - بلخ

حضور زنان و مانع امنیت (بلخ)

مقدمه

امنیت و تامین آن در هر جامعه و کشوری بدون اینکه در اهمیت آن اغراق صورت گیرد، نقش محوری و غیر قابل انکار را در تکامل و رفاه انسانی بازی می‌کند. در حکومت‌های مردمی و قانونی، امنیت به عنوان یکی از مسایل بنیادی و اساسی مطرح است که بر مبنای آن ستون‌های دموکراسی، صلح، آزادی، عدالت، حقوق بشر و سایر ارزش‌های مردمی در کشور جان می‌گیرد. اما برخلاف آن، در جایی که امنیت نیست انسانیت به کام مرگ می‌رود و حقوق و کرامت انسان‌ها لقمه بی‌ثباتی و انارشیزم قدرت طلبان فرصت‌جو می‌گردد.

تامین امنیت به ویژه برای پروسه انتخابات الزامی می‌باشد و نمی‌توان تصور کرد که مردم بدون آن بتوانند آزادانه و بدون هیچ مانعی در انتخابات شرکت کنند. زنان که از این جهت آسیب پذیرترند، شدیداً به محیط امنیتی نیاز دارند تا بتوانند در فعالیت‌های سیاسی مشارکت داشته باشند. این موضوع مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مانعی می‌باشد که بر فعالیت‌های زنان و مشارکت آنان در عرصه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی ضربه وارد می‌کند.

شهر مزار شریف مرکز ولایت بلخ از مجموعه شهرهای امن و باثبات تلقی می‌شد اما در سال‌های اخیر وضعیت امنیتی این شهر نیز لطمه دیده است. قبلاً مسئولیت امنیت ولایت بلخ زیر نظر فرماندهی شمال نیروهای آیساف- ناتو بود که فرماندهی آن با نیروهای آلمانی شامل در ناتو بود. حدود دو هزار و پانصد نفر از نیروهای آلمان در شهر مزار شریف مستقر بودند. این حدود نیمی از تمامی نیروهای آلمانی مستقر در خاک افغانستان بود.

تحقیق حاضر بابت بررسی و چگونگی اوضاع امنیتی ولایت بلخ در جریان دو انتخابات پارلمانی کشور، که در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۹ برگزار شد، و همچنان تأثیرات ناامنی بر نقش و حضور زنان کاندید و زنان رای‌دهنده در این ولایت تهیه گردیده است.

هدف تحقیق

هدف این تحقیق بررسی وضعیت امنیت ولایت بلخ و تأثیرات آن در دو انتخابات پارلمانی می‌باشد. بنا به مقتضای موضوع، در مورد گروه‌هایی که عامل ناامنی‌ها شناخته می‌شوند، نیز توضیح داده شده است. ذکر کارکردهای مقامات امنیتی و همچنین مشکلات و چالش‌های اساسی فراروی آنان و پیشنهادات و راهکارهایی در این زمینه بخش‌های دیگر این تحقیق می‌باشد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر یک تحقیق میدانی و مقایسوی می‌باشد که جمع‌آوری اطلاعات، مشاهدات و تحلیل‌هایی که در این تحقیق صورت گرفته مبتنی بر مصاحبه‌های حضوری و یا غیرحضوری با کاندیدان، رای‌دهندگان، مسئولین مقامات امنیتی، مسئولین کمیسیون انتخابات و صاحب‌نظران بوده است. همچنین از گزارش‌ها و مقالاتی که در وب‌سایت‌های فیفا و امنیت ملی و بعضی رسانه‌های خبری آمده است، نیز استفاده شده است.

مشکلات تحقیق:

مسئله انجام هر تحقیقی مشکلات خود را در طول جمع‌آوری اطلاعات دارد. در جریان تحقیق حاضر نیز مشکلاتی سد راه شد که بر نتیجه کار تأثیر فراوان می‌گذاشت. مثلاً شماری از افراد بنابر بعضی از مشکلات شخصی‌شان حاضر به مصاحبه نمی‌شدند و کسانی نیز که به مصاحبه حاضر می‌شدند، از گفتن بعضی مسایل بنابر بعضی ملحوظات شخصی و امنیتی امتناع می‌ورزیدند. آن‌ها گاه از ذکر حوادث انتخاباتی، که در روزهای انتخابات در ولایت بلخ روی داده است، انکار می‌کردند.

گذشت مدت زمان نسبتاً طولانی از هنگام برگزاری انتخابات‌های مورد نظر نیز از مشکلات جدی بود که در طول جمع‌آوری اطلاعات با آن مواجه شدیم. همچنین اوضاع امنیتی ولایت بلخ در جریان

انتخابات، که موضوع محوری این مقاله می باشد، نظر به حساس بودن خود ممانعت‌هایی را داشت و امکان واشکافی عمیق و دقیق آن میسر نبود.

امنیت برای فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، از جمله مشارکت در انتخابات، یک امر مهم و اساسی به شمار می رود. مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، به دلیل آسیب‌پذیری‌هایی که در مقابل ناامنی‌ها دارند، بیشتر به شرایط امنیتی وابسته است. از این رو تأمین امنیت شهروندان از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها به شمار می‌رود. طبق حکم ماده پنجم قانون اساسی افغانستان نیز، «تأمین امنیت» یکی از وظایف اساسی دولت می باشد.^۱ قانون پولیس نیز در بند دوم ماده پنجم خود «تأمین امنیت فرد و اجتماع و حراست از حقوق و آزادی‌های قانونی آن‌ها» را جزو وظایف و مکلفیت‌های پولیس می‌شمارد.^۲

بنابراین این دو قانون، تأمین امنیت شهروندان از جمله وظایف اساسی پولیس و نیروهای امنیتی کشور می باشد. همچنین مطابق حکم قانون پولیس، حراست از حقوق و آزادی‌های قانونی شهروندان جزو مهم وظایف و مکلفیت‌های پولیس دانسته شده است. طبیعی است که این حکم شامل حراست از حق مشارکت در انتخابات و دادن رای نیز می شود، زیرا این مسأله یکی از مهم‌ترین حقوق شهروندی افراد در کشور می باشد.

بررسی مقایسوی وضعیت امنیت در انتخابات‌های پارلمانی ۱۳۸۴ و ۱۳۸۹

در انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۹ شمار کاندیدان و رای‌دهندگان نسبت به انتخابات پارلمانی ۱۳۸۴ بیشتر شده بود و مبارزات انتخاباتی در این دوره، نسبت به انتخابات اول از جنب و جوش بیشتر برخوردار شده بود و بسیاری از کاندیدان اهمیت ارتباط گرفتن با رای‌دهندگان را در مقایسه با انتخابات اول پارلمانی بهتر می دانستند. با این حال، وضعیت امنیتی کشور در هنگام انتخابات دوم، بدتر شده بود.

حاجی محمد عبده از کاندیدان برنده انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ در این باره می گوید: «امنیت انتخابات پارلمانی ۱۳۸۴ هر چند مشکلات خود را داشت اما خوب بود و از این جهت نسبت به انتخابات ۱۳۸۹ برتری داشت و تسلط حکومت بیشتر بود و کاندیدان بهتر می توانستند به کارزار انتخاباتی خود ادامه بدهند و هر کاندیدی نظر به شایستگی خود می توانست آزادانه در محافل و در جلسات علمی شرکت کنند و خود را به مردم معرفی نمایند.»^۳

۱- ماده پنجم قانون اساسی: «تطبيق احكام این قانون اساسی و سایر قوانین، دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و تأمین امنیت و قابلیت دفاعی کشور از وظایف اساسی دولت می باشد.»

۲- وزارت عدلیه ج.ا.ا. قانون پولیس، ماده پنجم، بند دوم

۳- مصاحبه اختصاصی با محمد عبده، نماینده ولایت بلخ در مجلس نمایندگان، مزارشریف، ۲۲/۱۰/۱۳۹۰

ولایات شمال کشور، به شمول ولایت بلخ، در طول سال‌های اول پس از تشکیل اداره جدید از ولایات امن کشور به شمار می‌رفت. اما متأسفانه در سال‌های اخیر دامنه‌های ناامنی در این ولایت نیز گسترش یافته است. روزنامه هشت صبح نوشت که «ولایات شمال در هفت سال گذشته از جمله مناطق امن به شمار می آمد و فعالیت‌های شورشیان در آنجا بسیار کم بود و یا در مناطقی هم هیچ دیده نمی شد. اما در سال‌های اخیر گروه شورشیان توانستند در این ولایات هم ناامنی‌ها را گسترش دهند.»^۴ در جریان انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ نیز، با وجود به میان آمدن رقابت‌های شدیدتری میان نامزدان انتخابات و اشتراک بیشتری از مردم در پروسه انتخابات، گروه شورشیان نیز فعالیت‌های‌شان را در ولایت بلخ نسبت به هنگام انتخابات ۱۳۸۴ پررنگ‌تر ساختند.

هرچند سخن از وجود ناامنی‌ها در جریان مبارزات انتخاباتی و در روز انتخابات گزارش شد، ولی مسئولین امنیتی ولایت بلخ وجود ناامنی را رد می‌کردند. شیرجان درانی سخنگوی قوماندانی امنیه ولایت بلخ از کامل بودن امنیت در جریان کمپاین‌ها و روزهای انتخابات خبر می‌داد و می‌گفت که در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ هیچ حادثه‌ای از ناامنی در ولایت بلخ و در ولسوالی‌های دور این ولایت رخ نداده است. وی می‌گوید: «ما از ناامنی انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ هیچ گزارشی را ثبت نداریم و انتخابات در تمام مناطق ولایت بلخ در سایه کامل امنیتی برگزار شده و به پایان رسید.»^۵ به باور وی شکایت کاندیدان از ناامنی‌ها این بود که آن‌ها در پروسه انتخابات ناکام ماندند و نتوانستند به پارلمان راه پیدا کنند.

با این حال، یکی از شهروندان مزارشریف به نام حسین علی موسی که در هنگام انتخابات حمل‌کننده صندوق‌های رای از مرکز به ولسوالی چمتال بوده و مدت یک ماه توسط طالبان گرفتار شده بود، می‌گوید: «ما به دستور قوماندان ذبیح الله نیازی قوماندان ولسوالی چمتال به این منطقه رفتیم. دقیقاً در قله رزاق بودیم که گروهی ما را دستگیر و از موتر پیاده کردند. میان پولیس و طالبان درگیری صورت گرفت و طالبان ما را به مکان نامعلومی بردند و موتر و صندوق‌های رای را هم در همانجا به آتش کشیدند. آن‌ها هر روز موقعیت ما را تغییر می‌دادند و از ما اقرار گرفتند که دیگر با کفار در این مملکت همکاری نکنیم و راه اسلامی را در پیش بگیریم. سرانجام با وساطت بزرگان و سران همان قریه، ما را بعد از یک ماه رها کردند.»^۶

شماری از افراد، علاوه بر طالبان و نیروهای مخالف دولت، بعضی از کاندیدان را نیز متهم می‌کنند که در آشفته ساختن وضعیت

۴- روزنامه ۸ صبح

۵- مصاحبه اختصاصی با شیرجان درانی، سخنگوی قوماندانی امنیه ولایت بلخ، شهر مزارشریف، ۳/۸/۱۳۹۰

۶- مصاحبه با حسین علی، حمل‌کننده صندوق‌های رای از مزار شریف به ولسوالی چمتال



نیروهای اخلاص کننده امنیت:

با وجودی که ولایت بلخ از جمله ولایات امن به شمار می‌رفت، اما قبل از برگزاری انتخابات ۱۳۸۹ وضعیت امنیتی بعضی از ولسوالی‌ها بد شد و باعث نگرانی مردم گردید. باشندگان ولایت بلخ، به ویژه ولسوالی‌های دور دست این ولایت، از برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه تاحدودی ناامید گردیدند.

در جریان مبارزات انتخاباتی ولسوالی چمتال، چهاربولک، بلخ و شولگره شاهد ناامنی‌هایی بودند. به خصوص در پیشاپیش روزهای انتخابات گروه‌هایی که خود را طالب می‌خواندند در این اماکن فعال شدند و باعث ترس و هراس در بین مردم گردیدند و تلاش کردند که مانع برگزاری انتخابات شوند.

به اساس گفته‌های حسین علی راننده موتر حمل کننده صندوق‌های رای، که در حدود یک ماه به صورت گروگان در پیش طالبان بود، بعضی از افراد متنفذ این ولسوالی در ناامن ساختن منطقه دست داشته‌اند. وی می‌گوید که از جمله پسر کاکای قوماندان ولسوالی چمتال، فرمانده گروه طالبان بود.^۹ می‌توان این گروه‌ها را به عنوان طالبان محلی یاد کرد.

اما به اعتقاد بعضی از مسئولین حکومتی، حزب اسلامی مسئول اصلی اخلاص امنیت در ولایات شمالی کشور، از جمله ولایت بلخ می‌باشد. عطا محمد نور والی بلخ می‌گوید: «مسئول بیشتر ناامنی‌ها در ولایت‌های شمال کشور افراد وابسته به حزب اسلامی گلبدین

امنیتی نقش داشته‌اند تا از این طریق بتوانند رای بگیرند و حریفان خود را شکست دهند. حاجی عیده می‌گوید که «کاندیدانی که بر جوهر توانمندی سیاسی و علمی شان حساب کرده نمی‌توانستند می‌خواستند تا در سایه ناامنی و دست اندازی‌ها رای مردم را از آن خود کنند و کوشش داشتند تا به هر طریق مشروع و یا غیرمشروع کامیاب شوند و در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ فرصت زیادی برای شان مساعد شد.»^۷ آقای عیده متأسفانه توضیح نمی‌دهد که چه کسانی به این کار دست زده بودند و چگونه از ناامنی به نفع خود شان سود برده بودند.

تقی واحدی خبرنگار و نویسنده نیز، بدون آنکه به ناامن سازی وضعیت توسط کاندیدان اشاره کند، از رقابت‌های ناسالم کاندیدان و پیامدهای ناگوار آن سخن می‌گوید: «در انتخابات پارلمانی دوم رقابت‌های شدید و ناسالمی دیده شد و پیامدهای ناگوار را نیز در پی داشت. و همچنین آن طبقه مردمی که ثروتمند بودند رشد کردند و این باعث ایجاد شکاف اجتماعی بین مردم شد و نابسامانی‌هایی را به وجود آورد. اما در انتخابات پارلمانی اول کاندیدان از اقشار مختلف بودند؛ محصلین کسبه کاران و فعالین جامعه مدنی، و این موضوع تنوع در اوضاع ایجاد کرده بود.»^۸ البته آقای واحدی نیز از رقابت‌های ناسالم کاندیدان و پیامدهای ناگوار آن به روشنی سخن گفته و صرفاً به صورت بسیار کلی به این موضوع اشاره کرده است.

۷- مصاحبه اختصاصی با محمد عیده، نماینده ولایت بلخ در مجلس نمایندگان، مزارشریف، ۲۲/۱۰/۱۳۹۰

۸- مصاحبه اختصاصی با تقی واحدی، خبرنگار و نویسنده، شهر مزارشریف، ۲۴/۱۰/۱۳۹۰

۹- مصاحبه با حسین علی حمل کننده صندوق‌های رای از مزار شریف به ولسوالی چمتال

مزاری اضافه می کند: «نامزدان مرد از این لحاظ با مشکل کمتری مواجه می باشند، اما زنان در افغانستان از جهتی به صورت سنتی آسیب پذیر هستند، و از سوی دیگر بسیاری از آنها محافظین امنیتی ندارند.»^{۱۳}

گل مکی سیاووش فعال حقوق معلولین و یکی از نامزدان زن در ولایت بلخ، دولت را مسئول تأمین امنیت نامزدان می داند، معتقد است که دولت بجای تأمین امنیت آنان را از کمپاین و تبلیغات انتخاباتی به بهانه نبود امنیت بازداشته است: «تأمین امنیت نامزدان به عهده خود نامزدان نیست؛ این دولت افغانستان است که مسئولیت تأمین امنیت نامزدان را دارد.» خانم سیاووش نیز از امنیت در شهر مزارشریف راضی است؛ اما ادعا می کند که در برخی از ولسوالی های نامن، دولت نیز برای آنها اجازه راه اندازی کارزار انتخاباتی را نداده است.^{۱۴}

مسئولان کمیسیون مستقل انتخابات وجود ناامنی را تأیید کردند و آن را از چالش های عمده انتخابات می دانستند. عزت الله آرمان مسئول دفتر کمیسیون انتخابات در مزار شریف تأیید می کند که نامزدان زن در ولایت بلخ با برخی از چالش های امنیتی روبرو بودند. وی می گوید: «شماری از نامزدان زن که نگرانی هایی در مورد تأمین امنیت خود داشتند، با ما در تماس شدند، ما نگرانی های آنها را با مسئولین امنیتی در میان گذاشتیم.»^{۱۵}

تأثیر ناامنی بر مشارکت مردم در روز انتخابات

هرچند به صورت معمول تدابیر امنیتی در روز انتخابات بیشتر می شود و کنترل بر اوضاع امنیتی نیز شدیدتر می گردد، با این حال، تأمین امنیت کامل انتخابات در مناطق دوردست و روستاها بسیار مشکل است. امنیت انتخابات در نقاط مرکزی ولایت بلخ قابل تقدیر بوده و زنان رای دهنده در این مناطق با ناامنی جدی روبرو نشدند و اگر در انتخابات شرکت نیز نکرده اند به دلیل ناامنی نبوده است. معصومه پاینده یک تن از رای دهندگان در ولسوالی نهرشاهی ولایت بلخ می گوید: «علی رغم ترس و واهمه هایی که از روز انتخابات داشتیم امنیت رای دهندگان شهر مزارشریف به طور قابل توجهی بر قرار بود و جای هیچ نگرانی از نبود امنیت وجود نداشت و حضور زنان به طور چشمگیر مشاهده می شد.»^{۱۶} بعضی رسانه ها نیز در گزارشات خود می آورند که «وضعیت امنیتی ولایت بلخ قابل قدر است. برگزاری موفق انتخابات، نشانه تأمین امنیت در این ولایت می باشد.»^{۱۷}

اما وضعیت نامناسب امنیتی ولسوالی های دوردست تر بر

۱۳- همان.

۱۴- همان.

۱۵- مصاحبه با معصومه پاینده یک تن از رای دهندگان در شهر مزارشریف، مورخ ۱۸/۱۰/۱۳۹۰

۱۶- خبرگزاری صدای افغان (آوا) مزارشریف

۱۷- مصاحبه شهر مزارشریف مورخ ۱۶/۸/۱۳۹۰

حکمتیار هستند.»^{۱۸} والی بلخ با اظهار این مطلب می گوید که وی شواهدی در دست دارد که نشان می دهند افرادی که با دولت در جنگ هستند بیشتر وابسته به حزب اسلامی هستند نه طالبان.

گزارش انستیتیوت دموکراتیک ملی نیز نقش حزب اسلامی را در ناامن ساختن مناطق شمال کشور تأیید می کند: «در شمال، بعضی از گروه های مخالف مسلح، به شمول حزب اسلامی حکمتیار، انتخابات را نامشروع می دانند و به رای دهندگان هشدار دادند که اگر در انتخابات شرکت ورزند، آسیب خواهند دید یا کشته خواهند شد.»^{۱۹} علاوه بر این، بعضی گروه های نامشخص و نامعلوم نیز در ناامن ساختن منطقه نقش داشته اند. آقای واحدی معتقد است که در انتخابات پارلمانی دوم اکثر حملات از طرف گروه های نامعلوم صورت می گرفت.

تأثیر ناامنی بر فعالیت کاندیدان زن در ولایت بلخ

بدیهی است که برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه در سایه امنیت امکان پذیر است. در فقدان امنیت، انتخابات با چالش های زیادی مواجه خواهد شد. مشارکت مردم کاهش خواهد یافت، کاندیدان جرأت راه اندازی کمپاین و تبلیغات را نخواهند داشت و شفافیت انتخابات نیز ضربه خواهد خورد.

هرچند ناامنی همه مردم را آسیب پذیر می سازد، ولی زنان در مقابل ناامنی بسیار آسیب پذیرتر هستند. زنان کاندید از این جهت بیشتر در معرض خطر قرار دارند. «مسئولان نظارت بر انتخابات افغانستان هشدار دادند که ناامنی جان و مال و حیثیت زنان نامزد شده برای عضویت پارلمان این کشور را در معرض خطر قرار داده است. کمیته «افغانستان، انتخاباتی آزاد و سالم» که مهمترین تشکیلات برای نظارت بر انتخابات پارلمانی است، ضمن اذعان به اینکه نامزدهای مرد و حامیان کاندیداها نیز در معرض تهدیدات مختلف می باشند، گفته است که از هر ۱۰ تهدید، حدود ۹ تهدید متوجه زنان است و عملاً علیه نامزدهای زن بکار گرفته می شود.»^{۲۰} متأسفانه زنان در ولایت بلخ، به ویژه در ولسوالی های نامن تر این ولایت، با خطرات جدی امنیتی مواجه شدند. سارا مزاری، حقوق دان و یک تن از نامزدان زن در ولایت بلخ می گوید که ناامنی ها در این ولایت با کارزار انتخاباتی مرتبط می باشد و همچنین پس از آغاز مبارزات انتخاباتی، ناامنی در ولایت بلخ افزایش یافته است. وی اضافه می کند که ما تنها در شهر مزارشریف می توانیم به صورت آزادانه به کارزار انتخاباتی بپردازیم اما تاکنون قادر نبوده ایم در ولسوالی های بلخ مبارزات انتخاباتی را به راه بیانداریم. خانم سارا

۱۰- سایت تلویزیون طلوع: TOLONews.com گزارش ۲۹ سنبله ۱۳۸۹

۱۱- انستیتیوت دموکراتیک ملی: WWW.NDI.ORG
سایت العربیه به تاریخ ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۰ در: <http://www.alarabiya.net>

۱۲- روح الله رحیمی، گزارشی در مورد انتخابات، به تاریخ ۹/۵/۱۳۸۹ در: <http://www.bamdad.af>

مشارکت مردم در روز انتخابات بی تأثیر نبوده است، هرچند به میزان تهدیداتی که قبل از روز انتخابات تصور می شد نبوده است. یکی از ناظرین هم به این باور است که تهدیدات آن چنانکه بیان می شد تأثیری بر حضور زنان رای دهنده نداشت. بیشتر نگرانی های امنیتی ناشی از اتفاقات و حوادثی بود که قبل از روز انتخابات، در جریان کمپاین های انتخاباتی اتفاق افتاده بود. مثلاً لت و کوب و آزار و اذیت افرادی که در کمپاین کاندیداها شرکت داشتند مردم را هراسناک ساخته بودند.

به طور کلی می توان گفت حضور زنان ولایت بلخ در روز انتخابات به پای صندوق های رای امیدوار کننده بود. ناامنی هایی نیز که در ولسوالی های بلخ، چهار بولک، چمتال و شولگره وجود داشت، نتوانست از مشارکت زنان در روز انتخابات جلوگیری کند.

ناامنی و تخلفات انتخاباتی

به روشنی می دانیم که ناامنی می تواند برشفافیت انتخابات تأثیر منفی بگذارد، زیرا حضور جدی و پیگیر ناظرین انتخابات را با چالش مواجه می سازد. فاطمه شفاهی ناظر انتخاباتی یکی از کاندیدان در ولسوالی شولگره می گوید «در روز انتخابات پارلمانی در ولسوالی شولگره به خاطر ناامنی تعداد کمی از ناظران کاندیدان، ناظران مستقل و یا ناظران بین المللی حضور داشتند. در اتفاقی که برای رای دهندگان زن در نظر گرفته شده بود تنها یک نفر پولیس حضور داشت. تخلفات و تقلبات به صورت آشکار انجام می شد و هر شخصی به نفع کاندید خود تلاش می کرد.»^{۱۸}

به نظر می رسد ناامنی و عدم حضور ناظرین انتخاباتی، برای متقلبین و متخلفین انتخاباتی فرصت مساعدی فراهم ساخته بود که بتوانند به نفع کاندیدان خاصی تقلب کنند. متأسفانه در برابر این تقلبات و تخلفات اقدام جدی ای صورت نگرفت. احمد ضیا رفعت سخنگوی کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی در نشست خبری که در جریان انتخابات در شهر مزارشریف ولایت بلخ داشته شماری از مقامات مسئول را نیز در این تقلبات دخیل دانسته است. وی گفته است: «شماری از مقامات دولتی، دو تن از فرماندهان پولیس ولسوالی ها، شش کارمند کمیسیون انتخابات و یک عضو شورای ولایتی در بی نظمی های انتخابات پارلمانی در بلخ دست داشته اند.»^{۱۹}

تدابیر امنیتی برای تامین امنیت ولایت بلخ در روز انتخابات

به گفته مقامات مسئول، برای امنیت روز انتخابات در ولایت بلخ تدابیر شدیدی در نظر گرفته شده بود. ستر جنرال بسم الله خان لوی درستیز وزارت دفاع ملی، طی سفری که در مزار شریف داشت از سربازان قول اردوی ۲۰۹ شاهین خواست که در جریان انتخابات ۱۸ - برگرفته از سایت یادگار افغان: www.yadegarafghan.com
۱۹ - آژانس خبری پژواک: <http://www.pajhwak.com>

پارلمانی امنیت خوب تری را تامین نمایند. وی که در راس هیئت نه نفری وزارت دفاع ملی از این قول اردو دیدار کرده بود، گفت: «چون که ما در آستانه انتخابات پارلمانی قرار داریم، باید اردوی ملی نقش ارزنده ای را در تامین امنیت انجام بدهد.»^{۲۰}

شیرجان درانی آمر مطبوعات قوماندانی ولایت بلخ «پروژه انتخابات در ولایت بلخ با امنیت کامل برگزار شد و همچنین شهروندان مزارشریف و باشندگان این ولایت از نیروهای امنیتی اظهار خوشی کردند.»^{۲۱} امنیت برای انتخابات در سه حلقه حفاظتی که به عنوان دواير متحدالمرکز نیز یاد می شود در طول روند رای گیری برنامه ریزی شده بود. در حلقه اولی، که نزدیک ترین حلقه به محلات رای دهی و تجمعات بود، مسئولیت حفاظت و تامین امنیت به دوش پولیس ملی بود. حلقه دومی را اردوی ملی تشکیل می دادند که برای تامین امنیت و برگزاری یک انتخابات سالم و شفاف در تمام ساحه های رای گیری در روزهای قبل از رای گیری و در روز رای گیری دوشادوش پولیس ملی همکاری می کردند. حلقه سومی که حلقه بیرونی بود متشکل از نیروهای بین المللی کمک به امنیت (آیساف) بود که نقش حمایت از نیروهای داخلی، پولیس ملی و اردوی ملی را ایفا می کردند. ردیف های فرعی دیگری در حلقه داخلی برای تامین امنیت بهتر نیز قرار داشتند که آن را نیروهای بین المللی، واکنش سریع و مراقبت و کشف هوایی تشکیل می دادند و همچنان در روزهای قبل از رای گیری، نیروهای بین المللی کمک به امنیت از همکاری بیشتری با نیروهای امنیتی افغانستان خبر داده بودند.^{۲۲}

لويس مارتینز^{۲۳} هماهنگ کننده ساحوی کمیسیون انتخابات در زون شمال، در مصاحبه ای که با خبرگزاری پژواک داشت می گوید: «ما با ارگانهای امنیتی به خاطر تامین امنیت انتخابات در تماس هستیم، اما وضع مناسب امنیتی در انتخابات ریاست جمهوری و ثبت نام کاندیدان انتخابات پارلمانی، ما را نسبت به دایر شدن انتخابات پارلمانی خوش بین می سازد.»^{۲۴}

بریدمل حسن چمن علی از تولى پولیس نظامی قول اردوی ۲۰۹ شاهین اظهار داشت: «ما برای امنیت شهر مزار شریف گمارده شده بودیم. در هنگام اجرای وظیفه چند روزه ای که به عهده گرفته بودیم، اوضاع امنیتی بسیار عالی بود و هیچ گروه شورشی نتوانستند در شهر ناامنی را به وجود بیاورند.»^{۲۵}

نور محمد مدبر استاد دانشگاه نیز در مورد فعالیت های ارگان های امنیتی در روز انتخابات گفت که «در انتخابات ۱۳۸۹ نیروهای

۲۰ - مصاحبه با بسم الله خان محمدی، لوی درستیز، شهر مزارشریف ۳/۸/۱۳۹۰

۲۱ - گزارش از انستیتوت دموکراتیک ملی WWW.NDI.ORG

22. Luis Martinez

۲۳ - آژانس خبری پژواک: <http://www.pajhwak.com>

۲۴ - مصاحبه با بریدمل حسن چمن علی، شهر مزارشریف، مورخ ۱۴/۸/۱۳۹۰

۲۵ - مصاحبه با نورمحمد مدبر، استاد دانشگاه بلخ، شهر مزارشریف، مورخ ۱۹/۷/۱۳۹۰

کمبود تلاشی کنندگان زن:

کمبود تلاشی کنندگان زن در محلات رای‌دهی هم عامل عمده‌ای در ضعیف شدن ساختار ارتباطات داخلی بود. تعداد تلاشی کنندگان زن در برابر حضور پررنگ زنان در محلات رای‌دهی ولایت بلخ بسیار کم تر از حد کفایت بود. این موضوع از عوامل عمده‌ای بود که می‌توانست به راحتی در برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه لطمه وارد کند.

فاطمه شفاهی ناظر کاندید در ولسوالی شولگره می‌گوید: «در سایتی که ناظر بودم هیچ تلاشی‌کننده زن وجود نداشت تنها یک پرسونل پولیس مرد در قسمت رای‌دهی زنانه دیده می‌شد و یک نوع هرج و مرج بین زنان بود.»^{۳۰} به نظر می‌رسد که یکی از مشکلات و عواملی که تلاشی‌کنندگان زن کم‌تر جذب می‌شوند نامنی در محیط تعلیم و تربیه زنان پولیس می‌باشد.

کمبود پرسونل پولیس:

کمبود پرسونل پولیس هم از مشکلات قوماندانی ولایت بلخ به شمار می‌رفت. جنرال مجتبی پتنگ قومندان سابق پولیس زون ۳۰۳ پامیر در زون شمال کمبود پرسونل پولیس را از چالش‌های عمده جهت تامین امنیت انتخابات می‌دانست و بر این باور بود که این مساله شدیداً تدابیری را که برای روز انتخابات اندیشیده شده بود به چالش مواجه می‌ساخت. وی می‌گوید: «ما در معیارهای امنیتی خود داریم که برای هر پنجصد نفر یک پولیس گمارده می‌شود اما حال آنکه برای هر چهار هزار نفر یک پولیس هم در شمال وجود ندارد.»^{۳۱} عطا محمد نور والی بلخ نیز می‌گوید: «نیروهای پولیس هنوز از نقطه نظر کمیت و کیفیت تکمیل نبوده و نیاز به تعلیم، تربیه و تجهیزات بیشتر دارند.»^{۳۲} شیرجان درانی، آمر مطبوعات قوماندانی ولایت بلخ، نیز کمبود پرسونل پولیس و کمبود تلاشی‌کنندگان زن را از مشکلات عمده انتخابات در بلخ می‌داند و ناآگاهی پولیس ملی را از ارتباطات امنیتی انتخابات تایید می‌کند.^{۳۳}

پیشنهادهای راه حل ها برای حمایت از زنان در مقابل تهدیدات امنیتی در انتخابات‌های آینده

با توجه به نکاتی که در این نوشتار مطرح شد، برای برگزاری یک انتخابات سالم‌تر، بهبود وضعیت امنیتی در انتخابات‌های آینده، و به ویژه برای حمایت از زنان در مقابل خطرات و تهدیدات امنیتی، پیشنهاداتی به شرح زیر مطرح می‌شود:

۳۰- سایت افغان یادگار: www.yadegarafghan.com

۳۱- سید اکرام الدین طاهری دهم حمل ۱۳۸۹، سایت بلخ.

۳۲- مصاحبه با شیرجان درانی، آمر مطبوعات قوماندانی ولایت بلخ، شهر مزارشریف مورخ ۳/۸/۱۳۹۰

۳۳- کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان: www.airhrc.org.af

امنیتی واقعا خوب درخشیدند و توانستند محیطی امن را برای مردم به وجود آورند تا تمامی مردم، بالاخص قشر زنان، که قشری آسیب پذیرتر هستند، بتوانند آزادانه و بدون هیچ ممانعتی وارد پروسه انتخابات شده و در روز انتخابات آزادانه در پای صندوق‌های رای حضور یابند و به کاندیدان مورد نظرشان رای بدهند.»^{۳۴}

ضعف نیروهای امنیتی

اگرچه مقامات امنیتی تدابیر ویژه‌ای را در تامین امنیت با همکاری حوزه‌های امنیتی در طول انتخابات پلان گرفته بودند اما باز هم مشکلاتی سد راه فعالیت‌های بهتر در تامین امنیت شده بود. شیرجان درانی، آمر مطبوعات قوماندانی ولایت بلخ، به نبود امکانات و تجهیزات نظامی کافی و کمبود پرسونل پولیس اشاره می‌کند و می‌گوید که تا حدودی توانستیم این مشکلات را با همکاری اردوی ملی و نیروهای آیساف رفع کنیم.^{۳۵} با این حال، باز هم مشکلاتی در جریان انتخابات وجود داشت که می‌توان به چند نکته عمده آن به صورت زیر اشاره کرد:

عدم آگاهی پولیس ملی:

هرچند پولیس ملی نقش خوبی برای تامین امنیت انتخابات بازی کردند، ولی آگاهی تخصصی کامل در مورد نحوه اجرای وظایف و مکلفیت‌های‌شان در طی پروسه انتخابات نداشتند. چنانچه در برخی از محلات رای‌دهی به مشاهده رسیده که پولیس بعضاً در داخل محلات رای‌دهی حضور یافته و یا هم از ورود ناظرین ممانعت کرده اند. بنابه گزارش انستیتوت دموکراتیک ملی، هرچند قبل از برگزاری انتخابات ۱۳۸۹ اقداماتی برای رفع این مشکل انجام شده بود، ولی نواقص را کاملاً رفع نتوانسته بود: «در پیشاپیش انتخابات ۱۳۸۹ به پشتیبانی ماموریت پولیس اتحادیه اروپا در افغانستان برنامه آموزشی در نظر گرفته شد که حدود ۳۵۰۰۰ پرسونل پولیس در سطح ولسوالی‌ها در مورد چگونگی امنیت متحدالمرکز، طرزالعمل‌های انتخاباتی، امنیت انتخابات و رفتار پولیس در روز انتخابات به اجرا بگذارد. این برنامه در همکاری با وزارت داخله افغانستان تطبیق شد و شامل افسران ارشد پولیس به عنوان آموزگاران می‌گردید. ماموریت پولیس اتحادیه اروپا در افغانستان با نزدیک شدن روز انتخابات ابراز نگرانی کرد که اهداف این برنامه‌ریزی نظر به ساختار ضعیف ارتباطات داخلی وزارت برآورده نخواهد شد.»^{۳۶} به اعتقاد بعضی از آگاهان، پولیس ملی برای انجام وظیفه خود سیمینارهای مسلکی و مفیدی نداشتند و سیمینارهایی که دیده اند نتیجه‌ای ثمره بخش نداشته است.^{۳۷}

۳۴- مصاحبه با شیرجان درانی، آمر مطبوعات قوماندانی ولایت بلخ، شهر مزارشریف مورخ ۳/۸/۱۳۹۰

۳۵- انستیتوت دموکراتیک ملی. WWW.NDI.ORG

۳۶- مصاحبه با تقی واحدی، نویسنده و روزنامه نگار، مزارشریف ۲۴/۱۰/۱۳۸۹

۳۷- مصاحبه با فاطمه شفاهی، شهر مزارشریف مورخ ۱۶/۸/۱۳۹۰

الف - منابع اینترنتی و سایت های خبری:

۱. انستیتوت دموکراتیک ملی
۲. موسسه انتخابات آزاد و عادلانه فیفا
۳. سایت خبری طلوع نیوز
۴. سایت خبری پژواک
۵. خبرگزاری یادگار افغان
۶. خبرگزاری بامداد افغان
۷. خبرگزاری صدای افغان
۸. سایت العربیه
۹. سایت کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان
۱۰. سایت بلخ
۱۱. قانون اساسی افغانستان

ب - مصاحبه ها و گفتگوهای شخصی نویسنده

۱. مصاحبه با نور محمد مدبر، استاد دانشکده شرعیات دانشگاه بلخ
۲. مصاحبه با بلقیس هادی عضو شورای ولایتی
۳. مصاحبه با فاطمه شفاهی ناظر یکی از کاندیدان در انتخابات
۴. مصاحبه با حسن چمن علی بریدمل در اردوی ملی
۵. مصاحبه با حاجی محمد عبده وکیل منتخب ولایت بلخ در پارلمان
۶. مصاحبه با شیر جان درانی سخنگوی قومندانی ولایت بلخ
۷. مصاحبه با تقی واحدی خبر نگار و نویسنده
۸. مصاحبه با معصومه پاینده رای دهنده باشنده شهر مزارشریف
۹. مصاحبه با حسین علی راننده موتر حمل صندوق های رای
۱۰. مصاحبه با فتانه حسن زاده روزنامه نگار در بلخ

آموزش ها در مورد چگونگی امنیت انتخابات برای پولیس ملی مسلکی تر و اساسی تر صورت گیرد تا ثمر بخش باشد. برای زنان زمینه سازی شود تا بتوانند به پولیس بپیوندند و تعلیم ببینند تا در انتخابات های آینده با کمبود پولیس زن و از جمله تلاشی کنندگان زن مواجه نشویم.

ایجاد پالیسی خاص به منظور حمایت از تقویت حضور زنان در انتخابات.^{۳۴}

آگاهی دهی از نقش برآورنده زنان در انتخابات از طریق امامان مساجد و معلمین؛

ایجاد فضای سالم و قانونمند در هنگام رقابت های انتخاباتی به وسیله خلق معیارها و احکام قانونی مشخص، برای جلوگیری از بی نظمی و هرج و مرج در جریان کمپاین؛

دولت باید نظارت خود را بر رفتار کاندیدان در طول انتخابات به طور کامل داشته باشد تا در صورت تخلف از معیارهای قانونی مبارزات انتخاباتی مورد کنترل و بازپرسی قرار بگیرند.

مقامات امنیتی، اعم از پولیس ملی و اردوی ملی و نیروهای حمایت کننده بین المللی، باید در تامین امنیت در روزهای انتخابات هماهنگی داشته باشد.

فراهم آوری سهولت های خاص در سطح مرکز و ولایات برای رسیدگی به شکایات کاندیدان زن.^{۳۵}

ایجاد کمیته های خاص به سطح مرکز و ولایات به منظور تقویت هماهنگی با ادارات انتخاباتی، نهادهای ناظر، جامعه مدنی و ارگان های امنیتی.

توجه به این نکات می تواند در برگزاری یک انتخابات سالم تر و بهتر و بهبود مشارکت زنان در انتخابات های آینده موثر و مفید واقع شود، هرچند ممکن است همه شرایط لازم را دربر نداشته باشد.

منابع:

۳۴. طرح پیشنهادی موسسه انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان
۳۵. طرح پیشنهادی موسسه انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان

بخش چهارم:

مدیریت و منابع مالی کمپاین های انتخاباتی کاندیدان زن

منابع و مدیریت مالے کمپاین‌ها (کابل)

مقدمه

مشارکت و حضور در فعالیت های سیاسی، و به ویژه شرکت در انتخابات، حق بشری هر انسان است و به تبع آن زنان، که نیمی از نیروی انسانی یک جامعه را تشکیل می دهند، نیز از این حق برخوردارند. بر اساس قانون اساسی و قانون انتخابات افغانستان زنان حق نامزد شدن در کلیه انتخابات های کشور را دارند و حداقل ۲۵ درصد از نمایندگان مجلس افغانستان را باید زنان تشکیل بدهند. به این ترتیب قانون اساسی و قانون انتخابات راه ورود و حضور زنان را در پارلمان باز گذاشته است و زمینه مشارکت اجتماعی و سیاسی آنان را فراهم نموده است.

با وجود آنکه جامعه افغانستان یک جامعه سنتی و مرد سالار است و زنان در طی سال های متمادی از حق مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی محروم بوده اند، اما خوشبختانه در انتخابات های گذشته، به ویژه دو انتخابات پارلمانی، زنان مشارکت گسترده داشتند و کاندیدان زن در بسیاری از ولایات آراء قابل توجهی را به دست آوردند. این در حالی است که مشارکت زنان با تهدیدات امنیتی شدید از سوی طالبان و مخالفین مسلح دولت نیز مواجه بودند.

علاوه بر این ها، مشکلات و محدودیت های مالی در تهیه و تدارک هزینه کمپاین و فعالیت های انتخابی نیز از مشکلات اساسی زنان بوده است. از آنجایی که بسیاری از زنان استقلال اقتصادی ندارند و در امور مالی وابسته به شوهران و بستگان خود هستند، چنانچه همسر و خانواده زن به لحاظ مالی از او حمایت نکنند نمی توانند به شکل موفقیت آمیز در روند کمپاین انتخابات فعالیت کنند.

با این همه، مشارکت زنان در انتخابات های گذشته، به ویژه حضور فعال آنان در دو انتخابات پارلمانی، تحول شگرف و امیدوار کننده ای بود. حضور آنان در انتخابات، به ویژه مشارکت آنان به عنوان کاندیدان انتخاباتی، پدیده تازه ای در تاریخ سیاسی افغانستان به شمار می رود.

تامین منابع مالی کمپاین و همچنین مدیریت کمپاین در انتخابات، از مهم ترین و چالش برانگیزترین بخش مبارزه انتخاباتی می باشد و تاثیر مستقیمی بر نتیجه انتخابات دارد. در تحقیق حاضر هدف این است تا به صورت مدون و علمی به بررسی چگونگی تامین منابع مالی کمپاین های

انتخاباتی کاندیدان زن در انتخابات پارلمانی و شیوه مدیریت منابع مالی آنان و تاثیر آن بر نتیجه انتخابات پرداخته شود.

همچنین در تحقیق حاضر نوع و شیوه های تامین هزینه ها و دلیل انتخاب آنها و مشکلات عمده زنان برای تامین این هزینه را نیز بررسی خواهیم کرد. بنابراین، تحقیق حاضر شامل دو بخش خواهد بود: بخش اول به منابع مالی کمپاین ها خواهد پرداخت، و بخش دوم نیز مدیریت کمپاین ها را بررسی خواهد کرد.

پرسش های اصلی تحقیق

چنین به نظر می رسد که زنان کاندید در انتخابات برای تامین منابع مالی مورد نیاز برای کمپاین های خود بیشتر از مردان با مشکلات و محدودیت ها مواجه هستند. از آنجایی که بیشتر زنان از نظر اقتصادی به خانواده های خود وابسته هستند تامین هزینه های انتخابات برای آنان مشکل بسیار عمده بوده است. خصوصاً زنانی که مربوط خانواده های سنتی تر و از لحاظ اقتصادی ناتوان تر بوده اند، از نظر مالی کمتر از طرف خانواده های خود حمایت می شدند. این مسأله تاثیر مستقیمی بر میزان موفقیت آنان دارد. براین اساس پرسش های اصلی در تحقیق حاضر این است:

حمایت احزاب سیاسی و وابستگی کاندیدان زن به دولت چه اندازه در تامین منابع مالی نقش داشته است و همچنین در موفقیت آنها چه اندازه تاثیر گذار بوده است؟

زنان کاندید تا چه حد در مدیریت کمپاین های شان استقلال عمل داشتند؟ نقش پشتوانه های مالی در پیروزی و عدم پیروزی کاندیدان زن چقدر بوده است؟

حمایت های مالی خانواده های کاندید چگونه بوده است و تا چه اندازه این کاندیدان در استفاده از منابع مالی خانواده دست باز داشته است؟

فرضیه تحقیق:

فرضیه اصلی تحقیق حاضر این است که نوع و مدیریت منابع مالی در موفقیت و شکست کاندیدان زن در انتخابات تاثیر مستقیمی داشته است. زنانی که منابع مالی قوی و مدیریت دقیقی در نحوه مصرف و تخصیص بودجه برای کمپاین انتخابات خویش را داشته اند شانس بیشتری برای

موفقیت داشته اند و برعکس زنانی که از منابع مالی ضعیفی برخوردار بودند و یا مدیریت این منابع یعنی نحوه مصرف این بودجه ها درست نبود احتمال شکست شان بیشتر بوده است.

روش اجرای تحقیق:

در نگارش این تحقیق از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی توأم استفاده شده است. در روش کتابخانه‌ای داده‌ها و اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای و تحقیقات و پایگاه‌های اینترنتی و نشریات و اسناد کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون مستقل حقوق بشر جمع‌آوری شده است. در روش میدانی با کاندیدان زن و کارشناسان سیاسی و کسانی که مسئولیت اجرای کمپاین‌ها را به عهده داشتند و نیز تحلیلگران و صاحب نظران مصاحبه‌ها و گفتگوهای شخصی صورت گرفته است.

چالش‌ها و برجستگی‌های موجود در تحقیق:

یکی از مهمترین چالش‌هایی که این تحقیق با آن مواجه بود کمبود منابع موجود در رابطه با منابع مالی کمپاین کاندیداها بود. همچنین با توجه به حساسیت موضوع برای بسیاری از کاندیدان، اکثر آنان در این زمینه اطلاعات زیادی در اختیار ما قرار نمی‌دادند. شاید یکی از دلایل آن عدم شفافیت در منابع مالی کمپاین‌ها بود که باعث می‌شد اکثر کاندیدان از ذکر منابع مالی کمپاین‌شان، مقدار آن و روش‌های تامین آن امتناع می‌ورزیدند.

اما نکته جالب توجه این بود که زنان در بیان منابع مالی و روش‌های تامین آن کمتر پرده‌پوشی داشتند. شاید دلیل آن این باشد که منابع مالی کمپاین زنان نسبت به مردان شفاف‌تر و روشن‌تر بوده است. چنانچه خواهیم دید، نحوه تامین و نوع مدیریت منابع مالی توسط کاندیدای زن با توجه به مشکلات و محدودیت‌هایی که بر سر راه آنان در کمپاین انتخابات وجود داشت شفاف‌تر و هوشمندانه‌تر بود. زنان مدیریت هوشمندانه کمپاین خود موفقیت‌های چشم‌گیری را در مقایسه با مردان بدست آوردند.

بخش اول - منابع مالی کمپاین

حقوق و مشارکت سیاسی زنان از جنبه حقوقی و در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد توجه و تأکید قرار گرفته و بر برخورداری مساویانه مرد و زن از حقوق سیاسی تأکید شده است. چنانچه در کنوانسیون حقوق سیاسی زنان بطور واضح تسجیل شده است که: «زنان باید بدون تبعیض، مساویانه با مردان در تمام انتخابات سهم گرفته و حق رای دهی داشته باشند»^۱

اما پژوهش‌ها نشان می‌دهد که استقلال اقتصادی زنان بر برابری سیاسی زنان با مردان در دسترسی به حقوق سیاسی‌شان تأثیر بسزایی داشته است. تحقیقات نشان داده است که آن‌ده از زنانی که از استقلال

اقتصادی برخوردارند فعالانه در سیاست سهم گرفته و خود را کاندید نموده‌اند و یا در فعالیت‌های حزبی در احزاب سیاسی نقش تأثیرگذارتری داشته‌اند. در حالیکه آن‌ده از زنانی که استقلال اقتصادی نداشته‌اند شانس کمتری برای حضور در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و کاندید شدن در انتخابات داشته‌اند. زیرا، چنانچه می‌دانیم، مشارکت در فعالیت‌های سیاسی، به ویژه اشتراک در انتخابات به عنوان کاندید، مستلزم مصارف زیادی است. کاندیداها برای شناساندن خود به مردم و رساندن پیام‌های خود به آن‌ها و بیان اهدافشان از کاندید شدن و همچنین برای بازگو نمودن برنامه‌های خود بعد از پیروز شدن در انتخابات باید تبلیغات گسترده‌ای انجام دهند و از انواع وسایل و امکانات ارتباط جمعی برای معرفی خود استفاده نمایند و این امر نیاز به منابع مالی قوی و صرف هزینه‌های هنگفت دارد. اجاره کردن دفتر، استخدام کارمند در ستادهای انتخاباتی، برگزاری جلسات و همایش‌های مردمی، چاپ برگه‌های تبلیغاتی و عکس، همه از مواردی است که نیاز به پول دارند. بنابراین آن‌ده از زنانی که استقلال اقتصادی ندارند نمی‌توانند به خوبی از حق مشارکت سیاسی برخوردار شوند. در حالیکه عده دیگری که از منابع خوب مالی برخوردارند به خوبی می‌توانند از آن مستفید شده و خود را کاندید نمایند.^۲

پس یکی از مهم‌ترین عواملی که نقش موثری در راه‌اندازی پیکارهای انتخاباتی دارد منابع و امکانات مالی می‌باشد.

مبحث اول: چارچوب حقوقی منابع مالی کمپاین

همان‌طور که داشتن منابع مالی برای انتخابات از اهمیت بالایی برخوردار است، شفافیت در امور مالی کمپاین و عدم استفاده از منابع غیرقانونی هم از اهمیت زیادی برخوردار است. قواعد و مقررات مربوط به امور مالی کمپاین‌ها در ماده ۳۸ قانون انتخابات سال ۱۳۸۴ ارائه شده و این ماده، توضیح دهنده مقررات و قوانین دوره کمپاین‌های انتخاباتی می‌باشد. کمیسیون مستقل انتخابات «مقررات ثبت و ارائه امور مالی کمپاین‌های نامزدان ولسی جرگه» را به میان آورده که ماده ۳ آن، شرایطی در زمینه امور مالی کمپاین‌ها وضع می‌کند و نامزدان را ملزم می‌سازد تا مصارف و امور مالی کمپاین‌های خود را بر اساس ماده ۴ آن ثبت نموده و گزارش دهند.^۳

خالد اوریا، رئیس بخش حقوقی کمیسیون انتخابات افغانستان در باره چارچوب حقوقی امور مالی کمپاین‌ها در انتخابات می‌گوید که پیش از دوره کمپاین‌ها، نامزدان باید دارایی‌های منقول و غیر منقول خود را به عنوان بخش لازمه مرحله ثبت نام، به کمیسیون گزارش دهند. او خاطر نشان می‌کند که نامزدان در جریان کمپاین‌های شان، باید مصارف خود و کمک‌های مالی‌ای که به آنها داده می‌شود را

Ibid-۲

۳- بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان: <http://www.fefa.org.af/d->

۱- مجتمع نهادهای مدنی افغانستان: <http://www.acsf.af/reportsHTML/wchrf2.html>

گزارش دهند.^۴

اوریا همچنین درباره جزئیات مقررات جدید کمپاین ها اظهار داشت که نامزدان نمی توانند به منابع ملی و دولتی دسترسی داشته باشند، مگر این که همگی نامزدان به صورت یکسان از این منابع بهره ببرند. اما با این وجود نامزدان می توانند تا مبلغ ۵۰۰۰۰ افغانی از اشخاص حقیقی و تا مبلغ ۵۰۰۰۰۰ افغانی از اشخاص حقوقی کمک مالی دریافت کنند. همچنین نامزدان مکلف هستند تا ۴۸ ساعت پیش از روز انتخابات، گزارش های مالی خود را به کمیسیون ارائه کنند و این گزارش ها همزمان با نتایج ابتدایی انتخابات به نشر خواهند رسید.^۵

ذکریا بارکزی، معاون دارالانشاء کمیسیون مستقل انتخابات نیز

میگوید نامزدها باید دارایی های منقول و غیرمنقول خود را ثبت کنند، گزارش مصارف مبارزات انتخاباتی خود را به طور منظم به کمیسیون ارائه کنند و یک مسئول مالی به کمیسیون معرفی کنند تا کمیسیون را در جریان بگذارد.^۶

بر اساس قانون انتخابات افغانستان، هیچ نامزدی حق ندارد از منابع خارجی کمک مالی دریافت کند (سفارت خانه های خارجی و یا موسسات خارجی) و یا هم در جریان مبارزات از پول های غیرقانونی، که به کمیسیون انتخابات گزارش داده نشده باشد، استفاده کند.^۷ با این حال کمیسیون بررسی شکایات انتخاباتی می گوید اگر ثابت شود که این نامزدها متکی به کمک های خارجی هستند یا عمداً دارایی های خود را ثبت نکرده اند و یا هم حساب مصارف مبارزاتی خود را گزارش نکرده اند، با آنها برخورد قانونی صورت می گیرد و ملزم به پرداخت جریمه خواهند شد و در نهایت، حق شرکت در انتخابات را از دست خواهند داد.^۸

مبحث دوم- شیوه های تامین منابع مالی کمپاین

با توجه به مطالب ذکر شده اکنون باید ببینیم که کاندیدان از چه شیوه هایی برای تامین مخارج کمپاین استفاده می کنند.

۴- خبرگزاری بامداد:

<http://www.bamdad.af>

۵- همان

۶- سایت بی بی سی فارسی: www.bbcpersian.com

۷- وزارت عدلیه ج.ا.ا. قانون انتخابات افغانستان، ماده....

۸- همان



الف- تامین منابع مالی از دارایی های شخصی

یکی از اصلی ترین شیوه های تامین هزینه های کمپاین در انتخابات استفاده از دارایی های شخصی می باشد. اکثر کاندیداها، چه زن و چه مرد، اظهار داشتند که ابتدا از دارایی های شخصی خود برای کمپاین استفاده می کنند و در مراحل بعدی از شیوه های دیگر و منابع دیگر استفاده می کنند.

روشن است که این امکان برای افراد سرمایه دار بیشتر مهیا است و همه کاندیدان از این امکان به طور یکسان برخوردار نیستند. کاندیدان زن از این جهت نسبت به حریفان مرد خود با مشکلات و محدودیت های مالی بیشتری مواجه اند، چون زنان از یک سو اکثراً استقلال اقتصادی ندارند، و از سوی دیگر زنان کمتر به کارهای سرمایه آور اشتغال دارند. از این رو، مسأله مالی مبارزات انتخاباتی برای زنان یکی از مشکلات اصلی به شمار می رود. براساس گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان پس از نامنی بزرگ ترین مشکل بر سر راه زنان کاندید عدم توانایی اقتصادی برای پیشبرد کمپاین و همچنین عدم آگاهی از نحوه کمپاین بوده است.^۹

یکی از کاندیداهای موفق زن که از خانواده های بانفوذ کابل است اظهار داشت که وی مبلغ پنج هزار دلار در کمپاین خود به مصرف رسانده که تمام آن را از پس انداز شخصی خود پرداخت نموده است.^{۱۰} یکی از کارشناسان سیاسی در مورد منابع مالی کاندیداهای زن اظهار داشت: «به نظر می رسد که در مورد شرکت زنان در انتخابات دو منبع رابه عنوان منابع حمایتی و مالی زنان در انتخابات می توان مد نظر

۹- کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، گزارش نظارت از حقوق سیاسی در جریان دور دوم انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹

۱۰ مصاحبه شخصی با یکی از کاندیدان زن انتخابات پارلمانی.

از دریافت کمک های مالی از طرف فامیل های شان برای فعالیت های کمپانی گزارش دادند.^{۱۴}

با اینکه جامعه سنتی چندان با حضور زنان در عرصه سیاست موافق نیست، اما در سال های اخیر با توجه به تبلیغات گسترده برای حضور و نقش زنان در جامعه و سیاست و با توجه به سهمی که در قوانین افغانستان برای مشارکت زنان در بخش های مختلف امور اجتماعی و سیاسی در نظر گرفته شده است و با توجه به شورو اشتیاق و تلاش های زنان برای سهم گیری در سرنوشت سیاسی خود، امروزه هرچند اندک اما برخی از خانواده ها به حضور زنان در سیاست و جامعه رضایت داده و با آنها همگام شده اند و چه بسا برای رسیدن به اهداف و مقاصد خود نیز از زنان برای ورود به عرصه سیاست و حکومت حمایت می کنند و این مقدمه و آغاز گذار از جامعه سنتی به سوی مدرنیته شدن و گام بلندی در راستای تحقق حقوق سیاسی زنان در جامعه می باشد.

ج- تامین منابع مالی از طریق احزاب و نهادهای اجتماعی

یکی دیگر از شیوه های رایج تامین منابع مالی برای کاندیدان از طریق احزاب و گروه های سیاسی می باشد. برای ورود به عرصه سیاست یکی از بهترین شیوه ها پیوستن به یک حزب سیاسی است. با اینکه با وارد شدن به یک حزب ممکن است محدودیت هایی برای فرد ایجاد شود اما مزایای زیادی را نصیب فرد می سازد. حزب مانند یک اهرم فشار قوی در مقابل حکومت قرار می گیرد و خواسته های خود را به کرسی می نشاند.^{۱۵} همچنین حزب برای رسیدن به اهداف و خواسته های خود از بین افراد لایق و کارآمد، افرادی را انتخاب نموده و برای وارد شدن به عرصه سیاست و حکومت حمایت های همه جانبه از وی به عمل می آورد. کاندیدانی که تحت حمایت حزب قرار می گیرند بخش زیادی از هزینه های کمپاین شان را حزب تمویل می کند و حمایت های مادی و معنوی برای آنان خلق می کند تا کاندیدان مورد نظر رقبای شان را کنار زده و به موفقیت برسند. در عوض کاندید مورد نظر پس از رسیدن به موفقیت باید بر اساس خواسته ها و اهداف حزب عمل کند. در انتخابات های پارلمانی گذشته نیز کاندیدان زنی که توسط حزب حمایت شدند به دلیل اینکه از منبع حمایتی قدرتمندی برخوردار بودند، نسبت به زنانی که فقط متکی به خود بودند و یا تنها توسط خانواده های شان حمایت می شدند، آسان تر به موفقیت رسیدند.

بر اساس مصاحبه های صورت گرفته با کاندیدان زن، برخی از آنها اظهار داشتند که توسط احزاب حمایت شده اند.

یکی از کاندیداهای موفق از دشت برچی کابل بیان می دارد که منابع مالی کمپاین اش توسط پدرش و حزب وحدت تامین شده است.^{۱۶} حمایت احزاب از کاندیدان تنها حمایت مالی نیست، حمایت سیاسی

قرار داد که یکی خانواده ها و دیگری احزاب می باشد. من در گام اول فکر می کنم که بیشتر زنانی که در انتخابات پارلمانی شرکت کرده اند از جانب خانواده های شان مورد حمایت قرار گرفته اند. این ها کسانی بودند که منتسب به خانواده های معروف و صاحب نام در مناطق خودشان هستند و متعلق به خانواده های ثروتمند هستند، همسر فرد ثروتمند هستند یا دختر فرد ثروتمند هستند یا خودشان تمکن مالی دارند که از آن به عنوان منبع مالی در انتخابات استفاده کرده اند.^{۱۱}

یکی از کاندیدای انتخابات پارلمانی که برنده نشده است اظهار داشت که من در کمپاین خود حدوداً ۴۰۰۰ دلار به مصرف رساندم که بیشتر آن پس انداز شخصی خودم و مقداری از آن کمک همسر و خانواده ام و مقدار کمی کمک های دوستان و اقوام بود.^{۱۲}

با توجه به مطالب ذکر شده، مهمترین منبع مالی زنان کاندید در انتخابات، دارایی های شخصی و حمایت خانواده هایشان بوده است. بنابراین می توان گفت که زنانی که از خانواده های ثروتمند و با نفوذ بوده اند و یا آن هایی که از تمکن مالی خوبی برخوردار بوده اند منابع مالی بیشتری در اختیار داشته و برای تبلیغات و کمپاین انتخاباتی خود مشکل زیادی نداشته اند و بیشتر این زنان در نتایج نهایی انتخابات موفقیت را نیز بدست آورده اند. اما زنانی که تمکن مالی خوبی نداشته اند و از خانواده های ضعیف جامعه بوده اند برای تامین هزینه های تبلیغاتی خود مشکلات زیادی داشتند و نتوانستند با رقبای ثروتمند خود به خوبی مقابله کنند. اما علی رغم صلاحیت و توانمندی هایی که بعضی از کاندیدان زن داشتند، نتوانستند موفقیتی بدست بیاورند. بنابراین عدم توازن توانمندی اقتصادی یکی از چالش های موجود در کمپاین کاندیدان زن بوده است.

ب- تامین منابع مالی از طریق کمک های مردمی

بر اساس تحقیقات انجام شده و مصاحبه های صورت گرفته با زنان کاندید و کارشناسان سیاسی، اکثر زنان کاندید اظهار می دارند که بیشتر هزینه های کمپاین آن ها توسط خانواده و دوستان و اقوام، بستگان و آشنایان شان تامین شده است.

یکی از زنان کاندید، که معلم نیز بوده است، اظهار می دارد که «تمام پوسترها و کارت های تبلیغاتی مرا شاگردانم با هزینه خودشان به چاپ رساندند و مهمترین منبع کمپاین من شاگردانم و معلم های دیگر بودند و من از خودم هزینه زیادی نکرده ام.»^{۱۳}

با توجه به آنچه که در بخش های پیشین ذکر شد اکثر کاندیدان زن توسط خانواده و اقوام شان حمایت می شوند و هزینه های کمپاین شان توسط آنان تامین می شود. تشویق کاندید زن از طرف مردان خانواده و بزرگان قوم چیز غیر معمولی نیست و بسیاری از کاندیداهای زن

۱۴- انستیتیوت دموکراتیک ملی: <http://www.ndi.org/afghanistan>

۱۵- سرور دانش، حقوق اساسی افغانستان، احزاب سیاسی.

۱۶- مصاحبه شخصی با یکی از کاندیدان انتخابات پارلمانی

۱۱- مصاحبه شخصی با دکتر سردار محمد رحیمی، کارشناس مسائل سیاسی

۱۲- مصاحبه شخصی با یکی از کاندیدان انتخابات پارلمانی از کابل.

۱۳- مصاحبه شخصی با یکی از کاندیدان زن در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰

دانست. از سوی دیگر مقالات مطبوعاتی، سخنرانی‌های حامیان کاندیداها در مجامع، سخنرانی‌های ملا امامان در مساجد و برگزاری محافل و مجالس و از این قبیل را نمونه‌های تبلیغات غیرمستقیم رسانه ای دانست.^{۲۰} نمونه‌های تبلیغات مستقیم و غیرمستقیم غیررسانه ای را می‌توان در ارتباطات چهره به چهره به صورت گفتگوهای دوستانه در میهمانی‌ها و یا جدل‌های کاملاً جهت‌گیرانه در محافل دید.^{۲۱}

ارتباطات چهره به چهره از نوع گفتگو را می‌توان تبلیغات غیرمستقیم دانست. اندیشمندان ارتباطات بر این اعتقادند که در گفتگو، هدف روشن کردن ذهن طرف مقابل است اما در مناظره و مباحثه هدف تحت تأثیر قرار دادن افکار و عقاید طرف مقابل است.^{۲۲}

کاندیدها در افغانستان تقریباً از همه روش‌هایی که در بالا ذکر شد برای کمپاین خود استفاده می‌کنند. هم از طریق تبلیغات رسانه‌ای و هم از طریق تبلیغات غیررسانه ای و هم تبلیغات مستقیم و هم غیرمستقیم. اما بارزترین و معمول‌ترین نوع کمپاین، که در افغانستان استفاده می‌شود، ارتباط چهره به چهره و برگزاری محافل و مجالس سخنرانی و اطلاع رسانی و تبلیغات از این طریق می‌باشد. روش‌های دیگر از قبیل چاپ پوستر و بیل‌برد و استفاده از رسانه‌های عمومی در مراتب بعدی قرار می‌گیرد.

شیوه‌های کمپاین و نوع مدیریت مالی در بین نامزدان مرد و زن خیلی متفاوت نیست اما از آنجایی که زنان نسبت به مردان با محدودیت بیشتر مواجه‌اند و از امکانات کمتری برخوردارند، لذا شیوه کمپاین‌شان اندکی متفاوت است.

گفتار اول- شیوه‌های مدیریت کمپاین در کاندیدان مرد

از آنجایی که مردان از استقلال و تمکن مالی بیشتری نسبت به زنان برخوردارند، لذا آزادی عمل بیشتری دارند و از شیوه‌های متنوع‌تری برای کمپاین استفاده می‌کنند. به عنوان مثال تعدادی از کاندیداها مرد از چهره‌های شناخته شده سیاسی هستند و از قدرت و نفوذ زیادی برخوردارند و هواداران زیادی دارند که به طور گسترده برایشان کمپاین می‌کنند و همچنین رسانه‌های عمومی را هم در اختیار دارند، به طوری که بیشتر کاندیداها مرد به آسانی و بدون مانع خاصی می‌توانستند از تلویزیون ملی یا تلویزیون‌های خصوصی وابسته به احزاب یا رسانه‌های خصوصی برای خود تبلیغ کنند در حالی که بسیاری از زنان کاندید برای حاضر شدن در تلویزیون محدودیت داشتند.

همچنین در بسیاری از موارد دیده شده است که کاندیدانی که قبلاً در پست‌های دولتی بودند از مقام و موقف خود استفاده نموده و امکانات دولتی را برای کمپاین خود به کار گرفته‌اند. با آنکه بر اساس قانون انتخابات افغانستان، سوءاستفاده از امکانات دولتی به نفع و یا ضرر

و تبلیغاتی بخشی عمده از حمایت احزاب به شمار می‌روند. به ویژه حمایت احزاب پرنفوذ و خوشنام توانایی و شانس کاندید را بسیار زیاد می‌سازد. در افغانستان، چون احزاب پایگاه‌های قومی دارند، حمایت‌شان معمولاً حمایت‌های قومی خلق می‌کنند، هرچند امکان و فضای مانور ملی را از کاندید می‌گیرد. چنانچه یکی از زنان کاندید در انتخابات شورای ولایتی که عضو جمعیت اسلامی بوده است، تنها با حمایت سیاسی و تبلیغاتی حزب جمعیت در میان تاجکها توانست موفق شود، هرچند به گفته خود وی منابع مالی کمپاین‌اش توسط اقوامش تأمین شده است.^{۱۷} با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت از آنجایی که احزاب و گروه‌های سیاسی منابع حمایتی قدرتمندی برای افراد هستند و تأثیر چشم‌گیری بر موفقیت و شکست کاندیدان دارند اغلب زنانی که در انتخابات کامیاب شدند از طرف احزاب سیاسی حمایت می‌شدند. البته موسسات خارجی که برای زنان فعالیت می‌کنند و نهادهای حقوق بشری که هدف‌شان احقاق حقوق زن و مشارکت زنان در سرنوشت سیاسی‌شان می‌باشد نیز در زمینه تأمین منابع مالی زنان کاندید نقش موثری داشتند و می‌توان از آنها به عنوان منابع حمایتی تأثیرگذار نام برد. برخی از سفارت‌خانه‌های خارجی نیز برای رسیدن به مقاصد سیاسی خود بخشی از منابع مالی زنان را تأمین نموده و آنان را مورد حمایت خود قرار دادند.^{۱۸}

بخش دوم- مدیریت کمپاین

هرچند داشتن منابع مالی قوی از عوامل مهم موفقیت می‌باشد، اما به همان اندازه مدیریت و نحوه صحیح کمپاین نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. برخی از کاندیدان، با اینکه منابع مالی زیادی در اختیار داشتند و هزینه‌های هنگفتی را صرف کردند، اما به دلیل عدم مدیریت صحیح کمپاین نتوانستند موفقیتی بدست آورند. اما برخی از کاندیدان با صرف هزینه کمتر و با مدیریت دقیق و مدبرانه موفقیت چشم‌گیری بدست آوردند.

مبحث اول- شیوه‌های مدیریت در کمپاین

کمپاین یا تبلیغات انتخاباتی را می‌توان به دو دسته رسانه ای و غیر رسانه ای تقسیم کرد و هر کدام از این دو دسته نیز به مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می‌شوند. روشن‌ترین تبلیغات مستقیم رسانه‌ای انتشار آگهی‌های تبلیغاتی از طریق تأمین هزینه آن از سوی آگهی‌دهنده است.^{۱۹}

در افغانستان نیز بیشتر از این نوع تبلیغات استفاده می‌شود. با این دسته بندی می‌توان آگهی‌های انتخاباتی نامزدها در مطبوعات، پوسترها و لوحه‌های خیابانی آنان را از نمونه‌های بارز تبلیغات مستقیم رسانه‌ای

۲۰- همان

۲۱- همان

۲۲- همان

۱۷- مصاحبه شخصی با یکی از زنان کاندید در انتخابات شورای ولایتی

۱۸- مصاحبه شخصی با یکی از کاندیدان زن در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰

۱۹- سایت وزارت کشور ایران: <http://www.moi.ir/portal>

گزارش مالی کاندیدان مرد ولسی جرگه ۲۰۱۰

اسم و تخلص	ارزش مجموعی مساعدت ها	مصارف مجموعی
۱ محمد داود بارکزی	۳۲۰۰۰۰ AFs	۴۰۶۳۰۰ AFs
۲ انجنیر طغیان ظفري	۱۲۵۰۰۰ AFs	۱۶۹۰۰۰ AFs
۳ محمد حنيف يوسف زى	۲۵۰۰۰۰ AFs	۳۴۷۰۰۰ AFs
۴ دکتر صدرالدین مخرى	۸۲۵۰۰۰ AFs	۶۲۰۰۰۰ AFs
۵ محمد حسين جعفرى	۲۸۰۰۰۰ AFs	۴۳۰۰۰۰ AFs
۶ محمد يونس قانونى	۲۵۴۰۰۰۰ AFs	۲۵۰۰۰۰۰ AFs
۷ حفيظ الله بارکزی	۷۵۰۰ AFs	۵۲۳۲۰۰ AFs
۸ رمضان حسين زاده	۰	۲۱۸۰۰۰۰ AFs
۹ محمد ابراهيم قاسمى	۰	۱۰۲۹۱۵۰ AFs
۱۰ محمد هاشم کريمى	۰	۲۱۵۸۳۰۰ AFs

از آنجایی که سهم نامزدان مرد در انتخابات پارلمانی و شورای ولایتی بیشتر از زنان است و رقابت بین آنان شدیدتر است، بنابراین نامزدان مرد برای پیروزی بر رقبای خود نیاز به تبلیغات گسترده تر و صرف هزینه های بیشتر نسبت به نامزدان زن دارند.^{۲۸} بنابراین نامزدان مرد برای غلبه بر حریفان خود تبلیغات گسترده تر و هزینه های بیشتر و شیوه های متنوع تری را برای کمپاین نسبت به نامزدان زن به کار برده اند.

جدول زیر میزان مساعدت های دریافتی و مصارف مالی برخی از کاندیدان مرد در انتخابات ولسی جرگه ۲۰۱۰ را، که به طور تصادفی انتخاب شده نشان می دهد:^{۲۹}

گفتار دوم- شیوه های مدیریت کمپاین کاندیدان زن

با وجود ضمانت های قانونی برای حق نمایندگی زن ها در مجلس افغانستان، آن ها هنوز هم برای گرفتن این حق خود با چالش های جدی مواجه اند. قانون اساسی افغانستان ۶۸ کرسی را، که بیشتر از یک چهارم از مجموعه کرسی ها می شود، برای زنان در نظر گرفته است. حضور ۲۵ درصدی زنان در پارلمان افغانستان بیانگر درصد بالای شرکت زنان در مجلس افغانستان نسبت به بیشتر از ۱۰۰ کشور جهان میباشد، اما زن ها در جریان کمپاین های انتخاباتی با مشکلات زیادی مواجه می شوند. تقریباً یک سوم از کاندیداهای مصاحبه شده زن از مواجه شدن با خشونت و ارباب در جریان کمپاین از جانب رقیب های شان، که شامل کاندیدان مرد و زن می شد، خبر دادند.^{۳۰}

زنانی که برای انتخابات کاندید می شوند دو دسته هستند؛ یک دسته زنان سرشناس و فعال سیاسی که سال ها در زمینه های سیاست

کاندید یا کاندیدانی ممنوع می باشد، اما ناظرین ساحوی بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان (فیفا) وقایعی از سوء استفاده از منابع دولتی، که شامل استفاده غیرقانونی از امکانات دولتی، پوشش جانبدارانه کمپاین های شماری از کاندیدان از طریق تلویزیون ملی، و مداخله انتخاباتی کارمندان دولت در اوقات رسمی را، به ثبت رسانیده اند.^{۳۱}

برخی دیگر از کاندیدان نیز وابسته به احزاب و کشورهای خارجی هستند و منابع مالی کمپاین شان از طریق آنها تامین می شود و هزینه های زیادی برای چاپ پوستر و برگزاری گردهمایی ها و سخنرانی ها و سفر به ولایات در اختیار آنها قرار می گیرد.

براساس قانون انتخابات افغانستان، هیچ نامزدی حق ندارد از منابع خارجی کمک مالی دریافت کند و یا هم در جریان مبارزات از پول های غیرقانونی، که به کمیسیون انتخابات گزارش داده نشده باشد، استفاده کند^{۳۲} اما بسیاری از کاندیدان در خفا از پول های غیرقانونی در کمپاین خود استفاده کرده اند.

با این حال بسیاری از نامزدها اظهار می دارند که هیچ کمکی از کشورهای خارجی، احزاب و نهادهای دیگر دریافت نکرده اند و بیشتر از طریق سایت های اینترنتی و حساب های بانکی از سوی مردم به آنها کمک شده است.^{۳۳}

اشرف غنی احمدزی، یکی از کاندیدان انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ میگوید: «منبع اول من یک وب سایت است که برای افغان های خارج از کشور باز شده. منبع دوم یک حساب بانکی است که در داخل افغانستان موجود است و براساس آن هر فردی که کمک کند برایش رسید داده می شود. منبع سوم منازل شخصی و درآمد های شخصی من است.»^{۳۴}

بنابر آنچه گفته شد به طور کلی نامزدهای مرد منابع مالی خود را بیشتر برای سفر به ولایات و تشکیل مجامع و گردهمایی ها و سخنرانی ها و دیدار با سران قبایل و اقوام و تبلیغات تلویزیونی، چاپ پوسترها و بیلبردها، اجاره دفتر و استخدام نیروهای فعال و حتی در بعضی موارد برای خریداری آراء به مصرف می رسانند. نظارت بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان (فیفا) نشان داده است که خرید و فروش رای در کابل در جریان انتخابات معمول بوده است. گزارش هایی که فیفا در نتیجه نظارت از روند خرید و فروش رای تهیه کرده است نشان می دهد که روش های گوناگونی برای خریداری غیرمستقیم آرا در انتخابات ۱۳۸۹ وجود داشته است، روش هایی مانند فروش کارت های رای دهی به نامزدان و پرداخت پول به متنفذین و بزرگان جامعه و ملا امامان در بدل حمایت آنها از کاندید مورد نظر.^{۳۵}

۲۳- بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان: <http://www.fefa.org.af>

۲۴- وزارت عدلیه ج.ا.ا، قانون انتخابات، ماده ۳۰ و ۳۵.

۲۵- سایت بی بی سی فارسی: www.bbcpersian.com

۲۶- همان

۲۷- بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان: <http://www.fefa.org.af>

۲۸- مصاحبه شخصی با دکتر سردار محمد رحیمی، کارشناس مسائل سیاسی
۲۹- کمیسیون مستقل انتخابات: <http://www.iec.org.af/pdf/financial>
۳۰- انستیتوت دموکراتیک ملی: <http://www.ndi.org/afghanistan>

و مشارکت در دولت فعالیت داشته اند و از جمله زنان معروف و شناخته شده در جامعه هستند و یا در دوره قبلی عضو پارلمان کشور بوده اند، و دسته دیگر زنان علاقمند به سیاست و فعالیت‌های اجتماعی که جدیداً قصد ورود به عرصه سیاست و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی دارند. دسته اول معمولاً از خانواده‌های بانفوذ و متمکن هستند و یا خودشان از نظر مالی مستقل هستند. این دسته از نامزدان نه تنها از نظر تامین منابع مالی مشکلی ندارند بلکه به دلیل معروف بودنشان حتا نیازی به کمپاین گسترده و صرف هزینه‌های هنگفت نیز ندارند،^{۳۱} اما دسته دیگر، که به تازگی وارد عرصه سیاست و کارزار انتخابات می‌شوند برخی از آن‌ها از طبقات پایین جامعه و از لحاظ اقتصادی نیز اکثراً فقیراند و از نظر نیازمندی‌های مالی وابسته به خانواده‌هایشان می‌باشند. این‌ها برای تأمین منابع مالی کمپاین خود دچار مشکل می‌شوند.

شیوه‌های کمپاین در میان زنان کاندید معمولاً به صورت تبلیغات و حضور در مساجد و مدرسه‌ها و سخنرانی در محافل و مجالس و گردهمایی‌ها بوده است. معمولاً زنان کاندید برای تبلیغات خود از روش گفتگوی چهره به چهره استفاده می‌کردند و از طریق سخنرانی‌ها و ملاقات با ملا امامان و متنفذین و بزرگان سعی می‌کردند حمایت آنها را جلب کنند. یکی از روشهای کمپاین زنان برگزاری مراسم نذر و دعوت مردم برای خوردن نذر بوده است.^{۳۲}

از آنجایی که در جامعه سنتی افغانستان زنان بیشتر تابع مردهای خود هستند و بدون اجازه شوهرانشان حتا حق رای دادن هم ندارند، بنابراین زنان کاندید بیشتر سعی می‌کردند تا کمپاین‌شان بیشتر در بین مردان باشد یعنی در ابتدا سعی می‌کردند مردان رامتقاعد سازند و در بین مردان برای خود رای جمع کنند. در گام‌های بعدی و به ندرت، کاندیدان زن در بین زنان کمپاین می‌کردند. از جمله زنان کاندیدی که در بین زنان کمپاین کرده است خانم شکریه بارکزی و فوزیه گل دره‌ای بوده است.^{۳۳}

کاندیدان زنی که در بین زنان کمپاین میکردند، به دلیل اینکه اکثر آنان بی‌سواد هستند، به جای اینکه اهداف و برنامه‌های خود را توضیح بدهند مجبور بودند نحوه رای دهی به خود را برای زنان توضیح دهند تا آن‌ها متوجه شوند که چگونه به کاندید مورد نظر خود رای بدهند.^{۳۴} یکی از کاندیدان گفت که وی توجه بیشتر به آرای مردان نسبت به زنان دارد، زیرا زن‌ها اکثراً بی‌سواد بوده و توسط مردان راهنمایی می‌شوند. کمپاین مشترک کاندیدان زن با کاندیدان مرد نیز در بعضی حالات دیده شده است یک کاندید از طبقه اناث کوچی‌ها شریک ساختن دفتر خود را با یک کاندید مرد کوچی در ولایت پکتیکا گزارش داده است.^{۳۵}

از آنجایی که به جز تعداد معدودی، اکثر زنان کاندید از نظر منابع

مالی ضعیف و وابسته به خانواده‌های خود بودند و نمی‌توانستند هزینه‌های کمپاین خود را تامین کنند، شماری از آنان به احزاب و نهادهای سیاسی پیوستند تا هزینه‌هایشان توسط آن‌ها تامین شود و آن‌هایی هم که مستقل بودند اما از نظر اقتصادی ضعیف بودند نتوانستند به خوبی کمپاین خود را به پیش ببرند و شکست خوردند.

یکی از زنان کاندید، که نتوانسته بود در انتخابات رای کافی به دست بیاورد، اظهار داشت که بارها از طرف بعضی از احزاب به من پیشنهاد شد که تحت حمایت و پشتیبانی آنها قرار بگیرم و در عوض اهداف آنها را دنبال کنم، اما من نپذیرفتم و به طور مستقل کمپاین خود را پیش بردم و کارم را هم خوب انجام دادم اما موفق نشدم در حالی که رقابیم که از طرف بعضی احزاب حمایت می‌شدند، با اینکه کمپاین‌شان خیلی قوی و موثر نبود، اما چون از طرف احزاب حمایت می‌شدند و گاه با روش‌های غیرقانونی مانند خرید آراء و دادن تحفه‌ها به مردم و یا تقلب‌های گسترده، توانستند موفق شوند.^{۳۶}

روش‌های دیگری که زنان کاندید برای کمپاین خود استفاده کردند چاپ پوستر و عکس و کارت‌های تبلیغاتی بود که توسط موسسه ان-دی-آی^{۳۷} چاپ می‌شد و همچنین زنان کاندید برای آموختن شیوه‌های فعالیت‌های کمپاین خود توسط موسسه آی-آی-سی^{۳۸} آموزش می‌دیدند.^{۳۹}

یکی از مهمترین مشکلاتی که زنان کاندید در کمپاین‌های خود با آن مواجه بودند، مشکلات امنیتی بود و ناامنی، فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنان را با مشکل روبرو ساخته بود. اگرچه کمپاین‌های انتخاباتی زنان در کابل بیشتر به نظر می‌رسید، اما کاندیدان زن کمتر می‌توانستند که در ساحات جنوب و جنوب شرقی کشور، که شدیداً با خطرات ناامنی مواجه بودند، کمپاین کنند. چند کمپاین انتخاباتی که در این مناطق انجام شد، با اشتراک سران اقوام و تعدادی از رای دهندگان در منازل شخصی کاندیدان و به طور خصوصی صورت گرفت.^{۴۰}

درسراسر کشور، کاندیدان زن با اذیت و تهدید شورشیان، کاندیدان رقیب و مردان زورمند در اجتماع مواجه بودند. به گفته ناظرین فیفا کاندیدان زن و کمپاین‌گران ایشان در هر منطقه با تلفون‌های نامعلوم و پیام‌های تلفونی مورد تهدید قرار می‌گرفتند.^{۴۱}

هرچند کمپاین‌های انتخاباتی زنان با احتیاط بیشتری نسبت به کاندیدان مرد همراه بود، ولی باز هم ۶ تن از کمپاین‌کنندگان کاندیدان

۳۶- مصاحبه شخصی با یکی از کاندیدان ولسی جرگه ۲۰۱۰

۳۷- انستیتوت دموکراتیک ملی: <http://www.ndi.org/afghanistan>

۳۸- IEC

۳۹- مصاحبه شخصی با کلثوم حسینی کارشناس علوم سیاسی و محقق در واحد تحقیقات افغانستان.

۴۰- بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان (فیفا)، چهارمین گزارش نظارت از انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۹ دوره مبارزات انتخاباتی

۴۱- همان

۳۱- مصاحبه شخصی با کلثوم حسینی کارشناس علوم سیاسی و محقق در واحد تحقیقات افغانستان.

۳۲- همان

۳۳- همان

۳۴- همان

۳۵- انستیتوت دموکراتیک ملی: <http://www.ndi.org/afghanistan>

برسند.

کاندیدانی که مدیریت صحیح و کارآمد داشتند، با صرف هزینه اندک کامیاب شدند. اما برخی از کاندیدان، با اینکه منابع مالی هنگفتی در اختیار داشتند و تمام امکانات و منابع و نیروی انسانی در اختیارشان بود، به دلیل عدم مدیریت صحیح و هدر دادن منابع به صورت بی‌هدف و بی برنامه، نتوانستند موفقیتی بدست بیاورند.

به طور کلی می‌توان چنین نتیجه گرفت که با مدیریت صحیح و کارشناسانه منابع مالی برای کمپاین در انتخابات با صرف هزینه کم می‌توان به موفقیت رسید چنانکه بسیاری از کاندیدان زن، که منابع مالی زیادی در اختیار نداشتند اما مدیریت دقیقی بر مصرف هزینه‌های خود داشتند، به پیروزی نایل آمدند.

نتیجه گیری

براساس آنچه گفته شد می‌توان گفت، با وجودی که حقوق سیاسی زنان و حق انتخاب شدن و انتخاب کردن در قوانین افغانستان و موافقتنامه‌های بین‌المللی، که افغانستان به آنها پیوسته، تسجیل شده است اما برای تحقق کامل این حق در جامعه سنتی افغانستان راه درازی درپیش است. براساس یافته‌های تحقیق حاضر، علاوه بر چالش‌های عمده‌ای که برای همه نامزدان انتخاباتی به طور عموم وجود داشت؛ از قبیل خریداری آراء، نابرابری گسترده منابع مالی نامزدان مختلف، سوء استفاده از منابع دولتی از سوی نامزدان، نفوذ سیاسی و مالی خارجی، نبود شفافیت و فرهنگ قانون شکنی، مهم‌ترین چالش‌های زنان در مشارکت سیاسی و مدیریت و منابع مالی کمپاین انتخابات موارد زیر می‌باشد:

کمبود منابع مالی و وابستگی اقتصادی زنان به خانواده‌هایشان:

همان طور که در بالا اشاره شد اغلب زنان از نظر اقتصادی به خانواده‌های خود وابسته هستند و چنانچه خانواده‌هایشان از نظر مالی آنها را حمایت نکنند آنها نمی‌توانند در انتخابات سهم گرفته و مصارف کمپاین خود را تامین نمایند. همچنین نابرابری و تفاوت زیادی بین منابع و امکانات مالی کاندیدان مرد وزن وجود داشت که این خود نقش زیادی در عدم موفقیت زنان در کمپاین داشته است.

ناامنی شدید و تهدید علیه زنان در بعضی مناطق کشور:

بر اساس یافته‌های این تحقیق، یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که بر سر راه زنان در پیکارهای انتخاباتی وجود داشت و مانع کمپاین آنان می‌شد وجود ناامنی و تهدیدات شدید از سوی مخالفان دولت و یا کاندیدهای دیگر بود، به طوری که اغلب کاندیدان زن در هنگام کمپاین با تهدید شورشیان، کاندیدان رقیب و مردان زورمند در جامعه مواجه بودند.

زن کشته شدند. راپورهایی وجود داشته و نشان می‌دهد هرگاه که زنان برای محافظت خود و کارمندان خود از پولیس تقاضای همکاری نموده اند، با بسیار بی‌میلی حمایت شده اند و یک تعداد از آنان گزارش داده‌اند که تقاضای آنان برای محافظت، از سوی پولیس با وجود تمام تهدیدها علیه شان، رد گردیده است.^{۴۲} همان طور که ذکر شد، زنان نه تنها از طرف مخالفین دولت مورد تهدید و آزار و اذیت قرار می‌گرفتند، بلکه از جانب دولت و جامعه هم حمایت نشده و حتا مورد تهدید و آزار هم قرار می‌گرفتند.

همچنین در مواردی زنان در پیکارهای انتخاباتی هدف بدگویی و رفتارهای زشت سران مذهبی و کاندیدان مرد، که با آنان در رقابت بودند، قرار گرفتند. گزارش فیفا نشان می‌دهد که تنها در ولایت بدخشان در ۹ مورد زنان کاندید توسط سران مذهبی به فحشا و بی‌دینی متهم شدند و مردم را تشویق کردند که به زنان رای ندهند. این گزارش نشان می‌دهد که ملایهایی که علیه زنان تبلیغ می‌کنند، در بدل پول برای کاندیدان مرد کار می‌کنند.^{۴۳}

بر اساس مصاحبه با بیشتر از ۸۰ تن از کاندیدان زن که توسط انستیتوت دموکراتیک ملی انجام گرفته، در جریان کمپاین‌های انتخاباتی رفتارهایی از قبیل دشنام دادن و پاره کردن علنی پوسترهای انتخاباتی تا خشونت‌های فیزیکی علیه زنان صورت گرفته است.^{۴۴} با توجه به آنچه گفته شد و با وجود مشکلات زیادی که بر سر راه کاندیدی زن وجود داشت و با در نظر داشت نتایج انتخابات در بین زنان و مردان کاندید، به طور کلی می‌توان گفت که مدیریت کمپاین در کاندیدان زن بهتر از کاندیدان مرد بوده است، چون زنان با صرف هزینه‌های کمتر موفقیت‌های بیشتری بدست آورده‌اند، در صورتی که کاندیدان مرد با صرف هزینه‌های هنگفت و تبلیغات بیشتر موفقیت کمتری بدست آوردند.^{۴۵}

توجه به جدول مصارف مالی کمپاین کاندیدان زن، که به طور تصادفی انتخاب شده است، این نکته را روشن‌تر خواهد کرد:^{۴۶}

گزارش مصارف مالی کاندیدان زن در انتخابات ولسی جرگه ۲۰۱۰

با توجه به آنچه ذکر شد، با وجودی که کاندیدان زن نسبت به کاندیدان مرد از استقلال مالی کمتری برخوردارند و منابع کمتری برای کمپاین در اختیار دارند، اما با مدیریت صحیح و استفاده از شیوه‌های کم هزینه‌تر اما سودمندتر و تاثیرگذارتر، توانستند موفقیت‌های چشم‌گیری را نصیب خود سازند و همپای مردان کمپاین خویش را با همان منابع اندک به پیش برده و به موفقیت

۴۲- همان

۴۳- همان

۴۴- انستیتوت دموکراتیک ملی: <http://www.ndi.org/afghanistan>

۴۵- مصاحبه شخصی با دکتر سردار محمد رحیمی، کارشناس مسائل سیاسی

۴۶- کمیسیون مستقل انتخابات: <http://www.iec.org.af/pdf/financial>

عدم آگاهی زنان از چگونگی مدیریت کمپاین و فقدان بینش

سیاسی:

به دلیل سال‌های متمادی جنگ و وجود فرهنگ سنتی و مردسالار در جامعه افغانستان و محرومیت زنان از حقوق اولیه خویش، به خصوص حقوق و مشارکت سیاسی، زنان کشور به حد کافی از آگاهی و بینش لازم در مورد مسائل سیاسی و شرکت در انتخابات و شیوه‌های کمپاین و مدیریت صحیح کمپاین برخوردار نبودند و برای پیشبرد کمپاین به روش‌های صحیح به حد کافی آموزش ندیده بودند و در واقع نمی‌دانستند که روش‌های موفقیت‌آمیز در مدیریت کمپاین چیست و عدم آگاهی یکی از مشکلات عمده زنان برای رسیدن به موفقیت بود.

وجود فرهنگ سنتی و زن‌ستیز در جامعه مردسالار افغانستان:

به علت وجود فرهنگ سنتی و زن‌ستیز در جامعه، همواره موانع و مشکلاتی از سوی اقشار مختلف جامعه، به خصوص ملاامان و بزرگان قوم بر سر راه مشارکت سیاسی زنان و فعالیت‌های کمپاین آن‌ها ایجاد می‌شد و زنان کاندید مورد اتهام و بدگویی، تبلیغات منفی و آزار و اذیت آن‌ها قرار می‌گرفتند.

پیشنهادهای

برای رفع نواقص موجود و بهبود شرایط انتخابات در سال‌های آینده پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

دولت به عنوان اساسی‌ترین گام باید زمینه استقلال اقتصادی زنان را فراهم نماید تا زنان از نظر اقتصادی وابسته به مردان و خانواده‌های خود نباشند و بتوانند به طور مستقل و قدرتمند به فعالیت‌های سیاسی خود بپردازند و برابر با رقبای مرد خود بتوانند خود را برای پست‌های بالای سیاسی کاندید نموده و کمپاین نمایند.

به منظور تقویت استقلال و توانمندی اقتصادی زنان، دولت باید از اقدامات ویژه و مشخصی مثل تبعیض مثبت، مشخص کردن سهمیه زنان در تمام امور مربوط به اشتغال و امثال آن به عنوان راه‌حلهای کوتاه مدت استفاده نماید تا بدینوسیله نقش و سهم مساوی زنان در امور مربوط به اقتصاد و اشتغال تامین گردد و زنان بتوانند از حداقل استقلال اقتصادی برخوردار شوند.

فراهم نمودن امنیت عمومی در جامعه برای انجام فعالیت‌های سیاسی، به خصوص کمپاین‌های انتخاباتی، توسط دولت. علاوه بر اینکه باید امنیت و ثبات را به طور کلی برای فعالیت‌های کمپاین کاندیدها به طور عموم تامین نماید، برای زنان باید شرایط خاصی را برای تامین امنیت و محافظت از آن‌ها در دوره فعالیت‌های کمپاین ایجاد نماید تا زنانی که از سوی مخالفان دولت و رقبای خود مورد تهدید و خشونت و آزار و اذیت قرار نگیرند و با احساس امنیت و آرامش به فعالیت‌های سیاسی و کمپاین خود بپردازند.

بالا بردن سطح آگاهی زنان در مورد مسائل مربوط به انتخابات و کمپاین از طریق برنامه‌های بلند مدت آموزشی و برگزاری ورکشاپ‌ها و

برنامه‌های آموزشی، برنامه‌های تلویزیونی، آموزش در مکاتب و دانشگاه‌ها و تشویق زنان به مشارکت در برنامه‌های گروهی و حزبی برای بالا بردن سطح آگاهی سیاسی آنان.

بالا بردن سطح فرهنگ جامعه در رابطه با نوع نگاه‌ها نسبت به حضور و مشارکت سیاسی زنان. دولت باید با تنظیم برنامه‌های بلند مدت در راستای فرهنگ سازی و تغییرات زیربنایی در افکار عمومی و بالا بردن سطح فرهنگ جامعه و بینش سیاسی مردم دیدگاه جامعه را نسبت به مشارکت سیاسی زنان و احراز پست‌های مهم در دولت و سهم‌گیری در پارلمان توسط زنان مساعد بسازد و جامعه را به سوی یک پذیرش همگانی نسبت به حضور زنان در جامعه و مشارکت سیاسی آنان سوق دهد.

منابع و رویکردها:

منابع مکتوب:

۱. بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان (فیفا)، چهارمین گزارش نظارت از انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۹ دوره مبارزات انتخاباتی
۲. سرور دانش، حقوق اساسی افغانستان، احزاب سیاسی
۳. قانون انتخابات افغانستان
۴. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، گزارش نظارت از حقوق سیاسی در جریان دور دوم انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹

مصاحبه‌های شخصی

۱. مصاحبه شخصی با یکی از کاندیدای ناموفق در انتخابات پارلمانی در کابل
۲. مصاحبه شخصی با دکتر سردار محمد رحیمی، کارشناس مسائل سیاسی
۳. مصاحبه شخصی با کلثوم حسینی کارشناس علوم سیاسی و محقق در واحد تحقیقات افغانستان
۴. مصاحبه شخصی با یکی از زنان کاندید در انتخابات شورای ولایتی
۵. مصاحبه شخصی با یکی از کاندیدان انتخابات پارلمانی
۶. مصاحبه شخصی با یکی از کاندیدان زن
۷. مصاحبه شخصی با یکی از کاندیدان زن در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰
۸. مصاحبه شخصی با یکی از کاندیدان ولسی جرگه ۲۰۱۰

سایت‌های اینترنتی

1. <http://www.acsf.af/reportsHTML/wclrf2.html>
2. <http://www.bamdad.af>
3. <http://www.fefa.org.af/d>
4. <http://www.iec.org.af/pdf/financial>
5. <http://www.moi.ir/portal>
6. <http://www.ndi.org/afghanistan>
7. www.bbc.com/Persian
8. <http://www.ndi.org/afghanistan>

کمپاین در نبود امکانات (بلخ)

طرح تحقیق

نظام های سیاسی مردم سالار باید نماینده کل جامعه باشند و تمام اقشار جامعه باید بر تصمیم گیری های سیاسی که زندگی آنان را تحت تاثیر قرار می دهد نقش داشته باشند. اما در افغانستان زنان که قشری بزرگ از جامعه هستند سهمی بسیار اندک در تصمیم گیری های سیاسی کشور دارند. در جوامعی چون افغانستان که نهاد خانواده هنوز رکن اساسی جامعه را تشکیل می دهد زنان شاید به لحاظ کمی نیمی از جمعیت جامعه باشند لکن به لحاظ کیفی با نقش مؤثری که در چارچوب خانواده در زمینه امور تربیتی ایفا می کنند، جایگاهی فراتر از شاخصه های ظاهری مشارکت سیاسی را در امر توسعه سیاسی دارا هستند، لذا باید به قابلیت زنان به دید زیرساختی مؤثر برای توسعه مشارکت سیاسی توجه صورت بگیرد تا هم از حق خود به عنوان یک شهروند برای تصمیم گیری سرنوشت خود بهره مند شوند و هم رسالت خود را برای آموزش، تربیت و پرورش افراد به صورتی که اعضای کارآمد جامعه سیاسی باشند، انجام دهند و در واقع نقش مؤثر و مثبت در جامعه پذیری سیاسی داشته باشند.

اهمیت تحقیق

ناآگاهی از چالش هایی که فراروی مشارکت سیاسی زنان وجود دارد باعث می شود راه حل معقولی در جهت رفع آن چالش ها سنجیده نشود و هیچ استراتژی مشخصی برای ساختن زمینه های مشارکت سیاسی زنان به وجود نیاید. نتایج این پژوهش عملاً می تواند مورد استفاده نهادهای تصمیم ساز امور زنان باشد. مثلاً پارلمان با تصویب قوانینی که حامی توسعه مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان باشد می تواند در جهت هموار کردن شرایط برای افزایش مشارکت سیاسی زنان، گام بردارد. نتایج کاربردی این پژوهش مورد استفاده همه نهادهایی است که به طور تخصصی به مسایل سیاسی زنان توجه دارند. در سطوح فردی این تحقیق می تواند راهنمای عملی

زنانی باشد که به پایداری و تداوم نظام، با توجه به مشارکت فعالانه خود می اندیشند.

هدف تحقیق

کم رنگ بودن مشارکت سیاسی زنان در افغانستان از دلایل بسیاری نشأت می گیرد که یکی از آن ها چالش هایی است که زنان در دوران مبارزات انتخاباتی با آن ها درگیر هستند. نحوه تامین مالی انتخابات، اغلب از عدم توازن جنسیتی در جامعه تاثیر می پذیرد و حتی آن را تشدید می کند. در این تحقیق قصد داریم به بررسی مبارزات سیاسی انتخاباتی و چالش های آن برای کاندیدان زن در ولایت بلخ بپردازیم.

هدف اصلی این تحقیق مطالعه تاثیر دو عامل مدیریت کمپاین و الگوهای تامین مالی انتخابات بر حضور زنان در رقابت های انتخاباتی و میزان برد آنها است. اما در کنار بررسی این دو عامل، می توان به اهداف فرعی دیگری مانند بررسی میزان کارایی قوانین مالی انتخابات، نقش نظام انتخاباتی بر الگوهای تامین مالی و نقش پول در میزان برد کاندیدان زن ولایت بلخ نیز پی برد.

روش تحقیق

در این تحقیق قسمت عظیمی از اطلاعات از طریق مصاحبه مستقیم جمع آوری شده است. اعتبار و روایی مصاحبه و کاربرد آن در تحقیقات اجتماعی دلیل انتخاب این روش است. اطلاعات آماری و کمی مربوط به انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۹ از وبسایت کمیسیون مستقل انتخابات به دست آمده است که پس از ترتیب و دسته بندی، به تحلیل آن ها پرداخته شده است.

مثل بسیاری از تحقیقات اجتماعی دیگر، این تحقیق نیز با مشکلاتی روبه رو بود. مشکل عمده این تحقیق به مخاطبانی بر می گردد که ما برای تحقیق به همکاری آنان نیاز داشتیم. عدم آگاهی شهروندان ولایت بلخ از ارزش کارهای تحقیقی و بها

برای انتخاب زمامداران و نمایندگان به سال ۱۹۲۳، در دوره حکومت امان الله خان برمی گردد. اما شکل مستقیم و امروزی انتخابات برای اولین بار در سال ۱۳۸۳ در انتخابات ریاست جمهوری کشور تجربه شد.

اهمیت دوره کمپاین در افغانستان از دو جهت است:

مردم تقریباً تمام شناخت خود را از کاندیدان در این دوره به دست می آورند. ناآشنا بودن مردم با معیارهای درست و آگاهانه رای دهی هدایت اذهان مردم را به آسانی مقدور ساخته است. حتی اتفاق افتاده است که یک چهره نامحبوب در این دوره به یک چهره محبوب مردم تبدیل شود.

افغانستان اولین گام های خود را در انتخابات و کمپاین انتخاباتی می گذراند و فرهنگ انتخابات تا کنون در کشور ما به خوبی نهادینه نشده است. زیربنای انتخابات در حال شکل گرفتن است و ساختار و برنامه ریزی کمپاین بر فرآیند فرهنگ سازی انتخابات تاثیرگذار است. آشنا نبودن کاندیدان و برگزارکنندگان انتخابات با این پدیده، ممکن است پروسه انتخابات راه که نشانگر بلوغ سیاسی مردم است، به انحراف بکشاند و انتخابات را تبدیل به بازارهای معامله تجارتي نماید و حتی روند تشکیل یک دولت ملی را آسیب پذیر بسازد.

مدیریت کمپاین های انتخاباتی

برایان اودی متخصص مبارزات سیاسی و انتخاباتی و عضو موسسه انستیتوت دموکراتیک ملی برای امور بین المللی^۲ در راستای فعالیت اش در این موسسه در کشورهای گوناگون از جمله افغانستان، پاکستان، عراق، مراکش، یمن، روسیه، موریتانی، اوکراین، آذربایجان و گرجستان به بررسی فرآیند انتخابات، بهینه سازی عملکرد حزب های سیاسی و همچنین ارائه مشاوره به رهبران و احزاب سیاسی پرداخته است. او در کتاب «راهنمای مبارزات انتخاباتی» ستادهای انتخاباتی را که شانس پیروزی آنها به دلیل ضعف های درونی شان، صفر است اینگونه تقسیم بندی می کند:

گونه اول، ستاد انتخاباتی است که در آن اولاً هیچ پیام متقاعدکننده ای برای رای دهندگان وجود ندارد و ثانیاً از ایده مشخصی در زمینه شناسایی گروه هدف نیز پیروی نمی کند. این ستاد انتخاباتی، از ابتدا هیچ جهت معینی ندارد و با اتکا به آن، شرایط نه تنها بهتر نمی شود، بلکه رفته رفته به وخامت اوضاع نامزد یا نامزدهای مورد نظر افزوده می شود.

گونه دوم ستادهای بازنده، پیام روشن و گروه هدف مشخصی دارند، اما از برنامه معینی برای پخش پیام و جذب رای دهندگان از زمان شروع کار تا روز انتخابات برخوردار نیستند. این گونه ستادها نیز تنها سبب هدر رفتن زمان خود و رای رای دهندگان می شوند

ندادن به آن باعث شد تعدادی از کسانی که می توانستند اطلاعات ارزشمندی در اختیار ما قرار دهند از مصاحبه بپرهیزند و بعضی از مصاحبه شدگان هم از گفتن همه حقیقت خودداری کنند و یا هم با پیش فرض ها و گرایش های قومی و مذهبی به سوالات ما پاسخ دادند.

فرضیه تحقیق

الگوهای رایج تامین مالی انتخابات در ولایت بلخ یکی از دلایل ضعف کمپاین کاندیدان زن است.

وجود باورهای سنتی و بی اعتمادی به توانایی زنان میزان تاثیرگذاری کمپاین آنان را کاهش داده است.

الگوهای رایج تامین مالی انتخابات باعث بی علاقگی زنان به کسب پست های سیاسی شده است.

فصل اول: مدیریت کمپاین های انتخاباتی

در هر دو انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۹ تعدادی از زنان در ولایت بلخ پس از ثبت نام در انتخابات و تایید صلاحیت شان از طرف کمیسیون مستقل انتخابات، کاندید شدند و به رقابت با سایر کاندیدان در این ولایت پرداختند. همه این زنان کاندید در موعد معینی، که از سوی کمیسیون مستقل انتخابات به عنوان دوره کمپاین اعلان شده بود، به معرفی خود، کارکردها، اندیشه ها و اهداف خود پرداختند. پیش از آنکه به بررسی عملکرد این بانوان در مورد تامین مالی و مدیریت کمپاین آنها بپردازیم لازم است تعریفی از کمپاین و اهمیت آن داشته باشیم.

تعریف کمپاین یا مبارزات انتخاباتی و اهمیت آن

کمپاین یا مبارزات انتخاباتی تلاش سازمان یافته ای است که هدف آن تاثیرگذاری بر روند تصمیم گیری افراد جامعه در انتخاب کاندید مورد نظرشان برای رای دادن است. در این دوره کاندیدان سعی دارند ایده هایی را که به عنوان راهکار در نظر دارند به رای دهندگان ارائه کنند تا از طریق جلب نظرشان رای آنها را به خود اختصاص دهند. هدف دوره مبارزات انتخاباتی این است که «کاندیدان فرصت ارائه معلومات در مورد پالیسی ها و خط مشی سیاسی شان را برای رای دهندگان داشته باشند. در این دوره، رای دهندگان می توانند در مورد احزاب و کاندیدان معلومات بدست آورده، و هم می توانند از طریق سازماندهی مجالس سیاسی، یا تمویل برنامه مبارزه انتخاباتی حزب و یا کاندید مورد نظرشان را حمایت نمایند.»^۱

انتخابات پدیده جدیدی در افغانستان است که همراه با ورود افکار و شعارهای دموکراسی پا به این دیار گذاشت. پیشینه تاریخی انتخابات در افغانستان به صورت مدرن و منحیث راهکار سیاسی



و به جای پیشبرد اهداف و برنامه خود، بیشتر مشغول رویدادهای روز، فعالیت‌های رقیبان، مقالات چاپ شده در روزنامه‌ها یا واکنش نشان دادن به رویدادها و عوامل بیرونی هستند.

گونه سوم، ستادهایی را شامل می‌شود که پیام روشن، مخاطبان و گروه هدف مشخص و برنامه معینی دارند؛ اما یا در پیشبرد این برنامه ضعیف عمل می‌کنند (به علت ضعف برنامه) یا برنامه را به‌درستی اجرا نمی‌کنند. در واقع این گونه ستادهای انتخاباتی، ستادهای انتخاباتی تنبلی هستند که برای اجرا نکردن برنامه و در نتیجه برای برنامه‌های عقب مانده خود،

بهانه‌های ریز و درشت می‌بافند تا آنجایی که با مهارتی که در بهانه آوردن پیدا می‌کنند در روز انتخابات نیز برای باخت خود بهانه‌های خوبی می‌تراشند.^۳

بریان اودی فرایند انتخابات را به چند مرحله تقسیم بندی می‌کند که سهل انگاری و موفق نشدن در هر یک از این مراحل می‌تواند نتیجه تلاش‌ها در یک دوره مبارزات انتخاباتی را با ناکامی مواجه سازد.

انجام تحقیقات لازم جهت آماده شدن برای مبارزه انتخاباتی

(۲) تعریف کردن یک پلان استراتژیک

(۳) تحلیل، بخش بندی و انتخاب رای دهندگان گروه هدف

(۴) تعیین یک پیام انتخاباتی

(۵) تهیه یک برنامه ارتباطی با رای دهندگان

(۶) اجرای درست این برنامه

تعداد زیادی از کاندیدان زن در ولایت بلخ حاضر به مصاحبه نشدند و نتوانستیم این موضوع را از زبان خودشان بشنویم، با این وجود اطلاعاتی که از سایر شهروندان به دست آمده نشان می‌دهد که این مرحله از نظر بسیاری از کاندیدان زن ولایت بلخ پنهان مانده، یا تلاش جدی که منجر به تخصصی شدن برنامه ریزی کمپاین شود، نداشته‌اند.^۴ حتی یکی از شهروندان این ولایت معتقد است که زنان حتی هیچ پیش بینی در مورد اینکه چه مقدار هزینه ممکن است در کمپاین خود به مصرف برسانند در ذهن نداشته‌اند. تحقیقات این کاندیدان معمولاً محدود به شناسایی و لیسوالی‌ها و قریه‌جانی است که علاوه بر برخورداری از امنیت، امکان به دست آوردن رای برای آنها وجود داشته و همچنین بررسی مناطقی از شهر که از اولویت بیشتری برای انجام کمپاین برخوردار بوده‌اند. البته این تحقیقات هم به شکل کاملاً ابتدایی آن صورت گرفته است.

تعریف یک پلان استراتژیک

پلان استراتژیک برنامه‌ای است که راهبرد کمپاین را تعیین می‌کند. پلان استراتژیک از ترتیب یک هدف شروع می‌شود و با تعیین مقدار رای مورد نیاز برای پیروزی، مناطقی را که احتمال به دست آوردن رای بیشتر در آنها وجود دارد، اولویت بندی می‌کند و در دستور کار کمپاین قرار می‌دهد و کارها را در جهت مشخص هماهنگ می‌کند تا ضمن جلوگیری از اشتباهات، از ضایع شدن وقت نیز جلوگیری به عمل آید. این طرح باید طوری برنامه ریزی شود که در فرصت تعیین شده برای کمپاین (مدت سی روز که ۴۸ ساعت پیش از زمان برگزاری انتخابات ختم می‌شود) بتواند نظر

انجام تحقیقات لازم جهت آماده شدن برای مبارزه انتخاباتی

تحقیقات اولیه به کاندید کمک می‌کند تا اطلاعات لازم جهت ساختن یک برنامه دقیق کمپاین را به دست آورد. در این تحقیقات باید اطلاعات پایه‌یی بررسی شوند؛ مثلاً تعداد رای‌هایی که کاندید برای پیروزی نیاز دارد، شناسایی مناطقی که کاندید ممکن است بیشترین رای خود را از آنجا به دست آورد، امکانات و تجهیزات و مقدار بودجه مورد نیاز برای کمپاین و شیوه‌های به دست آوردن آن...

۴- مصاحبه با یکی از کاندیدان انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ در ولایت بلخ، مصاحبه مورخ ۱۳۸۹/۸/۱۶

۳- اودی، بریان، راهنمای عملی انتخابات، مترجم محمد صادق الحسنی، انتشارات نگاه معاصر، چاپ اول: بهار ۱۳۸۸

کمتری شوند.^۶

گاهی مشاهده می‌شد که گروه هدف بر اساس معیارهایی چون قومیت و مذهب انتخاب شده است که البته ناشی از شرایط و اوضاع سیاسی کشور می‌باشد.^۷ تعدادی از کاندیدان تعریف مشخصی از گروه هدف برای خود نداشته‌اند و شعارهای انتخاباتی و برنامه‌های کاری آنان متوجه همه مردم می‌شده است.^۸

پیام کمپاین و گروه هدف دو موضوع کاملاً مرتبط به هم هستند و پیام انتخاباتی مطابق با روحیات، ترجیحات و ارزش‌های گروه هدف باید طرح شود در بسیاری از موارد مشاهده شده است که خانم‌ها نتوانسته بودند رابطه دقیقی بین این دو موضوع برقرار سازند.

تعیین یک پیام انتخاباتی

پیام انتخاباتی استنباطی از دیدگاه کلی کاندید مورد نظر در رابطه با مسائل و مشکلات کشور است. پیام یا شعار انتخاباتی مهم‌ترین سخنی است که باید رای دهندگان را متقاعد سازد تا کاندید مورد نظر را بر سایر کاندیدان ترجیح دهد، بنابراین باید کاملاً سنجیده انتخاب شود. عبارتی که به عنوان پیام انتخاباتی برگزیده می‌شود باید دارای خصوصیات زیر باشد:

کوتاه، ساده و واضح باشد

قابل باور و بر پایه واقعیتها باشد

با اهمیت و ترغیب کننده باشد

ساده و موردپسند همه مردم باشد

متناسب با خواست‌های گروه هدف کمپاین باشد

در بلخ نیز خانم‌های کاندید جملاتی را به عنوان شعارهای انتخاباتی خود برگزیدند که گاه در پوسترهای تبلیغاتی در کنار عکس آنان ذکر گردیده بود. تعدادی از کاندیدان قسمتی از برنامه‌ها و پلان‌های کاری آینده خود را به عنوان شعار انتخاباتی برگزیده بودند.^۹ گاهی دیده می‌شد که کسانی ترجیح داده‌اند از طریق تحریک احساسات، مردم را متقاعد به انتخاب خود بسازند^{۱۰} ولی چیزی که زیاده‌تر به چشم می‌خورد این بود که در این شعارها نوعی گرایش برای بیان درد مشترک و عمومی خانم‌ها وجود دارد.^{۱۱}

در ذیل شعار انتخاباتی دو نفر از کاندیدان زن در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ ولایت بلخ ذکر شده است.

«به خواهرتان اعتماد کنید.»

۶- همان.

۷- مصاحبه با نرگس، باشنده شهر مزارشریف

۸- مصاحبه با یکی از کاندیدان انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹، ۱۶/۸/۱۳۸۹

۹- مصاحبه با یعقوب آزاده، خبرنگار و نویسنده در ولایت بلخ

۱۰- مصاحبه با تقی واحدی، خبرنگار و نویسنده و کارمند کمیسیون مستقل حقوق بشر

۱۱- همان.

به امکانات موجود، بیشترین دعوت را از مردم به عمل آورد. پلان استراتژیک ساختار کمپاین، بودجه مورد نیاز، منابع مالی کمپاین و نحوه توسعه برنامه کمپاین را نیز باید مشخص سازد.

زنان کاندید ولایت بلخ چون تحقیقات کافی و همه‌جانبه‌ای را در مورد زمینه‌های کمپاین خود نداشتند موفق نشدند یک پلان همه‌جانبه‌نگر و کاملی را برای مبارزه خود تعریف کنند. مثلاً در کمپاین بسیاری از کاندیدان تشکیلات کاری منظم دیده نمی‌شد. در حالیکه یک کمپاین موفق باید پست‌هایی از قبیل مدیر مبارزه انتخاباتی، آمر مالی، هماهنگ کننده داوطلبان، مسئول راه اندازی مجالس و غیره داشته باشد. در کمپاین زنان، می‌شود گفت تمام پست‌های کلیدی و مهم در دست خود کاندید بود که بی‌نظمی در کمپاین را به باور آورده بود و کاندید را از پرداختن به وظیفه اصلی‌اش که برقراری ارتباط مستقیم با رای دهندگان و دید و باز دید با آنها و رساندن پیامش به آنان است، باز داشته است.

بی‌تجربگی در امور کمپاین باعث شده است همه کاندیدان و خصوصاً کاندیدان زن برنامه ریزی آشفته‌ای داشته باشند. حتا گاهی حین اجرای برنامه چندین بار رویکرد خود را تغییر داده و به اشکال جدیدی از کمپاین روی آورده‌اند و از داشتن یک استراتژی واحد و معین محروم بوده‌اند.^۵

تحلیل، بخش‌بندی و انتخاب رای دهندگان گروه هدف

انسانها دارای علائق، آرزوها و باورهای بسیار متفاوتی هستند. پس متقاعد کردن همه آنها به اینکه یک شخص می‌تواند حامی خواسته‌های آنان باشد، کاری بس دشوار است. پس باید برای جلب توجه گروهی از مردم تلاش کرد. گروه هدف باید قشر مشخصی از مردم یک جامعه باشد که روحیات، ترجیحات و ارزش‌ها و خواسته‌های تقریباً در یک سطح داشته باشند. باید مشخص شود که چه کسانی از چه مناطقی به کاندید رای خواهند داد و تعداد آنان به چند نفر می‌رسد. وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سطح دانش آنان چقدر است و آیا وابسته به دولت یا جریان‌های سیاسی هستند یا نه.

در ولایت بلخ بنابر وجود مشکلاتی چون ناامنی، ضدیت باورهای سنتی و فرهنگی با حضور خانم‌ها در تجمعات مردانه، مخالفت برخی از علمای دین با احراز پست‌های سیاسی توسط خانم‌ها و مشکلات دیگر، خانم‌ها را واداشته تا ترجیح دهند برای کمپاین خود بیشتر در محیط‌های زنانه حضور پیدا کنند و مخاطب آن‌ها و متعاقباً گروه هدفی که مخاطب کمپاین آنان قرار می‌گرفتند معمولاً زنان بوده است؛ همین موضوع باعث شده است که کاندیدان زن از داشتن یک گروه هدف بزرگ محروم بوده و صاحب رای‌های

۵- مصاحبه با تقی واحدی، خبرنگار و نویسنده و کارمند کمیسیون مستقل حقوق بشر

«احترام و حمایت به قانون و تطبیق آن بدون تبعیض قومی و نژادی.»

همان طور که مشاهده می شود در این شعارها ویژگی های یک پیام خوب به طور کامل رعایت نشده است. در پیام های انتخاباتی دیگر، زنان کاندید ولایت بلخ نیز موضوعات مهم و اساسی، مانند هدفمند بودن، باور پذیر بودن و ترغیب کننده بودن پیام مد نظر گرفته نشده است.

ترتیب یک برنامه ارتباطی با رای دهندگان

ارتباط با رای دهندگان ممکن است به شیوه های مختلفی صورت بگیرد. مثلاً از طریق چاپ و نصب پوسترها، از طریق رسانه های عمومی، از طریق گردهمایی ها و نمایشات یا از طریق دید و بازدید رای دهندگان. یک کاندید باید بسنجد نظر به شرایط موجود کدام شیوه بهترین شیوه برای برقراری ارتباط با رای دهندگان است.

ایجاد ارتباط مهم ترین و سخت ترین قسمت کار کمپاین زنان ولایت بلخ بوده است، چرا که ارتباط با مردم عوام، که بخش بزرگ جامعه هستند به دلیل باورهای سنتی و فرهنگی افغانستان برای زنان کاری بس دشوار است. هرچند زنان موفق شدند بسیاری از مرزهای سنتی را بشکنند و با چاپ عکس های خود و یا از طریق رادیوها با مردم ارتباط برقرار کنند اما دید و بازدید آن ها با مردم فقط در مناطق خاص برنامه ریزی شده بود و تجمعات مردانه هیچ علاقمندی به شنیدن اظهارات آن ها نداشتند. یکی از کاندیدان مدعی است که وقتی برای صحبت با مردم به یکی از مساجد رفته بود با اعتراض حاضرین در مسجد رو به رو شد و بسیاری از آنان مسجد را ترک کردند.

اجرای درست برنامه

خانم ها برای اجرای برنامه ی کمپاین خود با دشواری هایی از قبیل احساس ناامنی، محدودیت های مالی، مخالفت باورهای سنتی و فرهنگی و ... رو به رو بوده اند. این مشکلات باعث شده است که برنامه های ایشان از جذابیت و وسعت کمتری نسبت به مردان برخوردار باشد، و همین امر باعث به وجود آمدن احساس عدم اعتماد و اطمینان به توانمندی زنان شده و آن ها نتوانستند جایگاه مناسبی در نزد رای دهندگان کسب نمایند.^{۱۲} گاهی کاندیدان زن در اواسط برنامه کمپاین خود نظر به مشکلات پیش آمده مجبور شدند رویکرد خود را تغییر دهند و قسمتی از برنامه کمپاین خود را تغییر دهند یا حذف کنند.

در مصارف کمپاین زنان هزینه های مربوط به سفر به ولسوالی ها و قریه جات، به ندرت مشاهده می شود. هرچند تعداد اندکی از کاندیدانی که حاضر به مصاحبه شدند اظهار کردند که

سفرهایی به اطراف داشته اند، اما در مجموع می توان گفت زنان فقط ولسوالی های امن و نزدیک را در برنامه کاری خود قرار داده بودند. تبلیغات از طریق رسانه ها در برنامه ریزی کمپاین زنان وجود نداشته، یا اگر این کار صورت گرفته از سوی نهادهای مدافع حقوق زن و از منابع عمومی انجام شده است. هزینه های مربوط به تشکیل اجتماعات بزرگ و گسترده و پذیرایی از مهمانان بسیار کم است. این نوع اولویت بندی برای تخصیص هزینه ها به موارد کمپاین این واقعیت را بیان میکند که بسیاری از موضوعات مهم و اساسی مربوط به برقراری ارتباط با رای دهندگان به دلیل محدودیت های مالی یا احساس ناامنی، مد نظر گرفته نشده و موجب ضعف و کم کارآمدی کمپاین زنان شده است.

کمپاین کاندیدان زن در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ نتوانسته بود تاثیر بسزایی داشته باشد. هریک از سه کاندید زن که در انتخابات ۱۳۸۹ به پارلمان راه یافتند از طریق تخصیص چوکی به پارلمان راه یافتند و موفق نشدند رای کافی در رقابت با مردان برای ورود به پارلمان را به دست آورند، که دلایل آن قبلاً هم ذکر شده است. نارسایی در امور کمپاین زنان دلایل متعددی دارد که به شرح آن ها می پردازیم.

محدودیت های مالی: وجود محدودیت های مالی زنان را وادار ساخته بود که به شیوه های ساده و ابتدایی کمپاین بسنده کنند و در پی ایجاد روابط گسترده تر در مناطق بیشتری نباشند.

عوامل ذهنی: گاهی زنان به دلیل ترس از باورهای سنتی و گاهی نیز به دلیل عدم باور و اعتقاد درونی به قابلیت های خود از حضور گسترده در اجتماعات می پرهیزند و بنابراین نمی توانند افکار آن جوامع را با خود همسو بسازند.

عوامل فرهنگی: فرهنگ مردسالاری، که از گذشته های تاریخی بر افغانستان حاکم است، زنان را وادار به تبعیت از مردان می کند و ارزش وجودی زنان را وابسته به انجام تکالیف دینی و پرورش مردان متدین می داند. این فرهنگ مردسالاری باعث شد که توجه به زنان کاهش یافته و علی رغم برخورداری زنان از توانایی های فردی، به کمپاین آنان توجهی صورت نگیرد. همچنین سوابق کم مشارکت زنان در امور سیاسی باعث شده است که جلوگیری از دسترسی زنان به پست های تصمیم گیری های ملی به یک عرف عمومی تبدیل شود.

عوامل اجتماعی: تفاوت فرایند اجتماعی شدن بین مردان و زنان و در نتیجه تفاوت رفتار بین آنان، همچون ترس زنان از ابراز نظر و صحبت کردن در مجامع عمومی و نداشتن اعتماد به نفس باعث شده بود که حضور آنان کم رنگ و کمپاین آنان کم تاثیر شود.^{۱۳} علاوه بر این، پیشداوری ها و تصویر منفی از زنانی که اهل سیاست هستند و کنترل اجتماعی اطرافیان که حضور زنان

این نقش سمبلیک را به زنان پیشنهاد کرده‌اند.^{۱۸} البته این ضعف دلایل دیگری همچون احساس ناامنی، مردسالاری، وجود باورهای سنتی نادرست و ... نیز دارد.^{۱۹}

فصل دوم: منابع مالی کاندیدان الگوهای رایج تأمین مالی کمپاین

شیوه‌های مختلف تأمین مالی انتخابات در هر کشور و هر منطقه متأثر از عوامل بسیاری است که از جمله این عوامل می‌توان نظام انتخاباتی، نظام سیاسی، هنجارهای اخلاقی، وضعیت اقتصادی عمومی اجتماع را نام برد. همه این عوامل دست به دست هم می‌دهند تا کاندیدان را به سوی استفاده از منابع مالی خاصی هدایت کنند و الگویی را برای تأمین مالی مبارزات انتخاباتی سیاسی در جامعه رایج بسازند. منابع مالی استفاده شده در کمپاین از چند جهت مهم و قابل بررسی است:

تأثیری که اهداف سرمایه‌گذاران کمپاین بر نقش و عملکرد برندگان مبارزات انتخاباتی در آینده کاری آنان می‌گذارد.
تأثیری که منابع تأمین مالی، بر روند و نتایج انتخابات می‌گذارد.

چون در این تحقیق به دنبال بررسی تأثیرات منابع مالی بر میزان حضور و موفقیت زنان در عرصه رقابت‌های سیاسی هستیم، اهمیت منابع مالی انتخابات را فقط از نقطه نظر دوم بررسی می‌کنیم. هرچند منابع مالی کمپاین بسیار گسترده هستند اما معمولاً به دو بخش عمده منابع مالی عمومی و منابع مالی خصوصی تقسیم می‌شوند. که در زیر به توضیح هر کدام از آن‌ها می‌پردازیم.
منابع مالی عمومی: تأمین مالی از بخش عمومی می‌تواند به صورت پرداخت مستقیم کمک‌های مالی یا به صورت غیر مستقیم و در قالب کمک‌هایی مانند اختصاص رایگان وقت برای تبلیغات تلویزیونی و رادیویی به عمل آید. پیش‌بینی مشوق‌هایی مانند اعتبارات مالیاتی یا کمک‌های بلاعوض به تشکلهای جامعه‌مدنی نیز از جمله سایر روش‌های تأمین مالی از محل بخش عمومی به شمار می‌آید.

منابع مالی خصوصی: چون اغلب منابع مالی عمومی محدود و ناکافی هستند اقدام به استفاده از منابع مالی خصوصی می‌شود. منابع مالی خصوصی شامل کمک‌های است که اشخاص، سازمان‌ها و واحدهای اقتصادی تحت مالکیت احزاب، یا منابع پنهانی، به کاندیدان اهدا می‌کنند.

سایر منابعی که کاندیدان اقدام به استفاده از آن برای تأمین مخارج کمپاین خود می‌کنند در زیر دسته یکی از این دو منبع کلی قرار دارد.

را در مجامع مردانه نمی‌پذیرند، تأثیر کمپاین زنان را کاهش داده است.^{۱۴} فقدان رسانه‌های گروهی و جمعی مسئولیت‌پذیر و هوادار توسعه کلان و مشارکت همه جانبه باعث شده است که کمپاین زنان در مقابل مردان بسیار بی‌رونق‌تر جلوه کند.^{۱۵} نبود جنبش‌ها و تشکلهای خودجوش زنانه باعث شده که کمپاین زنان از طرف هیچ ارگان اجتماعی حمایت نشود و حتی در بین خود زنان از شهرتی برخوردار نگردد.^{۱۶}

عوامل امنیتی: ناامنی باعث شده است که زنان بعضی از مناطق را برای حضور خود مناسب نبینند و فرصت کمپاین در آن مناطق را از دست داده‌اند. احساس ناامنی، با الزام احتیاط زیاد، کمپاین زنان را تحت تأثیر خود قرار داده و از همه‌جانبه‌گرایی و فراگیری کمپاین آنان کاسته است.

بی‌سوادی زنان و ناآشنایی با سیستم انتخاباتی

آگاهی زنان در مورد حقوق‌شان در ولایت بلخ در حال افزایش است. زنان به این باور رسیده‌اند که تنها خود آنان می‌توانند حامی حقوق‌شان باشند و بنابراین سعی دارند که نماینده خود را در پارلمان از میان خود انتخاب کنند. اما تعداد بی‌شماری از زنان در ولایت بلخ بی‌سواد هستند و به درستی نمی‌دانند که چگونه باید رای دهند. مثلاً بسیاری از زنان به دلیل بی‌اطلاعی، در موعد معین، موفق به دریافت کارت رای نشدند. تعداد دیگری نیز علی‌رغم به دست آوردن کارت رای نمی‌دانستند برای دادن رای به کجا مراجعه کنند. بسیاری از زنان در روز انتخابات با دو لیست طولانی مواجه شدند و باید از میان آن دو لیست، نماینده خود را در مجلس شورای ولایتی و پارلمان انتخاب می‌کردند. ناآگاهی در مورد اینکه چگونه باید کاندید مورد نظر خود را از این دو لیست طولانی یافته و مشخص کنند باعث شده است که کاندیدان زن رای قشری قابل ملاحظه از حامیان خود را از دست بدهند.^{۱۷}

علاوه بر عوامل ذکر شده، جدید بودن امر انتخابات در افغانستان و بی‌تجربگی زنان در امور کمپاین و انتخابات، مدیریت کمپاین زنان را دچار نواقص ساخته بود. عدم حمایت کافی دولت، جوامع مدنی و احزاب نیز باعث شده بود که کمپاین زنان در بلخ چشم‌گیر نبوده و از رونق کمی برخوردار باشد. حتی زنانی که وابستگی به احزاب داشته‌اند حمایت از کمپاین ایشان به شکلی موثر از طرف حزب معرف صورت نگرفته و احتمالاً احزاب برای اینکه از حزب خود چهره‌های مدرن، مدنی و مدافع حقوق بشر و حقوق زنان ارائه دهند،

۱۴- مصاحبه با یعقوب آزرده، خبرنگار و نویسنده ولایت بلخ

۱۵- مصاحبه با مبینة خیر اندیش، مدیر مسئول رادیو رابعه بلخی

۱۶- مصاحبه با نسیمه ازکیا، مسئول شبکه ی جامعه مدنی و حقوق بشر در زون شمال

۱۷- اندرو ویلدر، بررسی انتخابات شورای ملی در افغانستان، ترجمه ی فریدون شارق، جوزای ۱۳۸۴

۱۸- مصاحبه با مبینة خیر اندیش، مسئول رادیو رابعه ی بلخی در ولایت بلخ

۱۹- مصاحبه با طاهر مفید، نظریه پرداز و آگاه امور سیاسی

در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ شبکه خبرگزاری انترنیوز^{۲۰} فرصت یک اعلان رادیویی چند دقیقه‌ای را از طریق رادیو رابعه بلخی برای همه کاندیدان زن مهیا نمود. البته این امتیاز برای کاندیدان زن، نیز فقط حیثیت یک منبع تامین مالی عمومی را داشت و سهم ناچیزی در مصارف کمپاین زنان داشت.

منابع مالی خصوصی

تامین همه هزینه‌های انتخابات از منابع عمومی کاری بسیار دشوار است که از عهده کشورهای کم درآمدی مثل افغانستان خارج است و برای جبران این کمبود توسل به منابع خصوصی راهکار مناسبی به نظر می‌رسد. هرچند استفاده از منابع خصوصی ممکن است منجر به افزایش سرسام‌آور هزینه‌های انتخابات، افزایش احتمال فساد و کاهش امکان نظارت عمومی شود اما تنوع در تامین مالی می‌تواند روشی مناسب برای کاهش نابرابری‌ها، به ویژه تبعیضات جنسیتی باشد.

در ولایت بلخ بخش عظیمی از منابع مالی کاندیدان زن از منابع خصوصی تامین شده است و عمده‌ترین این منابع مالی از جانب خود شخص، احزاب و اشخاص و اتباع حقیقی افغانستان صورت گرفته است که به بررسی هر کدام از آن‌ها می‌پردازیم. **اشخاص حقیقی:** مطابق ماده سوم قانون دستور العمل اعلان منابع مالی کاندیدان ولسی جرگه، هر شخص حقیقی افغان حق دارد فقط تا سقف ۵۰۰۰۰ افغانی مساعدت خود را به یک کاندید اهدا کند. پرداخت اشخاص حقیقی به عنوان یکی از منابع خصوصی تامین مالی کمپاین زنان در انتخابات ۱۳۸۹ به ۵۱۰۰۷۰۰ افغانی رسیده است که این مبلغ حدود ۵۰ درصد تمام مصارفی است که در کمپاین کاندیدان زن مصرف شده است.

هزینه‌های شخصی کاندید: مجموع کل هزینه‌هایی که از بودجه شخصی کاندیدان زن در ولایت بلخ در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ به مصرف رسیده است ۱۰۱۰۴۷۰۰ افغانی می‌باشد که از این مبلغ، ۴۰۸۳۰۰۰ افغانی از بودجه شخصی کاندیدان زن ولایت بلخ پرداخت شده است که حدود ۴۹.۳۱ فیصد کل مبلغ مصرف شده می‌باشد.^{۲۱}

۲۰- Enter News

۲۱- مبلغ ها به دست آمده از گزارشات مالی کاندیدان در وب سایت کمیسیون مستقل انتخابات <http://www.iec.org.af>

ردیف	نام کاندید	منابع مالی عمومی		منابع مالی خصوصی	
		دولت	سازمان های جامعه ی مدنی	کاندید	احزاب
۱	صیغوره نیازی			۳۰۰۰۰۰	۰
۲	برشنا ربیع			۵۳۳۰۰۰	۰
۳	گلالي نور صافي			۳۵۰۰۰۰	۰
۴	حمیرا اکاخیل			۳۶۰۰۰۰	۰
۵	فاطمه جوادى			۶۷۵۰۰	۸۱۰۰۰
۶	مليحه احمد زى			۰	۳۰۰۰۰۰
۷	سارا مزارى			۰	۵۰۰۰۰۰
۸	طاهره حقجو			۳۴۰۰۰۰	۰
۹	نظیفه میرزاد			۰	۳۳۰۷۲۰۰
۱۰	گل مكي سیاووش			۱۸۰۰۰	۱۳۰۰۰۰
۱۱	قمر ایشچی			۰	۵۰۰۰۰۰
۱۲	قمر نوری			۸۱۰۰۰۰	۲۱۰۰۰۰
۱۳	زیب النسا شمس			۰	۱۰۵۷۵۰۰
۱۴	کامله روفی			۲۲۰۴۵۰۰	۰
مجموع			۴۹۸۳۰۰۰	۱۰۰۰۰۰	۵۱۰۰۷۰۰

جدول شماره (۱) منابع مالی کمپاین کاندیدان زن در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹^۱

۱- آمار به دست آمده از وب سایت کمیسیون مستقل انتخابات <http://www.iec.org.af>

الگوهای رایج تامین مالی کمپاین زنان در ولایت بلخ

برای بررسی منابعی که کاندیدان زن ولایت بلخ مخارج مالی مبارزات انتخاباتی سیاسی خود را از آن منبع پرداخت کرده اند از گزارش مالی ایکه کاندیدان از مصارف کمپاین خود به کمیسیون مستقل انتخابات ارائه کرده بودند، استفاده کردیم و ارقام به دست آمده را در جدول زیر دسته‌بندی کردیم.

تمام مصارفی که کاندیدان زن ولایت بلخ در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۴ انجام داده‌اند از منابعی که در جدول شماره ی (۱) ذکر شده تامین شده است که به توضیح هر کدام می‌پردازیم.

منابع مالی عمومی

تامین مالی از محل بودجه عمومی معمولاً راهکاری مناسب برای فراهم آوردن فضای رقابت برابر برای همه داوطلبین است. تامین مالی از منابع عمومی امتیازی است که می‌تواند زنان را تشویق به سهم‌گیری در پست‌های سیاسی انتخابی کند و زمینه را برای اشتراک زنان هموارتر بسازد. اما در دو انتخابات پارلمانی ۱۳۸۴ و ۱۳۸۹، هیچ نوع منبع عمومی (نه از طرف دولت و نه از طرف سازمان‌های جامعه مدنی) برای تمویل کمپاین انتخابات اعمال نشده است. البته

احزاب: در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ فقط دو مورد از مساعدت های مالی احزاب به بانوان کاندید ولایت بلخ در گزارشات مالی آنان وجود دارد که قمر گل (قمر ایشچی)، مبلغ ۵۰۰۰۰۰ از حزب جنبش ملی افغانستان و سارا مزاری، مبلغ ۵۰۰۰۰۰ از حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان دریافت کرده اند و این مبلغ سقف مساعدتهایی است که طبق ماده سوم قانون دستورالعمل اعلان منابع مالی کاندیدان، یک شخصیت حکمی می تواند به کاندید مورد حمایت خود، برای مصارف کمپاین اش پرداخت کند. مساعدت هایی که توسط اشخاص حقیقی به کمپاین زنان شده است حدود پنج برابر مساعدت های احزاب است که این موضوع می تواند بیانگر بی توجهی جریان های سیاسی فعال در ولایت بلخ به نقش زنان می باشد. هرچند بی اعتمادی به توانایی های زنان یک باور عمومی در ولایت بلخ است اما کوتاهی جریان های سیاسی، که مدعی روشن فکری و توانایی رهبری سیاسی هستند، نسبت به سهم زنان در امور سیاسی جای بسی تاسف است.

منابع پنهان هدایتی: گفته می شود بعضی از کاندیدان هیچ انگیزه خاصی برای کاندید شدن نداشته و به پیشنهاد و تشویق بعضی از گروه ها و تنظیم ها، یا احزاب، و یا هم اشخاص اقدام به کاندید کردن خود نموده اند. اکثر این افراد جزیی از گروه های بزرگتری هستند که تصمیم دارند با داشتن وکیلان طرف دار خود در پارلمان، توانایی تاثیر گذاشتن بر تصمیمات پارلمان را داشته باشند؛ همچون حمایتی که والی ولایت بلخ از یکی از کاندیدان زن در این ولایت انجام داده است. این کاندیدان از شخصیت های حکمی یا حقیقی مبالغی را به دست آورده اند که از درج آن در گزارش مالی خود، خوداری کرده اند.^{۲۲}

تاثیر الگوهای رایج تامین مالی ولایت بلخ بر مبارزات انتخاباتی زنان

مواردی که در بالا ذکر شد رایج ترین منابعی است که زنان کاندید ولایت بلخ برای پیشبرد امور کمپاین خود از آنها مدد جستند. همان طور که دیده می شود بیشترین مبلغ کمپاین زنان از محل بودجه خصوصی پرداخت شده است و بیشترین مبالغ نیز از طرف اشخاص حقیقی و سپس خود کاندید تهیه شده اند. احزاب نیز سهم اندکی در فعالیت های مبارزات انتخاباتی زنان داشته اند. مانند بسیاری از ولایات دیگر افغانستان، زنان ولایت بلخ نیز بسیار کمتر از مردان به اشتغال در بیرون از خانه پرداخته اند و خانم هایی هم که دارای شغل هستند در پست های بسیار کم درآمدتر و بی ثبات تری نسبت به مردان، گماشته شده اند و همین درآمد اندک هم اختصاص به خود آنها ندارد و معمولاً صرف مخارج خانواده می شود. این در حالی است که زنان در ولایت بلخ نیازمند مصرف هزینه های بیشتری نسبت به مردان برای ترغیب مردم به

انتخاب خود هستند، زیرا وجود باورهای سنتی و فرهنگی افغانستان باورمندی به زنان را در اذهان عمومی و حتی اذهان خود زن ها، از بین برده است. علاوه بر این زنان برای اینکه وقت خود را به خارج از خانه اختصاص دهند متحمل مخارجی مانند هزینه های پرستار بچه و خدمتکار خانه می شوند که مردان از این موضوع فارغ اند. این موضوعات باعث شده بود زنان ولایت بلخ که از استقلال و توانایی مالی برخوردار نیستند، کمتر به فکر سهم گیری در مبارزات سیاسی باشند. رایج بودن تامین هزینه های مبارزات انتخاباتی از بودجه خصوصی، بسیاری از بانوان را که توانایی تصاحب چوکی های پارلمان را در خود می دیدند، از اشتراک در انتخابات منصرف کرده بود و کسانی را که شهامت اشتراک را در خود می دیدند با مشکلات عدیده های مواجه ساخته است، چرا که کمپاین زنان از سوی مردان کمتر حمایت می شود و دیگر زنان نیز منبع مالی خصوصی برای حمایت از کمپاین زنان ندارند. هرچند که ماده سوم قانون دستورالعمل اعلان منابع مالی کاندیدان، حد معینی را برای مساعدت های اشخاص حقیقی و حکمی اعلام کرده است، اما چون استفاده از منابع پنهان هدایتی نیز به شدت رایج است^{۲۳} در آینده احتمال می رود هزینه های مبارزات انتخاباتی رشد سرسام آوری داشته باشد و اشتراک زنان را بیش از پیش با مشکل مواجه سازد. بنابراین تامین مالی کمپاین ها از محل بودجه خصوصی، هرچند باعث تنوع در منابع تامین مالی می شود و می تواند کاهش تبعیضات را به دنبال داشته باشد، مشکلات فراوانی را برای زنان ایجاد خواهد کند.

منشا بعضی از این وجوهات به طور مطلق خصوصی نیست. غالباً بعضی از شرکت های اقتصادی و گاهی گروه های سیاسی برای اعمال نفوذ بر روند تصمیم گیری در جریان قانون گذاری اقدام به حمایت از یک کاندید می کنند که این موضوع علاوه بر اینکه باعث فساد مالی انتخابات در ولایت بلخ شده است، عدم استقلالیت نظر و عمل را برای کاندیدان زن در پارلمان به همراه داشته است.

احزاب در ولایت بلخ سهم اندکی از مخارج کمپاین زنان را به دوش گرفتند. هیچ یک از احزاب اقدام به معرفی یکی از اعضای خود به عنوان کاندید زن از ولایت بلخ در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ نکردند در حالی که حمایت های مالی و معنوی یک حزب می تواند کمپاین زنان را از لحاظ امور مالی قوی تر و از لحاظ امور اداری تخصصی تر بسازد. هر چند بسیاری از احزاب مدعی طرفداری از مردم سالاری و حمایت از حقوق زنان هستند اما در جریان انتخابات هیچ تحرکی در این زمینه از خود نشان ندادند و این باور را که نقش زنان در پارلمان نقشی سمبلیک است تشدید کردند.^{۲۴}

۲۳- همان.

۲۴- مصاحبه مبینة خیر اندیش، مدیر مسؤول رادیو رایعه ی بلخی در ولایت بلخ

۲۲- مصاحبه با تقی واحدی، خبرنگار و نویسنده و کارمند کمیسیون مستقل حقوق بشر

جدول هزینه های مصرف شده و رای های کسب شده توسط کاندیدان زن در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹*

#	نام نامزد دوکیل	مبلغ مصرف شده	رای های کسب شده
۱	صیغوره نیازی	۳۰۰,۰۰۰	۴۳۵۸
۲	برشنا ربیع	۵۳۳,۰۰۰	۳۲۲۹
۳	گلالی نور صافی	۳۵۰,۰۰۰	۳۰۱۸
۴	حمیرا اکاخیل	۳۶۰,۰۰۰	۲۲۹۹
۵	فاطمه جوادی	۱۴۸,۵۰۰	۲۱۳۲
۶	ملیحه احمد زی	۲۸۰,۰۰۰	۱۸۸۲
۷	سارا مزاری	۱۰۰,۰۰۰	۱۸۱۲
۸	طاهره حقجو	۳۴۰,۰۰۰	۹۱۰
۹	نظیفه میرزاد	۳,۳۰۷,۲۰۰	۹۰۱
۱۰	گل مکی سیاوش	۱۴۸,۰۰۰	۸۱۲
۱۱	قمر ایشچی	۵۰۰,۰۰۰	۴۴۴
۱۲	قمر نوری	۱,۰۲۰,۰۰۰	۳۵۶
۱۳	زیب النسا شمس	۵۱۳,۵۰۰	۲۹۷
۱۴	کامله روفی	۲,۲۰۴,۵۰۰	۲۸۸

* برگرفته از آمار رسمی وب سایت کمیسیون مستقل انتخابات <http://www.iec.org.af>

نظام انتخاباتی

نظام های انتخاباتی به طور کلی به سه دسته زیر تقسیم می شوند:

۱. نظام های مبتنی بر اکثریت آرا
۲. نظام های مبتنی بر نمایندگی نسبی
۳. تلفیق دو نظام

در نظام های مبتنی بر اکثریت آرا، چون تبلیغات انفرادی کاندیدان از اهمیت زیادی برخوردار است، هزینه های انتخاباتی بسیار بالاست اما در نظام های نمایندگی نسبی، که معمولاً بر اساس فهرست کاندیدهای حزبی استوار است، چون هزینه های انتخاباتی را احزاب عهده دار می شوند هزینه های انفرادی کاهش می یابد و برای زنان که با محدودیت مالی بیشتری مواجه هستند این نظام مناسب تر می باشد.^{۲۷} اما در افغانستان نظام انتخاباتی مبتنی بر اکثریت آرا است که منجر به تامین مخارج مبارزات انتخاباتی از منابع مالی خصوصی غیرحزبی و شخصی شده است. هرچند نظام انتخاباتی افغانستان مبتنی بر رای واحد انتقال ناپذیر است که برای افغانستان یک سیستم نامناسب خوانده شده است، اما درصد معینی را برای کاندیدان زن مشخص کرده است و این امکان را برای زنان مهیا ساخته تا علی رغم به دست آوردن رای های کم، بتوانند جزو برنده های انتخابات باشند.^{۲۸}

۲۷- همان

۲۸- آزاد و عادلانه و با ناقص: چالش های انتخابات مشروع در افغانستان، گزارشی از واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان توسط اندریو رینولدز و اندریو ویلدر

حرکت های کوچکی از طرف جوامع مدنی برای حمایت از کمپاین زنان صورت گرفته است که این حمایت ها بیشتر در عرصه آموزش زنان بوده است نه حمایت های مالی از کمپاین زنان.^{۲۵} با توجه به نابرابری های شدیدی که از لحاظ توانایی مالی، پذیرش اجتماع و ... بین زنان و مردان وجود دارد، این حمایت ها بسیار کم و ناکافی به نظر می رسد. مردم ولایت بلخ به نقش سازمان های جامعه مدنی به عنوان سازمان های عدالت خواه و مدافع ارزش های مدنی اعتماد دارند و حمایت این سازمان ها از کمپاین زنان، علاوه بر اینکه می توانست تا حدی کمبودهای مالی کمپاین زنان را جبران کند، می توانست در تغییر باور مردم نسبت به ناتوانایی زنان سهم داشته باشد.

تأثیر نظام سیاسی و نظام انتخاباتی بر میزان مشارکت و بُرد خانم ها در مبارزات انتخاباتی

همان طور که قبلاً هم ذکر شد، شیوه های مختلف تامین مالی انتخابات در هر کشور متأثر از عواملی مانند نظام انتخاباتی و نظام سیاسی کشور، هنجارها و ارزش های اخلاقی مردم، وضعیت اقتصادی جامعه و ... می باشد.

نظام سیاسی کشور

نظام سیاسی کشور عواملی مانند فواصل بین برگزاری انتخاباتهای کشور، شیوه انتخابات، الزام داوطلبین به نامزدی در قالب فهرست حزبی یا به طور مستقل، جمع آوری و صرف کمک های مالی و شرایط کمک های مالی را مشخص می سازد. در نظام های ریاستی معمولاً برای هر یک از قوه های مجریه و مقننه انتخابات جداگانه برگزار می شود که معمولاً بخش اعظم منابع مالی احزاب و داوطلبین صرف انتخابات ریاست جمهوری می شود و همچنین منابع مالی به جای تزریق به ساختار رسمی احزاب، عمدتاً در اختیار کاندیدها یا حلقه های درونی آنها قرار می گیرد. در نظام های پارلمانی، که یک حزب واحد اکثریت مجلس را در دست می گیرد و همان حزب نخست وزیر را تعیین می کند، نظم و انتظام حزبی دقیق تر رعایت می شود و مخارج کمپاین توسط احزاب تامین می شود.^{۲۶} در افغانستان، که دارای نظام ریاستی است، انتخابات جداگانه ای برای احراز کرسی های پارلمان و کرسی ریاست جمهوری برگزار می شود. بیشترین تمرکز بر انتخابات ریاست جمهوری گذاشته شده و منابع مالی نیز در اختیار کاندید قرار می گیرد که تامین انفرادی و خصوصی را بیش از حد دامن می زند.

۲۵- مصاحبه با نسیمه اذکیا، مسئول شبکه ی جامعه ی مدنی در ولایت بلخ

۲۶- کتاب راهنمای پشتیبانی UNDP، تامین مالی انتخاباتی برای افزایش مشارکت سیاسی زنان، گریتنچ لوچسینگر سیدهو و رود منا، ص ۲۲

تأثیر مخارج مبارزات انتخاباتی بر نتیجه انتخابات

تعدادی از کارشناسان و نظریه پردازان بر این باورند که یکسان نبودن زمینه های معرفی و کمپاین کاندیدان، یکی از عوامل بی عدالتی در انتخابات است و منجر به این می شود که برنده های انتخابات را به جای شایسته ترین ها، ثروتمندترین ها تشکیل دهند. تعدادی از کشورها تصمیم گرفتند با یکسان سازی فرصت ها و زمینه های کمپاین برای تمام کاندیدان، سالم ترین انتخابات را به مرحله اجرا گذارند و نقش پول را کمتر بسازند.

در افغانستان مانند بسیاری از کشورهای دنیا پول نقش تأثیرگذاری در انتخابات دارد. با یک نگاه ساده به اطراف شهر در دوران کمپاین می توان به وضوح به قدرت مالی کاندیدان پی برد و نتیجه انتخابات را پیش بینی کرد. در ولایت بلخ نیز باور بسیاری از کارشناسان این است که پول نقش تعیین کننده در انتخابات داشته است. اما وقتی به آمار هزینه های مصرف شده در کمپاین زنان در بلخ دقت کنیم، چیز دیگری غیر از این را مشاهده خواهیم کرد.

همان طوری که در جدول شماره ۱ مشاهده می شود در نتایج انتخابات هیچ نظم منطقی در مورد میزان هزینه های مصرف شده و رای کسب شده وجود ندارد. تعدادی از کاندیدان، با وجود مصارف هنگفت رای کمی به دست آورده اند و تعدادی دیگر، با اینکه کمترین مصارف را داشته اند، توانسته اند در میان بانوان رای های قابل توجهی را کسب کنند. البته همان طور که قبلاً هم تذکر رفت، چون تعدادی از کاندیدان از گزارش میزان دقیق مصارف خود ابا ورزیده اند نمی توان ادعا کرد که نقش پول در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ در بلخ در موفقیت کاندیدان زن کم رنگ بوده است. وضعیت ظاهری کمپاین تعدادی از خانم ها، خصوصاً کسانی که در رده های اول جدول قرار دارند گویای این حقیقت است که مصارفی که در واقعیت صورت گرفته است چندین برابر مصارف گزارش شده آنها به کمیسیون می باشد.^{۲۹}

تعدادی از کاندیدان، علی رغم اینکه ادعا کرده اند قوانین و مقررات انتخابات را از کمیسیون مستقل انتخابات به دست آورده اند، بازهم مصارف آنان از حداکثر میزانی (۷۵۰۰۰۰۰ افغانی) که توسط قانون معین شده است، تجاوز می کند^{۳۰} و با گذشت زمان زیادی کمیسیون هنوز هیچ اقدامی را در این زمینه انجام نداده است.

کم نشان دادن هزینه های انتخاباتی

فیفا (بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان) برای نظارت از مصارف کاندیدان، تحقیقی تحت عنوان «پیگیری موازی مصارف» در ۱۶ حوزه شهری و یک واحد اداری اطراف کابل انجام داده است.

۲۹- مصاحبه با تقی واحدی، خبرنگار و نویسنده و کارمند کمیسیون مستقل حقوق بشر و مصاحبه با یکی از کاندیدان انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹

۳۰- به جدول هزینه های مصرف شده توسط کاندیدان در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ مراجعه شود

این تحقیق با تحت نظر گرفتن مصارف کمپاین ۲۲ تن از کاندیدان و مقایسه آن ها با گزارشی که به کمیسیون ارائه کرده بودند انجام شده است. نتیجه آماری این تحقیق گویای این موضوع است که ۶۲ فیصد از کاندیدان مد نظر گرفته شده مبلغی کمتر از مصارف واقعی خود را در گزارش مالی به کمیسیون ارائه کرده اند.

هرچند تحقیق مشابه این در ولایت بلخ صورت نگرفته اما بسیاری از کارشناسان و تعدادی از کاندیدان می گویند در ولایت بلخ نیز احتمال زیاد می رود که چنین تفاوت هایی بین گزارشات مالی ارائه شده و مبلغ واقعی مصارف وجود داشته باشد. آن ها مدعی اند چنانچه شاهد فعالیت های مبارزاتی انتخاباتی در سطح ولایت بلخ بوده اند، مصارفی که از جانب بعضی از کاندیدان زن صورت گرفته است در مقایسه با مصارفی که در گزارش مالی ایشان در سایت کمیسیون موجود است کمتر می باشد.

دلایل اینکه چرا کاندیدان سعی می کنند مصارف خود را کمتر از مقدار واقعی آن نشان دهند می تواند در دو بخش خلاصه شود: دلایل اجتماعی: یکی از دلایل می تواند این باشد که این کاندیدان سعی دارند یک شخصیت محبوب و مردمی از خود نشان دهند که کارکردهای اجتماعی آنان باعث محبوبیت آن ها در بین مردم و بلاخره انتخاب آن ها شده است نه تبلیغات گسترده.^{۳۱} علاوه بر این قشر عظیمی از مردم افغانستان در حالت فقر به سر می برند و این باور به طور عام در بین آن ها رایج است که کسی می تواند حامی حقوق آنان باشد که برخاسته از بین آنان بوده و توانایی درک وضعیت آنان را داشته باشد. پس کسی که توان به مصرف رساندن هزینه های هنگفتی را داشته باشد نمی تواند در آینده فریاد آنان را به گوش دولتمردان برساند.

دلایل حقوقی: به مصرف رسانیدن مبالغ هنگفت ممکن است باعث ایجاد حساسیت هایی در مورد منابع تمویل این هزینه ها گردد و کاندیدان برای اینکه سوالی در این رابطه در ذهن دیگران ایجاد نشود و منجر به واکنش و پیگیری ارگان های رسمی و قضاوت گروه های غیر رسمی نگردد، ترجیح می دهند مبلغ ذکر شده به حد عادی و در توان پرداخت یک زن افغان، که عموماً از استقلال اقتصادی برخوردار نیستند، جلوه کند.

شفاف نبودن گزارشات مالی کاندیدان علاوه بر اینکه می تواند باعث افزایش فسادهای انتخاباتی گردد، بی اعتمادی و بدبینی مردم را نیز نسبت به کاندیدان به دنبال خواهد داشت و همین موضوع باعث شده است که بسیاری از مردم از ارائه مساعدت های مالی خود به کمپاین کاندیدان خودداری کنند.

هر چند کمیسیون مستقل انتخابات نظر به صلاحیت تفویض شده در فقره دوم ماده ۴۳ و ماده ۶۳ و برای جلوگیری از تخلفات پیشبینی شده در ماده ۶۳ قانون انتخابات، دستور العمل اعلان منابع مالی کاندیدان ولسی جرگه در دوره مبارزات انتخاباتی را تصویب

۳۱- مصاحبه با یکی از کاندیدان زن در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹، ۱۶/۸/۱۳۸۹

نموده و به اجرا گذاشته است، اما باز هم منابع تامین مالی کمپاین بعضی از کاندیدان دارای ابهام است و تخلفات زیادی در گزارشات مالی آنان مشاهده می شود چرا که ظرفیت های اجرای قانون به وجود نیامده است و کمیسیون مستقل انتخابات هیچ نظارتی روی منابع مالی و مصارف کاندیدان ندارد.

فصل سوم: تفاوت در مدیریت و منابع مالی کمپاین کاندیدان زن و کاندیدان مرد

تفاوت در مدیریت کمپاین کاندیدان زن و کاندیدان مرد: همان طور که در فصل اول توضیح داده شد زنان به خاطر وجود موانع ذهنی، فرهنگی، اجتماعی در اداره امور کمپاین خود ضعیف تر از مردان عمل کردند.

در زیر برخی از مواردی که عمده ترین هزینه های کمپاین کاندیدان ولایت بلخ به آن ها اختصاص یافته است ذکر شده است و ما سعی داریم با بررسی این مصارف از لحاظ نحوه تخصیص آن ها به تجزیه و تحلیل این نکته بپردازیم که کاندیدان زن و مرد امور کمپاین خود را چگونه اولویت بندی کرده اند و چه تفاوت هایی در کمپاین زنان با مردان وجود داشته است.

چاپ پوسترها و بیلبردها: در ولایت بلخ، که تعداد بی سوادان به اندازه قابل ملاحظه ای زیاد است، استفاده از پوسترها به دلیل قابل رویت بودن و عدم نیاز به تحلیل، یکی از موثرترین شیوه های کمپاین است. همه کاندیدان این ولایت بخش قابل ملاحظه ای از هزینه های کمپاین خود را به چاپ پوسترها اختصاص داده اند^{۳۲} و کاندیدان زن بیشترین هزینه های کمپاین را به این مورد اختصاص داده اند و حتی در گزارش بعضی از کاندیدان زن تمام هزینه کمپاین خود را فقط به چاپ پوستر اختصاص داده اند.^{۳۳} در حالیکه مردان مصارف کمپاین خود را به چاپ پوستر محدود نکرده و اشکال مختلفی از تامین ارتباط را در برنامه خود داشته اند. با این حال، کاندیدان زن کمتر به چاپ بیلبردهای بسیار بزرگ اقدام نموده اند که شاید یکی از دلایل آن گزاف بودن هزینه چاپ آن بوده باشد، در حالیکه بیلبردهای متفاوت و بزرگی از مردان در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ در گوشه و کنار شهر نصب شده بود.

کمپاین از طریق رسانه ها: استفاده از رسانه های شنیداری (رادیو) و تصویری (تلویزیون) و چاپی، در سطح بسیار پایینی، جزئی از برنامه های کمپاین کاندیدان زن در ولایت بلخ بوده است. مردان با آگاهی از میزان تاثیرگذاری کمپاین از طریق رسانه ها، به این شیوه توسل جسته اند و هزینه های گزافی را صرف آن نموده اند و حتی یک تن از کاندیدان مرد اقدام به آغاز نشرات یک شبکه تلویزیونی

خصوصی در آستانه دوره کمپاین انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ نموده بود. اما استفاده کاندیدان زن از رسانه ها، خصوصاً رسانه های تصویری و شنیداری، بیش از اینکه به تمایل خود کاندیدان زن صورت گرفته باشد، به تلاش و ابتکار سازمان هایی که حامی مشارکت سیاسی خانم ها هستند صورت گرفته بود. مثلاً رادیو رابعه بلخی (رادیوی ویژه بانوان در ولایت بلخ) در طرحی که به تمویل مالی شبکه خبری انترنیوز انجام شد، فرصت ارائه پیام های کمپاین را به طور یکسان و برابر به همه کاندیدان زن در این ولایت اعطا کرد^{۳۴} که البته همین فرصت هم کوتاه و در حد چند دقیقه بوده است.

کارمندان و نمایندگان: بخشی از هزینه های کمپاین نیز صرف استخدام کارمندان شده است که برای پیشبرد امور کمپاین (تبلیغ و معرفی کاندید، نگهداری و به کارگیری از امکانات، امور اداری و ...) آنان ضروری بوده است. در گزارش مالی بسیاری از کاندیدان زن، که به کمیسیون مستقل انتخابات ارائه شده است، مبلغ بسیار اندکی صرف استخدام شده است و در بسیاری از موارد اصلاً مبلغی به استخدام اختصاص نیافته است. ساختار تیم کمپاین زنان به لحاظ نداشتن کارمندان رسمی دچار آسیب و آشفتگی شده و می توان گفت همین موضوع باعث به وجود آمدن نقایص و نارسایی کمپاین زنان شده است در حالیکه در گزارشات مالی مردان استخدام به شکل گسترده صورت گرفته است.

ایجاد مراکز یا دفاتر کمپاین: اکثر کاندیدان مرد برای اینکه رهبری و هماهنگی امور کمپاین بهتر صورت گیرد، اقدام به ایجاد دفتر یا دفاتری در نقاط مختلف ولایت بلخ نمودند. اما این هزینه ها در امور کمپاین زنان به نسبت مردان بسیار کمتر است و فقط در چند مورد اندک زنان اقدام به تاسیس دفاتر کمپاین نموده اند.^{۳۵}

خرید یا اجاره تجهیزات و امکانات: خرید و اجاره وسایط، تجهیزات و وسایل اداری نیز بخشی از هزینه های کمپاین را به خود اختصاص داده است. این مورد نیز در کمپاین زنان به نسبت مردان کمتر است و در موارد اندکی مبالغی که به کرایه وسایط اختصاص داده شده باشد توسط آنان مصرف شده است.

خریداری رای: به شهادت بعضی از مردم تعدادی از کاندیدها اقدام به خرید رای به اشکال مستقیم و غیر مستقیم نموده اند. گاهی کاندیدان در مقابل حمل و نقل رایگان به حوزه انتخاباتی و پرداخت مبلغی برای رای دهندگان، موفق به خرید رای مردم شده اند که البته این خرید رای در بین کاندیدان مرد بسیار رایج تر از کاندیدان

۳۴- مصاحبه با مبینة خیر اندیش، مدیر مسئول رادیو رابعه ی بلخی

۳۵- بررسی گزارشات مالی کاندیدان برگرفته از وب سایت کمیسیون مستقل انتخابات [Http://www.iec.org.af](http://www.iec.org.af)

۳۲- برگرفته از گزارش مالی کاندیدان در ولایت بلخ از سایت کمیسیون مستقل انتخابات <http://www.iec.org.af>

۳۳- گزارش مالی کاندید سارا مزاری در وب سایت کمیسیون مستقل انتخابات

به دو برابر زنان در امور کمپاین پول مصرف کرده اند. بیشتر این مصارف را از بودجه شخصی خود پرداخته اند. میزان بهره‌مندی زنان و مردان از مساعدت‌های حقیقی تفاوت بسیار اندکی دارد اما احزاب برای حمایت زنان بیش از مردان علاقه نشان داده‌اند. البته، چنانچه قبلاً هم ذکر شد به دلیل رایج بودن استفاده از منابع پنهان هدایتی و تخطی کاندیدان از ذکر منبع و مبلغ واقعی مساعدت‌ها، این آمارها ممکن است کاملاً دقیق نباشد.

نتیجه گیری

معمولاً در کشورهای مثل افغانستان که پس از یک دوره جنگ و آشوب‌های داخلی برای تشکیل دموکراسی‌های نوپا اولین قدم‌های خود را برای برگزاری انتخابات می‌گذرانند، اهمیت برقراری نظام سیاسی جدید و اجرای اولین انتخابات آزاد را در مقایسه با ایجاد تضمین‌هایی برای مشارکت فعال زنان در انتخابات، در اولویت پایین‌تری قرار می‌دهند.

در کشور ما که حضور زنان در عرصه‌های سیاسی پیشینه تاریخی ندارد و چندین دهه جنگ و بحران پی در پی هیچ مجالی به تقویت زمینه‌های حضور سیاسی زنان نداده است، اینک فرصتی مهیا شده است که گام‌هایی در این زمینه برداشته شود. هرچند تلاش‌هایی مثل تصویب قانون تخصیص ۲۷ درصد چوکی‌های پارلمان به زنان صورت گرفته است، اما این تلاش‌ها بازهم ناکافی به نظر می‌رسد. چرا که حضور زنان در سیاست هنوز از مسائلی مانند باورهای سنتی و فرهنگی، محدودیت‌های مالی، ناامنی و ... به شدت آسیب پذیر است.

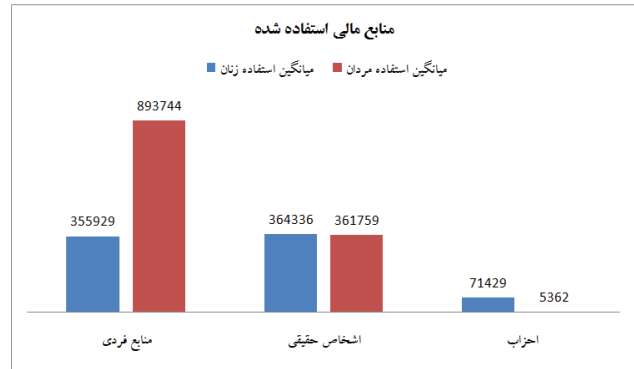
همان‌طور که در متن تحقیق اشاره شد، الگوهای اجتماعی و فرهنگی جامعه و باورهای ذهنی خود کاندیدان کیفیت و کارایی مبارزات انتخاباتی زنان را دچار چالش کرده است. وابستگی کامل هزینه‌های انتخابات به بخش بودجه خصوصی باعث شده است که هزینه‌های انتخابات روند رو به رشدی را بپیماید که با توجه به محدودیت‌های مالی زنان، به یک چالش عمده برای سهم‌گیری و موفقیت آنان در مبارزات انتخاباتی تبدیل شده است. در بعضی از ولایات، زنان توانستند این سدها را بشکنند و حتی در رتبه‌های بالای لیست کسانی که بیشترین رای را آورده‌اند، قرارگیرند اما زنان در ولایت بلخ هنوز موفق نشده‌اند از سد این مشکلات بگذرند.

پیشنهادات

ایجاد برنامه‌های آموزشی مدیریت کمپاین برای کاندیدان، خصوصاً کاندیدان زن جهت افزایش سطح مهارت‌های آنان برای برنامه‌ریزی درست و ایجاد ارتباط بهتر؛

تدوین برنامه‌های آموزشی برای رای دهندگان به خاطر آشنایی آنان با مراحل رای دهی برای جلوگیری از اتلاف رای‌ها؛

افزایش سطح کیفی نظارت از امور مالی کمپاین‌ها برای اصلاح



زن می‌باشد.^{۳۶} گاهی کاندیدان با پرداخت مبالغی به عنوان کمک به مساجد، مکاتب و بعضی اماکن عمومی دیگر موفق می‌شدند رای مردم را به دست آورند؛ مثلاً یکی از کاندیدان با پرداخت مبلغی به عنوان کمک به یک مکتب توانسته است مسئولین مکتب را ترغیب به حمایت و طرفداری از خود در بین مردم نماید.^{۳۷}

در فصل اول به بیان شش مرحله به عنوان اساسات کمپاین پرداختیم. در بعضی از این مراحل مانند انجام تحقیقات لازم جهت آماده شدن برای مبارزه انتخاباتی، تعریف کردن یک پلان استراتژیک، تحلیل، بخش بندی و انتخاب رای دهندگان گروه هدف و تعیین یک پیام انتخاباتی، مردان همچون زنان تجربه موفق‌تری نداشته و غیر تخصصی عمل کرده‌اند اما در بخش تهیه پلان استراتژیک و اجرای برنامه، مردان موفقتر از زنان بوده‌اند. مثلاً مردان در برقراری روابط مستقیم و دیدار با رای دهندگان بیش از زنان موفق بوده‌اند و زنان معمولاً تامین ارتباط را از شیوه‌های غیر مستقیم انجام داده‌اند.

با این حال، هرچند تلاش‌هایی برای گسترش زمینه‌های حضور سیاسی زنان صورت گرفته است، اما حضور زنان بیشتر فقط جنبه حقوقی داشته است نه واقعی.

تفاوت در منابع مالی کاندیدان زن و کاندیدان مرد

در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ در ولایت بلخ به تعداد ۸۲ نفر از کاندیدان به رقابت‌های انتخاباتی پرداختند. در سایت کمیسیون مستقل انتخابات گزارش مالی ۷۲ نفر از کاندیدان وجود داشت که ۵۸ گزارش مربوط کاندیدان مرد و ۱۴ گزارش از کاندیدان زن بوده است. در گزارشات مالی این کاندیدان هزینه‌های کمپاین خود را از سه منبع بودجه شخصی کاندید، مساعدت‌های احزاب و اشخاص حقیقی به دست آورده بودند که این منابع دسته بندی و در جدول زیر ترتیب شده‌اند.

میانگین مصرف برای هر کاندید مرد برابر با ۱۲۱۹۱۴۰ افغانی است که این مبلغ ۱.۷ برابر میانگین مصرف هر کاندید زن است. همان‌طور که در نمودار بالا مشاهده می‌شود، مردان نزدیک

۳۶- مصاحبه با یک تن از کاندیدان زن در ولایت بلخ، ۱۶/۸/۱۳۸۹

۳۷- مصاحبه با یک تن از ژورنالیستان در ولایت بلخ، ۱۶/۸/۱۳۸۹

امور مالی کمپاین؛

ایجاد چهارچوب زمانی واقع بینانه برای انتخابات، که بنابر آن، زنان فرصت کافی برای به دست آوردن توانایی بالقوه برای اشتراک در مبارزات انتخاباتی را داشته باشند؛

افزایش سهم سازمان‌های جامعه مدنی برای شناسایی خلاها، نظارت از جریان کمپاین‌ها و انتخابات جهت افزایش شفافیت در انتخابات و ارائه راه‌حل‌های عملی؛

منابع

سایت‌های اینترنتی:

- ۱- سایت رسمی کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان
<http://www.iec.org.af>
- ۲- سایت رسمی فیفا (بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان)
<http://www.fefa.org.af>
- ۳- سایت مرکز واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان
<http://www.areu.org.af>

مصاحبه‌ها

۱. مصاحبه با شفیق الله عزیزی رئیس رادیو و تلویزیون ستاره سحر
۲. مصاحبه با تقی واحدی نویسنده و خبرنگار و کارمند کمیسیون مستقل حقوق بشر
۳. مصاحبه با ملالی روشندل مسئول انجمن معاونیت برای دفاع از حقوق زنان
۴. مصاحبه با ملیحه احمدزی کاندید ولسی جرگه ۱۳۸۹
۵. مصاحبه با نظیفه میرزاد کاندید ولسی جرگه ۱۳۸۹
۶. مصاحبه با نسیمه ازکیا هماهنگ کننده دفتر شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر در مزار شریف
۷. مصاحبه با یعقوب آزرده خبرنگار و نویسنده
۸. مصاحبه با مبینہ خیر اندیش مسئول رادیو رابعه بلخی
۹. مصاحبه با نرگس یکی از شهروندان شهر مزار شریف و فارغ التحصیل از رشته علوم سیاسی

بخش پنجم:

نقش احزاب سیاسه و جامعه مدنه در تأمین مشارکت زنان در انتخابات

نقش احزاب سیاسی و جامعه مدنی در بهبود مشارکت زنان (کابل)

مقدمه:

انتخابات، امروزه از اصول نظام دموکراسی به شمار می‌رود که از طریق آن اراده سیاسی مردم برای گزینش رهبران سیاسی شان، و به طور اخص گزینش رییس جمهور و نمایندگان مردم در پارلمان تبلور پیدا می‌کند. انتخابات یک روند تدریجی و تکاملی را پیموده و امروزه به عنوان یکی از مؤلفه های مهم مشارکت سیاسی، نقش مهمی را در تعیین نمایندگان و زمامداران و مشروعیت نظام سیاسی بازی می‌کند. نخستین جرقه انتخابات در شکل نوین آن در بریتانیا آشکار شد و کم کم این روند رو به تکامل نهاد و پس از آن علاوه بر رشد کیفی، گسترش کمی در سایر کشورها نیز پیدا نمود و به شکل منسجم وارد ساختار حقوقی کشورها گردید و رای دادن در قوانین کشورها به عنوان یک حق شناخته شد.

حق رای در ابتدا منحصر به شمار معدودی از اعیان بود ولی بعدها برای شمار بیشتری از افراد تعمیم یافت. زنان تا مدت ها از حق رای برخوردار نبودند. در انگلستان در ۱۹۱۸ و در فرانسه در ۱۹۴۵ این حق برای زنان به رسمیت شناخته شد. در آمریکا نیز پذیرش حق رای عمومی سابقه بیشتر از چند دهه ندارد.

در افغانستان، هرچند در قانون اساسی دهه دموکراسی (۱۳۵۲-۱۳۴۳) حق رای به رسمیت شناخته شد، ولی حق رای همگانی در اداره جدید حکومت افغانستان و بر مبنای قانون اساسی ۱۳۸۳ به اجرا درآمد که مطابق آن تا هنوز دو دور انتخابات ریاست جمهوری و دو دور انتخابات پارلمانی و نیز انتخابات شورای ولایتی برگزار شده است. براساس قانون اساسی فعلی افغانستان، زنان از حق رای و مشارکت برابر با مردان برخوردارند و می‌توانند (در صورت تکمیل کردن سن قانونی) هم به عنوان کاندید و هم به عنوان رای دهنده، بدون هیچ گونه محدودیتی در انتخابات شرکت کنند.

با این حال، مشارکت زنان با چالش‌ها و محدودیت‌های فراوان فرهنگی، سیاسی و امنیتی مواجه است. این نوشته در صدد آن است که نقش احزاب سیاسی و نهادهای جامعه مدنی را در مورد

حضور زنان در دو انتخابات گذشته مورد بررسی قرار دهد. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی ارائه می‌شود و داده‌ها و اطلاعات اولیه آن نیز با استفاده از انجام مصاحبه، مشاهده و مطالعات کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است.

نگاهی به نقش احزاب سیاسی در انتخابات افغانستان

احزاب سیاسی، که منسجم‌ترین تشکل و هدفمندترین گروه‌بندی سیاسی به حساب می‌آیند، اصولاً بر بنیان نظریه تکثرگرایی و مشارکت‌پذیری سیاسی استوارند. به عبارت دیگر، رقابت سیاسی نیروها که خود بر بستر فرهنگ مشارکت سیاسی تحقق می‌یابد، از این پیش زمینه‌های مهم ظهور و شکل‌گیری احزاب سیاسی است. از این رو برای حکومت‌های دموکراتیک، که بر مبنای مشارکت سیاسی و رقابت آزاد نیروها شکل می‌گیرند، وجود احزاب ضرورتی انکارناپذیر دارد و از این منظر، احزاب ستون فقرات دموکراسی به شمار می‌روند.^۱

حزب سیاسی، «گروهی از شهروندان با آرمان‌های مشترک و تشکیلات منظم و متکی به پشتیبانی مردم است که برای به دست گرفتن قدرت دولتی و یا شرکت در آن مبارزه می‌کند.» با این حساب می‌توان گفت مؤلفه‌ها و مقومات حزب سیاسی عبارتند از: رقابت بر سر قدرت، جلب حمایت افکار عمومی و آراء مردم، سازمان‌دهی توده‌ها در یک تشکل سیاسی و داشتن سازمان منظم و منسجم با اهداف معین. بنا براین، هدف اصلی حزب سیاسی، فتح قدرت و به دست آوردن چوکی‌های قوای مقننه و مجریه است.^۲

به این ترتیب، ایجاد و فعالیت احزاب سیاسی و نهادینه شدن آن در افغانستان جدید، که آرام آرام، مشق دموکراسی و مشارکت سیاسی و کثرت‌گرایی را تمرین می‌نماید، یکی از ضرورت‌های

۱- عبدالعلی محمدی، نگاهی به نقش احزاب سیاسی در افغانستان جدید (۱)، ۱۵/۳/۱۳۸۶، برگرفته از وبلاگ میز مجازی: <http://wazirtamaki.blogfa.com/post-4.aspx>

۲- همان

افغانستان جدید و احزاب سیاسی

قانون اساسی افغانستان تشکیل و ایجاد احزاب سیاسی را حق شهروندان می‌شمارد و می‌نگارد: «اتباع افغانستان حق دارند مطابق به احکام قانون احزاب سیاسی تشکیل دهند...» همچنین ماده ۱۳ قانون احزاب عضویت در احزاب سیاسی را برای هر شهروندی که سن ۱۸ سالگی را تکمیل کرده باشد، به رسمیت می‌شناسد: «اتباع کشور که سن هجده سال را تکمیل و حق رأی دهی را قانوناً دارا باشند، می‌توانند عضویت حزب سیاسی را حاصل نمایند.»

البته این نکته را نباید از نظر دور بداریم که ساختارهای احزاب در افغانستان به هیچ وجه به استندرد بین المللی خود نرسیده و تعریفی که از احزاب سیاسی و ساختارهای تشکیلاتی و ارتباط مردمی آنکه در دانش سیاسی ارایه گردیده است، احزاب افغانستان بسیار از آن فاصله دارد. به باور ذاکر حسین ارشاد استاد علوم سیاسی و کارشناس مسایل سیاسی در دانشگاه ابن سینا، حزب به معنای واقعی کلمه هنوز در افغانستان متولد نشده است. اسما ما احزاب زیادی داریم، اما متناسب با شاخصه‌هایی که برای یک حزب تعریف می‌شود ما با آن شاخصه‌ها حزب سیاسی نداریم. این احزاب فاقد ساختار سازمانی است و به طور کلی احزاب افغانستان بر محور افراد خاص شکل گرفته و وجود آن احزاب به وجود این افراد وابسته است.^۵ با این حال، بیش از یک صد حزب سیاسی رسماً در وزارت عدلیه به ثبت رسیده است. باور بر این است که تعدد بیش از حد احزاب در افغانستان ناشی از وضعیت بی‌ثبات سیاسی در کشور است. برخی از صاحب نظران معتقدند که وضعیت و تعدد احزاب بیانگر وضعیت اجتماعی و سیاسی جامعه است و اگر شگاف‌های اجتماعی متنوع‌تر و پیچیده‌تر باشد، تعدد احزاب افزایش می‌یابد. هم چنان شگاف‌های طبقاتی، مذهبی، قومی و نژادی نیز بر تعدد احزاب موثر است و شمار حوزه‌های وفاداری سیاسی و در نتیجه تعدد احزاب را افزایش می‌دهد.^۶

حضور کمرنگ احزاب سیاسی در دومین انتخابات پارلمانی افغانستان

با وجود تعدد پرشمار احزاب سیاسی در افغانستان، این احزاب در انتخابات‌های پارلمانی کشور نقش چندان برجسته‌ای نداشته‌اند. در دومین انتخابات پارلمانی کشور نیز این احزاب نقش بسیار قوی و برجسته نداشتند. بیشتر کاندیدان انتخاباتی خود را به صورت مستقل کاندید کرده بودند. براساس گزارش انستیتوت دموکراتیک ملی در انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۹ از میان کاندیدانی که در پارلمان قبلی هم عضویت داشته‌اند و دوباره خود را کاندید کرده‌اند، حدود ۲۵ درصد آنان وابسته به احزاب سیاسی هستند، در حالی که از میان

اساسی به شمار می‌رود. زیرا احزاب سیاسی، بر اساس تجارب بشری، بهترین بستر برای فعالیت‌های سیاسی به حساب می‌آیند. بر همین اساس، قانون اساسی افغانستان آزادی احزاب و جمعیت‌های سیاسی و تشکیل اجتماعات را به رسمیت شناخته و مورد تایید قرار داده است.^۳

پیشینه احزاب سیاسی در افغانستان

برخی از دانشمندان، احزاب سیاسی را مولود پارلمانتاریسم دانسته و بر این باورند که احزاب سیاسی همزمان با آیین‌های انتخاباتی و پارلمانی به وجود آمده و توسعه آن‌ها توأمان صورت گرفته است. از این نظر، احزاب سیاسی با انتخابات پارلمانی همراه بوده و نقطه آغاز فعالیت احزاب با عنوان کمیته‌های انتخاباتی شناخته می‌شود. اما احزاب سیاسی در افغانستان دقیقاً به همین ملاحظه؛ یعنی فقدان آیین‌های پارلمانی و انتخاباتی و وجود سلطه‌های غیر مشروع، دارای سابقه چندانی نمی‌باشد.

با توجه به ملاحظات و شواهد تاریخی می‌توان مدعی شد که از اوایل قرن بیستم؛ یعنی بعد از بوجود آمدن دسته‌ها و گروه‌هایی همانند انجمن العلماء در زمان عبدالرحمن خان، انجمن سراج‌الخبار، جمعیت سری ملی و جان نثاران ملت در جریان مشروطیت اول و دوم، فعالیت‌های سیاسی گروهی به شکل خرنده در افغانستان شروع شد. اما بر اثر حاکمیت استبداد، بسیاری از این تشکله‌ها قبل از اعلام موجودیت و پرداختن به فعالیت‌های عملی و علنی، سرکوب شدند؛ چنانکه در زمان حبیب الله خان برخی از اعضای حلقه‌های مشروطه خواهی یا محکوم به اعدام و یا رهسپار زندان شدند و در نتیجه، این حلقه‌ها که می‌توانستند نقش احزاب سیاسی را داشته باشند، از هم پاشیدند. مراحل بعدی تحركات جمعی و زمینه سازی برای پیدایش حلقه‌های سیاسی نیز با موفقیت چندانی همراه نبود. تا این که با توشیح و انفاذ قانون اساسی سال ۱۳۴۳، اولین گام به سوی دموکراسی و آزادی گذاشته شد که در سایه آن، احزاب و گروه‌هایی مانند حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حزب دموکراتیک ترقی، افغان سوسیال دموکرات، صدای عوام، سازمان جوانان مترقی، جنبش دموکراتیک نوین، ستم ملی، پیمان ملی، نهضت جوانان مسلمان و جمعیت العلماء محمدیه با تفکرات و اندیشه‌های مختلف تأسیس و شروع به فعالیت نمودند.^۴

در مجموع، آزادی احزاب به معنای واقعی آن، که لازمه دموکراسی است، در گذشته افغانستان، بجز اندکی در دوران مشروطه دوم و دهه دموکراسی، وجود نداشته است.

۳- همان

۴- وبلاگ میز مجازی، عبدالعلی محمدی، نگاهی به نقش احزاب سیاسی در افغانستان جدید (۲)، ۱۵/۳/۱۳۸۶، برگرفته از وبلاگ میز مجازی: <http://wazirtamaki.blogfa.com/post-5.aspx>

۵- مصاحبه با ذاکر حسین ارشاد استاد دانشگاه و کارشناس مسایل سیاسی

۶- معین؛ حسین، سایت فارسی بی‌بی‌سی، جای خالی احزاب سیاسی در انتخابات، ۲۶ اوت ۲۰۰۹، برگرفته به تاریخ ۱۲ مارچ ۲۰۱۲ از: http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2009/08/090816_a-af-election-political-parties.shtml

لیست نمایندگان زن در پارلمان ۱۳۸۹ از ولایت کابل و شماری از ولایات دیگر، با تفکیک
تعلق حزبی یا استقلال آنها و نیز عضویت و یا عدم عضویت آنان در پارلمان قبلی

#	نام	ولایت	وکیل جدید یا منتخب از دوره قبلی	حزب سیاسی
۱	فوزیه کوفی	بدخشان	منتخب از پارلمان گذشته	مستقل
۲	داکتر نیلوفر ابراهیمی	بدخشان	وکیل جدید	مستقل
۳	سفیه ایماق	بادغیس	وکیل جدید	مستقل
۴	ناجیه ایماق	بغلان	منتخب از پارلمان گذشته	ائتلاف تغییر و امید
۵	شکریه عیسی خیل	بغلان	منتخب از پارلمان گذشته	مستقل
۶	صیفوره نیازی	بلخ	منتخب از پارلمان گذشته	مستقل
۷	برشنا ربیع	بلخ	وکیل جدید	مستقل
۸	داکتر گللالی نور صافی	بلخ	منتخب از پارلمان گذشته	مستقل
۹	صیفوره ایلخانی	بامیان	منتخب از پارلمان گذشته	انسجام ملی
۱۰	شیرین محسّتی	دایکندی	منتخب از پارلمان گذشته	وحدت اسلامی افغانستان
۱۱	فوزیه روفی	فاریاب	منتخب از پارلمان گذشته	افغان ملت
۱۲	رنگینه کاکر	فاریاب	وکیل جدید	مستقل
۱۳	آصفه شاداب	فاریاب	منتخب از پارلمان گذشته	مستقل
۱۴	نفیسه عظیمی	غزنی	وکیل جدید	وحدت اسلامی افغانستان
۱۵	هما سلطانی	غزنی	وکیل جدید	مستقل
۱۶	شاگل رضایی	غزنی	منتخب از پارلمان گذشته	مستقل
۱۷	رقیه نائل	غور	منتخب از پارلمان گذشته	وحدت اسلامی افغانستان
۱۸	سینما جوینده	غور	وکیل جدید	مستقل
۱۹	حبیبه سادات	هلمند	وکیل جدید	مستقل
۲۰	ناهید احمدی فرید	هرات	وکیل جدید	مستقل
۲۱	نجلا دهقان نژاد	هرات	منتخب از پارلمان گذشته	مستقل
۲۲	سمین بارکزی	هرات	وکیل جدید	مستقل
۲۳	مسعوده کروخیل	هرات	وکیل جدید	مستقل
۲۴	شهناز همتی	هرات	منتخب از پارلمان گذشته	مستقل
۲۵	فهمیه سادات	جوزجان	منتخب از پارلمان گذشته	مستقل
۲۶	فاطمه نظری	کابل	منتخب از پارلمان گذشته	وحدت اسلامی افغانستان
۲۷	کبری مصطفوی	کابل	منتخب از پارلمان گذشته	وحدت اسلامی افغانستان
۲۸	فرخنده زهرا نادری	کابل	وکیل جدید	پیوند ملی
۲۹	شینکی کروخیل	کابل	منتخب از پارلمان گذشته	مستقل
۳۰	تورپیکه یتمن	کابل	وکیل جدید	مستقل
۳۱	شکریه بارکزی	کابل	منتخب از پارلمان گذشته	مستقل
۳۲	ربابه پروانی	کابل	وکیل جدید	مستقل
۳۳	نظیفه ذکی	کابل	وکیل جدید	مستقل
۳۴	فوزیه ناصر یار	کابل	وکیل جدید	مستقل
۳۵	شکیبا هاشمی	کندهار	منتخب از پارلمان گذشته	مستقل
۳۶	طاهره مجددی	کاپیسا	وکیل جدید	مستقل
۳۷	پروین درانی	کوچی	منتخب از پارلمان گذشته	مستقل
۳۸	هیلی ارشاد	کوچی	وکیل جدید	مستقل
۳۹	وژمه صافی	کنر	وکیل جدید	مستقل

کاندیدان جدید، تنها ۱۰ درصد آنان از سوی احزاب
سیاسی معرفی شده‌اند.^۷

غیبت احزاب سیاسی و یا کم‌رنگی نقش آن‌ها در
پارلمان و انتخابات پارلمانی یکی از نقیصه‌های جدی
جریان انتخابات پارلمانی است. با حضور و نقش احزاب
در انتخابات، جامعه بیشتر سیاسی می‌شود و از قومیت
بسوی شهروند شدن حرکت می‌کند. احزاب در یک رقابت
سالم سیاسی قرار می‌گیرند و افراد شایسته‌تر را نامزد
انتخابات پارلمانی می‌کنند.

شاید یکی از عوامل عمده حضور کم‌رنگ و غیرموثر
احزاب سیاسی در مبارزات انتخاباتی کشور این بوده باشد
که سیاست حزبی در افغانستان نهادینه نشده است.
همچنین به دلیل سابقه بد اکثر احزاب در دوران جهاد
و جنگ‌های داخلی، مردم نسبت به احزاب دید بدبینانه
دارند. تصور غالب اکثر کاندیدان این بود که پشتوانه
حزبی نه تنها برای آنان مفید نخواهد بود، بلکه رای آنان
را کمتر خواهد کرد. حتا افرادی که عملاً تعلق حزبی
نیز داشته‌اند، ترجیح داده‌اند که خود را در بین مردم
کاندید مستقل معرفی نمایند. از این رو، احزاب سیاسی
افغانستان، آنگونه که در کارکردهای احزاب سیاسی
توضیح داده می‌شود، نقش موثر و فعالی در انتخابات
پارلمانی نداشته است.

خانم شاه‌گل رضایی نماینده مردم غزنی در مجلس
نمایندگان معتقد است که نقش احزاب سیاسی در
انتخابات، به خصوص در مورد مشارکت سیاسی خانم‌ها،
نه تنها منفعل بوده و موثریت نداشته است، بلکه گاه حتا
نقش آنها منفی نیز بوده است و بیشتر به رقابت‌های منفی
دامن زده است و در پویا ساختن فعالیت‌های انتخاباتی
نقشی نداشته است. وی علاوه می‌کند که بیشتر احزاب
نقش معامله‌گرانه داشته است.^۸

عصمت‌الله زیرک استاد علوم سیاسی در دانشگاه
کاتب، که در این زمینه تحقیق کرده است، نیز اظهار
می‌دارد که در مورد مشارکت خانم‌ها به موردی برنخورده
است که خانم‌ها از آدرس و کانال احزاب وارد انتخابات
شده باشند، بلکه خانم‌ها از نام و آدرس مستقل خودشان
وارد کارزار انتخاباتی شدند. بنابراین احزاب سیاسی نقش
موثری در مشارکت سیاسی زنان نداشته است.^۹ با این

7. www.ndi.org/files/Afghanistan_Elections_Update_Issue5-Dari.pdf

۸- مصاحبه با شاه گل رضایی نماینده مردم در پارلمان

۹- مصاحبه با عصمت‌الله زیرک استاد دانشگاه و کارشناس مسائل
سیاسی



جامعه منعکس می‌سازد. در دوران مدرن، در اکثر جوامع، چنین رابطه‌ای وجود دارد؛ اما با ارکان و پیش شرط‌های جدیدی که روز به روز بر نظم سیستماتیک این رابطه و مجموعه افزوده می‌شود، رابطه بین دولت و جامعه، ابعاد جدی‌تری پیدا می‌کند.^{۱۰}

خلاصه اینکه مفهوم جامعه مدنی در شکل امروزی، بیان آن حوزه از روابط اجتماعی است که بین فرد و حوزه خصوصی زندگی از یکسو و دولت از سوی دیگر قرار دارد. لازمه وجود جامعه مدنی، اول عدم کنترل کامل دولت بر عرصه خصوصی است و دوم وجود قوانینی در حوزه قضایی است که حقوق شهروندی را به رسمیت می‌شناسد. سوم فرهنگی که با مدارا، «غیر از خود» را در جامعه تحمل می‌کند.

بنابراین، هدف از «جامعه مدنی»، شکل دادن مجموعه‌ای از کادرهای روشنفکرانه و روشنگر، اما متمایز از دستگاه دولتی است که آزادی عمل نسبت به نهادهای دولتی دارد.^{۱۱}

ویژگی‌های جامعه مدنی:

نهادهای جامعه مدنی دارای دو ویژگی مهم‌اند:

الف: جامعه مدنی سیاست پیشه نیست: آنها به دنبال سرنگونی حاکمیت سیاسی و یا به دست آوردن قدرت سیاسی نیستند، بلکه در تلاش اند تا با فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، تبلیغی و روشنگرانه

حال، احزاب معدودی هستند که با توجه به ارزش‌های قانونی و ملی به حیث نهادهای مدنی برای دست یافتن به قدرت سیاسی و بلند بردن میزان محبوبیت خود تلاش جدی می‌نمایند.

می‌دانیم که برای رسیدن به جامعه مدنی در کشور احزاب سیاسی می‌توانند نقش مهمی داشته باشند. این نقش زمانی بر آورده شدنی است که بیماری‌های کنونی احزاب سیاسی افغانستان که مهم‌ترین آن‌ها ضعف مدیریت، بی‌هدفی، فقدان دیدگاه و طرح سیاسی روشن و ماهیت قومی، است رفع گردد. در غیر آن احزاب سیاسی در میدان فعالیت‌ها و مبارزات انتخاباتی کشور همچنان حاشیه نشین خواهند ماند.

نقش جامعه مدنی در مشارکت سیاسی زنان در دو انتخابات پارلمانی گذشته

همانند احزاب سیاسی، دموکراسی بدون جامعه مدنی نیز نمی‌تواند به وجود بیاید، نهادهای جامعه مدنی در راستای توسعه مدنی و سیاسی و دموکراتیک شدن یک جامعه نقش بسیار مهم و اساسی دارند. همچنان در راستای انکشاف آگاهی مدنی و سیاسی و ترویج ارزش‌های مدنی، نقش بسیار مهم و بارز دارند.

امروزه مفهوم جامعه مدنی، یک مفهوم جدا از دولت است. نهادهای مدنی، همانگونه که از نام شان پیداست، در راستای انکشاف مدنی و سیاسی، نقش بسیار بارز دارند. به طور کلی جامعه مدنی، عرصه‌ای برای تنظیم و تسهیل رابطه میان دولت و جامعه است که از یک سو، دیدگاه‌های مردم را به دولت منتقل می‌کند و از سوی دیگر، وظایف و اعمال مورد انتظار دولت را به

۱۰- سید علی ناظم زاده، جامعه مدنی، برگرفته از وبسایت برهان: <http://www.burhaan.com/bakhsh/demokrasie/0019.html>

۱۱- پوهنمل محمد ایوب یوسفزی، سیر گذرایی بر شناسایی جامعه مدنی، برگرفته از وبسایت شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان: <http://www.cshrn.af/Documents%20of%20CSHRN/Publication/Articles/Articles47.htm>

می‌آید؛ تا نهادهای مدنی، شفافیت و عادلانه بودن آن را تأیید نکنند، انتخابات، مشروعیت نمی‌یابد.^{۱۳}

نگاه اجمالی بر جامعه مدنی در افغانستان و چالش‌های فراروی آن

گفتگو در مورد جامعه مدنی، یک بخش قابل ملاحظه نشرات مربوط به دموکراسی امروز افغانستان را تشکیل می‌دهد. محققان امور افغانستان، در مراکز چند شهر مهم کشور می‌توانند حضور انجمن‌های متعددی را مشاهده نمایند. لکن مفهوم سازی جامعه مدنی و کارکرد آن در سرزمین ما، با ابهام و فرو گذاشت فراوانی همراه است.

جامعه مدنی، قالب معیاری پیش بینی شده در قانون اساسی افغانستان است. ولی قانون اساسی، جامعه مدنی را تعریف نکرده است، اما مؤلفه‌ها و عناصر آن را چنین برشمرده است: «...ایجاد جامعه مدنی عاری از ظلم، استبداد، تبعیض و خشونت و مبتنی بر قانونمندی، عدالت اجتماعی، حفظ کرامت و حقوق انسانی و تأمین آزادی و حقوق اساسی مردم.»^{۱۴} بدین منظور، قانون اساسی برای ایجاد و استحکام جامعه مدنی در افغانستان، گام عملی‌اش را با رسمی ساختن و قانونی شدن این مفهوم برداشته است.

اما در عمل، این مفهوم با چالش‌های فراوانی همچون فرهنگ و سنت‌های غیرمدنی، شکاف‌های قومی، قبیله‌ای و مذهبی، خشونت‌های گروهی و تاریخ استبدادی و هنجارهای سیاسی غیردموکراتیک این کشور مواجه بوده است. با توجه به این چالش‌ها، تلاش در عرصه تحقق و نهادینه شدن جامعه مدنی باید بسیار دامن‌دار، حوصله مند و درازمدت باشد. دستاوردهای نهادهای مدنی را نیز در این عرصه باید با توجه به آن چالش‌ها ارزیابی کرد.

با این حال، نباید از نقد و نگرش انتقادی نسبت به کارکرد نهادهای مدنی غافل بود. به هر حال، سه دهه گذشته، افغانستان، گرفتار جنگ بوده است و جنگ، تأثیرات گسترده‌ای در تمام عرصه‌های زندگی جامعه افغانستان به جا گذاشته است. دیگر اینکه سطح آگاهی مدنی و سیاسی در افغانستان بسیار پایین است. زمانی که افغانستان به اساس موافقت نامه بن وارد مرحله تازه سیاسی خود شد، پیش زمینه‌های فکری، فرهنگی و سیاسی جامعه مدنی در افغانستان وجود نداشت. اصطلاح جامعه مدنی یک اصطلاح وارداتی تلقی می‌شد. از دیگر مشکلات عمده، یکی فساد گسترده اداری و معضل دیگر مسئله امنیت است که ما با این‌ها سردچاریم. شهرهای بزرگ، هرچند تاندازه‌ی توانسته اند شاهد فعالیت‌های نهادهای مدنی باشند؛ اما در مناطق روستایی، حضور جامعه مدنی بسیار

خویش، بر سیاست‌های دولت تأثیر بگذارند. اساساً جامعه مدنی، نه تنها رقیب و مخالف دستگاه حاکمیت نیست بلکه به عنوان همکار دولت مطرح است. وقتی از اختلاف بین دولت و جامعه مدنی سخن به میان می‌آید، منظور، اختلاف جامعه مدنی با دولت نیست، بلکه اختلاف جامعه مدنی با رویکرد و سیاست‌های دولت است. در این صورت، موجودیت فرصت‌های سازش و انعطاف در تعامل این دو بازیگر در حوزه عمومی بسیار مهم است.

ب: جامعه مدنی شکیبا و خشونت ستیز است: جامعه مدنی بصورت کل و به شکل فراگیر، نه تنها خود بایستی به اصل «عدم توصل به خشونت» پایبند باشد، بلکه زمینه بکارگیری خشونت برای دیگران را نیز از بین ببرد. همدیگر پذیری و مدارا، جزء لاینفک عمل دسته جمعی نهادهای جامعه مدنی محسوب می‌گردد.^{۱۵}

نقش جامعه مدنی در انتخابات

نقش نهادهای مدنی، در کل پروژه سیاسی، نقش برجسته و مهم است که در همه عرصه‌های انکشاف سیاسی باید مورد توجه قرار بگیرد. اولین نقشی که برای نهادهای مدنی می‌توان ذکر کرد و البته نقش بسیار مهمی هم است، نقش آگاهی دهی به مردم است که در اثر آن سطح شعور سیاسی جامعه بالا می‌رود و مشارکت آن‌ها در انتخابات دقیق تر و مؤثرتر می‌شود. در قدم دوم، انتخابات نه تنها یک تعامل یا یک عملیه سیاسی است، بلکه یک تعامل و یک عملیه مدنی هم است. جامعه دموکراتیک، همانگونه که بدون انتخابات نمی‌تواند به وجود بیاید، بدون جامعه مدنی نیز نمی‌تواند وجود داشته باشد. به این اساس، جامعه مدنی، در تشویق مشارکت مردم در انتخابات و ارائه نقش مردم در انتخابات و ارتقای آگاهی عامه از مسؤولیت‌های شهروندی و ترویج و نهادینه شدن مسؤولیت‌های شهروندی در رابطه با انتخابات، بسیار بارز و اساسی است.

عنصر دیگری را که جامعه مدنی می‌تواند مورد توجه قرار دهد، کمک به شفافیت انتخابات آزاد و عادلانه است. در افغانستان، خوشبختانه تعداد زیادی از نهادهای مدنی، مؤسسه‌ی را به نام «بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان» ساخته اند که این‌ها از تمام جنبه‌ها در دوران ثبت نام، توزیع کارت رأی دهی، جریان رأی دهی در روز انتخابات و جریان شمارش آراء، نظارت می‌کنند؛ تا در تمام این پروسه‌ها تقلب و دستکاری صورت نگیرد و انتخابات شفاف و عادلانه برگزار شود. می‌توان گفت که انتخابات در هیچ کشوری بدون مشارکت و همکاری بسیار نزدیک و فعال نهادهای مدنی نمی‌تواند یک انتخابات آزاد، عادلانه و دموکراتیک باشد. عادلانه بودن، دموکراتیک بودن و شفافیت انتخابات، مخصوصاً در کشورهایی که توسط دولت برگزار می‌شود، با نقش نهادهای مدنی به دست

۱۳- گفتگو با فهیم صادق رییس موسسه مشارکت ملی، نقش نهادهای مدنی در نهادینه شدن ارزشهای مدنی، برگرفته از وبسایت شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان:

<http://www.cshrn.af/documents%20of%20cshrn/Publication/Discuss/Discuss14.htm>

۱۴- قانون اساسی افغانستان (۱۳۸۲)، مقدمه، فقه ۸

۱۵- جاوید شکیب، تأملی در مقوله جامعه مدنی، برگرفته از وبسایت شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان:

<http://www.cshrn.af/Documents%20of%20Cshrn/Publication/Articles/Articles48.htm>

کمرنگ است. جامعه مدنی افغانستان، زمانی به وجود آمد که هنوز شرایط برای آن به خوبی مساعد نبود. این مشکلات، باعث شده که نهادهای مدنی افغانستان، آن نقشی را که از آن‌ها انتظار می‌رفت، نتوانند ایفا کنند؛ ولی این بدان معنا نیست که در افغانستان جامعه مدنی به وجود نیامده و یا نقش ندارد. جامعه مدنی در افغانستان به وجود آمده، در حالت توسعه و رشد است و بالاخره در حالت آموزش و تطبیق نقش‌های خود است. در طول چند سال گذشته در موارد مشخصی، نقش نهادهای مدنی بسیار مؤثر و بارز بوده است؛ مثلاً در آگاهی دهی عامه، بسیج مردم برای مشارکت در انتخابات و نظارت بر انتخابات، نقش بسیار مهم و اساسی داشته است.^{۱۵}

نقش آگاهی‌دهی و نظارتی جامعه مدنی در انتخابات‌های گذشته و آسیب‌های آنان

الف- نقش آگاهی‌دهی: یکی از نقش‌های مهم و اساسی نهادهای جامعه مدنی نقش آگاهی‌دهی به مردم بوده است. این نهادها از طریق برگزاری برنامه‌های آموزشی، ورکشاپ‌ها، انتشار نشریه‌ها، کتاب‌ها و بروشورها و پوستره‌های تبلیغاتی و نشر برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در زمینه انتخابات، اهمیت مشارکت زنان، نقش پارلمان در دموکراتیک‌سازی ساختار دولت، شفافیت انتخابات و غیره به مردم آگاهی دادند و آنان را به مشارکت در انتخابات تشویق و ترغیب نمودند. به صورت طبیعی بخشی عمده از این فعالیت‌ها به منظور تشویق و ترغیب زنان برای مشارکت در انتخابات و آگاهی‌دادن به آنان انجام شده است.

اما عملکرد نهادهای مدنی در این زمینه با مشکلات و چالش‌های رو برو بوده است. از جمله اکثر این برنامه‌ها، برنامه‌های پروژه‌ای کوتاه مدت بوده است و به صورت مقطعی و پاره پاره اجرا شده است. همچنین این برنامه‌ها از انسجام و هماهنگی زیادی برخوردار نبوده و به صورت پراکنده اجرا شده است.

یکی دیگر از مشکلات اساسی نهادهای جامعه مدنی ظرفیت پایین آنان بوده است. این ضعف هم در سطح پایین باورها و سواد مدنی آنان بوده است و هم در شیوه‌های کار سازمانی آنان. از این رو اکثر نهادهای مدنی به گروهی از افرادی که صرفاً علاقمند فعالیت‌های مدنی می‌باشد تبدیل شده‌اند؛ بدون توانایی‌های لازم برای اقدام و عملکرد مؤثر. همچنین شماری از نهادهای مدنی بیشتر به بنگاه سودآوری برای صاحبان خود تبدیل شده است تا به معنای واقعی کلمه نهادهایی برای فعالیت‌های مدنی.

ب- نقش نظارتی یکی از نقش‌های برجسته و کارکردهای مهم جامعه مدنی در انتخابات‌های گذشته، و از جمله دو انتخابات

پارلمانی، نقش نظارتی آن بوده است. شمار زیادی از فعالان مدنی در چارچوب نهادهای مدنی از جریان برگزاری انتخابات‌های پارلمانی کشور و مرحله شمارش آرا نظارت کردند. هرچند انتخابات‌های اخیر با تقلبات گسترده همراه بود، ولی با این حال، نهادهای مدنی توانستند بر کنترل و گزارش دهی این تقلبات نقش بسیار برجسته بازی کنند. گزارش‌هایی که نهادهای مدنی از جریان انتخابات و شمارش آرا منتشر کرده بود، تصویر انتخابات، میزان مشارکت مردم، چالش‌های فراروی انتخابات، میزان تقلبات و غیره را بسیار روشن تر بازتاب می‌داد.

اما باید تذکر داد که نقش نظارتی جامعه مدنی افغانستان در انتخابات، منوط به حمایت جامعه بین‌المللی می‌باشد. نبود حمایت مستمر نظام از جامعه مدنی افغانستان، باعث گردیده است، که جامعه مدنی افغانستان نتواند نقش نظارتی خویش را به طور مستقل انجام بدهد. این، چالش بزرگی در برابر جامعه مدنی است. در جریان انتخابات‌های گذشته هرچند نمایندگان نهادهای جامعه مدنی افغانستان، در شهرها و ولایات، در جمع گروه‌های ناظر حضور داشتند؛ اما این نقش‌ها در گرو برنامه‌ها و ساختارهای برون از حیطه صلاحیت آنان بوده است. جامعه جهانی حمایت سیاسی و اقتصادی خویش را از انتخابات افغانستان ابراز و ارایه داشت. قسمتی از این حمایت را ایجاد گروه‌های نظارتی و تعمیم فرهنگ انتخابات و آموزش‌های مدنی دربر می‌گرفت. این حمایت گسترده، از مجرای برنامه‌های توسعه‌یی سازمان ملل متحد^{۱۶} عملی می‌گردید. با وجود گفتگوهای متعدد، که جامعه مدنی افغانستان، با اداره برنامه‌های انکشافی سازمان ملل متحد در افغانستان داشت، اراده جامعه مدنی افغانستان، که از طریق نهادهای چتر و نمایندگان نهادهای مدنی مطرح و تمثیل گردید، کمتر مورد توجه قرار گرفت. جریان مباحثات نمایندگان جامعه مدنی افغانستان با اداره برنامه‌های توسعه‌یی سازمان ملل متحد نشان داد، که حمایت جامعه بین‌المللی از جامعه مدنی افغانستان، در پوشش سیاست‌گذاری‌های جامعه جهانی قرار داشته و نقش نظارتی جامعه مدنی افغانستان را زیر تأثیر خویش قرار داده است.

برخی از نهادهای حامی افغانستان، نهادهای جامعه مدنی را به گونه جداگانه حمایت می‌نمایند، تا این نهادها در نظارت و گزارش‌دهی از جریان انتخابات فعال گردند؛ اما نبود شفافیت و حساب‌دهی در ساختار برخی از نهادهای جامعه مدنی افغانستان، باعث گردیده است تا این منابع، بیهوده به مصرف رسیده و نقش نظارتی جامعه مدنی را نیز صدمه شدید بزند. در انتخابات‌های گذشته در کشور، با وجود گروه‌های نظارتی، که در ترکیب آنان نمایندگان از جامعه مدنی نیز حضور داشتند، مردم افغانستان، شاهد تخطی‌های گسترده در جریان انتخابات بودند. در جریان آن انتخابات‌ها، گروه‌های ناظر بر انتخابات و نهادهای جامعه مدنی افغانستان نتوانستند تحلیل‌هایی از وضعیت و گزارش‌های جامع از نقش خود در انتخابات، ارایه دهند؛ در حالی که

۱۵- گفتگو با فهیم صادق رییس موسسه مشارکت ملی، نقش نهادهای مدنی در نهادینه شدن ارزشهای مدنی، برگرفته از وبسایت شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان:
<http://www.cshrn.af/documents%20of%20cshrn/Publication/Discuss/Discuss14.htm>

نقش نظارتی جامعه مدنی از انتخابات، باید با ارایه تحلیل و گزارش از چگونگی انتخابات به انجام می‌رسید.

نتیجه

به صورت کلی باید گفت که جامعه مدنی افغانستان با چالش‌های فراوانی مواجه بوده است. شماری از این چالش‌ها چالش‌های ساختاری و ظرفیتی بوده است و شماری دیگر نیز چالش‌های وابسته به زمینه و بستر. یعنی نهادهای جامعه مدنی هم از لحاظ ظرفیت و توانمندی‌های خود با مشکل مواجه بوده است و هم با چالش‌های محیطی فراوانی از قبیل سنت‌های غیرمدنی، ناامنی، قبیله‌گرایی، تاریخ استبدادی و غیره مواجه بوده است.

همچنین جامعه مدنی افغانستان از نبود هماهنگی، ظرفیت و قدرت تاثیرگذاری بر سایر ساختارهای اجتماعی رنج می‌برد. تجارب شکل‌گیری و توسعه جامعه مدنی در کشورهای پس از جنگ و در حال گذار از مطلق‌گرایی به دموکراسی، نشان می‌دهد که جامعه مدنی در بستر حمایت‌های جامعه جهانی و اراده سیاسی و اقتصادی دولت‌ها شکل می‌گیرد.

این موارد نقش‌های عمومی جامعه مدنی در انتخابات بودند، اما به اعتقاد بعضی از آگاهان، نهادهای مدنی در مورد مشارکت سیاسی زنان در دو انتخابات گذشته پارلمانی به طور ویژه، چندان نقش نداشتند. شاه گل رضایی نماینده مردم عزنی در مجلس نمایندگان نقش جامعه مدنی را در زمینه مشارکت سیاسی زنان در دو انتخابات گذشته محدود به برگزاری ورکشاپ‌های کوتاه مدت برای ارتقای ظرفیت خانم‌ها می‌داند. با این حال، محمد جواد عرفانی استاد جامعه شناسی در دانشگاه کاتب معتقد است که جامعه مدنی در کشوری مثل افغانستان توانستند تا حدودی بستر و زمینه‌ای را در مورد مشارکت سیاسی زنان از طریق رسانه‌ها، روزنامه‌ها، نشریات، کنفرانس‌ها و مطبوعات در سطح کل فراهم سازند.^{۱۷}

به هر حال، جامعه مدنی افغانستان در طول ده سال اخیر نقش‌های موثر و سازنده فراوانی بازی کرده و در عین حال، فرصت‌های زیادی را نیز به هدر داده است که می‌توانست با اندکی دقت و عطف توجه بیشتر به ظرفیت و ساختارها و عملکرد سازمانی خود موثریت خود را بسیار بیشتر از حالا بالا ببرد. با همه این‌ها، جامعه مدنی افغانستان امروز از قدرت و موثریت فراوانی برخوردار شده است و نمی‌توان نقش آن را در ساختارهای سیاسی و اجتماعی جامعه افغانستان نادیده گرفت، هرچند هنوز جامعه مدنی راه طولانی‌ای نیز در پیش دارد.

منابع و ماخذ:

۱. عباس پویا، شکیبایی، دموکراسی و حقوق بشر، انتشارات عرفان
۲. دکتر حسین بشریه، جامعه شناسی سیاسی، چاپ دهم
۳. تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب
۴. عبدالعلی محمدی، نگاهی به نقش احزاب سیاسی در افغانستان جدید (۱)، ۱۵/۳/۱۳۸۶، برگرفته از وبلاگ میز مجازی:
<http://wazirtamaki.blogfa.com/post-4.aspx>
۵. عبدالعلی محمدی، نگاهی به نقش احزاب سیاسی در افغانستان جدید (۲)، ۱۵/۳/۱۳۸۶، برگرفته از وبلاگ میز مجازی:
<http://wazirtamaki.blogfa.com/post-5.aspx>
۶. حسین معین، سایت فارسی بی‌بی‌سی، جای خالی احزاب سیاسی در انتخابات، ۲۶ اوت ۲۰۰۹، برگرفته به تاریخ ۱۲ مارچ ۲۰۱۲
http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2009/08/090816_af-election-political-parties.shtml
7. www.ndi.org/files/Afghanistan_Elections_Update_Issue5-Dari.pdf
۸. سید علی ناظم زاده، جامعه مدنی، برگرفته از وبسایت برهان:
<http://www.burhaan.com/bakhsh/demokrasie/0019.html>
۹. پوهنمل محمد ایوب یوسفزی، سیر گذایی بر شناسایی جامعه مدنی، برگرفته از وبسایت شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان:
<http://www.cshrn.af/Documents%20of%20CSHRN/Publication/Articles/Articles47.htm>
۱۰. جاوید شکیب، تأملی در مقوله جامعه مدنی، برگرفته از وبسایت شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان:
<http://www.cshrn.af/Documents%20of%20CSHRN/Publication/Articles/Articles48.htm>
۱۱. گفتگو با فهیم صادق رییس موسسه مشارکت ملی، نقش نهادهای مدنی در نهادینه شدن ارزش‌های مدنی، برگرفته از وبسایت شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان:
<http://www.cshrn.af/documents%20of%20cshrn/Publication/Discuss/Discuss14.htm>
۱۲. قانون اساسی افغانستان (۱۳۸۲)
۱۳. قانون انتخابات افغانستان
۱۴. سایت بی بی سی فارسی و ملک ستیز، نویسنده و پژوهشگر
۱۵. سایت کوفی- احمد ارشاد خطیبی
۱۶. روزنامه نخست
۱۷. مصاحبه با شاه گل رضایی نماینده مردم در پارلمان افغانستان
۱۸. مصاحبه با محمد جواد عرفانی استاد دانشگاه و جامعه شناس
۱۹. مصاحبه با عصمت الله زیرک استاد دانشگاه و کارشناس مسایل سیاسی
۲۰. مصاحبه با ذاکر حسین ارشاد استاد دانشگاه و کارشناس مسایل سیاسی

۱۷- ملک ستیز، نویسنده و پژوهشگر- سایت بی‌بی‌سی فارسی -
سایت کوفی- احمد ارشاد خطیبی- روزنامه نخست- مصاحبه با شاگل رضایی
نماینده پارلمان و مصاحبه با محمد جواد عرفانی استاد دانشگاه و جامعه شناس



لیلی علیزاده - هرات

سیاست‌های دولت و نقش احزاب سیاسی و جامعه مدنی (هرات)

پیشگفتار:

افغانستان در طول ده سال گذشته شاهد برگزاری چندین انتخابات سرنوشت‌ساز بود که هر کدام، با وجود اشکالات و کاستی‌ها، در ایجاد سیستم حکومتی دموکراتیک و تقویت و تسجیل نقش مردم و تبارز اراده سیاسی آنان در سیاست و حکومت داری کشور بسیار پراهمیت بوده است. انتخابات و رفتن مردم به پای صندوق‌های رای، برای اولین بار حس شهروندی را در ذهن مردم افغانستان ایجاد کرد و برای بار اول این تجربه را برای آنان ممکن ساخت که دولت و حکومت را از آن خود احساس کنند و نسبت به آن احساس تعلق کنند.

در این تجربه جدید، زنان کشور نیز همگام با مردان با مشارکت در انتخابات و رفتن به پای صندوق‌های رای و درک احساس شهروندی شریک بودند. زنان از این فرصت نیز برخوردار بودند که در مقام کاندید و رای گیرنده در این انتخابات‌ها شرکت کنند.

هرچند مشارکت زنان در انتخابات با چالش‌های متعددی از قبیل ناامنی، محدودیت‌های فرهنگ سنتی جامعه و حساسیت و واکنش نیروهای سنتی در دورن جامعه، تازه بودن تجربه مشارکت در انتخابات برای آنان مواجه بودند. اما دولت برای تقویت حضور زنان در انتخابات سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی ویژه‌ای اتخاذ کرده بود. همچنین احزاب سیاسی متعدد و جامعه مدنی نیز در این زمینه تلاش ورزیدند و برای تقویت مشارکت زنان نقش بازی کردند.

در این نوشتار ما به بررسی میزان مشارکت زنان، نقش سیاست‌های حمایتی دولت و فعالیت‌های احزاب سیاسی و نهادهای مدنی در بهبود و تقویت مشارکت زنان می‌پردازیم. تلاش می‌کنیم دریابیم که چه تعداد از زنان کاندید حزبی بوده‌اند و یا صرفاً از حمایت نهادهای مدنی برخوردار بوده‌اند و میزان موفقیت زنان حمایت شده توسط احزاب سیاسی و جامعه مدنی چقدر بوده است. ضمناً به مسأله چالش‌های امنیتی نیز در آخر این نوشته به طور خلاصه پرداخته می‌شود.

این نوشتار موضوع مشارکت زنان را در محدوده ولایت هرات به بررسی می‌گیرد و تلاش می‌کند سوالات مطرح شده را در سطح این ولایت به بررسی بگیرد.

روش تحقیق

روشی که در این تحقیق به کار رفته است روش کتابخانه‌ای و میدانی است. در این مقاله از منابع اینترنتی همچون سایت کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان و بعضی سایت‌های دیگر نیز استفاده شده است. همچنین با شماری از کارشناسان سیاسی و بعضی نماینده‌های پارلمان و کاندیدان انتخابات پارلمانی مصاحبه صورت گرفته است.

چالش‌های تحقیق

مشکلات و چالش‌هایی که فراوری این رساله تحقیقی قرار داشت در دسترس نبودن منابع کافی بود. متأسفانه نه در سایت کمیسیون انتخابات و نه در خود دفتر کمیسیون انتخابات، اسناد آرشیف شده‌ای از آمار و ارقام دو انتخابات پارلمانی گذشته در دسترس نبود و همچنین اسناد آرشیف شده‌ای از آمار و ارقام زنان کاندید شده مستقل، حزبی و یا مورد حمایت جامعه مدنی از ولسوالی‌ها، و حتا شهرهای بزرگ در دسترس نبود و این موضوع جمع‌آوری، دسته‌بندی و تحلیل اطلاعات را با مشکل مواجه می‌کرد و طبعاً اطلاعات به دست آمده نیز پراکنده بود. با وجود این مشکلات برآن شدیم که تحقیق را بر روی داده‌های موجود و مصاحبه استوار سازیم.

فصل اول: بررسی سیاست‌های حمایتی دولت در مورد مشارکت زنان در دو انتخابات پارلمانی گذشته در ولایت هرات

پالیسی‌هایی را که دولت در مورد حضور و مشارکت زنان در دو انتخابات پارلمانی گذشته اتخاذ و اجرا کرده بود می‌توان از دو دید بررسی نمود:

۱- حمایت‌های حقوقی و قانونی از مشارکت زنان

۲- حمایت‌های سیاسی

گفتار اول: حمایت‌های حقوقی و قانونی از مشارکت زنان

می‌دانیم که مشارکت در انتخابات یک حق شهروندی است. این

فصل	ماده	متن قانون
دوم	بیست و دوم	هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است.
دوم	چهل و چهارم	دولت مکلف است به منظور ایجاد توازن و انکشاف تعلیم برای زنان... پروگرام های موثر طرح کند.
دوم	پنجاهم	اتباع افغانستان بدون هیچ گونه تبعیض به خدمت دولت پذیرفته می شود.
پنجم	هشتاد و سوم	در قانون انتخابات باید تدابیری اتخاذ شود که نظام انتخاباتی، نمایندگی عمومی و عادلانه را برای تمام مردم کشور تامین کند و به تناسب نفوس از هر ولایت طور اوسط حداقل دو وکیل زن در ولسی جرگه عضویت یابد.

ساختار خود واحد ویژه برای حمایت از حقوق و امتیازات زنان و رفع نابرابری های جنسیتی داشته باشند. استراتژی انکشاف ملی افغانستان تصریح می کند که حضور زنان در ادارات دولتی تا سال ۲۰۲۰ باید به ۳۰ درصد برسد. همچنین افزایش فرصت ها و میکانیزم ها برای رهبری و مشارکت زنان در اجتماعات محلی جزو اولویت های پنج ساله پلان عملکرد ملی برای زنان افغانستان دانسته شده است.^۴

آقای علی یاور مظفری کاندیدای شورای ولایتی در ولایت هرات نیز در زمینه فعالیت این ارگان های دولتی می گوید: یکی دیگر از پالیسی های دولت در زمینه مشارکت زنان در عرصه های گوناگون، بنیان نهادن ارگان هایی چون کمیسیون دفاع از حقوق زنان و ریاست امور زنان بوده است. این ارگان ها در زمینه انتخابات پارلمانی کاری که کرده اند تشویق زنان برای حضور در انتخابات بوده است. البته این فعالیت ها بسیار بهتر از این می توانست باشد ولی این فعالیت های بی تأثیر نیز نبوده است.^۵

آقای علی جمعه مظفری عضو کابینه انجمن اصلاح طلبان در ولایت هرات علاوه بر موارد ذکر شده، کارهای سمبولیک دولت را نیز در زمینه مشارکت زنان در انتخابات پارلمانی موثر می داند: «کارهای نمادین زیادی برای زنان از جانب دولت انجام شده که نمی توان تأثیر مثبت آنها را روی پروسه انتخابات پارلمانی منکر شد. به طور مثال خود اصل انتخابات یک پروسه سمبولیک برای زنان بوده است، کار سمبولیک دیگر به کار گماشتن زنان در پست های دولتی بوده است که به طور قطع تأثیر خود را روی مشارکت زنان در انتخابات پارلمانی می گذارد. علاوه براین، ما برای اولین بار یک والی زن در کشور (در ولایت بامیان) داریم، برای اولین بار در تاریخ افغانستان یک شاروال زن (در شهر نیلی مرکز ولایت دایکندی) داریم.^۶

حق در قانون اساسی و قانون انتخابات افغانستان به عنوان یک حق تسجیل شده است. زنان و مردان براساس حکم قانون در برخورداری از این حق هیچ امتیازی نسبت به همدیگر ندارند. ماده ۲۲ قانون اساسی افغانستان تصریح می کند:

«هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی اند.»^۱

ماده ۳۳ این قانون مقرر می دارد:

«اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا می باشند.»^۲

علاوه بر این، قانون انتخابات افغانستان حضور حداقل ۲۵ درصد زنان در پارلمان افغانستان را تضمین کرده است. یعنی حداقل یک چهارم اعضای مجلس نمایندگان افغانستان باید در اختیار زنان قرار بگیرد. برای این کار، قانون انتخابات در هر ولایت، نظر به میزان نفوس و مجموع نمایندگانی که به آن اختصاص داده شده، تعدادی از سهمیه نمایندگی را به زنان اختصاص داده است. این سهمیه ۲۵ درصدی در مجلس نمایندگان، حضور زنان را در پارلمان افغانستان بسیار تقویت می کند و این میزان حضور زنان نسبت به اکثر مطلق کشورهای منطقه، بیشتر است. همچنان زنان می توانند برای تصاحب چوکی های بیشتر با مردان رقابت کنند.

آقای عبدالقادر رحیمی رییس دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر در ولایت هرات نیز در این رابطه می گوید: «اگر قانون اساسی افغانستان را ورق بزنیم می بینیم که قانون اساسی راه زنان را برای مشارکت در انتخابات باز کرده است.» وی سهم ۲۵ درصدی زنان را با اصطلاح «تبعیض مثبت» یاد می کند: «نکته مهم دیگر بحث تبعیض مثبت یا همان اشغال یک چهارم از کرسی های پارلمان توسط زنان می باشد، ولو با رای کم. اگر چه این سهمیه دهی به زنان بحث های فراوانی را به دنبال داشت، باز هم جامه عمل پوشید.»^۳

در جدول زیر بعضی از ماده های قانون اساسی افغانستان آمده است که نشان می دهد زنان از حقوق شهروندی برابر با مردان برخوردارند و می توانند در فعالیت های سیاسی و اجتماعی شرکت کنند.

علاوه بر تصریح قانون اساسی، می توان ایجاد ارگان های دولتی را هم پالیسی هایی از طرف دولت برای حضور پررنگ تر زنان در عرصه فعالیت های اجتماعی و سیاسی دانست. از جمله این ارگان ها می توان از ریاست امور زنان نام برد که چند سالی است در زمینه حضور زنان در عرصه های مختلف فعالیت می کند. علاوه براین، براساس تصریح استراتژی انکشاف ملی افغانستان، هر وزارت خانه و ریاست های مستقل باید در

۴- استراتژی انکشاف ملی افغانستان، استراتژی جندر (۱۳۹۱-۱۳۸۷)، صص ۲۰-۱۹ (برگرفته از: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، محمد حسین سرآمد، حضور و نقش زنان در حوزه عمومی و فعالیت های سیاسی، ص ۶

۵- مصاحبه شخصی با علی یاور مظفری کاندیدای شورای ولایتی در ولایت هرات، دفتر مجمع اصلاح طلبان، ۱۳ اکتوبر ۲۰۱۱

۶- مصاحبه شخصی با علی جمعه مظفری عضو کابینه انجمن اصلاح طلبان در ولایت هرات، دفتر مجمع اصلاح طلبان، ۱۳ اکتوبر ۲۰۱۱

۱- مجموعه قوانین (چاپ کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان)، قانون اساسی افغانستان، ماده ۲۲

۲- همان، ماده ۳۳

۳- مصاحبه شخصی با عبدالقادر رحیمی، رییس دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر در هرات، دفتر کمیسیون حقوق بشر، ۱۵ سپتمبر ۲۰۱۱

گفتار دوم - حمایت‌های سیاسی از مشارکت زنان

فعالیت‌های سیاسی را که دولت برای اشتراک زنان در دو انتخابات پارلمانی گذشته عملی کرده است می‌توان در عناوین ذیل خلاصه نمود:

حضور زنان در پست‌های مدیریتی انتخابات

برنامه‌های زیرساختی برای حضور زنان در انتخابات پارلمانی

ترغیب زنان برای مشارکت در انتخابات

حضور زنان در پست‌های مدیریتی انتخابات

حضور زنان در پست‌های مدیریتی در پروسه انتخابات، علاوه بر پررنگ تر کردن بعد اجتماعی این قضیه، از لحاظ سیاسی هم اثرات مثبت خود را دارد. به طور مثال وقتی به زنان در پست‌های مدیریتی میدان داده شود مسلماً این زنان هم با حضورشان و هم با فعالیت‌شان موجب ترغیب زنان و روشن کردن اذهان زنان در مورد این پروسه می‌گردند. غلام شاه عادل، رییس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه هرات معتقد است که برجسته‌ترین سیاست‌های اجرایی و عملی دولت در این زمینه، حضور زنان در پست‌های مدیریتی به خصوص امور دولت بوده است.^۷

در انتخابات‌های گذشته، چه در فعالیت‌های انتخاباتی و چه در خود پروسه انتخابات شاهد حضور زنان در پست‌های مدیریتی هم به حیث مامورین کمپاین انتخاباتی، هم به حیث ناظر و هم به حیث راهنما بودیم که این به نوبه خود باعث سهولت در کار و اطمینان خاطر زنان رای‌دهنده و همچنان زنان کاندید می‌شد. سکینه حسینی وکیل شورای ولایتی ولایت هرات در این زمینه می‌گوید: «حضور زنان در پست‌های مدیریتی بسیار مفید واقع شد، زنان با وجود عنعنات و باورهای سنتی خانواده‌های شان می‌توانستند بسیار راحت در این پروسه شرکت کنند. این نکته در قسمت زنان کاندید هم مفید واقع شد چون به بعضی از زنان در این پست‌ها وظیفه داده شده بود که به حیث مبلغ کار کنند و به زنان کاندید راهنمایی دهند.»^۸

لیلا احراری یکی از کارکنان کمیسیون انتخابات در ولایت هرات هم نظر خوشبینانه‌ای در این رابطه دارد: «از وقتی در این پست مشغول به کار هستم سعی کردم که در قسمت حضور زنان در پست‌های انتخاباتی بیشتر کار شود و در طول چند سال کاری خود تاثیر مثبت این قضیه را حس کرده‌ام.»^۹

برنامه‌های زیرساختی برای حضور زنان در انتخابات پارلمانی

در مورد مواجهه با مسائل مختلف، شناخت و درک ماهیت آن بسیار اهمیت دارد. این اصل مهم در مورد انتخابات پارلمانی

۷- مصاحبه شخصی با غلام شاه عادل، رییس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه هرات، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه هرات، ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۱

۸- مصاحبه شخصی با سکینه حسینی وکیل شورای ولایتی ولایت هرات، دفتر شورای ولایتی ولایت هرات، ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۱

۹- مصاحبه شخصی با لیلا احراری یکی از کارکنان کمیسیون انتخابات در ولایت هرات، دفتر کمیسیون انتخاباتی ولایت هرات، ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۱

نیز صدق می‌کند. مسلماً تا یک آگاهی نسبی به زنان داده نشود نباید انتظار حضور باشکوه و آگاهانه و موثر را در میدان رقابت و پای صندوق‌های رای داشت. اما اقدامات و برنامه‌های زیرساختی، از قبیل خلق ضمانت‌های قانونی مشارکت زنان و آگاهی دهی در زمینه حقوق سیاسی و اهمیت مشارکت در انتخابات، به مردم، اعم از زن و مرد، یک امر ضروری در تقویت حضور و مشارکت زنان است.

دولت افغانستان در زمینه خلق ضمانت‌های قانونی مشارکت زنان دستاوردهای مهمی داشته است. چنانچه تذکر داده شد، زنان براساس حکم قانون اساسی از حق مشارکت برابر با مردان در انتخابات برخوردارند. اما در عرصه‌های دیگر، از جمله رشد و گسترش آگاهی‌های مدنی در جامعه و ایجاد نهادهای مدافع حق مشارکت زنان، افغانستان هنوز با مشکلات فراوانی مواجه است، هرچند کارهایی در این زمینه‌ها نیز صورت گرفته است. عبدالقادر رحیمی، رییس دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر در هرات معتقد است که «قدم‌هایی انجام شده هرچند بسیار محسوس نبوده است اما برای نقطه آغازین خوب بوده است. وقتی برای زنان زمینه‌سازی می‌شود که کارکنند، زمینه‌سازی می‌شود که تحصیل کنند این موارد باعث کشاندن زن به اجتماع می‌شود، زن یاد می‌گیرد که برای آینده مملکت خود احساس مسئولیت کند و هیچ مانع قانونی برای حضور زن در اجتماع، در انتخابات و هر عرصه سیاسی دیگر وجود ندارد. تنها محدودیت، چالش‌های سنتی و فرهنگی است. فعالیت‌های زیر ساختی دولت هرچند سمبولیک بوده است اما در این وضعیت حتی این فعالیت‌های سمبولیک غنیمت است اما بسنده نیست. برای مثال وزارت امور زنان را می‌توان یک نهاد سمبولیک دانست زیرا که یک وزارت پالیسی‌ساز نمی‌تواند زندگی مردم را تغییر بدهد آن هم با بودجه محدود و فعالیت محدود. و همچنین در این بین نباید همکاری جامعه مدنی با دولت را در راستای تطبیق برنامه‌های آموزشی نادیده گرفت»^{۱۰}

غلام شاه عادل معتقد است که دولت برنامه‌های کوتاه مدتی را اجرا نموده است که جنبه مثبت آن همان تبعیض مثبت برای تقویت مشارکت زنان در پارلمان است و جنبه منفی آن تنش‌هایی است که ایجاد کرده است برای مثال بعضی خانم‌هایی که وارد عرصه انتخابات و سیاست شدند از طرف خانواده‌های شان طرد شدند. از برنامه‌های دراز مدت آموزشی در این زمینه می‌توان از وزارت معارف نام گرفت که کار این وزارت ارتباط مستقیم با پیدا کردن جایگاه زنان توسط زنان خواهد داشت.^{۱۱}

۱۰- مصاحبه شخصی با عبدالقادر رحیمی، رییس دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر در هرات، دفتر کمیسیون حقوق بشر، ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۱

۱۱- مصاحبه شخصی با غلام شاه عادل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه هرات، ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۱



ترغیب زنان برای مشارکت در انتخابات و نقش رسانه‌ها

یکی دیگر از کارکردهای دولت در زمینه اشتراک زنان در انتخابات پارلمانی ترغیب زنان توسط رسانه‌ها، چه دولتی و چه غیردولتی بوده است. رسانه‌ها هم مانند بسیاری پدیده‌های دیگر در افغانستان بسیار جوان است، با این حال، بعد از سقوط حاکمیت طالبان، کارکرد اجتماعی رسانه‌ها را نمی‌توان نادیده گرفت. رسانه‌ها در کشاندن زنان به اجتماع نقش بی‌نظیری بازی کردند که در تاریخ افغانستان بی‌سابقه بود و بستر خوبی برای زنان فراهم ساخته بودند. بصیر بیگزاد معتقد است که رسانه‌ها با تمام توان از حضور و فعالیت‌های زنان حمایت کردند. نقش خود زنان نیز در این عرصه در سال‌های اول بعد از سقوط طالبان بسیار چشمگیر بود، اما اندک اندک حضورشان کمرنگ شد. وقتی زنان خود در رسانه‌ها حضور نداشته باشند موثریت رسانه‌ها در زمینه تشویق و ترغیب زنان برای مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی نیز کمتر می‌شود.^{۱۲}

در مجموع، کارهایی که در این زمینه انجام شده بسیار مقطعی بوده اند و برای چند روز محدود رقابت‌های انتخاباتی شاهد این قبیل برنامه‌ها بودیم و اکنون اثری از آن‌ها نیست. می‌توان گفت که کار بنیادی در این زمینه صورت نگرفته است چون کار بنیادی کاری است که تاثیر آن

تلاش در زمینه آگاهی‌های عامه کاری درازمدت و گسترده است. روشن است که این کار تنها از عهده ارگان‌های حکومتی برنمی‌آید، بلکه نهادهای مدنی و مراکز آموزشی نیز در این زمینه مسئولیت دارند. زنان، به ویژه آن‌هایی که در پارلمان حضور دارند، خود نیز در این زمینه مسئولیت دارند. اما به اعتقاد بصیر بیگزاد کاندیدای انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۹، زنان خود کمتر در این زمینه نقش موثر بازی کرده اند و عامل آن نیز عدم سازماندهی و نبود جنبش‌های مدافع حقوق زنان بوده است. وی می‌گوید: «در طی هشت سال گذشته، در پنج سال اول، حرکت زنان و حضور زنان در پارلمان و انتخابات پارلمانی جدی‌تر بود اما در طی سه سال گذشته این حرکت رو به رکود گذاشته است و علت آن عدم تشکیل جنبش‌های اساسی توسط زنان بوده است. فرصت‌های زیادی به زنان داده شد اما متأسفانه نتوانستند از این فرصت‌ها استفاده موثری کنند و اگر وضعیت به همین ترتیب ادامه پیدا کند حضور زنان در آینده بسیار کمرنگ‌تر خواهد شد. در کنار نبود جنبش‌های زنان، می‌توان از ناکامی پلان‌های آگاهی بخشی دولت و افزایش خشونت علیه زنان نیز یادآوری کرد.»^{۱۳}

۱۲- مصاحبه شخصی با بصیر بیگزاد کاندیدای انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۹.
۲ اکتوبر ۲۰۱۱

در جدول ذیل آمار و نام کاندیدان حزبی هر دو دوره انتخابات پارلمانی درج گردیده است.*

کاندیدان زن	کاندیدان مرد	کاندیدان مستقل	کاندیدان حزبی	مجموع کاندیدان
انتخابات پارلمانی دور اول	۱۷	۱۴۵		۱۶۲
انتخابات پارلمانی دور دوم			۲ نفر (آقای موسی رضایی از حزب وحدت و خانم سیمین بارکزی از مشارکت ملی)	

* روزنامه اتفاق اسلام و سایت کمیسیون مستقل انتخابات

احساس شود و آثار دراز مدت داشته باشد.

فصل دوم: نقش احزاب سیاسی در گسترش مشارکت زنان

احزاب سیاسی در افغانستان، با وجود عمر کم نظام دموکراسی در کشور، از کمیت بالایی برخوردار بوده است و ما شاهد ثبت بیش از ۱۰۰ تنظیم سیاسی در وزارت عدلیه هستیم. اما این احزاب از کارایی چندانی در سیاست افغانستان برخوردار نیستند. این احزاب اکثراً فضای مانور بسیار محدود دارند. اگر نگاهی به تشکیلات، اعضا و فعالیت‌های آنان افکنده شود واضح می‌گردد که تمام این احزاب، احزاب قومی‌اند و فعالیت‌های آنان هم اغلباً در محدوده اقوام و مناطق خاص صورت می‌گیرد. علاوه بر فضای محدود مانور سیاسی، به نظر می‌رسد ناکارآمدی احزاب سیاسی به این عناصر بر می‌گردد:

۱- نبود قوانین مناسب و بستر حقوقی لازم

۲- نداشتن تعریف متناسب خود در اذهان

۳- نداشتن فرهنگ سیاسی^{۱۴}

اگر نگاهی به حکومت نوپای افغانستان و دو انتخابات پارلمانی در افغانستان داشته باشیم می‌بینیم که فعالیت‌های احزاب سیاسی در زمینه انتخابات، مقطعی و کوتاه مدت بوده است. در این فصل بر آنیم که نقش احزاب در مورد اشتراک زنان در دو انتخابات پارلمانی کشور، میزان حمایت احزاب، میزان حضور زنان در فعالیت‌های انتخاباتی احزاب سیاسی و هم چنین میزان حضور زنان در کادر و سطح رهبری احزاب را مورد بررسی قرار دهیم.

گفتار اول: حمایت احزاب سیاسی از کاندیدان زن در انتخابات

با نگاهی به لیست دو انتخابات پارلمانی گذشته، کاندیدان حزبی بسیار محدودی را خواهیم دید که در انتخابات سهم گرفتند. البته کاندیدانی هم بودند که از حمایت احزاب برخوردار بودند، ولی به صورت رسمی کاندید حزبی نبودند. علت کاندیداهای اندک احزاب را شاید بتوان همان دید منفی مردم نسبت به احزاب سیاسی و سابقه بد احزاب در افغانستان دانست. اگر بررسی در مورد حمایت احزاب سیاسی از همین تعداد محدود زنان، داشته باشیم می‌توانیم حمایت‌های احزاب را در دو بخش تنظیم کنیم: یکی حمایت‌های مالی و دیگر حمایت‌های سیاسی. احزاب معمولاً تمام مخارج رقابت‌های انتخاباتی کاندیدان مورد

۱۴- علی امیری و جلیل بینش، رساله‌ی تحقیقی تجربه‌ی اول در مورد انتخابات های پارلمانی افغانستان، نشر دیدبان افغانستان

حمایت خود را متقبل می‌شوند و نیز اعتبار سیاسی خود را پشتوانه کاندیدان مورد نظر می‌کنند. موسی رضایی مسئول نمایندگی حزب وحدت در هرات می‌گوید: «احزاب علاوه بر حمایت‌های مالی، برنامه‌های مشورتی در جهت برنامه ریزی، کمپاین و نحوه ارتباط برقرار کردن با کاندیدان مورد حمایت خود داشته‌اند. به طور مثال حزب وحدت اسلامی در ولایت هرات در انتخابات پارلمانی دور اول حامی جدی خانم شهناز همتی بود و کوشش کرد برای او رای جلب کند و موفق هم شد. در دوره دوم خانم ناهید احمدی فرید به طور غیر مستقیم توسط حزب وحدت اسلامی حمایت شد.»^{۱۵}

همچنین احزاب تلاش کردند که برای کاندیدان مورد حمایت خود، رای رای دهندگان زن را جذب کنند و آنان را برای مشارکت در انتخابات تشویق نمایند. چنانچه غلام شاه عادل می‌گوید، احزاب در دو دوره انتخابات پارلمانی کوشیدند رای زنانی را که آگاهی اندکی داشتند به سوی خود جلب کنند. این مسئله بیشتر در ولسوالی‌ها و حومه‌های شهر بود.^{۱۶}

گفتار دوم: آمار کاندیدان زن حزبی

در انتخابات پارلمانی دور دوم فقط شاهد حضور یک زن حزبی در لیست کمیسیون انتخابات بودیم که این خانم، خانم سیمین بارکزی بود که از طرف حزب مشارکت ملی افغانستان حمایت شده بود. البته آنطور که در گفتار پیشین هم ذکر شد زنانی هم بوده‌اند که در لیست، کاندیدان پارلمانی مستقل بوده‌اند اما در واقع یک خط ارتباطی با یک حزب داشته‌اند طوری که آقای موسی رضایی می‌گوید از جمله این بانوان می‌توانیم از خانم شهناز همتی در انتخابات پارلمانی دور اول و از خانم ناهید احمدی فرید در انتخابات پارلمانی دور دوم نام ببریم که توسط حزب وحدت اسلامی حمایت شدند.

اما چرا فعالیت‌های احزاب در انتخابات کم بوده است؟ اگر نگاهی به پیشینه احزاب داشته باشیم می‌بینیم که اکثر آن‌ها احزاب جهادی‌اند اکثر آن‌ها در جنگ‌های داخلی دخیل بودند. مردم از این رو نسبت به آن‌ها بدبین است. زنان هم از این قاعده مستثنی نبوده‌اند. همچنین سیاست حزبی در کشور هنوز نهادینه نشده و مردم نسبت

۱۵- مصاحبه شخصی با موسی رضایی مسئول نمایندگی حزب وحدت در هرات. دفتر حزب وحدت اسلامی. ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۱

۱۶- مصاحبه شخصی با غلام شاه عادل، رییس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه هرات. ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۱

به آن‌ها ناآگاه اند. موسی رضایی می‌گوید که بخشی از این بی‌اعتمادی به ناشی از شرایط جنگ بوده است. بخش دیگر ناشی از عدم شناخت دقیق و درست افراد نسبت به اهداف یک حزب است. نکته دیگر که به این بی‌اعتمادی‌ها در میان زنان دامن می‌زنند سنت و عرف و عنعنه حاکم بر جامعه است که خانواده‌ها، مانع ارتباط یک زن با یک حزب سیاسی می‌شوند که این مسئله می‌تواند علاوه بر دید سنتی به عدم شناخت خانواده‌ها از احزاب هم مربوط باشد.^{۱۷}

اما فاطمه جعفری منشی شورای ولایت هرات ضمن اشاره به توانایی‌های فردی کاندیدان زن در انتخابات، محدودیت قانونی فعالیت حزبی را نیز مطرح می‌نماید. وی می‌گوید: «واضح است که علت عدم نقش موثر احزاب نفوذ کم احزاب سیاسی و عدم اعتماد مردم بوده است. ولی موفقیت بعضی از زنان حزبی را چه در انتخابات شورای ولایتی و چه در انتخابات پارلمانی نمی‌توانیم صرفاً به نفوذ آن حزب سیاسی مربوط بدانیم بلکه علت آن می‌تواند توانایی‌های فردی و نحوه کمپاین خود کاندیدان باشد و علت نفوذ کم احزاب تنها پیشینه جهادی آنان نیست بلکه یک ظرافت قانونی از طرف دولت وجود دارد، چون اداره کردن احزاب قوی برای دولت مشکل است.»^{۱۸}

به تمام این گفته‌ها شاید بتوان عملکرد ضعیف احزاب سیاسی، ضعف ساختاری و عملکردهای مقطعی آنان را نیز اضافه نمود.

گفتار سوم: میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های انتخاباتی احزاب سیاسی

بحث از حضور زنان و میزان فعالیت‌های زنان در عرصه‌های مختلف در افغانستان شاید یکی از بحث‌های روزمره و رایج باشد که میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های یک حزب سیاسی، از جمله فعالیت‌های انتخاباتی آن، مستثنا از این قضیه نیست.

اگر نگاهی به اعضای متشکله احزاب سیاسی و اعضای کادری آن‌ها داشته باشیم شاید به ندرت بتوان زنانی را در موقع‌های تصمیم‌گیرنده احزاب دید. این موضوع نشان می‌دهد که هنوز نگاه تبعیض آمیز جنسیتی در عرصه سیاست و احزاب سیاسی وجود دارد. اما موسی رضایی مسئول نمایندگی حزب وحدت اسلامی مدعی است که «از بین احزاب پرشمار کشور، حزب وحدت اسلامی و حزب دموکراتیک خلق، افتخار این را دارند که زنانی در سطح رهبری و یا سطح شورای مرکزی خود داشته اند، در زمانی که شاید هیچ یک از احزاب جهادی دیگر، حضور زنان را حتا در عرصه‌های فرهنگی و فعالیت‌های اجتماعی تحمل نمی‌توانند، چه رسد به عرصه‌های سیاسی، این یک حرکت پیشرو در بین احزاب جهادی می باشد. حزب وحدت اسلامی بعد از حزب خلق تنها جریانی است که در سطح شورای مرکزی خود، هشت تن از جمله

زنان روشنفکر را راه دادند.»^{۱۹}

اگر از لحاظ کمی نگاهی اجمالی به اعضای احزاب داشته باشیم به وضوح می‌بینیم که حضور و فعالیت‌های زنان در احزاب، بسیار ناچیز بوده است و اگر هم حضوری داشته اند کاملاً مقطعی و برای پیشبرد بعضی از اهداف احزاب بوده است.

فاطمه جعفری منشی شورای ولایتی ولایت هرات می‌گوید: «متأسفانه کمتر حزبی سراغ داریم که در خارج از دوره انتخابات، کار سیاسی انجام دهد چه رسد به اینکه زنانی را به خاطر فعالیت‌های سیاسی در خود جای دهد. احزاب استراتژی مشخص و درستی در مورد زنان ندارند و فعالیت‌های آنها در زمینه مشارکت زنان برای یک مدت کوتاه بوده است. اگر ببینند که حمایت شان از یک زن به خاطر تحقق اهداف حزب می‌تواند آن زن را وارد پارلمان کند از او حمایت کرده و با در نظر داشتن همان تبعیض مثبت از شانس برندگی او سوء استفاده می‌کنند. اما چون احزاب، نفوذی کافی ندارند بنابراین قبول شدن آن زن نمی‌تواند به حزب ربطی داشته باشد و فقط توانایی‌های شخصی او، نحوه کمپاین و مدیریت کمپاین او در موفقیت اش موثر بوده است.»^{۲۰}

فصل سوم: نقش جامعه مدنی در حمایت از مشارکت زنان در انتخابات

گفتار اول: تعریف جامعه مدنی

اصطلاح جامعه مدنی^{۲۱} به عنوان یک اندیشه، ریشه در فلسفه سیاسی در قرن هجدهم در اروپا دارد ولی به عنوان یک نهضت سیاسی- اجتماعی بیشتر در نیمه دوم قرن بیستم، ظهور کرده است. در واقع جامعه مدنی متشکل از جامعه و مدنی است. جامعه جمعی از افراد است که ارتباط معنادار بین آنها وجود دارد و به هر جمع و جماعتی اطلاق نمی‌شود و مدنی ریشه در مدنیت و شهرنشینی دارد.

تعریف‌های متفاوتی از جامعه مدنی صورت گرفته است. بعضی‌ها، آن را یک پل ارتباطی بین دولت و مردم می‌دانند، بعضی‌ها آن را حوزه بین خانواده و جامعه سیاسی و دولت می‌دانند، اما در حقیقت هر کدام از این اشخاص از یک زاویه خاص به جامعه مدنی نظر افکنده اند. تعریفی قابل قبول جامع تر شاید این باشد که: جامعه مدنی به حوزه عمل دسته جمعی غیر جبری اطلاق می‌شود که بر محور منافع، اهداف و ارزش‌های مشترک شکل می‌گیرد. از لحاظ تشکیلات ساختمانی، جامعه مدنی از دولت، خانواده و احزاب سیاسی جداست ولی در عمل مرزبندی بین دولت، جامعه مدنی، خانواده و بازار مشکل است.

ویژگی‌های نهادهای جامعه مدنی، سیاست پیشه نبودن و شکلیا و خشونت پرهیز بودن آن است. آن‌ها به دنبال سرنگونی حاکمیت سیاسی

۱۹- مصاحبه شخصی با موسی رضایی مسئول نمایندگی حزب وحدت در هرات. دفتر حزب وحدت اسلامی. ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۱

۲۰- مصاحبه شخصی با فاطمه جعفری منشی شورای ولایت هرات. دفتر شورای ولایتی ولایت هرات. ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۱

و یا به دست آوردن قدرت سیاسی نیستند بلکه در تلاش اند تا با فعالیت های سازمان یافته بر سیاست های دولت تاثیر بگذارند. در قانون اساسی افغانستان، جامعه ی مدنی تعریف نشده است اما مولفه های آن برشمرده شده است: «ایجاد جامعه مدنی عاری از ظلم، استبداد، تبعیض، و خشونت و مبتنی بر قانونمندی، عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی و حقوق انسانی و تامین آزادی و حقوق اساسی مردم.»^{۲۲}

گفتار دوم: فعالین مدنی زنان و نقش حمایتی جامعه مدنی از زنان در انتخابات

جامعه مدنی در افغانستان با اینکه مثل سایر پدیده ها، جوان و نوپا است اما در بعضی موارد کارکردهای آن قابل تقدیر و ستایش است. شاید یکی از عیوب جامعه مدنی منحصر شدن فعالیت های آن به داخل شهرها باشد، اگر از یک جامعه مدنی بزرگ تر گپ بزنیم توقع داریم که فعالیت های جامعه مدنی هم شهرها، هم ولسوالی ها و هم قریه ها را در بر بگیرد.

اگر به فعالیت های نهادهای جامعه مدنی نظری داشته باشیم متوجه می شویم که گونه های متفاوت نهادهای مدنی با اهداف متفاوت وجود دارند. غلام شاه عادل، رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه هرات نهادهای جامعه مدنی را به سه دسته تقسیم بندی می نماید. دسته اول نهادهای مدنی هستند که واقعا برای ارتقاء شهروندان، از جمله زنان، کار می کنند، دوم نهادهای مدنی هستند که ابزاری کار می کنند و سوم نهادهای مدنی که پروژه ای کار می کنند و هدف خاصی جز تطبیق پروژه و به دست آوردن سود ندارند.^{۲۳}

همان طور که گفتیم یکی از ویژگی های جامعه مدنی سیاسی نبودن آنها است. عزیزه خیراندیش رئیس دفتر شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر در ولایت هرات هم به این نکته اشاره می کند: جامعه مدنی نمی تواند مستقیما کاندید معرفی کند اما کاندیدان می توانند با پشتوانه جامعه مدنی وارد رقابت های انتخابات پارلمانی شوند. اگر نگاهی به آمار زنان برنده انتخابات پارلمانی بیندازیم می بینیم که اکثر آنها با پشتوانه نهادهای مدنی و سابقه فعالیت های مدنی موفق شده اند. یعنی خیزش این زنان از این نهادها بوده است. اگر کنکاش و جستجویی داشته باشیم می بینیم که اکثریت زنان کاندیدای پارلمانی حتما یک نقطه اتصالی با جامعه مدنی داشته اند.^{۲۴} شریفه شهاب نیز می گوید: «من خود عضوی از جامعه مدنی هستم و اکثریت زنان کاندید نیز همچون من عضو جامعه مدنی هستند مثلا خانم کرخی که من دلیل موفقیت ایشان را

حضور او در جامعه مدنی می دانم.»^{۲۵}

بصیر بیگزاد نیز معتقد است که «با اینکه جامعه مدنی مجال شرکت در مسائل سیاسی را به صورت مستقیم نداشته اند، و از امکانات قوی هم برخوردار نبوده اند، با آن هم زنانی که از آدرس نهادهای مدنی آمدند بسیار موفق بوده اند. مثال های این زنان موفق خانم ماریا بشیر رییس سارنوالی هرات، خانم سیما سمر رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، شکریه بارکزی و فوزیه کوفی اعضای پارلمان، حبیبه سربای والی بامیان است. تمام این ها از طرف نهادهای مدنی وارد فعالیت های سیاسی شده اند و نسبت به زنانی که از آدرس احزاب آمده اند موفق تر بوده اند.»^{۲۶}

خانم سکینه حسینی نقش نهادهای جامعه مدنی در زمینه مشارکت زنان در انتخابات پارلمانی را موثر و برجسته می داند: «در دوره اول زنان علاقه مند کاندید شدن نبودند و این نهادهای جامعه مدنی بود که زنان را تشویق به مشارکت کردند. بعضی از نهادهای مدنی برای زنان کاندید کمپاین می کردند، بعضی خانم های کاندید را حمایت و تقویت کردند و حتا در مصارف مالی به آنها کمک می کردند. مانند خانم شریفه شهاب که یک عضو نهاد جامعه مدنی بود و یکی از زنان موفق در انتخابات پارلمانی بود هرچند در نتایج انتخابات برنده اعلام نشد.»^{۲۷}

فصل چهارم: چالش های امنیتی مشارکت زنان در انتخابات

چالش امنیت یکی از چالش های بسیار عمده در افغانستان است که تأثیرات مستقیمی روی وضعیت مشارکت مردم در فعالیت های سیاسی و اجتماعی، از جمله شرکت در انتخابات پارلمانی دارد و مبرهن است که زنان در مقابل چالش های امنیتی آسیب پذیرتر است. مسأله امنیت را می توان از چند بعد نگاه کرد: امنیت جانی، امنیت فکری، امنیت رای. زنان برای مشارکت در انتخابات از هر کدام این ابعاد امنیتی با چالش و محدودیت مواجه بودند.

چنانچه در قانون اساسی افغانستان تصریح شده، دولت موظف است که امنیت را تامین کند. این مسئولیت دولت در هنگام انتخابات موضوعیت بیشتر پیدا می کند. هرچند در بعضی از مناطق ولایت هرات، به ویژه شهر هرات، امنیت انتخابات حفظ شده بود، اما این مشکل در بسیاری از مناطق دوردست تر وجود داشت. خانم شریفه شهاب کاندیدای دور دوم انتخابات پارلمانی می گوید: «دولت تا حدودی مسأله امنیت در مرحله کمپاین را تامین کرده بود، مثلا ما به همراه مسئولین امنیتی به ولسوالی هایی که از لحاظ امنیتی وضع بهتری داشت، می رفتیم و ولسوالی هایی که امنیت کمتری داشت و حتا مسئولین

۲۵- مصاحبه شخصی با شریفه شهاب کارمند کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در دفتر ساحوی ولایت هرات. دفتر کمیسیون حقوق بشر ولایت هرات. ۲۷ سپتمبر

۲۶- مصاحبه شخصی با بصیر بیگزاد کاندیدای انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۹. ۲ اکتوبر ۲۰۱۱

۲۷- مصاحبه شخصی با سکینه حسینی. دفتر شورای ولایتی ولایت هرات. ۱۷ سپتمبر ۲۰۱۱

۲۲- قانون اساسی افغانستان (۱۳۸۲)، مقدمه

۲۳- مصاحبه شخصی با غلام شاه عادل، رییس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه هرات. ۱۸ سپتمبر ۲۰۱۱

۲۴- مصاحبه شخصی با عزیزه خیراندیش رییس دفتر شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر در ولایت هرات. دفتر جامعه ی مدنی ولایت هرات. ۵ اکتوبر ۲۰۱۱

امنیتی نمی‌توانستند در آنجا حضور پیدا کنند از حضور و کمپاین محروم بودیم.»^{۲۸}

مسئله امنیت را در انتخابات باید مرحله به مرحله مطالعه کرد:

۱- مرحله کمپاین

۲- روز رای دهی

۳- شمارش آرا و نتیجه انتخابات

امنیت در مرحله اول و دوم از اهمیت بالایی برخوردار است. عبدالقادر رحیمی رئیس دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر در هرات می‌گوید: «در جریان کمپاین مسئله امنیت کمتر در نظر گرفته شد. در هر دو انتخابات زنان کمتر می‌توانستند در کمپاین‌های انتخاباتی سهم بگیرند. کاندیدان زن نمی‌توانستند شهر به شهر، ده به ده بگردند و کمپاین کنند و با مردم دیدگاه‌های خود را در میان بگذارند. رای دهندگان زن نیز در جریان کمپاین با مشکلات امنیتی مواجه بودند. عدم حضور آزادانه کاندیدان زن در میان آن‌ها فرصت آگاهی و شناخت برنامه‌های کاندیدان را از آنان می‌گرفت. در روز انتخابات مشکلات امنیتی نسبتاً کمتر بود. اما متأسفانه در بعضی از مناطق حوزه‌های انتخاباتی از سوی کمیسیون انتخابات مسدود شده بود و عملاً رای‌گیری صورت نگرفت.»^{۲۹}

با این حال، به اعتقاد بصیر بیگزاد هرچند بحران ناامنی یک بحران واقعی است و دولت نیز در بعضی مناطق نتوانست آن را رفع کند، ولی بعضی حلقات و افراد عمداً بحران ناامنی را دامن می‌زنند و یا آن را بزرگنمایی می‌کنند تا از آن استفاده سیاسی کنند.^{۳۰} خانم سکینه حسینی برخی از احزاب سیاسی را در دامن زدن به ناامنی و ایجاد هراس مورد انتقاد قرار می‌دهد. وی معتقد است که در انتخابات پارلمانی گذشته در هرات شاهد رقابت‌های منفی از سوی احزاب بودیم و احزاب از پخش پروپاگنداهایی در رابطه با زنان که بر روی ذهن و باور سنتی مردم به خصوص مردان تأثیر منفی می‌گذاشتند دریغ نکردند. این مسئله باعث شد که خانواده‌ها احساس امنیت نکنند و در نتیجه تعدادی از زنان علاقه‌مند نتوانستند در مبارزات انتخاباتی به حیث کاندید وارد شوند و شماری از رای دهندگان زن نیز از شرکت در انتخابات و دادن رای باز ماندند.^{۳۱}

واضح است که مسئله امنیت در انتخابات به قدری اساسی است که تمام ابعاد انتخابات را می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد. اگر امنیت سرتاسری برقرار باشد همه شهروندان می‌توانند از حق مشارکت در انتخابات برخوردار شوند.

۲۸- مصاحبه شخصی با شریفه شهاب کارمند کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در دفتر ساحوی ولایت هرات. دفتر کمیسیون حقوق بشر ولایت هرات. ۲۷ سپتمبر

۲۹- مصاحبه شخصی با عبدالقادر رحیمی، رئیس دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر در هرات، دفتر کمیسیون حقوق بشر. ۱۵ سپتمبر ۲۰۱۱

۳۰- مصاحبه شخصی با بصیر بیگزاد کاندیدای انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۹. ۲ اکتوبر ۲۰۱۱

۳۱- مصاحبه شخصی با سکینه حسینی. دفتر شورای ولایتی ولایت هرات. ۱۷ سپتمبر ۲۰۱۱

فهرست منابع

منابع مکتوب، اسناد حقوقی و سایت‌ها:

۱. استراتژی‌ی انکشاف ملی افغانستان، استراتژی‌ی جندر (۱۳۹۱-۱۳۸۷)
۲. امیری؛ علی و جلیل بینش، رساله‌ی تحقیقی تجربه‌ی اول در مورد انتخابات‌های پارلمانی افغانستان، نشر دیدبان افغانستان
۳. روزنامه اتفاق اسلام
۴. سایت کمیسیون مستقل انتخابات
۵. قانون انتخابات افغانستان
۶. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، محمد حسین سرآمد، حضور و نقش زنان در حوزه عمومی و فعالیت‌های سیاسی، حوت (۱۳۹۰)
۷. مجموعه قوانین (چاپ کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان)، قانون اساسی افغانستان،

مصاحبه‌های شخصی با افراد:

۱. مصاحبه شخصی با بصیر بیگزاد کاندیدای انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۹. ۲ اکتوبر ۲۰۱۱
۲. مصاحبه شخصی با سکینه حسینی. دفتر شورای ولایتی ولایت هرات. ۱۷ سپتمبر ۲۰۱۱
۳. مصاحبه شخصی با شریفه شهاب کارمند کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در دفتر ساحوی ولایت هرات. دفتر کمیسیون حقوق بشر ولایت هرات. ۲۷ سپتمبر
۴. مصاحبه شخصی با عبدالقادر رحیمی، رئیس دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر در هرات، دفتر کمیسیون حقوق بشر. ۱۵ سپتمبر ۲۰۱۱
۵. مصاحبه شخصی با عزیزه خیراندیش رییس دفتر شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر در ولایت هرات. دفتر جامعه‌ی مدنی ولایت هرات. ۵ اکتوبر ۲۰۱۱
۶. مصاحبه شخصی با علی جمعه مظفری عضو کابینه انجمن اصلاح طلبان در ولایت هرات، دفتر مجمع اصلاح طلبان، ۱۳ اکتوبر ۲۰۱۱
۷. مصاحبه شخصی با علی یاور مظفری کاندیدای شورای ولایتی در ولایت هرات، دفتر مجمع اصلاح طلبان، ۱۳ اکتوبر ۲۰۱۱
۸. مصاحبه شخصی با غلام شاه عادل، رییس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه هرات، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه هرات. ۱۸ سپتمبر ۲۰۱۱
۹. مصاحبه شخصی با فاطمه جعفری منشی شورای ولایت هرات. دفتر شورای ولایتی ولایت هرات. ۱۶ سپتمبر ۲۰۱۱
۱۰. مصاحبه شخصی با لیلایا حراری یکی از کارکنان کمیسیون انتخابات در ولایت هرات، دفتر کمیسیون انتخاباتی ولایت هرات. ۱۷ سپتمبر ۲۰۱۱
۱۱. مصاحبه شخصی با موسی رضایی مسئول نمایندگی حزب وحدت در هرات. دفتر حزب وحدت اسلامی. ۲۵ سپتمبر ۲۰۱۱

بخش ششم:

الگوهای و معیارهای زنان برای رای دهی



شاهین پویا - هرات

معیارهای رای دهی (هرات)

مقدمه

چنانچه می‌دانیم، پارلمان افغانستان متشکل از دو مجلس می‌باشد: یکی مجلس نمایندگان یا مجلس شورای ملی و دیگر مجلس اعیان یا سنا. مجلس نمایندگان دارای ۲۴۹ کرسی و سنا نیز دارای ۱۰۲ کرسی است. مجلس نمایندگان از لحاظ صلاحیت‌ها و نقش خود برتر از مجلس سنا است، و این صلاحیت و نقش برتر ناشی از ماهیت نمایندگی آن است و اعضای آن مستقیماً با رای مردم انتخاب می‌شوند.

به اساس ماده سی و سوم قانون اساسی افغانستان شهروندان افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارند و اصولاً در برخورداری از این حق، مرد و زن با هم برابر می‌باشند. نمایندگان مردم در مجلس نمایندگان از طریق یک انتخابات مستقیم و با آراء سری مردم انتخاب می‌شوند.

از آنجا که نصف نفوس جامعه را زنان تشکیل می‌دهند، و شرکت در انتخابات نیز حق همه شهروندان، اعم از زن و مرد است، نقش آنان در انتخابات بسیار تعیین کننده است. اما با توجه به اینکه جامعه افغانستان هنوز یک جامعه مردسالار است که از یک طرف مناسبات عشیره‌ای بر آن حاکم است از سوی دیگر زر و زور نقش خود را دارند و از جانب سوم اکثر مردم، به ویژه زنان، نسبت به حقوق‌شان آگاهی کافی ندارند و وابسته به شوهر و یا خانواده‌های خود می‌باشند و گاه نمی‌توانند مستقل و با فکر خود آگاهانه به کاندیدهای مورد نظر خود رای دهند.

علاوه براین، شکاف‌های قومی و قبیله‌ای، گرایش‌های سمتی، زبانی، مذهبی، گروهی، جنسیتی و غیره نیز ممکن است در جهت‌دهی اراده سیاسی زنان و انتخاب‌شان در هنگام شرکت در انتخابات نقش داشته باشد.

هدف از این تحقیق این است که بدانیم زنان در انتخابات با کدام معیارها شرکت نموده‌اند؛ آیا مستقل یا بدون کدام فشاری با آگاهی و اراده خودشان شرکت نموده‌اند، یا اینکه عواملی از قبیل

مسأله قومیت، زبان، منطقه و یا انگیزه‌های مادی و تبلیغاتی در رای دادن‌شان نقش داشته است. اهمیت این تحقیق در این است که تا حدی آگاهی و عدم آگاهی زنان در مشارکت در انتخابات را روشن می‌سازد.

فصل اول: معیارهای رای دهی برای زنان

به نظر می‌رسد در رای دادن زنان معیارهای متفاوتی دخیل بوده؛ از جمله مسایل قومی، منطقه‌ای، مذهبی، مادی و یا تبلیغاتی و اعمال نفوذ متنفذین و بزرگان فامیل. در این فصل تلاش می‌شود نقش این مسایل در جهت دهی رای زنان مورد بررسی قرار بگیرد.

اول: تعلقات قومی و عشیره‌ای

چنانچه اشاره شد، افغانستان با شکاف‌های عمیق قومی دچار است و از این رو، تعلق قومی یکی از مهم‌ترین تعلقات در جامعه افغانستان است. این شکاف‌ها و تعلقات قومی همواره توسط سیاستمداران و حکومت قومی در افغانستان دامن زده شده و عمیق‌تر شده است. از این رو، اکثر افراد در هنگام شرکت در انتخابات براساس تعلقات قومی خود با کاندیدان، به آنها رای می‌دهند. همچنان خانم نجلا دهقان نژاد عضو پارلمان افغانستان می‌گوید که معیارهای زیادی در هر دو انتخابات پارلمانی افغانستان نزد زنان رای دهنده وجود داشته، اما از جمله معیارهای که خیلی پر رنگ بود تعلقات قومی بود که نقش بسیار زیادی داشت. متأسفانه رای دهندگان معیارهایی مثل سطح آگاهی و دانش و یا کارکردهای نامزدان را در نظر نگرفتند و بیشتر به دنبال مسایل قومی و قبیله‌ای رفتند.^۱

از آنجایی که افغانستان یک کشور قبیله‌ای و عشیره‌ای است، بیشتر کاندیدان در جریان کمپاین تلاش نموده‌اند با استفاده از

۱- مصاحبه با نجلا دهقان نژاد نماینده مردم هرات در مجلس نمایندگان، عقرب (۱۳۹۰)

شوهر، پدر، برادر و یا مناسبات قومی می‌باشد. نتایج انتخابات دو دور ولسی جرگه و ریاست جمهوری نیز نشان می‌دهد که تعلقات قومی یکی از مهمترین معیارهای رای‌دهی مردم بوده است.

دوم: پیروی از خواست مردان خانواده:

تسلط تعلقات قومی بر انتخاب افراد باعث شده است که ضرورت تحقیق و شناخت کاندیدان به فراموشی سپرده شود. چنانچه خانم زهرا حسن پور رییس موسسه واسا در هرات می‌گوید: «کمتر کسی را دیدم که از روی تحقیق رفته باشد رای داده باشد. اکثر خانم‌هایی که رای دادند، به خصوص خانم‌هایی که خانم خانه و بی‌سواد بودند بنابر خواست مردان خانواده و مناسبات قومی به پای صندوق‌های رای رفتند و رای دادند.»^۷

تعدادی خانم‌های خانه‌دار هم که در انتخابات شرکت کرده بودند، می‌گویند که ما به کسانی رای دادیم که از قوم و قبیله خود ما بود، بخاطری که ما آن‌ها را بهتر می‌شناختیم و شوهران ما هم به آن‌ها رای دادند.^۸

آقای داکتر نذیر احمد حیدر زاده رییس کمیته روابط شورای ولایتی با احزاب، نهادها و جامعه مدنی می‌گوید «وقتیکه جامعه ما جامعه مردسالاری است و خانم‌ها به سطحی از آگاهی نرسیده اند که حداقل خواهان حقوق خود شوند چطور می‌توانند استقلال فکری داشته باشند. بناءً اکثر زنان از روی عدم آگاهی زمانی که شوهر، پدر و یا برادرش به هرکسی که رای بدهد آن‌ها هم به همان اشخاص رای می‌دهند.»^۹

می‌توان گفت که زنان در انتخابات انتخاب مستقلی نداشتند و بیشتر تحت نفوذ پدر شوهر و یا برادر بزرگ خویش در انتخابات شرکت نموده و رای خود را در صندوق‌ها به سودی کسی انداخته‌اند که انتخاب مورد نظر مردان خانواده بوده‌اند. زهرا حسن پور رییس موسسه واسا در هرات نیز معتقد است که زنان کمتر مسأله جنسیت را در نظر گرفتند و به کسانی رای دادند که مردان خانواده‌شان می‌خواستند.^{۱۰}

در انتخابات حتا اگر زنان علاقمند باشند به زن دیگر یا به جنس نوع خودش رای دهند چون اساساً در رای دادن الهام از مردان می‌گیرند پس مردان اگر به هر مرد یا زن بگویند رای داده شود زنان همان طور عمل می‌کنند. این خود ثابت می‌کند که نزد زنان مسأله جنسیت زیاد مطرح نیست.

با آنکه بیشتر کارشناسان، به ویژه خانم‌ها عدم توجه به مسأله جنسیت را با دید منفی می‌نگرند و نشانه ناآگاهی سیاسی زنان

تعلقات قومی و عشیره‌ای مردم رای آنان را به نفع خود جلب کنند. این مسأله البته برای کاندیدان محدودیت نیز ایجاد می‌کرد زیرا نمی‌توانستند بیرون از قوم و عشیره خود کمپاین کنند. چنانچه زهرا حسن پور رییس موسسه واسا در هرات می‌گوید، چون در اکثر مناطق افغانستان روابط قومی و عشیره‌ای بسیار مهم پنداشته می‌شود، به همین لحاظ هر فردی می‌کوشید پشتیبانی قومی و عشیره‌ای داشته باشد و حتا به کاندیدان بیرون از منطقه و عشیره اجازه کمپاین داده نمی‌شد.^۲

چنانچه عبدالقادر رحیمی رییس دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر در هرات می‌گوید، متأسفانه در افغانستان هنوز مسأله قومیت بسیار حاد است و مردم منافع خود را در قوم خود جستجو می‌کنند نه در منافع اکثریت.^۳

اما عدم آگاهی و فقدان آگاهی رسانی کافی برای مردم نسبت به انتخابات و برنامه‌های کاندیدان، خود نیز باعث گرایش قومی و عشیره‌ای می‌شود، زیرا به صورت طبیعی مردم از کاندید قوم و عشیره خود شناخت بیشتر دارند و در نتیجه به او رای می‌دهند. پس نباید انتظار داشته باشیم که زنان به کسی رای بدهند که او را نمی‌شناسند. بناءً آن‌ها هم به کسانی رای می‌دهند که از قوم خودشان باشند.^۴

به نظر می‌رسد که محدود شدن آرای مردم به تعلقات قبیله‌ای و قومی ناشی از ضعف و یا عدم کمپاین کاندیدان در مناطق و ولسوالی‌های مختلف نیز بوده است. خانم عاطفه منصوری رییس موسسه انکشاف جامعه نوین و یکی از کاندیدان بازنده انتخابات پارلمانی می‌گوید: «من نه تنها از سطح شهر رای بدست آوردم بلکه از چهارده ولسوالی ولایت هرات من رای داشتم، به جز ولسوالی گلران، پس به نظر من در این انتخابات تعدادی از مردم به شایسته‌ها رای دادند و اما چون افغانستان کشوری قبیله‌ای است نمی‌توان مسأله قوم و قبیله را نادیده گرفت»^۵

با این حال، مسئولین دولتی معتقد است که در انتخابات پارلمانی مسأله قومی مطرح نبوده است. ضیا احمد ضیا مسئول ولایتی کمیسیون مستقل انتخابات معتقد است که مسأله قومی در بین زنان رای دهنده مطرح نبوده اگر چنین می‌بود باید کاندیدهای خاصی به پارلمان راه می‌یافتند.^۶

در مجموع، آرای زنان در انتخابات زیاده‌تر تاثیرپذیر از خواست

۲- مصاحبه با زهرا حسن پور، رییس موسسه واسا در هرات، میزان (۱۳۹۰)

۳- مصاحبه با عبدالقادر رحیمی، رییس دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر در هرات، میزان (۱۳۹۰)

۴- همان

۵- مصاحبه با عاطفه منصوری، رییس موسسه انکشاف جامعه نوین، عقرب (۱۳۹۰)

۶- مصاحبه با ضیا احمد ضیا، مسئول ولایتی کمیسیون مستقل انتخابات، میزان (۱۳۹۰)

۷- مصاحبه با زهرا حسن پور رییس موسسه واسا در هرات، میزان ۱۳۹۰

۸- مصاحبه با تعدادی از خانم‌های خانه دار در هرات، میزان (۱۳۹۰)

۹- مصاحبه با نذیر احمد حیدر زاده، رییس کمیته روابط شورای ولایتی با احزاب، نهادها و جامعه مدنی، میزان (۱۳۹۰)

۱۰- مصاحبه با زهرا حسن پور رییس موسسه واسا در هرات، میزان ۱۳۹۰

می‌دانند، ولی ضیا احمد ضیا مسئول ولایتی کمیسیون مستقل انتخابات آن را نشانه عدم تبعیض جنسیتی می‌داند. وی می‌گوید: «در هرات هیچ نوع تبعیض در بین رای دهندگان وجود نداشت و زنان بدون در نظر گرفتن مسأله جنسیت رفتند و رای دادند.»^{۱۱} منیژه صادق رییس امور زنان در هرات نیز معتقد است که اکثریت زنان در هرات به این باور به پای صندوق‌های رای رفتند که بتوانند یک نماینده خوب و یک کسی که بتواند از حقوق آنان دفاع کند و تغییرات اساسی را در زندگی آنها رونما کند رای بدهند و مسأله جنسیت به نظر من مطرح نبوده اگر بوده هم خیلی کم‌رنگ بوده است.^{۱۲}

سوم: کمک‌های مالی

مصرف و هزینه سنگین در دو انتخابات پارلمانی از ویژگی‌های غیرمعمول و بی‌سابقه انتخابات پارلمانی در افغانستان محسوب می‌شود. به گفته نذیر احمد حیدر زاده رییس کمیته روابط شورای ولایتی با احزاب، نهادهای و جامعه مدنی یکی از عوامل عمده‌ای که تعدادی از کاندیدان به پارلمان راه یافتند مصارف گزاف در جریان کمپاین‌های این کاندیدان بوده است.^{۱۳} وی اضافه می‌کند: «در انتخابات پارلمانی اول معیار مصارف مشخص بود. یک وکیل شورای ولایتی سه و نیم لک افغانی حق داشت مصرف کند و وکیل پارلمان ۷ لک حق داشت. در صورتی که بیشتر از آن مصرف می‌کرد جریمه می‌شد. این مسأله روی جلب آرای آن‌ها تأثیری منفی داشت، اما در دور دوم رقابت آزاد بود، کدام معیار در نظر گرفته نشده بود. ما کاندیدان زیادی داشتیم که میلیونها دالر مصرف کرد. خواهی نخواهی کسانی که سرمایه‌گذاری زیادی کنند به نحوی ارا مردم را به خود جلب می‌کنند.»^{۱۴}

این مسلم است که در جامعه ما از یک سو ناآگاهی مردم و از سوی دیگر فقر شدید اقتصادی دو عاملی است که در انتخابات توجه به این دو مسأله می‌تواند زمینه را بیشتر از هر چیز برای کسانی که بخواهند از آرای مردم سوء استفاده نمایند مساعد سازد. چون می‌دانیم افرادی آگاه هیچگاه با وعده و وعیدهای دروغین فریب نمی‌خورند و فقر نیز سبب می‌گردد که پول ارزش بیشتری پیدا نماید. به همین لحاظ کسانی که از امکانات مادی بیشتری برخوردار بودند و در انتخابات بیشتر پول مصرف نمودند توانستند آرای بیشتری را جلب نمایند.

خانم زهرا حسن پور رییس موسسه واسا در هرات با آنکه به نقش موثر تبلیغات و شیوه‌های دیگر کمپاین اشاره می‌کند ولی ۱۱- مصاحبه با ضیا احمد ضیا، مسئول ولایتی کمیسیون مستقل انتخابات، میزان (۱۳۹۰)

۱۲- مصاحبه با منیژه صادق رییس مور زنان در ولایت هرات، عقرب (۱۳۹۰)

۱۳- مصاحبه با نذیر احمد حیدر زاده، رییس کمیته روابط شورای ولایتی با احزاب، نهادهای و جامعه مدنی، میزان (۱۳۹۰)

۱۴- همان

تأکید می‌کند که در جامعه فقیر افغانستان توزیع پول و یا اجناس در بین مردم می‌تواند بسیار موثر تمام شود. وی می‌گوید: «بعضی‌ها رفتند کلیپ ساختند و به رسانه‌ها نشر شد و توانستند رای زیادی هم به دست آورند. ولی نقش پول را نیز هیچگاه نمی‌شود نادیده گرفت. خیلی‌ها را می‌شناسم که ولسوالی‌ها رفتند و کمپاین کردند و وعده‌های زیادی به مردم می‌دادند و یا همان لحظه یک چیزی به مردم می‌دادند. چون در ولسوالی‌ها وضع اقتصادی مردم ضعیف است و از امکاناتی همچون سرک اسفالت شده، برق و غیره محروم‌اند، بنا با یک کمک ناچیز می‌توانستند رای آنها را به دست آورند.»^{۱۵}

در مجموع در انتخابات پارلمانی کشور در هر دو دوره زر و زور هر دو نقش برجسته داشته‌اند. چنانچه اکثریت آنانی که به پارلمان راه یافته‌اند یا از نفوذ و قدرت در مناطق شان برخوردار بودند و یا اینکه در راه رسیدن به عضویت پارلمان مبلغ زیادی پول به مصرف رسانده‌اند.

وقتی از نقش پول در انتخابات حرف می‌زنیم مسلم است که تنها بر آراء مردان تأثیرگذار نبوده، بلکه زنان نیز آرای شان را در بدل پول به صندوق‌های رای ریخته‌اند. عاطفه منصوری یکی از کاندیدان بازنده در هرات، هرچند پروسه و روند انتخابات پارلمانی را نسبت به گذشته بهتر می‌داند و معتقد است که مردم از انتخابات‌های گذشته تجربه پیدا کرده بودند، ولی اضافه می‌کند که متأسفانه در زمان انتخابات و مبارزات انتخاباتی روند انتخابات به سوی دیگر منحرف شد که یک تعداد از ثروتمندان و پولدارها در ولایت هرات با استفاده از پول رای مردم را خریدند و روند انتخابات را منحرف کردند و مردم را ذهینت خراب دادند و آن‌ها را متوجه مسایل مادی کردند و این باعث شد که تعدادی از خانم‌ها و بعضی مردان که از لحاظ مالی ضعیف‌تر بودند از این شیوه متضرر شوند.^{۱۶}

روشن است که انتخابات در کشور ما دموکراتیک نبوده و عوامل زیادی نقش منفی را در این انتخابات داشته‌اند تا زنان و مردان نتوانند به صورت دموکراتیک آرای شان را بکار ببرند. چنانچه تذکر دادیم که زر و زور نقش زیادی در انتخابات پارلمانی داشته‌اند، با فقر و عقب ماندگی موجود در کشور، هرگاه این دو عامل از بین نرود ممکن نیست یک انتخابات دموکراتیک برگزار گردد و زنان و مردان بدون کدام فشاری بتوانند به کاندید مورد نظر شان رای دهند.

چهارم: تعلقات لسانی و مذهبی

تعلقات لسانی و مذهبی از مسایل دیگری است که بر انتخابات پارلمانی و جهت‌دهی رای مردم بسیار تأثیر داشته‌اند. این مسأله توسط بعضی از کاندیدان دامن زده شده است. زنان نیز زیر تأثیر این فضا به پای صندوق‌های رای رفته‌اند و رای داده‌اند.

۱۵- مصاحبه با زهرا حسن پور رییس موسسه واسا در هرات، میزان ۱۳۹۰

۱۶- مصاحبه با عاطفه منصوری، رییس موسسه انکشاف جامعه نوین، عقرب (۱۳۹۰)

منصوری یک تن از کاندیدان بازنده در هرات می‌گوید: «افغانستان کشوری است قبیله‌ای و در دیگر کشورها انتخابات از طریق احزاب سیاسی برگزار می‌شود اما در افغانستان احزاب سیاسی قوی وجود ندارد. فعلاً قوم و قبیله جای احزاب سیاسی را گرفته است.»^{۲۱}

بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که اکثر زنان رای‌دهنده گرایش‌های سیاسی و حزبی بارزی نداشته‌اند و اگر چنین تعلقاتی هم بوده بیشتر ناشی از گرایش‌های قومی و مذهبی بوده است.

فصل دوم: میزان آگاهی و استقلال زنان در رای‌دهی

اول: اس‌تقلال زنان در رای‌دهی

چنانچه پیشتر هم اشاره شد، جامعه افغانستان یک جامعه مردسالار است و بیشتر مناسبات و روابط جامعه براساس تصمیم‌های مردان تنظیم و ترتیب می‌شود. مردان نسبت به زنان در موقعیت برتر قرار دارند و تصمیم‌های عمومی اکثراً توسط آنها گرفته می‌شود. بنا بر بیشتر آرای زنان در انتخابات نیز تاثیرپذیر از خواست مردان خانواده از قبیل شوهر، پدر و برادر می‌باشد. به گفته خانم حسن‌پور اکثر زنان بنابر سلیقه مردان خانواده خود رفتند به پای صندوق‌های رای‌دهی و به کاندیدی که مورد پسند مردان خانواده شان بود رای دادند.^{۲۲} وی می‌گوید: «ما در وقت انتخابات پروگرام‌هایی در ولسوالی‌ها داشتیم. زمانی که من می‌پرسیدم به کی رای می‌دهید، می‌گفتند به همان کسی که پدر بچه من رای بدهد، چون که ما کسی را نمی‌شناسیم، ما سواد نداریم. حتا من شنیدم که در بعضی مناطق در پشت صندوق‌های رای‌دهی زن‌ها همراه با شوهرهای خود می‌رفتند و رای می‌دادند.»^{۲۳}

انتخاب مستقل و رای آزادانه توسط زنان در انتخابات نشان دهنده برابری حقوق زنان و مردان در فرهنگ جامعه نیز است. در حالی که می‌دانیم در افغانستان زنان از موقعیت و حقوق بسیار پایین‌تری نسبت به مردان برخوردارند. اکثریت زنان خود را شخصیت مستقل نمی‌دانند و در مقابل مردان‌شان مطیع‌ترند. حتا استقلال زنان کسرشان مردان دانسته می‌شود. از این رو است که حتا اکثر مردان از گرفتن نام زنان خود می‌شرمند.

با این همه، ضیا احمد ضیا مسئول ولایتی کمیسیون مستقل انتخابات در هرات که یک نهاد وابسته به دولت است، می‌گوید: «در هرات زنان تحت هیچ فشاری نبوده‌اند، چون اگر ما نظری به پارلمان بیاندازیم می‌بینم تمام اشخاصی که به پارلمان راه یافتند اشخاص با سواد و تحصیل کرده هستند بنابر اکثرشان در رای خود استقلال

اما چون هرات نسبت به بسیاری از ولایات با تعدد قومی بیشتری مواجه است و اقوام مختلف ساکن آن می‌باشد و از جانبی دیگر محیط و فرهنگ شهری‌تر دارد، مسایل لسانی نسبت به پول و مسأله قومی نقش کم‌رنگ‌تری داشته است.

منیژه صادق رییس امور زنان در هرات می‌گوید: «تا جایی که ما با خانم‌ها نشست داشتیم اکثر آنان می‌خواستند که به اشخاصی رای بدهند که از تمام اقشار و اقوام ملت نمایندگی کنند، و حقوق و امتیازات آنان را اعاده کنند و به ویژه خواست زنان را به گوش مقامات بلند پایه و یا جهانیان برسانند.»^{۲۴} اما خانم دهقان نژاد نماینده مردم هرات در پارلمان معتقد است که مسایل مذهبی، لسانی و نژادی همگی نقش خود را در جهت‌دهی آرای مردم داشته است، هرچند نقش گرایش‌های لسانی و مذهبی نسبت به نقش تعلقات قومی و عشیره‌ای کم‌رنگ‌تر بوده است.^{۲۵} عاطفه منصوری یکی از کاندیدان بازنده در هرات نیز معتقد است که مسایل لسانی و مذهبی در انتخابات پارلمانی اخیر، مخصوصاً در میان زنان، زیاد مطرح نبود بخاطر آنکه اکثر خانم‌ها به کسانی رای دادند که با آنها هم زبان نبودند.^{۲۶}

در مجموع می‌توان گفت که مسایل مذهبی و لسانی برای اکثر زنان رای دهنده در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ نقش بسیار مهمی نداشته است، هرچند کاملاً بی‌نقش نیز نبوده است.

پنجم: گرایش‌های سیاسی و گروهی

به دلیل ماهیت قومی و مذهبی احزاب و گروه‌های سیاسی، تعلقات سیاسی و حزبی تا حدود زیادی با تعلقات قومی و مذهبی هم‌پوشانی دارد. بنا بر زنان وابسته به هر قوم و مذهب که باشد گرایش‌های سیاسی و عقیدتی‌شان نیز مطابق همان گرایش‌های قومی و مذهبی شان است. با این حال، اگر تنها تعلق حزبی و سیاسی افراد را در نظر بگیریم، به نظر می‌رسد که این تعلق در میان خانم‌ها زیاد برجسته نبوده است. چنانچه ضیا احمد ضیا مسئول ولایتی کمیسیون مستقل انتخابات در هرات می‌گوید: «شاید رای دهنندگان مرد به اساس گرایش‌های سیاسی و حزبی رای داده باشند ولی این مسأله در بین خانم‌ها مطرح نبوده و فکر می‌کنم تمام زنانی که رای دادند مسأله لیاقت نامزدان را در نظر گرفتند.»^{۲۷}

اساساً احزاب از ستون‌های نظام دموکراسی پنداشته می‌شود و در یک نظام دموکراتیک معمولاً احزاب سیاسی نقش اصلی را در انتخابات بازی می‌کنند. از این رو عدم تعلق حزبی به معنایی نهادینه نشدن سیاست حزبی و نقش احزاب سیاسی نیز است. عاطفه

۱۷- مصاحبه با منیژه صادق، رییس امور زنان در ولایت هرات، عقرب (۱۳۹۰)

۱۸- مصاحبه با نجلا دهقان نژاد، نماینده مردم هرات در پارلمان، عقرب (۱۳۹۰)

۱۹- مصاحبه با عاطفه منصوری، رییس موسسه انکشاف جامعه نوین، عقرب (۱۳۹۰)

۲۰- مصاحبه با ضیا احمد ضیا، مسئول ولایتی کمیسیون مستقل انتخابات، میزان (۱۳۹۰)

۲۱- مصاحبه با عاطفه منصوری، رییس موسسه انکشاف جامعه نوین، عقرب (۱۳۹۰)

۲۲- مصاحبه با زهرا حسن پور رییس موسسه واسا در هرات، میزان ۱۳۹۰

۲۳- همان

داشته اند.^{۲۴}

اما بنا به اعتقاد شماری از فعالان زن و روشنفکران، استقلال رای و انتخاب زنان در انتخابات ۱۳۸۹ نسبت به گذشته بهتر شده است. چنانچه خانم عاطفه منصوری می‌گوید: «ما پروژه‌های زیادی در داخل ولسوالی‌ها داشتیم. زنان می‌گفتند ما به شوهرهای خود این بار کار نداریم. ما به هر کسی را که خود ما انتخاب کنیم رای می‌دهیم. تقریباً تا حدودی هم به این شکل مشاهد شده. هرچند ممکن است از طرف خانواده‌ها بر آنها تحمیل شده باشد که مطابق خواست آنان رای بدهند، اما آنان در روز انتخابات به کسانی رای دادند که خودشان انتخاب کرده بودند.»^{۲۵}



در سطح شهرها که تحصیلات و آگاهی خانم‌ها زیادتر است، تا حدودی استقلال درانتخاب رای خود داشتند.^{۲۶} نجلای دهقان نژاد «عدم آگاهی زنان عمده‌ترین نقش را در عدم استقلال آنان در دو دور انتخابات پارلمانی افغانستان داشته و اکثر زنان نمی‌دانستند که چه اساس و چه معیار را باید در نظر بگیرند و رای بدهند.»^{۲۷}

در همین حال شماری از زنان باسواد می‌گویند میزان آگاهی زنان در دو دور انتخابات پارلمانی نقش بارزی داشته اند. اگر زنان با آگاهی بیشتر به پای صندوق‌های رای می‌رفتند مطمئناً نتیجه انتخابات غیر از این می‌بود، اما متأسفانه اکثریت زنان از روی ناآگاهی یا به دنبال مردان خانواده خود راه افتادند و یا به کسانی رای دادند که به آن‌ها وعده‌های دورغین دادند. چون زنان اکثرشان بدون اینکه مصلحت خود و جامعه را بدانند در انتخابات شرکت نموده اند و از آرای خود استفاده درست ننموده است نقش شان در انتخابات یعنی گزینش افراد شایسته بسیار کم بوده است.

فصل سوم: تفاوت‌های رای‌دهی در دو انتخابات پارلمانی گذشته

اول: انتخابات اول (۱۳۸۴)

اولین انتخابات مجلس نمایندگان در ۲۷ سنبله سال ۱۳۸۴ (۱۸ سپتامبر ۲۰۰۵) برگزار شد. این انتخابات در حقیقت اولین انتخابات سراسری در کشور بود که مردم به معنای واقعی کلمه برای انتخاب

وابستگی زنان در انتخابات به مردان، بخشی از فرهنگ مردسالار جامعه است که از ریشه در سنتها و هنجارهای تاریخی جامعه دارد. با این حال، به نظر می‌رسد که در سال‌های اخیر زنان به این خودآگاهی رسیده‌اند که در انتخابات به صورت مستقل و آزادانه شرکت کنند و به کاندید مورد نظر خود رای بدهند.

دوم: میزان آگاهی زنان و نقش آنان در رای‌دهی

عمده‌ترین عامل عدم استقلال زنان در انتخابات و دادن رای، سطح پایین آگاهی آنان است. میزان سود در میان زنان افغانستان، خصوصاً در روستاها و مناطق دهاتی، بسیار پایین است و در نتیجه آگاهی آنان از حقوق شان، به ویژه حقوق سیاسی و حق مشارکت در انتخابات، بسیار اندک است.

نذیر احمد حیدر زاده رییس کمیته روابط شورای ولایتی با احزاب، نهادها و جامعه مدنی می‌گوید: «زنان نیمی از پیکر جامعه ما است و رای آنان بسیار تاثیر گذار است. اما از آنجایی که سطح سواد در ولسوالی‌ها پایین است بناءً از روی عدم آگاهی بنابر خواست مردان خانواده خود به کاندیدان مشخص رای دادند و همین بی‌سوادی یکی از دلایل عمده است که زنان نتوانستند در دو دور انتخابات به کسانی رای بدهد که واقعا شایستگی و لیاقت داشته باشند اما

۲۴- مصاحبه با ضیا احمد ضیا، مسئول ولایتی کمیسیون مستقل انتخابات، میزان (۱۳۹۰)

۲۵- مصاحبه با عاطفه منصوری، رییس موسسه انکشاف جامعه نوین، عقرب (۱۳۹۰)

۲۶- مصاحبه با نذیر احمد حیدر زاده، رییس کمیته روابط شورای ولایتی با احزاب، نهادها و جامعه مدنی، میزان (۱۳۹۰)

۲۷- مصاحبه با نجلای دهقان نژاد، نماینده مردم هرات در پارلمان، عقرب (۱۳۹۰)

مذهبی در بین زنان رای دهنده کمتر به نظر می‌رسید و زنان با کسب آگاهی نسبتاً بهتری به پای صندوق‌های رای رفتند و رای دادند، هرچند هنوز با مشکلات فراوانی مواجه بودند.

سوم: تفاوت‌ها

چون تغییرات سیاسی اجتماعی و فرهنگی در فاصله دو انتخابات بسیار ناچیز بوده است فلذا در معیارهای رای دهی در دو انتخابات نمی‌توان تغییر چشم‌گیری را ملاحظه نمود.

هرچند نذیر حیدر زاده معتقد است که کدام تغییری بین دو انتخابات پارلمانی از نظر معیارهای رای‌دهی زنان وجود نداشته است، بخاطریکه سطح آگاهی جامعه هنوز به حدی نرسیده که کدام تغییری را مشاهده کنیم.^{۳۳} اما خانم حسن پور معتقد است که هرچند در انتخابات دوم پارلمانی حضور زنان کم‌رنگ‌تر بوده، اما شرکت آنان آگاهانه‌تر بود. به گفته او برنامه آگاهی‌دهی رسانه‌ها خیلی فعال شده بودند و این برنامه‌ها برای زنان بیشتر شده بود. خانم حسن پور می‌گوید ما هم در راستای برنامه آگاهی‌دهی نقش داشتیم و بیشتر زنان رای دهنده آگاهی یافته بودند که در پشت صندوق‌های رای می‌توانند به هر کسی که بخواهند رای بدهند و هیچ فشار یا ترسی در آنجا وجود ندارد.^{۳۴}

عاطفه منصوری رییس موسسه انکشاف جامعه نوین و یکی از کاندیدان بازنده انتخابات پارلمانی از جانبی دیگر به قضیه نگاه می‌کند و نظر خوشبینانه‌تری در مورد مشارکت زنان در انتخابات سال ۱۳۸۹ دارد. به گفته او زنان در این انتخابات با آگاهی بیشتری نسبت به انتخابات قبلی رای دادند و بهتر می‌فهمیدند که به چه کسی رای بدهند.^{۳۵}

با این حال، چنانچه قبلاً هم تذکر رفت، عبدالقادر رحیمی رییس دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر در هرات قضاوت بدبینانه‌ای در این زمینه دارد. به باور او گرایشات قومی، مذهبی، لسانی و منطقه‌ای در انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۹ پُررنگ‌تر از انتخابات سال ۱۳۸۴ بود.^{۳۶}

نجلا دهقان نژاد نماینده مردم هرات در پارلمان نیز معقد است که انتخابات اول پارلمانی نسبت به انتخابات دوم بهتر بود، چون در انتخابات دوم تقلب، فروختن کارتها در مقابل پول یا جنس زیاد شد. به اعتقاد او انتخابات اول سالم‌تر و شفاف‌تر برگزار شد و تقلب کمتر صورت گرفت و مردم نیز به انتخاب خود امیدوار بودند.^{۳۷}

نمایندگان خود پای صندوق‌های رای رفتند. این انتخابات یک پدیده و تجربه جدید برای مردم افغانستان بود و با آنکه با مشکلات فراوانی مواجه بود، ولی بعد از سال‌های طولانی جنگ و ویرانی در کشور، موفقیت بزرگی برای مردم افغانستان به شمار می‌رفت.

بنا به گفته نجلا دهقان نژاد، در این انتخابات، مردم با تمام امیدواری خود رای دادند و رای مردم رای شفاف بود و تقلب کمتر صورت گرفت.^{۳۸} هرچند به قول منیژه صادق زنان در این انتخابات زیر تأثیر گرایشات غیردموکراتیک قرار داشتند و به اساس معیارهای قومی، مذهبی و نژادی رای دادند،^{۳۹} ولی این انتخابات قدم بزرگی برای نظام دموکراسی در کشور بود.

براساس آمارها، شمار زیادی از واجدین شرایط رای‌دهی در این انتخابات شرکت کردند و مردم امیدواری بیشتری نسبت به پارلمان منتخب شان داشتند و فکر می‌کردند که از این طریق می‌توانند دولت را مطابق خواست‌های خود کنترل کنند و بر کارآیی آن بیافزایند.

دوم: انتخابات دوم (۱۳۸۹)

انتخابات پارلمانی دوم در سال ۱۳۸۹ برگزار شد. در این انتخابات در ولایت هرات حدود ۳۴۸۱۳۵ (سیصد و چهل و هشت هزار و یکصد و سی و پنج) نفر رای دادند که از جمله ۱۴۵۰۵۰ (یکصد و چهل و پنج هزار و پنجاه) تن آنان زن بودند که بالغ بر ۴۱.۷ درصد کل رای‌دهندگان در این ولایت می‌شود.

چون مردم افغانستان با تجربه نمودن یک دور انتخابات و کسب آگاهی نسبی از روند رای‌دهی به پای صندوق‌های رای رفتند، انتظار می‌رود که در انتخاب کردن کاندیدان مورد نظرشان دقت بیشتری بخرج دهند. به باور خانم حسن پور «در این انتخابات زنان آگاهانه‌تر رفتند به پای صندوق‌های رای‌دهی، و اکثریت آنان بدون در نظر داشت معیارهای قومی، جنسیتی، مالی و لسانی رای دادند.»^{۴۰} همچنین خانم منیژه صادق معتقد است که «معیارهای قومی، مذهبی و نژادی در این انتخابات در بین زنان رای دهنده خیلی کم بود. زنان با دید بازتر و معلومات بیشتری رای دادند.»^{۴۱} اما عبدالقادر رحیمی رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر در حوزه غرب به این نظر است که معیارهای قومی، مذهبی، لسانی و منطقه‌ای در بین زنان بسیار مدنظر بوده و اکثر آنان با همین معیار رای دادند.^{۴۲}

به هرحال، در مجموع در این انتخابات مسایل قومی، لسانی و

۲۸- همان

۲۹- مصاحبه با منیژه صادق، رییس امور زنان در ولایت هرات، عقرب (۱۳۹۰)

۳۰- مصاحبه با زهرا حسن پور، رییس موسسه واسا در هرات، میزان ۱۳۹۰

۳۱- مصاحبه با منیژه صادق، رییس امور زنان در ولایت هرات، عقرب (۱۳۹۰)

۳۲- مصاحبه با عبدالقادر رحیمی، رییس دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر در هرات، میزان (۱۳۹۰)

۳۳- مصاحبه با نذیر احمد حیدر زاده، رییس کمیته روابط شورای ولایتی با احزاب، نهادها و جامعه مدنی، میزان (۱۳۹۰)

۳۴- مصاحبه با زهرا حسن پور رییس موسسه واسا در هرات، میزان ۱۳۹۰

۳۵- مصاحبه با عاطفه منصوری، رییس موسسه انکشاف جامعه نوین، عقرب (۱۳۹۰)

۳۶- مصاحبه با عبدالقادر رحیمی، رییس دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر در هرات، میزان (۱۳۹۰)

۳۷- مصاحبه با نجلا دهقان نژاد، نماینده مردم هرات در پارلمان، عقرب (۱۳۹۰)

منابع و رویکردها:

۱. مصاحبه با تعدادی از خانم‌های خانه دار در هرات، میزان (۱۳۹۰)
۲. مصاحبه با زهرا حسن پور رییس موسسه واسا در هرات، میزان ۱۳۹۰
۳. مصاحبه با عبدالقادر رحیمی، رییس دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر در هرات، میزان (۱۳۹۰)
۴. مصاحبه با ضیا احمد ضیا، مسئول ولایتی کمیسیون مستقل انتخابات، میزان (۱۳۹۰)
۵. مصاحبه با عاطفه منصوری، رییس موسسه انکشاف جامعه نوین، عقرب (۱۳۹۰)
۶. مصاحبه با منیژه صادق رییس مور زنان در ولایت هرات، عقرب (۱۳۹۰)
۷. مصاحبه با نجلا دهقان نژاد، نماینده مردم هرات در پارلمان، عقرب (۱۳۹۰)
۸. مصاحبه با نذیر احمد حیدر زاده، رییس کمیته روابط شورای ولایتی با احزاب، نهاده‌ها و جامعه مدنی، میزان (۱۳۹۰)

در مجموع می‌توان گفت که معیارهای رای دهی زنان را در انتخابات اول و دوم کاملاً یکسان نبوده است، هرچند شباهت‌های زیادی داشته است. این بار که زنان تجربه مشارکت در انتخابات اول را با خود داشتند یک تعداد از آن‌ها اصلاً در انتخابات شرکت ننمودند و آنانی که در انتخابات شرکت نموده بودند تجارب گذشته را در نظر گرفته این بار با معیارهای نسبتاً دقیق‌تری در انتخابات شرکت نمودند. ولی اگر در مجموع زنان را در سطح کل کشور در نظر بگیریم این تغییرات در انتخابات اول و دوم بسیار اندک بوده است. انتخابات دوم با تقلبات گسترده همراه شد و باعث شد که اعتماد مردم نسبت به انتخابات و نمایندگان پارلمان تاحدود زیادی ضربه بخورد. با این حال، برگزاری انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۹ را با تمام کاستی‌های آن باید یک گام به پیش شمرد.

نتیجه گیری

چنانچه در متن این نوشتار ذکر شد، در جهت‌دهی رای مردم عواملی از قبیل تعلقات قومی، مردسالاری، گرایش‌های سمتی، مذهبی و زبانی نقش داشته است. علاوه بر این نقش پول و تبلیغات انتخاباتی را نیز نباید فراموش کرد. روشن است که این عوامل نقش یکسان نداشته‌اند و نیز برای همه رای دهندگان این عوامل به طور یکسان تأثیرگذار نبوده است. اما در مجموع می‌توان گفت که مردسالاری در فرهنگ و سنت‌های جامعه افغانستان، تعلقات قومی و عشیره‌ای و نیز استفاده از پول بر انتخابات بسیار تأثیر داشته و رای مردم را جهت داده است. از جانبی دیگر، هنوز اکثر زنان، به ویژه در دهات، از آگاهی کافی نسبت به انتخابات و اهمیت رای برخوردار نیستند و نمی‌توانند در مسایل اجتماعی و سیاسی جامعه نقش مستقلی اتخاذ نمایند، به همین دلیل اکثر زنان در پای صندوق‌های رای از انتخاب پدر یا شوهر یا برادر و یا دیگر اعضای مرد فامیل شان تبعیت می‌کنند.

این مسایل از نظر بعضی از کاندیدان نیز دور نمانده و مورد بهره‌برداری آن‌ها برای گرفتن رای زنان قرار گرفته است. این کاندیدان به مسایل قومی، عشیره‌ای، زبانی، مذهبی و سمتی دامن می‌زدند تا بتوانند رای مردم را به دست آورند. همچنان تلاش می‌کردند رای زنان را از طریق مردان خانواده شان به دست آورند. شماری از کاندیدان سرمایه دار از پول و امکانات مادی نیز زیاد بهره بردند تا بتوانند رای مردم را به دست بیاورند. آن‌ها در موارد زیادی موفق نیز شدند. این نشان دهنده آن است که مردم، از جمله زنان، نسبت به ارزش رای شان آگاهی زیادی ندارند و نمی‌دانند که سرنوشت سیاسی شان به رای شان وابسته است.

با توجه به این نکات، می‌توان گفت که هرچند مردم در انتخابات ۱۳۸۹ با تجربه انتخابات پارلمانی قبلی به پای صندوق‌های رای رفتند، ولی نسبت به رای شان بی‌اعتمادتر بودند و آن را به آسانی در مقابل پول معاوضه می‌کردند.



مرضیه یزدانی - بلخ

زنان و معیارهای مشارکت (بلخ)

پیش در آمد

الف: هدف تحقیق

طبعاً انتخابات یک رویداد سیاسی مهم و سرنوشت‌ساز در هر کشور می‌باشد. انتخابات ربط مستقیم پیدا می‌کند با سرنوشت هر دولت و ملتی؛ بنابر این از اهمیت زیادی برخوردار می‌گردد. زیرا مدیران و رهبران سیاسی جامعه، چه در حکومت و چه در پارلمان، که از طریق رای مردم تعیین می‌شوند، سرنوشت جامعه را تعیین می‌کند.

از لحاظ شخصی و شخصیتی نیز، معمولاً انتخاب متبازترین تجلی شخصیت یک فرد به حساب می‌آید. در این مقاله، ما به این معنای انتخاب فقط در این حد توجه می‌کنیم که انتخاب یک کاندید در انتخابات و رای دادن به او خود نشان‌دهنده شخصیت و ظرفیت سیاسی هر فرد است.

افغانستان در دور جدید تاریخ سیاسی خود، تجربه دو انتخابات ریاست جمهوری و دو انتخابات پارلمانی را پشت سر گذاشته است. با این حال، پروسه انتخابات در کشور ما به دلایل مختلفی، چون نوپا بودن دولت و اعمال نفوذ غیرقانونی گروه‌ها و افراد قدرتمند بر آن، تازه بودن تجربه انتخابات در کشور، ناامنی و فساد در کشور، با مشکلات فراوان مواجه بود. این مشکلات مشارکت زن‌ها را نیز به شدت متأثر می‌ساخت.

هدف از این تحقیق بررسی ترجیحاتی است که زنان ولایت بلخ در طی دو انتخابات سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۹ بر اساس آن اقدام به انتخاب نماینده مورد نظر خود در پارلمان نموده‌اند. هر چند عواملی چون جنگ و ناامنی، هنجارهای اجتماعی و فرهنگی مردسالار و عدم تساهل و تسامح در طول دهه‌های گذشته باعث شده بود که زنان نتوانند در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند، اما پس از تشکیل حکومت جدید در افغانستان امکان حضور سیاسی زنان مهیا شد و قانون اساسی جدید کشور

حضور سیاسی زنان را از پشتوانه قانونی بهره‌مند ساخت. زنان، که حدود نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، می‌توانند بر نتایج انتخابات تاثیر بگذارند. در این تحقیق تلاش شده نشان داده شود که زنان از این نقش و قدرت بالقوه خود چقدر استفاده کرده‌اند.

ب: روش تحقیق

در این تحقیق دو شیوه مد نظر گرفته شده است: روش کتابخانه‌ای: مطالعه الگوهای رفتار جمعی و مطالعه پیشینه مشارکت سیاسی زنان بلخ از طریق مراجعه به کتابخانه‌ها و جستجوی اطلاعات مربوطه از سایت‌های اینترنتی در این شیوه مد نظر بوده است.

روش میدانی: جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه با صاحب‌نظران، زنان کاندید در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ و زنان رای‌دهنده در شهر مزارشریف، برای بررسی معیارهای مشارکت و رای‌دهی زنان در انتخابات‌های پارلمانی کشور در این شیوه مد نظر بوده است.

معیارهای رای‌دهی زنان بلخ در دو انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۹

معیارهای رای‌دهی زنان در انتخابات، نشان‌دهنده دید سیاسی آنان است. این دید سیاسی به صورت طبیعی از یک سو متأثر است از ساختار کلی سیاست و فرهنگ سیاسی در جامعه، و از سوی دیگر، متأثر است از محرومیت و آگاهی سیاسی نسبت به آن در میان زنان. بنابراین، معیارهایی را که زنان در رای دادن مدنظر داشته‌اند ممکن است ناشی از فرهنگ و ساختار سیاسی جامعه و محرومیت‌های سیاسی در جامعه باشد که زنان، بنابر اولویت‌سنجی و یا میزان آگاهی نسبت به محرومیت‌های‌شان، آنها را مورد توجه قرار داده‌اند.

الف: جنسیت

ملاک زن بودن کاندید مورد نظر، هر چند برای همه رای دهندگان زن مهم نبوده است، اما برای بعضی از رای دهندگان در ولایت بلخ به عنوان معیار مطرح بوده است. معیار زن بودن کاندید بنا به دلایل مختلفی برای رای دهندگان اهمیت داشته است. شماری از زنان به این دلیل به کاندیدان زن رای داده‌اند که فکر می‌کردند زنان بهتر از مردان می‌توانند مشکلات و خواسته‌های زنان را درک کنند و به آن توجه و رسیدگی نمایند. شماری دیگر به خاطر تشویق و تقویت حضور سیاسی زنان به آن‌ها رای داده‌اند و شماری دیگر نیز به نمایندگان زن اعتماد بیشتر داشته‌اند.

خانم ملیحه احمدزی می‌گوید: «بعضی خانم‌ها، که از فکر آزاد و بازتری برخوردار هستند، بر اساس مشکلات فرهنگی افغانستان، از قبیل مردسالاری و خشونت علیه زنان، بر این باورند که زنان بیشتر و بهتر می‌تواند مشکلات آن‌ها را درک کنند، و این باعث می‌شود که آن‌ها انتخاب یک وکیل زن را نسبت به یک وکیل مرد ترجیح بدهند.»^۱

چنانچه روشن و واضح است در سال‌های اخیر بنا بر تداوم جنگ و ناامنی‌ها و مسایل ناشی از آن، زن‌ها که قشر آسیب‌پذیر جامعه هستند، مشکلات و سختی‌های فراوانی از قبیل فقر، دور ماندن از جامعه و فعالیت‌های اجتماعی، بی‌سواد و محروم شدن از تحصیل را متحمل شده‌اند. اینک آنها معتقدند که کسی می‌تواند صدای ما را بشنود، که مشکلات ما را درک کند و کسی می‌تواند به ما کمک کند که خود نیز این مشکلات را دیده باشد و از آن باخبر باشد.

طاهره، زنی ۳۸ ساله که بی‌سواد و خانه‌دار است، به یک کاندید زن رای داده است. او دلیل انتخاب خود را چنین توضیح می‌دهد: «در دور قبلی من به یک مرد رای دادم اما نشنیدم و ندیدم که به وعده‌هایش عمل کند و کاری برای رفع مشکلات زنان انجام دهند. روزی که به ما احتیاج داشتند شعار دادند ولی وقتی به پارلمان راه یافتند فراموش کردند که توسط چه کسانی به این مقام و چوکی رسیده‌اند. این دور توکل به خدا گفته و به یک زن رای دادم شاید او که خودش یک زن و مادر است ما و مشکلاتمان را درک کند و کاری برای ما انجام دهد.»^۲

چنانچه تذکر داده شد، شماری از خانم‌ها به خاطر تشویق و تقویت حضور و مشارکت زنان در مسایل اجتماعی و سیاسی را به کاندیدان زن رای دادند. این رای دهندگان اکثراً زنان باسواد و تحصیل کرده بوده‌اند که مشارکت فعال زنان را در امور اجتماعی و سیاسی یک امر ضروری و اقدامی استراتژیک به خاطر رفع نابرابری‌های جنسیتی در جامعه می‌دانستند.

خانم نسیمه از کیا هماهنگ کننده برنامه‌های شبکه جامعه مدنی

۱- مصاحبه شخصی با ملیحه احمد زی، یکی از کاندیدان انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۹، مورخ ۲۰ میزان ۱۳۹۰

۲- مصاحبه شخصی با طاهره، یک خانم خانه دار، مورخ ۱۷ میزان ۱۳۹۰

و حقوق بشر در مزار شریف می‌گوید: «من به عنوان یک زن به یک زن رای دادم. علاوه بر این که پلان‌های کاری و برنامه‌های او در پارلمان مد نظر بود، می‌خواستم رای من تشویقی برای او و تقویت حضور زنان در پارلمان باشد.»^۳

خانم ازکیا بر این باور است که در شرایط کنونی و با وجود ناامنی‌ها و تعصبات شدید سنتی و مذهبی بر علیه خانم‌ها، این که یک زن خود را کاندید کرده است مساله کوچک و عادی نیست و مستلزم تشویق و همکاری می‌باشد. به این ترتیب خانم ازکیا تقویت حضور زنان را در پروسه انتخابات و فعالیت‌های سیاسی معیار خود دانست.

شماری از زنان نسبت به تعهد کاندیدان مرد دید مشکوک دارند و معتقدند زنان به تعهدات خود بهتر عمل خواهند کرد. یکی از استادان یک مرکز آموزشی زنان و دختران در ولایت بلخ، که نخواست نامش ذکر شود، می‌گوید: «من به یک زن رای دادم چرا که معتقدم وجدان کاری دارند و به چیزی که امروز می‌گویند فردا عمل خواهند کرد.»^۴ وی همچنین معتقد است که زنان نیز هم‌پای مردان می‌توانند در گزینه‌های مختلف سیاسی سهم داشته و موفق باشند، امروز که زنان ما می‌خواهند در جامعه و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی حضور پیدا کنند و در گزینه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی سهم مساوی با مردان بگیرند، پس ما هم باید تا حد توان از آن‌ها حمایت کنیم و کمک‌شان کنیم تا این نابرابری‌ها میان زن و مرد برطرف شود.

روی هم‌رفته می‌توان گفت دیدگاه‌هایی چون تقویت حضور زنان، باور به درک بهتر زنان از مشکلات هم‌جنسان خود و اعتماد بیشتر زنان به هم‌جنسان خود برخی از زنان را در ولایت بلخ بر آن داشته که به یک کاندید زن رای بدهد.

ب: قومیت

در تحلیل معیارهای رای‌دهی گرایش‌های قومی را نمی‌توان نادیده گرفت. قومیت و قوم‌گرایی در افغانستان ریشه دیرینه دارد. چنانچه شاهد و آگاهیم، قوم‌گرایی یک امر ثابت و جا افتاده در فرهنگ و مناسبات جامعه افغانستان است. قوم‌گرایی متأسفانه در طول سال‌های طولانی توسط حاکمان و زمامداران سیاسی مستبد و قوم‌گرای کشور جنبه سیاسی نیز یافته است. شکی نیست که قومیت و قوم‌گرایی همواره یکی از مهم‌ترین موتورهای محرک سیاست و حکومت در افغانستان بوده و حتی در فرایند شکل‌گیری نظام سیاسی جدید افغانستان نیز به شکل ملموسی نقش خود را حفظ کرده است. زنان نیز از تأثیرات این گرایش‌ها قوم‌گرایانه برکنار

۳- مصاحبه شخصی با نسیمه ازکیا، مسئول هماهنگی برنامه های شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان در شمال کشور، مورخ ۲۶ عقرب ۱۳۹۰

۴- مصاحبه شخصی با استاد یک مرکز آموزشی زنان و دختران ولایت بلخ، مورخ ۲۶ عقرب ۱۳۹۰



نمانده‌اند.

این گرایش‌ها و حساسیت‌های قومی بر فضای تبلیغاتی انتخابات‌ها، و از جمله دو انتخابات پارلمانی کشور نیز سایه افکنده بود و برخی از کاندیدان با دامن‌زدن به این حساسیت‌ها، تلاش می‌کردند آرای مردم را به سوی خود جلب کنند. طوری که در دوران کمپاین شاهد آن بودیم نامزدان انتخاباتی بیشتر مناطقی را برای کمپاین کردن در نظر می‌گرفتند که باشندگان آن‌ها با او تعلق قومی داشته باشند. نتیجه انتخابات نشان داد که کاندیدان بیشترین رای خود را نیز از همان مناطق به دست می‌آوردند.

خانم فریبا مجید، رییس ریاست امور زنان در ولایت بلخ می‌گوید: «تعلقات شدید قومی در افغانستان وجود دارد و نمی‌توانیم از آن چشم‌پوشی کنیم. در روز انتخابات هر فرد و هر شخص سعی می‌کرد به کاندید قوم خود رای بدهد و حتی برای کسب رای و کمپاین برای نامزدان قوم خود می‌کوشید. خانم‌ها نیز از این قاعده مستثنی نبودند و می‌شود گفت که آن‌ها هم بر اساس همان گرایش‌های قومی رای داده‌اند.»^۵

اما نکته جالب توجه این بود که از میان سه زنی که در انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۹ پیروز شدند، دو نفر آنان از لحاظ تعلق قومی پشتون بودند. این در حالی است که نفوس پشتون‌ها در ولایت

بلخ نسبت به اقوام دیگر کمتر است. هرچند ممکن است این نکته ناشی از عوامل متعددی باشد؛ مثلاً ممکن است معیار جنسیت برای بعضی از رای‌دهندگان زن مهم‌تر از معیار قومیت بوده باشد. یا شاید اقوام دیگر کاندیدان مرد بیشتری داشته باشد و در نتیجه آرای خانم‌ها در اثر رقابت انتخاباتی پایین آمده باشند. یا شاید کاندیدان مرد در میان اقوام دیگر از نفوذ بیشتری نسبت به خانم‌ها برخوردار بوده باشند و یا حتی ممکن است آن دو کاندید زن برنده از لحاظ شخصی در بین مردم دارای نفوذ و محبوبیت بوده باشند.

با این حال، این نکته روشن است که تعلقات قومی یکی از معیارهای مهم رای‌دهی در انتخابات‌های کشور بوده است. این معیار حتا در عملکرد حکومت و مسؤولین ادارات دولتی نیز نقش دارد و برخوردهای آن‌ها نیز متأثر از گرایش‌های قومی آنان است. کارشناسان سهمیه‌بندی تعداد نمایندگان هر ولایت توسط کمیسیون انتخابات را نیز متأثر از این گرایش می‌دانند. آن‌ها معتقدند که این سهمیه‌بندی ناظر بر این هدف بوده است که از این طریق بتوانند اکثریت اعضای پارلمان را از لحاظ قومی به نفع خود شکل دهند. مساله دیگر که مورد انتقاد آنان است تعداد نمایندگان کوچی در مجلس نمایندگان است. آن‌ها معتقدند که نفوس کوچی‌ها بیشتر از پنجاه هزار نفر نیستند، ولی تعداد نمایندگان آن‌ها در مجلس بیشتر از سهمیه سه

۵- مصاحبه شخصی با فریبا مجید، رییس امور زنان ولایت بلخ، مورخ ۲ قوس ۱۳۹۰

ولایت کشور می‌باشد.^۶

بسیاری بر این باورند که تداوم قوم‌گرایی توسط حکومت و ادارات دولتی باعث دامن‌زدن به حساسیت‌های قومی در میان اقوام دیگر نیز می‌شود و این می‌تواند به روحیه هم‌گرایی ملی ضربه بزند. دامن‌زدن به حساسیت‌های قومی چالشی در برابر دموکراسی و حقوق شهروندی نیز است. با این رویکرد قومی در سیاست و حکومت افغانستان، بحران قومیت و قوم‌گرایی مدیریت سالم و دموکراتیک افغانستان را بن بست خواهد کشانید.

پ: وابستگی‌های حزبی

اکثر احزاب سیاسی فعلی در افغانستان محصول سال‌های جهاد و جنگ‌های داخلی اند. این احزاب بیشتر بر بستر تعلقات قومی و مذهبی شکل گرفته بودند. در آن زمان تقریباً اکثر مردم افغانستان بنابر تعلقات قومی و مذهبی خود، عضو یا هوادار یکی از احزاب سیاسی افغانستان بودند. این هواداری هرچند دیگر مثل گذشته باقی نمانده است، ولی شماری از مردم هنوز هم به احزاب مورد علاقه خود تمایل دارند. بنابر این، در تحلیل معیارهای رای‌دهی گرایش‌های حزبی را نباید نادیده گرفت.

بنابر اعتقاد تقی واحدی، نویسنده و روزنامه‌نگار، «در جریان چند دهه گذشته احزاب نه تنها در مسایل سیاسی، بلکه در تمام امور فرهنگی، امنیتی، اقتصادی، نظامی تأثیرگذاری پررنگی داشته‌اند و از همین رو در دل مردم جای پیدا کردند و تا امروز هم این تأثیرات در جامعه باقی است. بر اساس تعلقاتی که از گذشته نسبت به این احزاب به جای مانده است، کسانی که در گذشته به حزبی وابستگی پیدا کرده بودند تا حالا هم این وابستگی را حفظ کرده‌اند و بر اساس همان گرایش‌ها امروز هم می‌خواهند به کاندیدان حزب مورد علاقه‌شان رای بدهند.»^۷

علی‌رغم اینکه پس از پایان جنگ‌های داخلی در افغانستان احزاب تا حدی محبوبیت خود را از دست دادند اما «هنوز احزاب مشروعیت خود را از دست نداده و بعضی از احزاب برجسته کمیت قابل ملاحظه‌ای از شهروندان افغان را به عنوان عضو در خود دارند و دل بستگی و وابستگی عاطفی مردم به احزاب باعث شده که جایگاه خود را در نظام سیاسی افغانستان حفظ کنند. این تعلقات باعث می‌شود که تبلیغات انتخاباتی تأثیر چندانی در دیدگاه وابستگان احزاب نداشته باشد. یکی از ویژگی‌های این معیار این است که در طول زمان، کمتر دستخوش تغییر شده است و دارای استمرار و پیوستگی است.»^۸

۶- نبی زاده، محمد عیوض، تبعیض و تعصب قوم‌گرایانه در انتخابات پارلمانی افغانستان، برگرفته از: www.kabul.net.aultopics/792.php

۷- مصاحبه اختصاصی با تقی واحدی، خبرنگار و نویسنده در ولایت بلخ، مورخ ۱۲ دلو ۱۳۹۰

۸- مصاحبه اختصاصی با.....، مورخ ۲۵ جدی ۱۳۹۰

ت: شعارهای رفاهی و خدمات عمومی

مردم افغانستان، فارغ از تعلقات جنسیتی، قومی، مذهبی، جزبی-گروهي و غيره، با مشکلات فراوانی در زندگی و نیازمندی‌های اولیه خود دچارند. مثلاً در بسیاری از مناطق فقر بیداد می‌کند و زمینه کار و اشتغال برای مردم وجود ندارد. علاوه بر این اکثر مردم به خدمات عمومی از قبیل سرک، خدمات صحتی، خدمات و سهولت‌های آموزشی و... دسترسی ندارند و سطح زندگی آنان بسیار پایین است. بحران ناامنی نیز از مشکلات عمده دیگر مردم است. شماری از کاندیدان این موضوع را درک کردند و رفع این محرومیت‌ها و نیازمندی‌ها و بهبود خدمات عمومی را شعار انتخاباتی‌شان ساختند. آن‌ها از این طریق توانستند رای شماری از مردم نیازمند را بدست آورند.

به گفته زهرا، یکی از خانم‌های رای‌دهنده در دوران تبلیغات انتخاباتی، یکی از کاندیدان برای سخنرانی و تبلیغ اهدافش، تعدادی از زنان یکی از مناطق ولایت بلخ را به خانه‌اش دعوت کرده بود تا سخنان و نیازمندی‌های آنان را بشنود. زنان بیشتر از نبود کلینیک صحتی در منطقه‌شان شکایت داشتند. نامزد مزبور، که از تاجران موفق و صاحب‌نام در مزار است، با محاسبه مالی و وعده انجام کارهای اولیه ساخت یک کلینیک به ما اطمینان داد که برایمان یک کلینیک اعمار خواهد کرد. قرار شد که کارهای اولیه چون خرید زمین و افتتاح آن را انجام می‌دهد و باقی ساختن آن را به بعد از انتخابات و اعلام نتایج آن محول کرد.^۹

وی اضافه می‌کند که: «این کاندید وعده‌های رفاهی زیادی از این قبیل برای آینده و مطابق نیازمندی خانم‌ها اظهار داشته و نظر همگی را جلب کرده بود. این طور به نظر می‌آمد که آن‌ها را قناعت داده و در گرفتن رای آن‌ها موفق شده است.»^{۱۰}

استقلال در رای‌دهی و میزان آگاهی زنان از انتخابات

چنانچه می‌دانیم، رای دادن و انتخاب کردن یک حق فردی هر شهروند است که می‌تواند به صورت کاملاً مستقل از آن استفاده کند. انتخاب کردن از سویی دیگر نیازمند شناخت و آگاهی نیز می‌باشد. بدون آگاهی نمی‌توان انتخاب دقیق و درست داشت و از این حق به خوبی استفاده کرد. اما آیا زنان در انتخابات‌های پارلمانی کشور برای انتخاب شایسته و دقیق خود از استقلال و آگاهی لازم برخوردار بوده‌اند؟

الف: استقلال در رای‌دهی

اکثر خانم‌ها برای انتخاب خود از استقلال لازم برخوردار نبوده‌اند و این موضوع اکثر ایشه در عدم آگاهی آنان از انتخابات و چگونگی

۹- مصاحبه شخصی با زهرا، یکی از رای‌دهندگان در ولایت بلخ، مورخ ۴ دلو ۱۳۹۰

۱۰- همان

رای دادن داشته است.

ملالی روشندل، رییس معاونیت دفاع از حقوق زنان ولایت بلخ می‌گوید: «خانم‌ها اکثراً خانه‌نشین هستند و هیچ‌گونه آگاهی و معلومات در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی ندارند و آن‌ها روز انتخابات به کسانی رای داده‌اند که مردان فامیل‌شان به آن‌ها معرفی کرده بودند.»^{۱۱}

نسیمه ازکیا نیز معتقد است که عدم استقلال رای‌دهندگان زن، موثریت رای آنان را کم می‌سازد: «مردان فامیل پیشاپیش به زنان دیکته می‌کنند که به چه کسی رای بدهند، و زمانی که پروسه انتخابات با چنین روندی به پیش برود و مرد ویا رییس فامیل زن را تا مراکز رای‌دهی همراهی کند و مکرراً به آن‌ها تاکید ورزد که به فلان کاندید رای بدهد، رای او تاثیرگذار نخواهد بود.»^{۱۲} او همچنان اشاره کرد خانم‌هایی که تا اندازه‌ای سطح آگاهی بلندتری دارند و روزمره در اجتماع حضور دارند، نیز می‌توانند متأثر از این مساله باشند.^{۱۳}

ناآشنایی با کاندیدان یکی از دلایلی است که زنان نتوانستند انتخاب دقیق و مستقل داشته باشند. یک تن از خانم‌های خانه‌دار که در یکی از مناطق شهر مزار شریف زندگی می‌کند، گفت: «من هیچ یک از کاندیدان را به درستی نمی‌شناختم و تنها روزمره در خانه یا بیرون نام آن‌ها را می‌شنیدم. شوهرم به من گفت که قریه‌دار از مردم قریه خواسته که به فلان کاندید رای بدهند و عکس و نشان کاندید مورد نظر را به من نشان داد و من به همان شخص رای دادم.»^{۱۴}

در بستر فرهنگ مردسالار این مسأله یک امر طبیعی و جا افتاده به شمار می‌آید. وقتی که تمام صلاحیت‌های تصمیم‌گیری خانه به دست مرد می‌باشد و زن تحت سلطه او است، زنان کمتر شانس اشتراک در انتخابات و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی پیدا می‌کنند و اگر این شانس برای آنان داده شود، مردان پیشاپیش کاندید مورد نظر را برای شان انتخاب می‌کنند. در چنین حالتی در حقیقت رای‌دهندگان اصلی تنها مردان اند، زیرا زن‌ها، هرچند رای داده اند، ولی انتخاب نکرده‌اند.

ب: میزان آگاهی زنان از انتخابات

هرچند اشتراک زنان در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ از لحاظ کمی چشم‌گیر بود، ولی اکثر آنان آگاهی کافی نسبت به انتخابات و وظایف نمایندگان در پارلمان نداشتند. این ناآگاهی متأسفانه در

مورد فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی در میان زنان بسیار عام است و حتا شماری از زنان باسواد را نیز شامل می‌شود. چنانچه خانمی که در یکی از مکاتب شهر مزار شریف معلم است، می‌گوید: «من معلومات زیادی در مورد انتخابات نداشتیم و اصلاً نمی‌فهمم که این انتخابات را چه طور معرفی کنیم. فرصت فکر کردن به انتخابات را هم نداشتیم، و فقط همین قدر می‌دانستیم که باید رای بدهم.»^{۱۵}

چنانچه اشاره شد، رای دادی یک عمل آگاهانه و یک انتخاب است. و انتخاب نیز بدون شناخت امکان ندارد. بنابراین، اشتراک بدون آگاهی در انتخابات و انتخاب بدون شناخت کیفیت حضور زنان را به شدت ضعیف می‌سازد و موثریت انتخاب و رای آنها را کاهش می‌دهد. نسیمه ازکیا، مسئول هماهنگی نهادهای شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر در شمال کشور معتقد است با وجود اینکه زنان مشارکت وسیعی در پروسه انتخابات داشتند، اما انتخاب آن‌ها با آگاهی لازم نبوده است. از این رو اکثراً نتوانسته اند کاندید مورد نظر خود را به دقت شناسایی کنند و لذا من فکر نمی‌کنم رای آن‌ها در جهت خواست‌های خودشان زیاد تاثیرگذار بوده باشد.^{۱۶}

ملیحه احمدزی یکی از کاندیدان دور دوم انتخابات پارلمانی در ولایت بلخ معتقد است که این ناآگاهی در میان زنان ولسوالی‌ها و مناطق دهاتی‌تر زندگی می‌کنند، بسیار بیشتر است. وی می‌گوید: «زنان در ولایت بلخ، خصوصاً آن‌هایی که در اطراف ولایت بلخ زندگی می‌کنند، اکثراً از درک و آگاهی اندکی در مورد انتخابات برخوردارند. وقتی من برای کمپاین‌های انتخاباتی به اطراف مراجعه می‌کردم احساس می‌کردم که زنان از من می‌ترسند و به عنوان کاندید از من هراس داشتند. آن‌ها چیزی در مورد انتخابات نمی‌دانستند.»^{۱۷}

آقای شیرمحمد ابوطارق مجلسی، ولسوال مارمل ولایت بلخ معتقد است که عدم حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی توسط نظام‌های زن‌ستیز گذشته بوده است. وی می‌گوید که دور نگهداشتن زنان از اجتماع و محصور کردن آن‌ها در کنج خانه‌ها بزرگ‌ترین جفا است که در حق زنان شده است. وی عامل آن را نظام‌های گذشته می‌داند و معتقد است که «نظام‌های گذشته در صد سال اخیر خیانت بزرگی در حق زنان کرده اند.»^{۱۸}

هرچند تلاش‌ها و فعالیت‌هایی در زمینه آگاهی دهی به مردم، از جمله به خود زنان، در زمینه حق مشارکت سیاسی و حق رای دادن صورت گرفته است، ولی به نظر می‌رسد که این تلاش‌ها به هیچ وجه بسنده نبوده است.

۱۵- مصاحبه شخصی با یک خانم معلم در ولایت بلخ، مورخ ۲۵ عقرب ۱۳۹۰
۱۶- مصاحبه شخصی با نسیمه ازکیا، مسئول هماهنگی برنامه‌های شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان در شمال کشور، مورخ ۲۶ عقرب ۱۳۹۰
۱۷- مصاحبه شخصی با ملیحه احمد زی، یکی از کاندیدان انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۹، مورخ ۲۰ میزان ۱۳۹۰
۱۸- مصاحبه شخصی با شیرمحمد ابوطارق مجلسی، ولسوال ولسوالی مارمل ولایت بلخ، مورخ ۲۸ عقرب ۱۳۹۰

۱۱- مصاحبه شخصی با ملالی روشندل، رییس معاونیت دفاع از حقوق زنان ولایت بلخ، مورخ ۳۰ عقرب ۱۳۹۰

۱۲- مصاحبه شخصی با نسیمه ازکیا، مسئول هماهنگی برنامه‌های شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان در شمال کشور، مورخ ۲۶ عقرب ۱۳۹۰

۱۳- همان

۱۴- مصاحبه شخصی با یک خانم خانه دار در ولایت بلخ، مورخ ۵ میزان ۱۳۹۰

تطمیع و اعمال فشار بر رای دهندگان

الف: تطمیع

در دوران کمپاین‌های انتخاباتی، گاه مردم با پیشنهاد فروختن رای‌شان در برابر پول و یا اجناس از طرف کاندیدان مواجه می‌شدند و رقابت‌های انتخاباتی شکل بازار مارکیت را به خود می‌گرفت. برخی از کاندیدان یک رای را حتی با ۳۰۰ دالر هم خریداری کرده بودند.

داکتر سخی یکی از نامزدان انتخابات پارلمانی در ولایت بلخ می‌گوید: «حال زمان رای فروشی و رای خریدن است نه دموکراسی. کمیسیون مستقل انتخابات هم به آن ظرفیت نرسیده که این همه را کنترل و نظارت کند. این بر همه معلوم است که اشخاص با دانش اکثراً کم سرمایه و بدون سلاح هستند؛ بخصوص در کشور ما، پس چه طور می‌توانند به شورای ملی راه یابند؟»^{۱۹}

«رقابت در خریدن آرای یک کتله بزرگ انسانی مانند خریدن آرای افراد چند دهکده، توزیع ماشین‌های خیاطی، چادرهای زنانه، ساختن پل‌ها و ترمیم اماکن مقدسه و...، جلوه‌های برجسته جریان مبارزات انتخاباتی بخش اعظم نامزدان انتخابات ۲۷ سنبله را در برمیگرفت. از طرف دیگر، مصرف پول و رقابت‌های منفی از این گروه نامزدها، در سرتاسر روز برگزاری انتخابات و حتا تا روز اعلام نتایج نهایی تعمیم یافت. این‌ها تلاش‌هایی خود را کرده بودند تا به هر صورتی، کارمندان کمیسیون‌های انتخاباتی را هم توسط پول و یا با استفاده از ابزارهای دیگر با خودشان داشته باشند، تا بتوانند از این طریق ناظمین ساحوی، رییس‌های محل، رییس‌های مراکز رأی‌دهی و ناظرین رسمی کمیسیون را به نفع خودشان به کار بگمارند. یک تعداد نامزدهای که نتوانستند به چنین هدفی دست یابند، در تلاش توزیع پول‌های هنگفت به مسئولین مراکز و محلات رأی‌دهی برآمدند تا از این راه صندوق‌ها به نفع‌شان پرگردد که اکثریت آن‌ها در چنین امری موفق شدند، با خریدن هر مرکز مثلاً با سه هزار و چهار هزار دالر و یا هم بالاتر از آن، مسئولین مراکز رأی‌دهی در خدمت همان نامزد می‌بودند. البته این مسأله بیشتر در محلاتی اتفاق می‌افتید که کارمندان انتخاباتی با نامزدهای مشخص دست به معامله می‌زدند.»^{۲۰}

تعدادی از رای دهندگان نیز در این معامله وارد شده اند و رای خود را در برابر پول فروخته اند. خانمی که مدیر یکی از مراکز آموزشی در ولایت بلخ است، این عمل را کوتاه اندیشی می‌داند: «بعضی از رای دهندگان بسیار کوتاه اندیشی کرده اند

و رای خود را، که حق‌شان برای تعیین سرنوشت سیاسی شان است، در مقابل کمی پول و یا اندکی جنس می‌فروختند.»^{۲۱} به نظر وی، این دسته از مردم هیچ گونه احساس مسئولیتی نسبت به کشورشان ندارند و تنها به مقدار کمی پول اکتفا کرده و آینده کشورشان هیچ اهمیتی برای آن‌ها ندارد.

به نظر می‌رسد کاندیدانی که ازین شیوه استفاده کردند توانسته‌اند نسبت به حریفان‌شان در گرفتن رای مردم موفق‌تر بوده‌اند. آن‌ها توانسته بودند با توزیع پول نقد، اجناس و مواد از قبیل جَعَل (برای ساختمان سازی)، موتر، موتر سایکل، فرش، مبایل، سولر برق، لباس‌های مردانه، زنانه و طفلانه و مواد غذایی مثل آرد، روغن، برنج و زمین‌های رهاشی (برای ساختن خانه)، ترانسفرمرهای برق و... رای مردم را از آن خود کنند.

ب: اعمال فشار و تهدید

بنابر گفته‌های داکتر سخی یکی از کاندیدان انتخابات پارلمانی در ولایت بلخ، کاندیدانی هم بوده‌اند که با استفاده از زور و تهدید می‌خواستند رای بگیرند. این شیوه گاه همزمان با تطمیع و خرید رای استفاده می‌شد و چون رای به صورت سَری در صندوق‌ها ریخته می‌شد، تلاش صورت می‌گرفت که از این طریق رای‌های خریده شده را برای خود ضمانت کنند. داکتر سخی می‌گوید: «قبل از انتخابات در بدل گرفتن ضمانت به خاطر دادن رای، پول داده می‌شد، مثلاً اگر کسی می‌گفت که من صد رای دارم، و هر رای را بعد از چانه‌زنی‌های زیاد ۲۰ تا ۱۰۰ دالر آمریکایی به فروش می‌رساند، ضمانت آن عبارت از قبالة زمین یا خانه و یا هم یک شخص با اعتماد دکاندار بود. کاندید به شخص رای فروش می‌گفت که من از کاندیدای مسلح و زوردار هستم. احتیاط کن که فریب کاری نکنی که من با مقامات در کار و بار شریک هستم. کسی دست مرا از هیچ گونه اجراءات گرفته نمی‌تواند و اگر کسی در این باره چیزی گفت عاجل به من اطلاع بده تا من به حسابش برسم.»^{۲۲}

ما مورد مشخصی از این گونه تهدیدات و اعمال فشار را پیدا نکردیم، هرچند در بین مردم در مورد آن سخن زده می‌شود. البته این شیوه به دلیل کراهت و عدم مشروعیت‌اش، تلاش می‌شود که پنهان باقی بماند. از این رو نه کسی که از این شیوه استفاده کرده و نه کسی که مورد تهدید و یا تطمیع قرار گرفته، حاضر نیست در باره آن سخن بگوید.

۲۱- مصاحبه شخصی با مدیر یکی از مراکز آموزشی در ولایت بلخ، مورخ ۲۴ عقرب ۱۳۹۰

۲۲- انتخابات پارلمانی چطور برگزار شد؟، برگرفته از: www.aatash.org

۱۹- انتخابات پارلمانی چطور برگزار شد؟، برگرفته از: www.aatash.org

۲۰- فرارودی؛ هوشمند، ترکیب پارلمان جدید و انتظار مردم، برگرفته از: <http://www.apmc.com.af>

تفاوت‌ها در دو انتخابات

الف: میزان حضور

آوازه‌های تقلب در انتخابات‌های قبلی و وجود فساد ناکارآمدی در دولت، باعث بی‌اعتمادی و کم‌علاقگی مردم به انتخابات نیز شده بود. این مسئله بر میزان حضور مردم، به ویژه زنان، در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ تأثیر منفی گذاشته بود.

مریم یک تن از استادان یک مرکز آموزشی در ولایت بلخ می‌گوید: «من رای ندادم و در این پروسه شرکت نکردم، چرا که هیچ کدام از کاندیدان را به درستی نمی‌شناختم و نمی‌دانستم که آن‌ها سر وعده‌های‌شان به مردم خواهند ماند و صادقانه خدمت خواهند کرد یا نه»^{۲۳} از گفته‌های این استاد به نوعی بوی بی‌اعتمادی و ناامیدی از کاندیدان می‌آمد که مانع حضورش در انتخابات شده بود.

لطیفه یکی از اشتراک کنندگان انتخابات پارلمانی می‌گوید که «دو دلیل باعث کم‌رنگ‌تر شدن حضور مردم نسبت به انتخابات قبلی شده است؛ یکی عدم شفافیت انتخابات در دور قبلی و دیگر عدم کارکردهای مثبت و قابل توجه نمایندگان ولسی جرگه. این دو عامل دست به دست هم‌دیگر داده و اعتماد مردم را از بین برده است.»^{۲۴}

بنابراین، می‌توان گفت که عدم شفافیت در انتخابات و وجود تقلب، به ویژه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، کارکردهای نه چندان قانع کننده پارلمان قبلی، وجود فساد در دولت، تعصبات قومی و قبیله‌ای و امثال آن باعث شد که مشارکت مردم در انتخابات سال ۱۳۸۹ نسبت به انتخابات پارلمان سال ۱۳۸۴ کم‌رنگ‌تر شود.

ب: تفاوت‌ها در معیارهای رای‌دهی

اگر بخواهیم یک دید کلی به معیارهای انتخاب خانم‌ها در انتخابات سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۹ داشته باشیم، در می‌یابیم که انگیزه‌های انتخاب آنان تفاوت زیادی نکرده است. در این حد شاید تغییر آمده باشد که در پروسه انتخابات ۱۳۸۴ برای اولین بار مردم انتخابات پارلمانی را تجربه کردند و حتی با روند و مراحل آن نیز آشنایی قبلی نداشتند. اینکه آن‌ها به هر نحوی در انتخابات اشتراک کردند و رای دادند، زمینه‌ای شد که در انتخابات سال ۱۳۸۹ حداقل با روند و چگونگی آن آشنا باشند. پس تنها آگاهی آنان از پروسه انتخابات نسبت به پروسه قبلی بیشتر شده بود.

تقی واحدی، آگاه مسائل سیاسی در ولایت بلخ در مورد تغییرات در معیارهای خانم‌ها در دو انتخابات پارلمانی معتقد است: «اگر معیارهای خانم‌ها برای انتخاب تفاوت کرده باشد این

تفاوت بسیار اندک بوده و چشم گیر نبوده است. با وجودی که تعداد زنان با سواد افزایش یافته، درک و فهم آنان نسبت به گذشته افزایش یافته است، خانم‌های شاغل زیاده‌تر شده و اطلاعات و آگاهی عمومی آن‌ها بیشتر شده است و از طرفی هم مسئله اشتغال آنان، از نظر مالی آنان را کمی مستقل‌تر ساخته و یا توانایی آنان از سابق زیاده‌تر شده است، این مسائل تنها باعث می‌شود که آن‌ها اندکی در برخی تصمیم‌گیری‌های خود استقلال یافته باشند، اما باز هم حوزه سیاست یک حوزه غریب و ناآشنا برای زنان است و در بخش مسائل سیاسی عمدتاً آنان تا به امروز هم پیرو مردها هستند.»^{۲۵}

قوم‌گرایی پررنگ‌ترین معیار برای مردم، در هر دو انتخابات بوده است و اکثر رای دهندگان به آن توجه داشته‌اند. گرایش‌های حزبی، عقیدتی، سیاسی، مذهبی، لسانی، منطوقی و غیره نیز در رده‌های بعدی قرار داشتند که در هر دو انتخابات مورد نظر رای‌دهندگان بوده است.

با این حال، به نظر می‌رسد در انتخابات پارلمانی دوم، زن‌ها بیشتر از انتخابات پارلمانی اول به خودآگاهی جنسیتی دست یافته بودند و جنسیت را به عنوان معیار در نظر می‌گرفتند. این تفاوت البته تنها در میان شماری زنان باسواد به وجود آمده بود. دلیل آن نیز درک عمیق‌تر آنان از محرومیت ویژه زنان در جامعه بوده می‌تواند.

نتیجه‌گیری

این مقاله به صورت کلی نشان می‌دهد که مهم‌ترین معیارهای رای‌دهی برای زنان تعلقات جنسیتی، قومی، حزبی و امثال آن بوده است. تعلقات قومی، مذهبی، زبانی و گروهی از گذشته باقی مانده، ولی تعلق جنسیتی یک پدیده جدید است که ناشی از آگاهی زنان به مشکلات و محرومیت‌های‌شان در جامعه می‌باشد و می‌توان آن را نشانه‌ای از رشد آگاهی سیاسی زنان به شمار آورد. برنامه‌ها و شعارهای انتخاباتی بعضی از کاندیدان نیز برای بعضی از خانم‌ها از اهمیت برخوردار بوده است. بنابراین، کاندیدانی که توانسته بودند مشکلات و خواسته‌های مردم را شناسایی کنند و برای رفع آن‌ها برنامه طرح کنند و یا حداقل مطابق خواسته‌های مردم سخن بگویند، تاحدودی موفق به اخذ رای مردم شده بودند.

علاوه بر این معیارها، عوامل دیگری از قبیل تطمیع و تهدید نیز در جهت‌دهی رای مردم نقش داشته است. کاندیدان برای جلب رای مردم از این شیوه‌ها استفاده کرده بودند و برای مردم پول نقد و یا اجناس مورد ضرورت آنان را داده بودند. یکی از شیوه‌های رایج تطمیع، کمک به مساجد و خرید فرش برای آن بود. گاه تطمیع و تهدید به صورت توأم استفاده می‌شد، و تلاش می‌شد که تهدید را به عنوان ضمانت رای‌های خریداری‌شده استفاده کنند تا مردم در پشت صندوق‌های رای

۲۳- مصاحبه شخصی با مریم، استاد یک مرکز آموزشی در ولایت بلخ، مورخ ۲۶ عقرب ۱۳۹۰

۲۴- مصاحبه شخصی با لطیفه، یکی از اشتراک کنندگان انتخابات پارلمانی در ولایت بلخ، مورخ ۲۹ میزان ۱۳۹۰

۲۵- مصاحبه شخصی با تقی واحدی، روزنامه‌نگار، نویسنده و آگاه مسائل سیاسی در ولایت بلخ، مورخ ۱۲ دلو ۱۳۹۰

نیز رای خود را به آنان بدهند. ابزار تهدید معمولاً توسط زورمندان محلی و افرادی که به مراجع قدرت دسترسی دارند استفاده شده است.

به نظر می‌رسد میزان علاقمندی و حضور مردم در انتخابات پارلمانی دوم نسبت به انتخابات پارلمانی اول کمتر شده بود. دلایل عمده آن بی‌اعتمادی و ناامیدی مردم نسبت به نمایندگان قبلی و در مجموع از دولت می‌باشد. گسترش ناامنی نیز در این مسئله بی‌تأثیر نبوده است.

معیارهای زنان برای رای دهی نیز تغییر چندانی نکرده است. تنها به نظر می‌رسد که در انتخابات پارلمانی دوم میزان آگاهی زنان نسبت به انتخابات بیشتر شده و این آگاهی معیار جنسیت کاندیدان را نیز برای زنان از اهمیت برخوردار کرده است. آگاهی از محرومیت‌ها و مشکلات خاص زنان نیز در این تحول بی‌تأثیر نبوده است.

پیشنهادهای برای رشد مشارکت سیاسی زنان

نهادهای دولتی و نهادهای اجتماعی، جوامع مدنی، مراجع مربوط به فعالیت‌های زنان و خود فامیل‌ها همه و همه باید تلاش کنند که زنان را از همه لحاظ، چه آموزشی و فرهنگی، چه مسائل روزمره زندگی و چه تمام مسائل اجتماعی و سیاسی آگاه ساخته و در سهم‌گیری در این مسائل آنان را کمک کنند و لازمه این امر برنامه ریزی‌های دقیق و درازمدت است. بیشترین تلاش و فعالیت و پشتکار مربوط به خود خانم‌ها است که باید در پیش گیرند و توانایی‌های خود را به همگی ثابت کنند و نشان دهند که آنان نیز همچون مردان می‌توانند در تمام مسائل اجتماعی نقش ایفا کرده و موفق باشند.

آنگونه که تقی واحدی می‌گوید، قدم اول را باید از داخل کانون خانواده برداشت. او می‌گوید: «بیشتر خانواده‌ها فقیرند و در این میان بیشترین رنج را خانم‌ها متحمل می‌شوند. از طرفی هم اولاد زیاد در فامیل‌ها زنان را سرگرم تربیت و رسیدگی به فرزندان می‌کند و دیگر وقتی برای زنان نمی‌ماند که به مسائل اجتماعی و عمومی بیرون از خانه بپردازند. فرهنگ نادرست «مرد صحرا و زن خانه» نیز باعث می‌شود فامیل‌ها مانع از حضور زنان در بیرون از خانه شوند. همگی این عوامل باعث می‌شود به مثل همیشه زنان گنگ و خاموش، در چهار دیواری خانه و به دور از مسائل اجتماعی بمانند. بنابراین باید اول فقر از بین برود و مردم حداقل یک زندگی متوسط داشته باشند، دوم، فامیل‌ها شعار فرزند کمتر و زندگی بهتر را عملی کنند، سوم، باورهای سنتی و نادرست گذشته باید از بین برود، چهارم، و از همه مهم‌تر، خانم‌ها خود کوشش و پشتکار داشته باشند تا مسئولیت‌پذیری و توانایی خود را در قبال اجتماع و مسایل جامعه به همه ثابت بسازند.»^{۲۶}

همچنین باید از روند مشارکت زنان در نظام سیاسی و مدیریتی کشور حمایت شود. حاکمیت قانون تطبیق و تسجیل شود و از فساد و گرایش‌های غیردموکراتیک در سیاست و مدیریت کشور پرهیز شود.

۲۶- همان.

منابع

مصاحبه‌های شخصی:

۱. مصاحبه شخصی با استاد یک مرکز آموزشی زنان و دختران ولایت بلخ، مورخ ۲۴ عقرب ۱۳۹۰
۲. مصاحبه شخصی با تقی واحدی، خبرنگار و نویسنده در ولایت بلخ. مورخ ۱۲ دلو ۱۳۹۰
۳. مصاحبه شخصی با زهرا، یکی از رای دهندگان در ولایت بلخ، مورخ ۴ دلو ۱۳۹۰
۴. مصاحبه شخصی با شیرمحمد ابوطارق مجلسی، ولسوال ولسوالی مارمل ولایت بلخ، مورخ ۲۸ عقرب ۱۳۹۰
۵. مصاحبه شخصی با طاهره، یک خانم خانه دار، مورخ ۱۷ میزان ۱۳۹۰
۶. مصاحبه شخصی با فریبا مجید، رییس امور زنان ولایت بلخ، مورخ ۲ قوس ۱۳۹۰
۷. مصاحبه شخصی با لطیفه، یکی از اشتراک کنندگان انتخابات پارلمانی در ولایت بلخ، مورخ ۲۹ میزان ۱۳۹۰
۸. مصاحبه شخصی با مدیر یکی از مراکز آموزشی در ولایت بلخ، مورخ ۲۴ عقرب ۱۳۹۰
۹. مصاحبه شخصی با مریم، استاد یک مرکز آموزشی در ولایت بلخ، مورخ ۲۶ عقرب ۱۳۹۰
۱۰. مصاحبه شخصی با ملالی روشندل، رییس معاونیت دفاع از حقوق زنان ولایت بلخ، مورخ ۳۰ عقرب ۱۳۹۰
۱۱. مصاحبه شخصی با ملیحه احمد زی، یکی از کاندیدان انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۹، مورخ ۲۰ میزان ۱۳۹۰
۱۲. مصاحبه شخصی با نسیمه ازکیا، مسئول هماهنگی برنامه‌های شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان در شمال کشور، مورخ ۲۶ عقرب ۱۳۹۰
۱۳. مصاحبه شخصی با یک خانم خانه دار در ولایت بلخ، مورخ ۵ میزان ۱۳۹۰
۱۴. مصاحبه شخصی با یک خانم معلم در ولایت بلخ، مورخ ۲۵ عقرب ۱۳۹۰

مقالات منتشر شده در سایتهای انترنتی:

۱. انتخابات پارلمانی چطور برگزار شد؟، برگرفته از: www.aatash.org
۲. فرارودی؛ هوشمند، ترکیب پارلمان جدید و انتظار مردم، برگرفته از: <http://www.apmc.com.af/>
۳. نبی زاده، محمد عیوض، تبعیض و تعصب قوم گرایانه در انتخابات پارلمانی افغانستان، برگرفته از: www.kabul.net.aultopics/792.php

ضمیمه‌ها

ضمیمه ۱: نشرات دیده‌بان افغانستان

الف: نشرات اخیر

۱. دیدگاه‌ها، شماره سوم: نگرانی‌ها و امیدها در گذار ۲۰۱۴؛ گزارش نظرسنجی نگرانی‌ها و امیدها در ۳۴ ولایت افغانستان
۲. دیدگاه‌ها، شماره دوم: زنان در گذار ۲۰۱۴؛ گزارش نگرانی‌ها و مطالبات زنان و نهادهای مدنی در ۳۴ ولایت افغانستان
۳. دوا یا بلا؟ (تاثیرات بسته شدن معدن زغال سنگ کلیچ بر وضعیت امنیتی ولایت بامیان)
۴. تحلیل رسانه‌های افغانستان؛ موضوعات، جهت‌گیری‌ها و مفاهیم
۵. الماس خون‌آلود (منابع طبیعی افغانستان و تجاری که از کشور زیمبابوی باید آموخت)
۶. سرگردان میان گذشته و حال (مشوره با قربانیان سه قتل عام در افغانستان: ۲۴ حوت سال ۱۳۵۷ در هرات، دلو سال ۱۳۷۱ افشار کابل و واقعه اسد سال ۱۳۷۷ در بلخ)
۷. نزاع‌ها بر سر منابع طبیعی در افغانستان
۸. ماهنامه خبری حقیقت
۹. مصالحه با طالبان در مطبوعات افغانستان
۱۰. دیدگاه‌ها، شماره اول: توافقات سیاسی و مذاکره با طالبان
۱۱. تجربه اول (گروه‌بندی‌های سیاسی و الگوهای رای‌دهی در ولسی جرگه افغانستان) (۱۳۸۴-۸۹)
۱۲. صلح پایدار؛ پیوند عدالت انتقالی و مصالحه در افغانستان
۱۳. محکمه جزایی بین‌المللی در افغانستان
۱۴. عدالت انتقالی در افغانستان؛ ختم یا آغاز (بررسی تاثیرات عدالت انتقالی بر روند گذار افغانستان به سوی ثبات)
۱۵. گذار از معافیت به پاسخ‌دهی: مشوره با قربانیان سه قتل عام بزرگ در افغانستان

ب. نشراتی که به زودی نشر می‌شوند

۱. چالش‌ها و دورنمای توسعه تحصیلات خصوصی در افغانستان
۲. گزارش نتایج مستندسازی قتل عام مزار (اسد ۱۳۷۷)
۳. گزارش نتایج مستندسازی قتل عام هرات (۲۴ حوت ۱۳۵۷)
۴. گزارش نتایج مستندسازی قتل عام افشار (۲۲ دلو ۱۳۷۱)
۵. گزارش ارایه تصویر عمومی از معادن بغلان
۶. گزارش ارایه تصویر عمومی از معادن سر پل
۷. بسته آموزشی منابع طبیعی برای نهادهای مدنی